



انجمن معارف اسلامی ایران

پژوهش‌های اخلاقی

بلاغ

فصلنامه علمی - پژوهشی انجمن معارف اسلامی (شاپا: ۳۲۷۹-۲۳۸۳)

سال هشتم - شماره سه - بهار ۱۳۹۷

شماره پیاپی ۳۱

صاحب امتیاز: انجمن معارف اسلامی

مدیر مسئول: دکتر رضا حاجی ابراهیم

سر دبیر: دکتر محمود قیوم زاده

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب الفبا):

حجت الاسلام و المسلمین علیرضا امینی، دکتر محسن جوادی، دکتر احمد دیلمی،

دکتر امیر دیوانی، دکتر محمد ذبیحی، دکتر جعفر شانظری، دکتر جعفر صدری،

دکتر امیرعباس علیزمانی، دکتر محمود قیوم زاده، دکتر عبدالله نصری.

مدیر داخلی و دبیر تحریریه: علیرضا معظمی

ویراستار: زینب صالحی

مترجم: احسان

صفحه آرا: کامپیوتر احسان ۰۲۵۳۷۸۴۲۶۷۸

ویرایش: حمید رضا علیزاده

یادآوری: فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی در زمینه‌های فلسفه اخلاق، اخلاق اسلامی، اخلاق

کاربردی، اخلاق تطبیقی، چالش‌های اخلاقی دنیای جدید و تربیت اخلاقی مقاله می‌پذیرد.

مسئولیت مطالب هر مقاله از هر نظر بر عهده نویسنده است.

نقل مطالب فصلنامه با ذکر مأخذ مانعی ندارد.

فصلنامه در ویرایش، اختصار و اصلاح مقاله‌ها آزاد است.

آدرس پستی: قم، بلوار الغدیر، دانشگاه قم، ساختمان کتابخانه، دفتر فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی

تلفن: ۳۲۱۰۳۳۶۰، آدرس الکترونیکی: Akhlagh\_1393@yahoo.com

این نشریه در پایگاه استنادی علوم جهان اسلامی (ISC) و ایران ژورنال و همچنین در پایگاه اطلاعات علمی

جهاد دانشگاهی (SID) نمایه می‌شود. نویسندگان محترم می‌توانند از طریق این پایگاه به نشانی

(www.SID.ir) مقالات خود را به صورت الکترونیکی (on-line) جهت بررسی به این نشریه ارسال کرده و

آن را رهگیری (Tracing) کنند و یا به ایمیل مجله (Akhlagh\_1393@yahoo.com) ارسال دارند.

بر اساس مجوز شماره ۳/۱۱/۳۶۵۲ مورخه ۱۳۸۹/۳/۳ کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور در

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، درجه علمی - پژوهشی به فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی اعطا شد.

پژوهش‌های اخلاقی-سال، هشتم- شماره سه- بهار ۱۳۹۷

شماره پیاپی ۳۱

(فصلنامه باخیزه صاحبان اندیشه، قلم و مقالات منتشر می‌شود.)

## راهنمای شرایط تنظیم و ارسال مقالات

### از نویسندگان درخواست می‌شود:

۱. مقاله ارسالی از ۲۰ صفحه (هر صفحه ۳۰۰ کلمه) بیشتر نشود.
۲. مقاله ارسالی، باید در یک نسخه در محیط word با دقت تایپ و اصلاح شده (با طول سطر ۱۲ سانتیمتر، قطع وزیری) و بر یک روی صفحه A4 همراه با فایل آن به وب سایت یا ایمیل مجله ([Akhlagh\\_1393@yahoo.com](mailto:Akhlagh_1393@yahoo.com)) ارسال شود.
۳. مقاله ارسالی حتماً باید تألیفی باشد و مقالات ترجمه‌ای در صورتی قابل چاپ خواهند بود که همراه نقد و بررسی باشند.
۴. مقاله ارسالی باید دارای بخش‌های ذیل باشد:
  - الف. چکیده فارسی مقاله، حداکثر در ۱۵۰ کلمه و در حد امکان چکیده انگلیسی آن به همین مقدار.
  - ب. مقدمه و نتیجه گیری.
  - ج. واژگان کلیدی فارسی و معادل انگلیسی آن (حداکثر ۵ واژه).
  - د. تعیین رتبه علمی نویسنده و مترجم و ایمیل نویسنده / نویسندگان هر درج اسامی و اصطلاحات مهجور، در پایین هر صفحه ضروری است.
۵. منابع و ارجاعات مقاله باید کامل و دقیق باشد، از ارسال مقالات با منابع ناقص جداً خودداری فرمایید.
۶. در صورتی که توضیحات پانویس‌ها فراوان باشد به پی‌نویس منتقل کنید.
۷. مقاله ارسالی نباید در هیچ نشریه داخلی یا خارجی چاپ شده باشد.
۹. منابع مورد استفاده در پایان مقاله به شکل زیر نوشته شود:

### الف) کتاب

نام خانوادگی، نام نویسنده. (سال انتشار). نام کتاب، نام مترجم، محل انتشار، نام ناشر، شماره چاپ، شماره جلد.

### ب) مقاله

نام خانوادگی، نام نویسنده. (سال انتشار). «عنوان مقاله»، نام نشریه، شماره مجله.

## پژوهش‌های اخلاقی

فصلنامه علمی - پژوهشی انجمن معارف اسلامی

زیر نظر هیأت تحریریه

سال هشتم، شماره سه، بهار ۱۳۹۷، شماره پیاپی ۳۱

- ۵ / ضمانت بر تقسیط مهریه، میانکشی فقهی، حقوقی و اخلاقی  
محمود قیوم زاده / طاهره پور نعمتی شمس آباد
- ۲۷ / ویژگیهای زندگی مطلوب در روانشناسی مثبت و مقایسه آن با زندگی مطلوب در  
منابع اسلامی / سید مرتضی حسینی مطلق / رحیم میردریگوندی
- ۴۱ / بررسی رابطه اخلاق کار و رفتار شهروندی سازمانی در کارکنان منتخب دانشگاه  
علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران  
محمد رضا ربیعی مندجین / سعید صیاد شیرکش
- ۵۹ / تبیین شاخصه‌های مثبت شخصیت انسان از منظر نهج‌البلاغه  
حسن رضایی هفتادار / صفر نصیریان
- ۷۷ / واکنش رفتاری شهروندان به آسیب‌شناسی اجتماعی در مواجهه با بحرانهای  
طبیعی و پهنه‌بندی شهر / حسنعلی فرجی سبکبار / بهزاد نادی / محمد رضایی نریمسا
- ۹۳ / الگوی مشارکت دانشجویان در ورزش‌های همگانی براساس نظریه رفتار تمرینی  
به منظور ترویج اخلاق ورزشی / محمدعلی قره / مرتضی رضایی صنفی / ناصر زردی
- ۱۱۱ / مسئولیت مدنی و کیل دادگستری در برابر طرف دعوی و حق شرعی و اخلاقی  
ایشان / علیرضا کریمی لاریمی / سید حسین صفایی
- ۱۲۹ / بررسی نظارت اخلاقی متقابل دولت و ملت در نظام حقوقی ایران و اسلام  
رضا نیکخواه سرنقی / محمد رضا یزدان یار
- ۱۴۳ / حق بر محیط زیست سالم در پرتو اصول فقهی و اخلاقی  
محسن امامی قشلاق / سید محمد هاشمی / محسن محبی / ولی رستمی
- ۱۵۹ / اخلاق و دادرسی عادلانه در پرتو قابلیت پیش بینی بودن قواعد دادرسی  
جلیل قنوتی / اسلام مندنی
- 1-10 / چکیده مقالات به لاتین (Abstracts)



## ضمانت بر تقسیط مهریه. میانکشی فقهی، حقوقی و اخلاقی

محمود قیوم زاده<sup>۱</sup>

طاهره پورنعمتی شمس آباد<sup>۲</sup>

### چکیده

در طول تاریخ، جدای از مسائل و نهضت‌های سیاسی و دینی و گرایش‌ها و تمایلات مختلفی که در جوامع در حال تغییر و پیشرفت و گاهی نیز رو به سوی فروپاشی بوده است، خانواده به عنوان اصلی‌ترین نهاد هر جامعه، تحت تاثیر عوامل مختلف دچار تحولات گوناگونی شده و همواره در معرض خطرات مختلفی من جمله فروپاشی و کاهش گرایش‌ها اخلاقی قرار گرفته است، بر همین اساس حقوقدانان، فقها و معلمان اخلاق، برای جلوگیری از پاشیدگی این نهاد اصلی جامعه و به منظور مصونیت خانواده از تحولات منفی جوامع، دست به وضع یک سری حقوق و تکالیف در خانواده زده‌اند. چه اینکه در بین علوم مختلفی که به بررسی خانواده و نقش آن در تربیت فرزندان می‌پردازد علم اخلاق دارای مسولیت خطیرتری است، و چه بسا تمام علوم مرتبط با خانواده من جمله حقوق و علوم اجتماعی و روانشناسی بر پایه اخلاق پایه‌گذاری شده‌اند، و علم اخلاق خود برگرفته از تعالیم اسلامی و آیات وارده می‌باشد و با توجه به اینکه در آموزه‌های دینی شریعت اسلام آنچه بیش از همه مورد توجه بوده، حفظ و نگهداری کانون خانواده به عنوان امن‌ترین رکن جامعه است، چه بسا می‌توان گفت که علم اخلاق، اساس و پایه نگارش حقوق خانواده می‌باشد.

### واژگان کلیدی

حقوق، فقه اسلامی، مهریه، اخلاق اسلامی.

۱. استاد تمام گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساوه، ساوه، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: maarefteacher@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)،

Email: freshetecc@yahoo.com

اصفهان، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۱۱/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۹/۲۱

## طرح مسأله

مسائل اخلاقی در هر دوره ای مورد توجه بوده است، ولیکن در زمان کنونی به دلیل افزایش بی رویه فساد و جرایم، مسائل اخلاقی نمود بیشتری پیدا کرده است و در مورد مسائل خانوادگی، نیاز به قواعد اخلاقی بیشتر احساس می شود. در چنین شرایطی که حتی تبلیغات مختلف بر روند تشکیل خانواده و ادامه آن بی تاثیر نیست و این نهاد اجتماعی را به حیطه انحطاط می کشاند، توجه به مسائل علم اخلاقی از اهمیت بیشتری برخوردار می شود، بنابراین حقوق خانواده نیازمند آن است که در پرتو علم اخلاق، تکامل یابد. چرا که اگر اخلاق از بین مردم رخت بر بندد، نه دینی برایشان باقی می ماند و نه دنیایی.

علم اخلاق به عنوان یک علم جداگانه مورد بررسی قرار نمیگیرد بلکه در ارتباط با سایر علوم، خود را نشان خواهد داد، علم حقوق که در صدد تنظیم روابط انسانی و بهبود آن ایجاد شده است، بدون بنیان های اخلاقی به هدف اصلی خود نخواهد رسید. چرا که اصول اخلاقی منجر به تثبیت بنیان های علم حقوق خواهد شد. تبعات تثبیت عمل اخلاقی و عادت دادن آحاد مردم و طبقات مختلف اجتماعی به عمل پسندیده توسط قانونگذاران و تعیین ضمانت اجرایی نسبت به آن، جامعه را در مقابل انحرافات بیمه خواهد کرد، و خلق و خوی نیکو را در میان آن ها رواج خواهد داد.<sup>۱</sup>

اما چنانچه اشاره رفت در حقوق خانواده، اخلاق تاثیر بیشتری نسبت به سایر موارد و قوانین حقوقی دارد، چه اینکه تکالیف و حقوق در خانواده از اخلاق اسلامی و آموزه های دین مبین اسلام تبیین شده است. یکی از حقوقی که خداوند در ازدواج برای زن قرار داده است، حق برخورداری از مهریه است، در جوامع امروزی با توجه به افزایش رو به رشد میزان مهریه، قانونگذار برای حل این معضل، راهکارهایی ارائه نموده است، یکی از این راه حل ها، تقسیط مهریه است اما چنانچه مشهود است، این راهکار، خود نیز دارای تبعات مثبت و منفی است. و در این مقال بررسی خواهد شد که آیا راهکاری برای تضمین پرداخت مهریه توسط مرد به زن وجود دارد که زن بتواند از این حق شرعی خود به نحو نیکوتری برخوردار شود؟

## نقش اخلاق در خانواده

### اخلاق در الگوی ازدواج و تشکیل خانواده در اسلام

ازدواج در اسلام، ریشه در سنت الهی دارد و دارای تناسب بسیاری با فطرت اخلاق گرایانه می باشد، چرا که اسلام، ازدواج را تنها راه برای ارضای غریزه جنسی انسان نمی داند بلکه هدف اصلی را تکثیر نسل پاک می داند، از همین روی، پیامبر اکرم (ص) در امر تشویق به ازدواج

۱. احمدیه مریم (۱۳۹۱)، اخلاق در خانواده، نشریه: مطالعات راهبردی زنان، تابستان ۱۳۸۰، ش ۱۲.

فرمودند: ازدواج کنید تا نسل شما زیاد شود، چرا که من به تعداد شما در روز قیامت بر دیگر امت‌ها، مباحث می‌ورزم. علت اصلی توجه فراوان به نسل پاک مسلمانان و تأکید بسیار بر ازدواج این است که علاوه بر وراثت، اعتقادات افراد از طریق تربیت و پرورش نیز به فرزندان منتقل می‌شود، لذا از نظر اسلام ازدواجی نیکو است که با اخلاق و ایمان ارتباط داشته باشد بر این اساس، اسلام در پی پرورش نسلی است که از نظر اعتقادی و اخلاقی از آلودگیهای ظاهری و معنوی به دور باشد و به همین دلیل در گزینش همسر، تأکید فراوانی بر انتخاب همسری پاک سرشت از ناحیه وراثت و سپس از منظر اخلاقی آمده است، چنانچه پیامبر (ص) فرموده است: با زنانی ازدواج کنید که فرزندان‌آور و پر خیر و برکت باشند و علاوه بر آن در مورد خصوصیت فردی که برای شیر دادن به نوزاد انتخاب می‌شود نیز ایمان را مهم می‌داند و این در صورتی است که زن و مرد در ایجاد هسته خانواده نقش مهم‌تری دارند، بنابراین انتخاب همسر شایسته در اسلام و اخلاق اهمیت وافری دارد.

گذشته از آن، آدمی از نظر عقل و فطرت نیازمند آرامش روحی و روانی است چرا که در صورت وجود تنش‌های فکری و روحی، انسان از رسیدن به اهدافش باز می‌ماند فلذا رسیدن به آرامش از نتایج مفید و مؤثر ازدواج است و درک نیازمندی‌های روحی و عاطفی متقابل زوجین یکی از اصول اخلاقی است که در محیط خانواده برای مدت طولانی یعنی تا پایان عمر دنبال می‌شود. (اسحاقی تیموری، آریتا- ۱۳۹۶)<sup>۱</sup>

### ظهور اخلاق در حقوق و تکالیف خانواده اسلامی

ارزش اخلاقی در ازدواج، به رعایت قوانین و حدود الهی است. حقوق و تکالیفی که مابین زوجین و یا اعضای خانواده وجود دارد، نمود تعامل اخلاق و قوانین اسلامی حاکم بر خانواده اسلامی است. چرا که مواردی از احکام فقهی و حقوقی اسلامی در خانواده که هم شامل حقوق مادی و هم دربردارنده حقوق معنوی می‌باشد دارای آمیختگی با اخلاق است که به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱- حقوق و تکالیف بین والدین و فرزندان ۲- حقوق و تکالیف بین زن و شوهر بحث در مورد اول در این مقال نمی‌گنجد، اما در خصوص مورد دوم یعنی حقوق و تکالیف بین زن و شوهر، دو مسئله مورد بحث است:

#### ۱. تمکین

از ریشه "مکن" است به معنای قدرت و سلطنت دادن. یکی از مصادیق بارز شوهردارای تمکین و اطاعت زن از شوهر در چهارچوب قوانین شرعی و عقلی است. تمکین خاص و پرداخت

1. <https://www.civilica.com/paper-CJLPO2-VJLPO2>

نفقه در حقوق خانواده، در حقیقت، زمینه‌ای برای دستیابی به تمکین و اطاعت اخلاقی، یعنی همان مجموعه رفتارهای مطیعانه زن و نه فقط تمکین جنسی است. زیرا در برخی از موارد، علیرغم عدم استمتاع جنسی، فقها قاتل به عدم سقوط نفقه هستند. (صاحب جواهر: ۳۱-۳۱۲)<sup>۱</sup>

## ۲. ریاست شوهر

ریاست شوهر در خانواده به معنای مدیریت صحیح است که با علامت همراه است و اصل عدالت نیز از مفاهیم بلند اخلاقی است. (اسحاقی نیموری، ازینتا، ص ۵)

فلذا اگر معنا و مفهوم ریاست از معنای حاکمیت خارج شده و بر تحکیم تبدیل شد، امری ناپسند و مذموم است که برخلاف عدالت است. طبق آیه ۳۴ سوره نساء<sup>۲</sup>، مصلحت خانواده در این است که ریاست و مدیریت خانواده بر عهده مرد باشد و این مدیریت به معنای تحکم و زورگویی و خود محوری و سلطه و تبعیض نیست بلکه به معنای خدمتگزاری و رهبری این نهاد کوچک یا همان سلطه حکیمانه اداری و غیر استبدادی است. (اسحاقی نیموری، ص ۵)

خانواده، واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط با پدر در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.<sup>۳</sup> علاوه بر این، باید در نظر داشت خانواده عنصر طبیعی و اساسی اجتماع است و حق دارد از جامعه و دولت انتظار حمایت داشته باشد.<sup>۴</sup>

بر اساس آموزه‌های اسلامی، خانواده مرکز مهر ورزیدن و محبت و رسیدن به آرامش و امنیت است. بنابراین قوانین و احکام جاری و تصویب شده در حقوق خانواده نیز، باید برگرفته از اصول اخلاقی باشد، چرا که خانواده محلی برای اجرای احکام خشک و سخت نمی‌باشد و عنصر اصلی حفظ آن نیز، مهرورزی است. فلذا چنانچه در دین اسلام نیز شاهد آن هستیم تمام قوانین و احکامی که من باب خانواده صادر شده است همگی بر پایه عشق ورزیدن می‌باشد، مهریه نیز از همین دسته است چه اینکه در دین اسلام مهر به عنوان وسیله‌ای برای ابراز محبت مرد به زن بنا نهاده شده و طبق آیه ۱۹ سوره نساء اگر حتی به مبلغ زیاد مهری برای زنی تعیین شد و به او

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: شهید ثانی، مسالک الافهام، ۱/۱۶۳۲ و محقق حلی شرایع الاسلام، ۲/۴۶

۲. مردان، از آن جهت که خدا بعضی را بر بعضی برتری داده است، و از آن جهت که از مال خود نفقه می‌دهند، بر زنان تسلط دارند. پس زنان شایسته، فرمانبردارند و در غیبت شوی عقیقتند و فرمان خدای را نگاه می‌دارند. و آن زنان را که از نافرمانیشان بیم دارید، اندرز دهید و از خوابگاهشان دوری کنید و بزیندشان. اگر فرمانبرداری کردند، از آن پس دیگر راه بیداد پیش مگیرید. و خدا بلندپایه و بزرگ است

۳. اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۴. بند سوم ماده ۱۶ اعلامیه حقوق بشر



پرداخت شد، مرد نباید مقدار کمی از آن را نیز بازپس بگیرد<sup>۱</sup>. زیرا که مهریه از آثار مالی نکاح است و بر مرد لازم است که آن را به همسر خود بپردازد. در آیه ۴ سوره نساء از مهریه به عنوان صدق یاد شده و صدق همان مهری است که شوهر به همسر خود می‌پردازد. و منظور از نحلّه، نیز هدیه‌ای است که مرد به صورت رایگان به همسرش می‌پردازد و نسبت به آن بخشش یا هدیه رجوع نمی‌کند. (کلینی، ابوجعفر، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ه.ق، ج ۷، ص ۳۰)

به همین دلیل در آیه ۲۲۹ سوره بقره تأکید شده است که یا زن را به نیکویی حفظ کنید و یا اینکه با احسان طلاق دهید، به این معنا که طلاق وی با احسان همراه باشد و زن را متضرر نکند چه اینکه مجبور کردن او به بخشیدن مهریه کاری ناشایست است.<sup>۲</sup>

از آنجا که در مقابل هم بخشش مهریه از سوی زن مستحب می باشد، نیز می‌توان پی برد که اصل در زندگی زناشویی بر پایه گذشت و اخلاقیات است و مسائل حقوقی تنها در زمان بروز اختلاف بین زوجین، قدرت دخالت دارد.

از نظر اخلاقی، مهریه تنها پاسخی به مهر و محبت از سوی مرد بوده و در واقع هدیه‌ای است، که مرد بوسیله آن علاقه و محبت خویش را به همسرش ابراز می‌کند، چه اینکه در واقع با رضایت خویش تمام ثروتش را به همسرش می‌بخشد.

اما از آنجایی که در فقه اسلامی، حق طلاق با مرد است و زن در اصل حقی بر طلاق ندارد، مهریه مانعی بر سر راه مرد جهت به جریان انداختن طلاق بی‌دلیل می‌باشد و به نوعی از طلاقیهای احساسی جلوگیری می‌کند و کاهش چشمگیری در این امر مبعوض دارد.

### تعریف مهریه

### مهریه در اسلام

اولین حقی که در قرآن برای زن بیان شده است مهریه می باشد، چنانچه در آیه شریفه " وَ أَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِن طِبْنَ لَكُمْ عَن شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيًّا " <sup>۳</sup> می‌فرماید:

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شما را حلال نیست که زنان را بر خلاف میلشان به ارث ببرید. و تا قسمتی از آنچه را که به آنها داده‌اید بازپس ستانید بر آنها سخت مگیرید، مگر آنکه مرتکب فحشایی به ثبوت رسیده شده باشند. و با آنان به نیکویی رفتار کنید. و اگر شما را از زنان خوش نیامد، چه بسا چیزها که شما را از آن خوش نمی‌آید در حالی که خدا خیر کثیری در آن نهاده باشد

۲. این طلاق دو بار است و از آن پس یا به نیکو وجهی نگه داشتن اوست یا به نیکو وجهی رها ساختنش. و حلال نیست که از آنچه به زنان داده‌اید چیزی بازستانید مگر آنکه بدانند که حدود خدا را رعایت نمی‌کنند. اما هر گاه دانستید که آن دو حدود خدا را رعایت نمی‌کنند اگر آن، خود را از شوی باز خرد، گناهی بر آن دو نیست. اینها حدود خدا است. از آن تجاوز مکنید که ستمکاران از حدود خدا تجاوز می‌کنند

"مهر آنان را به طیب خاطر به آنها بدهید. و اگر پاره‌ای از آن را به رضایت به شما بخشیدند بگیرد که خوش و گوارایتان خواهد بود".

تعبیری که در این ایه ذکر شده عبارتند از: ۱- از مهریه به عنوان صدقه نام برده شده، چرا که در روایات نیز مهریه را "صداق" نامیده اند. طبق نظر مفسران از آنجا که صداق از ماده "صدق" می باشد، نشانه صداقت و راستگویی مرد در اظهار علاقه به همسرش است، و گویا این لفظ دارای سابقه ای قبل از اسلام نمی باشد و از اصطلاحات وضع شده در شرع اسلام است.<sup>۱</sup> ۲- اضافه شدن ضمیر مونث به صدقات (صَدَقَاتِهِنَّ)، این مفهوم را می رساند که مالک صداق و مهریه زنان هستند<sup>۲</sup> نه اشخاص دیگر. ۳- به کار رفتن تعبیر نحله برای مهریه، که در لغت به معنای هدیه و پیشکش است و در واقع نحله، هر هدیه ای است که از روی رغبت و اشتیاق کامل و برای ایجاد شیرینی بین دو یا چند نفر بذل می شود، نشان می دهد که هر بخشش و هدیه ای نحله محسوب نمی شود.<sup>۳</sup> آن بخششی نحله نام می گیرد که از روی طیب خاطر و اشتیاق کامل و واقعی، پرداخت شود.

با غور در آیات مرتبط با مهریه می توان دریافت که، ایات نازل شده، تنها بر وجوب پرداخت مهریه تاکید دارند اما در خصوص تعیین میزان مهریه سکوت کرده اند. ولیکن روایاتی در زمینه کم و کیف میزان مهریه وجود دارد:

۱- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَفْضَلُ نِسَاءٍ أُتِيَتْ أَضْبَحْنَ وَجْهًا وَأَقْلَهْنَ مَهْرًا. بهترین زنان امت من کسانی هستند که مهریه کمتر و یا متوسط تری نسبت به دیگران داشته باشند. (کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ۳۲۴)

۲- نَوَادِرُ الْحِكْمَةِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ: لَا تُعَالُوا بِمُهْرٍ النَّسَاءِ فَتَكُونَ عَدَاوَةً. اگر مهریه زنان را سنگین قرار دهند، نتیجه اش ایجاد دشمنی است (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲، ص ۲۵۳) بنابراین مهریه های سنگین، کمکی به بهبود روابط زناشویی نکرده و چه بسا به جای ایجاد محبت و عاطفه بین زوجین، عداوت، دشمنی و از هم گسیختگی زندگی زناشویی را به دنبال داشته باشد.

۳- وَ عَنْ عَلِيٍّ ع أَنَّهُ قَالَ: مَا نَكَحَ رَسُولُ اللَّهِ ص امْرَأَةً مِنْ نِسَائِهِ إِلَّا عَلَى اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أُوقِيَّةً وَ نِصْفِ الْأُوقِيَّةِ مِنْ فِصَّةٍ وَ عَلَى ذَلِكَ أَنْكَحَنِي فَاطِمَةُ ع وَ الْأُوقِيَّةُ أَرْبَعُونَ دِرْهَمًا- قَالَ جَعْفَرُ بْنُ

۱ رجوع شود به تفسیر احسن الحدیث، ۱۳۷۷، سید علی اکبر قرشی، ج ۲، ص ۲۸۱

۲ رجوع شود به تفسیر اثنا عشری، ۱۳۶۳، حسین بن احمد حسینی شاه عبدالعظیمی، ج ۲، ص ۳۵۲

۳ رجوع شود به ترجمه تفسیر جوامع الجامع، ۱۳۷۷ ش، مترجمان، ج ۱، ص ۵۵۲

مُحَمَّدٍ عَ وَ كَانَتْ الدَّرَاهِمُ يَوْمَئِذٍ وُزْنُ سِتَّةِ قَرَارِيطَ، طبق فرمایش حضرت علی (ع): پیامبر (ص) همسران متعددی داشتند و برای هیچ یک از آن ها بیشتر از پانصد درهم قرار ندادند و بر همین منوال من و فاطمه (س) نیز ازدواج کردیم. (ابن حیون، ۱۳۸۵ ه.ق، ج ۲، ص ۲۲۱) طبق این روایت، هرچند مهریه زنان در آن دوران، اندک بوده ولی می توان لزوم ذکر مهریه در عقد را از این روایت برداشت نمود.

۴- از حضرت امام رضا (ع) روایت شده است که: فَإِذَا تَزَوَّجْتَ فَاجْهَدِ أَلَّا تُجَاوِزَ مَهْرَهَا مَهْرَ السُّنَّةِ وَ هُوَ خَمْسُمِائَةٍ دِهْمٍ فَعَلَى ذَلِكَ زَوْجُ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ تَزَوُّجُ نِسَاءِهِ، اگر تصمیم گرفتی ازدواج کنی، سعی کن مهریه همسرانت از مهر سنت که پانصد درهم است تجاوز نکند، چرا که پیامبر اکرم (ص) نیز به همین صورت ازدواج خود را منعقد نمودند. (منسوب به امام رضا (ع)، ۱۴۰۶ ه.ق، ۳۳۴)

آنچنان که مشاهده شد، در شرع مقدس اسلام، حداقل و حداکثری برای مهریه تعیین نشده است، و تنها بر اصل وجود مهریه تأکید شده است، بنابراین اگر برای زن در زمان عقد مهریه ای تعیین نشده باشد، مهر المثل برای او در نظر گرفته می شود (عاملی بهاء الدین محمدبن حسین، ۱۴۲۹ ه.ق، ص ۶۴۹). ولیکن می توان اذعان داشت فرمایشات، سفارشات و سیره ائمه (ع) در خصوص رعایت و مراعات کردن در تعیین میزان مهریه، به این دلیل باشد که برای تسهیل در امر ازدواج و زندگی، از مهریه های سنگین و نجومی نهی شده است، تا به طبقات پایین دست جامعه فشاری وارد نشود.

از سوی دیگر، در بعضی روایات ذکر شده است که مهریه نباید کمتر از ده درهم باشد زیرا بعضی از افراد با مبالغ ناچیزی به خود فروشی دست میزدند و شرع مقدس نخواسته است که هیچ مرحله ای از این پیوند عاطفی مقدس به ارتباط نامشروع نزدیک شود. (یثربی حاج میر سید محمد، ۱۳۹۰، ۱۳۳) بنابراین، میزان مهریه، باید به مقدار معقول، مشخص شود.

### مهر در لغت

مهر به فتح میم، واژه ای است عربی و معادل آن در فارسی " کابین " است. البته واژگان زیر نیز به جای آن بکار می روند: صدقه، صداق، نحله، فریضه، طول و... (دهخدا علی اکبر، ۱۳۳۸، ج ۱۴، ۲۱۸۸۲) ولیکن بین اسامی بالا، آنچه بیشتر به مهریه اطلاق می شود، همان کلمه صداق است.

### مهر در اصطلاح حقوقی

اکثر فقهای امامیه، مهر را تعریف نموده، لیک معتقدند هر چیزی که تملک آن صحیح

باشد و مالیت داشته باشد، میتواند مهریه قرار بگیرد (عاملی شهید اول، ۱۴۱۰ ه.ق، ۱۸۴). و دلیل عدم تعریف دقیق و جامع از آن می‌تواند وضوح و روشنی مفهوم مهریه باشد. همچنین طبق ماده ۱۰۷۸ ق.م.هر چیزی را که مالیت داشته و قابل تملک نیز باشد، می‌توان مهر قرار داد.

با اینحال می‌توان مهریه را چنین تعریف کرد: مهریه عبارت از مالی است که شوهر برای نکاح به زن تملیک می‌کند، منتها مالکیت زن بر مهریه، هنگام عقد، به نصف آن متزلزل خواهد بود و در صورتی استقرار پیدا خواهد کرد و زوج ملزم به پرداخت تمام آن خواهد گردید که نزدیکی حاصل شده و یا شرایط دیگری محقق شده باشد.<sup>۱</sup> (کاتوزیان ناصر، ۱۳۸۲، ج ۱، ۱۲)<sup>۲</sup> در تعریف دیگری از مهریه، مهر بر وزن شهر، مال (یا چیزی که قائم مقام مال بوده باشد) معینی است که بر سبیل متعارف، زوج به زوجه در عقد نکاح می‌دهد و یا به نفع زوجه بر ذمه می‌گیرد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۴۶، ص ۷۰۲)

در هر صورت، مهر در حقوق ایران، عنوان حقوقی مستقلی دارد و جزئی از حقوق و تکالیف زن و شوهر نسبت به یکدیگر است و شارع و قانونگذار با توجه به کمی سهم الارث زن و اختیار مطلق شوهر در طلاق، شوهر را ملزم به پرداخت مالی به زن در موقع نکاح نموده است. (شایگان سید علی، ۱۳۴۵، ۲۶۴)

تعریف اخیر از مهریه، در واقع تعریف نیست بلکه به نوعی فلسفه تشریح مهریه را بیان می‌کند. لذا به نظر میرسد بهترین و کامل‌ترین تعریف از مهریه متشکل از تعریف جعفری لنگرودی و کاتوزیان می‌باشد چه اینکه گاهی مهریه به صورت عندالمطالبه و گاهی به صورت عند الاستطاعه است و زن به محض عقد مالک آن می‌شود و بر مرد لازم است به محض درخواست و مطالبه زوجه، دین خود را ادا نماید. به عبارتی دیگر، مهریه بر ذمه بر مرد قرار می‌گیرد، و مرد وظیفه دارد ذمه خویش را از دینی که بر عهده گرفته است بری نماید.

### مهریه در قانون مدنی

قانون مدنی ایران از ماده ۱۰۷۸ الی ماده ۱۱۰۱ در خصوص مهریه سخن بیان داشته، ولی تعریف دقیقی از آن ارائه نداده و تنها به ذکر موضوع آن پرداخته است، طبق ماده ۱۰۷۸ قانون مدنی ایران، هر چیزی را که مالیت داشته و قابل تملک باشد، را می‌توان به عنوان مهریه قرار داد. گروهی معتقدند که مهر مصدر مَهْرٌ - یُمَهَّرُ است و به معنای عوض می‌باشد، ولی اینکه

۱. بقره/ ۲۳۷

۲. همچنین مراجعه شود به: بغدادی مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، احکام النساء، قم: انتشارات کنگره جهانی هزاره شیخ مفید (ره)، چاپ اول، ۱۴۱۳ ه.ق، ص ۴۶

مهریه را عوض بدانیم صحیح نیست، زیرا مطابق ماده ۱۰۸۲ ق.م.ز.ن به مجرد عقد نکاح مالک مهر می شود، و چنانچه شوهر قبل از دخول همسرش را طلاق دهد، پرداخت نیمی از مهرالمسمی و یا مهرالمثل بر شوهر الزامی است و نیز نکاح بدون مهریه صحیح است برخلاف بیع بدون ثمن، که باطل است.

### فلسفه تشریح مهریه

آنچه واضح و مبرهن است، هر حکمی در اسلام بر اساس دلیل خاصی وضع شده است که گاهی ممکن است آن دلیل از ما پوشیده باشد زیرا شارع مقدس بدون در نظر گرفتن مصلحت اقدام به صدور حکمی نمی نماید. پرداخت مهریه نیز مستثنی از این امر نیست و به صورت حتم و قطع دارای فلسفه، دلیل و برهان خاص خود می باشد. در خصوص فلسفه پرداخت مهریه به زن از سوی مرد، اتفاق نظر وجود ندارد و نظرات مختلفی وجود دارد که عبارتند از:

۱. مهریه به عنوان عوض در برابر بضع: گروهی از فقها بر این اعتقادند که مهریه در مقابل بضع قرار می گیرد.

بنابراین نکاح معاوضه‌ای است که در آن، زن برای دریافت عوض (صداق) حق امتنان دارد که از آن به حق حبس تعبیر شده است (جواهرالکلام، ج ۳۱، ص ۳)

بر این اساس مهریه در نکاح به مثابه عوض در بیع و معاوضات است، اما این نظر صحیح نیست زیرا در معاوضات، عوض جزء ذات بیع و معاوضه است و در واقع معاوضه بدون عوض، محکوم به بطلان است ولی در عقد نکاح دائم، عقد بدون مهریه نیز صحیح است. فلذا نظر برخی از فقهای امامیه که معتقدند: "نکاح از عقود معاوضی است زیرا که بضع دارای مالکیت بوده و با مهر معاوضه می‌شود" (عاملی، شهید ثانی، زین‌الدین بن علی - ۱۴۱۳ ه.ق. ج ۱، ص ۵۳۳) نیز قابل قبول نیست زیرا که اولاً استمتاع جنبه دو سویه دارد و اختصاص به زوج ندارد تا در قالب مهریه‌های آن را بپردازد. (فهیمة ملک‌زاده، ۱۳۸۸ ص ۳۵)

ثانیاً گاهی اوقات مهر به زن تعلق می‌گیرد و این در حالی است که نزدیکی صورت نگرفته است مانند طلاق قبل از نزدیکی، که در این مورد زن، مالک نیمی از مهرالمسمی می‌شود. و ثالثاً اگر مهریه به عنوان عوض بضع باشد باید در صورت فسخ یا بطلان مهر، عقد نکاح منحل شود، این در حالی است که بطلان مهر به عقد سرایت نمی‌کند و عقد بواسطه باطل بودن مهریه باطل نمی‌شود. (شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی، ۱۴۰۵ ه.ق. ج ۱، ص ۲۳۱)<sup>۱</sup>

۲. مهریه، هدیه‌ای از سوی مرد به زن است: گروهی دیگر از فقها بر اساس آیه ۴ سوره

۱. مراجعه شود به محمومی امامی نینی - ماهیت مهر و نقد مهریه‌های سنگین، مقالات و بررسی‌ها،

نساء<sup>۱</sup> مهریه را هبه و بخششی از سوی مرد به زن می‌دانند و معتقدند مهریه، یک سنت اسلامی و الهی است و شوهر، برای بیان صدق رفتارش به زن می‌پردازد و در مقابل عوض نیست. (قربان‌نیا، ناصر و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۶)

طبق نظر شهید مطهری، مهر عطیه بلاعوضی است که مرد در جریان تعاملی، به جهات و دلایل متعددی ملزم به پرداخت آن شده است و بیشتر از ارزش مادی، ارزش نمادین آن، در این عقد مورد توجه طرفین خصوصاً زن است. که آثار خاصی نیز بر این اعطا مترتب است که برآیند آن، استحکام هرچه بیشتر علقه زوجیت به عنوان یک ضرورت فردی و اجتماعی است. (مطهری مرتضی، ۱۳۹۵، صص ۱۸۴ و ۲۲۵)

ولی این نظریه نیز با ایراداتی مواجه است من جمله اینکه: اگر مهریه را عطیه و پیشکش بدانیم باید پرداخت آن بر اساس اراده و خواست مرد باشد، در حالیکه پرداخت مهریه، دستور شرعی است و از سوی شارع لازم شمرده شده است و در واقع ناشی از حکم شارع می‌باشد. از سویی دیگر، در هدیه هیچ الزامی بر هبه کننده مبنی بر پرداخت آن وجود ندارد، لیکن در خصوص مهریه، زن می‌تواند برای وصول مهریه خود به ضمانت اجراهای حقوقی همچون حق حبس و رجوع به حاکم، متوسل گردد.

ایراد دیگر در این زمینه، در زمان نزدیکی پس از نکاح فاسد نمایان می‌شود، در صورتی که زن نسبت به فساد نکاح جاهل بوده و مرد به آن آگاهی داشته باشد، زوج مکلف است تمام مهریه را به زن بپردازد، این در حالی است که مرد قصدی بر پرداخت مهریه نداشته است. بنابراین، این نظریه نیز توجیهی مناسب و درخور، جهت لزوم پرداخت مهریه نمی‌باشد.<sup>۲</sup>

۳. مهریه مکمل سهم الارث زنان است، طبق این نظر، برخی معتقدند مهری که از جانب مرد به زن داده می‌شود می‌تواند تدبیر مناسبی جهت جبران نقصان سهم الارث زن باشد. (حسن یوسف‌زاده، جامعه شناختی مهریه، ۱۳۸۹، ص ۱۴۴)

اتفاقاً، در برخی از روایات نیز علت دو برابر بودن سهم الارث مرد نسبت به زن، همین امر ذکر شده است که مرد باید به هنگام ازدواج، مالی به عنوان مهریه به زن بدهد و نیز در دوران زناشویی، مکلف است نفقه و مخارج زن را تأمین کند. (حسین مهرپور، ۱۳۷۹، ۴۲)<sup>۳</sup>

در صورتی که این نظریه را بپذیریم، اگر منظور از نقصان ارثیه زن، نقصان سهم الارث او

۱. وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا

۲. مراجعه شود به پایان‌نامه محمدشاه علی، بررسی تحولات و نوآوری‌های لایحه جدید حمایت خانواده، کارشناسی

ارشد، حقوق خصوصی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، بهمن ۱۳۹۱

۳. مراجعه شود به: طوسی ابو جعفر محمدبن حسن، تهذیب الاحکام، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ه.ق، چاپ چهارم،

ج ۹، ص ۲۷۴، ش ۹۹۲

نسبت با سایر خویشان نسبی باشد، چگونه می‌توان این، امر را توجیه نمود که نقصان ارث او از خویشان، بر شوهر است و در واقع سایر خویشاوندان وی و اموال آنها هستند که از این نقصان بهره می‌برد؟ بنابراین آنها باید بر اساس قاعده "من له الغنم فعليه الغرم" این نقصان را جبران کنند و اگر هم منظور از نقصان ارث زن، در مقایسه با ارث شوهر باشد، از کجا می‌توان یقین دانست که زن زودتر از مرد از دنیا نرود که نوبت به ارث او از شوهر برسد، ثانیاً اگر قانونگذار به دنبال جبران این نقصان است، بهتر است که قواعد ارث را اصلاح نماید، نه اینکه خود را دچار این مشکلات کند. نیز راجع به دخترانی که از دواج نمی‌کنند چگونه کمبود ارث آنها جبران می‌شود؟ (محمد رضا امیر محمدی، ۱۳۸۸، ۴۸)

۴. مهریه وسیله‌ای برای تضمین دوام زوجیت: برخی معتقدند؛ با وجود اینکه عقد نکاح با تراضی طرفین صورت می‌پذیرد ولی انحلال آن یکسویه و بصورت اقاله از سوی زوج اجرا می‌شود. و از آنجا که عقد نکاح، همواره در معرض فروپاشی قرارداد، علی‌الخصوص که هیچ قانونی برای تحدید و کنترل اراده مرد وجود ندارد. بر همین اساس، وضع مهریه و الزام مرد به پرداخت مهریه، به زن این امکان را می‌دهد که برخی از مطالباتش را بر زوج تحمیل کند، تا مرد در روابط خانوادگی به صورت یکجانبه و انفعالانه عمل نکند، چند این توجیه نیز پذیرفته شده نیست، زیرا اگر صحیح باشد و این امر ضروری باشد چگونه در آموزه‌های دینی بر کم گرفتن مهریه، توصیه اکید شده است! در صورت صحت این نظر، باد در روایات وارد، به این امر تصریح می‌شد و یا اینکه حداقل از دریافت مهریه‌های سنگین، نهی واقع نمی‌شد.

و از سوی دیگر بر اساس تحقیقات صورت گرفته، آمار طلاق روبه افزایش است؛ در حالیکه روند افزایش مهریه‌ها نیز در جامعه امروزی بسیار زیاد است. علاوه بر این، تحقیقات، حاکی از آن است که هشتاد درصد طلاقها بصورت بائن واقع می‌شود، یعنی زنان مهر خود را در این گونه طلاقها می‌بخشند. بنابراین مهریه سنگین زنان نتوانسته است، جهت تضمین زندگیشان کار ساز واقع شود. (قلی‌زاده اذر و سحر غفاریان، ۱۳۹۰ ص ۱۲۸)

۵. مهریه پشتوانه اقتصادی برای زنان: دین اسلام با تشریح احکام خاصی مانند مهریه و نفقه و... جامعه زنان را از لحاظ مادی تأمین کرده و نگرانی در خصوص معاش را تا حد بسیاری از آنان دور کرده است، تا بتوانند با آسودگی خاطر به وظیفه اساسی و خطیر انسان‌سازی خود بپردازند. زنان در جامعه اسلامی چونان مردان، اجازه فعالیت اقتصادی دارند و مانعی در این زمینه، سد راه آنان نیست، چنانچه خدیجه کبری (س) نیز از ستون‌های اقتصادی جامعه صدر اسلام محسوب می‌شدند، ولی با این وجود مهمترین وظایف زنان، حضور فعال آنها به عنوان مدیر

۱. رجوع شود به: اسدالله علیمردانی، بازشناسی قواعد حقوقی و اخلاقی حاکم بر مهریه و حقوق اسلامی، ش ۱۶،

داخلی خانواده در خانه می‌باشد.

فلذا اسلام با واجب کردن مهریه بر عهده مرد، راهی محکم در جهت تأمین پشتوانه مالی زوجه، فراهم کرده است، تا در صورتی که در زمان زناشویی و یا در هنگام طلاق مشکلات مالی بر وی عارض شد (که قطعاً به وجود خواهد آمد) به مهریه خود دسترسی پیدا کرده و بتواند امورات خود را در جامعه بچرخاند و از این پشتوانه اقتصادی بهره لازم را گیرد. (ثریا مکنون و مریم صانع‌پور، ۱۳۷۴، ص ۱۶۰)

نظریه دیگر این است که با توجه به اینکه زن، حق تحصیل ثروت در اسلام را دارد ولی دین اسلام، مرد را مکلف به تأمین معاش نموده و در مقابل، زن مجبور به انجام امور داخلی خانه نیست بلکه انجام دادن این امور مستحبی از بزرگواری زن می‌باشد. مهریه پرداختی مرد به زن، در واقع به نوعی جبران کننده ناشی از خلأ فعالیت اقتصادی زن است.

ایرادی که در نظریه قبلی بود در این نظر نیز وجود دارد که بسیاری از زنان مهریه‌های خود را در زمان طلاق و یا قبل از آن می‌بخشند و یا اینکه برای دریافت طلاق، رضایت به بخشش تمام مهریه خود و یا قسمت اعظمی از آن می‌دهند، فلذا تنها پشتوانه این چنین زمانی، فعالیت اقتصادی خود و یا خانواده پدریشان می‌باشد.

بر اساس نظریات بالا، می‌توان نتیجه گرفت، که هر چند نظریات ذکر شده کامل نیستند و بر هر کدام ایراداتی وارد است ولی هر یک، به نوبه‌ی خود در بردارنده حقایقی هستند. گو اینکه فلسفه وجودی مهریه، ریشه‌ای تاریخی دارد و مشخص نیست اولین بار چه کسی و به چه صورت و منظوری آن را ایجاد کرده است. اما آنچه مسلم است، این نهاد در طول تاریخ، تحولات بسیاری پیدا کرده، تا اینکه با ظهور اسلام، این نهاد حقوقی، مانند بسیاری از نهادهای حقوقی دیگر آن زمان، با اصلاحاتی تنفیذ شده است، فلذا نهاد مزبور، جزء احکام امضائی اسلام است و نه تأسیسی. (امیر محمدی، محمدرضا، ۱۳۸۸، ص ۵۰)

در حال حاضر، بدون توجه به فلسفه‌ی وجودی مهریه، این نهاد با باورها و عقاید، در ساختار اجتماعی و نظام حقوقی ما پیوند خورده، ولیکن آنچه مهم می‌نماید، این است که مهریه بصورت کنترل شده درآید، تا بتواند مفید و مثمر ثمر واقع شود و اگر همچنان بی‌حد و حصر بصورت کاملاً مطلق العنان رها شود، مشکلات عدیده‌ای گریبانگیر جامعه خواهد شد.

### **موضع لایحه حمایت خانواده مصوب قوه مجریه در مقایسه با قانون حمایت خانواده جدید التصویب در خصوص مهریه**

بر اساس مشکلات و معضلات پیش آمده در خصوص افزایش مهریه‌های سنگینی که در جامعه بوجود آمده بود، در راستای اقدام به رفع این مشکلات یا تعدیل وضعیت پیشنهاد شده است که به مهریه‌های سنگین و بالاتر از مهرالمثل، مالیات سنگینی تعلق بگیرد و یا اینکه از شمول قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مستثنی شود. (گرچی ابوالقاسم، ۱۳۸۷، ص ۲۵۹-)



(۲۵۱)

بر این مبنا ابتدا در ماده ۲۵ لایحه حمایت خانواده مصوب قوه مجریه، مالیات بر مهریه ذکر شد و سپس در لایحه جدید حمایت خانواده مصوب مجلس شورای اسلامی، با توجه به مشکلات و احیاناً نواقص طرح مالیات بر مهریه، بحث استثناء کردن مهریه‌های سنگین و غیر متعارف از شمول قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی تصویب شد، و از سوی شورای نگهبان مخالفتی در این زمینه صادر نگردید.

### موضع قانونی حمایت خانواده ۱۳۹۱

طبق ماده ۲۱ قانون حمایت خانواده جدید: "هرگاه مهریه در زمان وقوع عقد تا یکصد و ده سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن باشد، وصول آن مشمول مقررات م ۲ قانون اجرای محکومیت‌های مالی<sup>۱</sup> است، چنانچه مهریه، بیشتر از این میزان باشد در خصوص مازاد، فقط ملائت زوج، ملاک پرداخت است. رعایت مقررات مربوط به محاسبه‌ی مهریه به نرخ روز کماکان الزامی است."

این طرح نیز چونان طرح سابق دارای ایرادات فراوانی است: ۱ اگر مهریه‌ای بالای ۱۱۰ سکه باشد، بار اثبات تمکن مالی زوج، بر عهده زوجه است. اگرچه این ماده، برای حمایت از خانواده وضع شده، اما بانوان جامعه را به شدت از این ماده متنفر می‌نماید، این در حالی است که بر اساس قواعد عمومی قراردادها، با صرف اثبات ایجاد تعهد نسبت به متعهد علیه، می‌توان درخواست اجبار وی به انجام و ایفای تعهد را ارائه داد. بنابراین، این ماده نیز همچون طرح قبلی، مخالف قواعد عمومی قراردادها تنظیم یافته است.

۳- نمایندگان مجلس پس از ایراد وارد بر چگونگی تعیین مهریه متعارف و عملی نبودن آن، تصمیم گرفتند که خود، میزان آن را تعیین کنند که بر اساس ماده مذکور، به میزان ۱۱۰ سکه یا معادل آن می‌باشد، آنچه از این ماده برداشت می‌شود این است که علت نگارش آن، جلوگیری حبس زوج به علت نپرداختن مهریه است. ولی این مطلب در نظر گرفته نشده که غالباً جوانانی که قصد ازدواج دارند از تمکن مالی بی‌بهره هستند و حتی مخارج اولیه تشکیل زندگی را بصورت تقسیت یا کمک از والدین و اخذ وام تهیه می‌کنند، بنابراین قدرت بر پرداخت حتی مبالغ کمتر را نیز ندارند و بر اساس گزارشات و تحقیقات عموماً زمان اوج طلاق مابین سال‌های ۳ و ۵ بعد از

۱. م ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی: هر کس محکوم به پرداخت مالی به دیگری شود چه به صورت استرداد عین یا قیمت یا مثل آن و یا ضرر و زیان ناشی از جرم یا دیه آن را تأدیه ننماید دادگاه او را الزام به تأدیه نموده و چنانچه مالی از او در دسترس باشد آن را ضبط و به میزان محکومیت از مال ضبط شده استیفا می‌نماید و در غیر اینصورت بنا به تقاضای محکوم له، ممتنع را در صورتی که معسر نباشد تا زمان تأدیه حبس خواهد کرد.

ازدواج است.<sup>۱</sup> و زمان مطالبه مهریه نیز در همین حدود بوده و در سالهای اولیه ازدواج حتی اگر زوج توانسته باشد بدهی‌های پیشین خود را کاملاً پرداخت کرده باشد، از پس پرداخت ۱۱۰ سکه برنخواهد آمد، فلذا خارج کردن مردان از شمول ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی در خصوص میزان بیشتر از ۱۱۰ سکه مهریه یا معادل آن تفاوتی در وضعیتشان به دنبال ندارد.

۳. بر اساس م ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی می‌توان چنین برداشت کرد که بازداشت و حبس مختص بدهکارانی است که با وجود تمکن مالی از ادای دین امتناع می‌ورزند، اما برای افرادی که حقیقتاً از پرداخت آن عاجز هستند، چنین ضمانت اجرائی در نظر گرفته نشده است. چرا که یکی از شرایط اعمال مجازات حبس، طی این ماده، ملائت و تمکن مالی بدهکار است چنانچه در نص صریح ماده آمده است: "ممتنع را در صورتی که معسر نباشد تا زمان تأدیه حبس خواهد کرد." به همین دلیل در مواد ۱۷ و ۱۸ آیین نامه این قانون اجازه داده شده است تا مدیون با اثبات اعسار خود، از پرداخت دین، معاف شده و یا با تقسیط آن از بازداشت آزاد گردد. (محمد رضا زندی ۱۳۹۰-ص ۶)

طبق بخشنامه ای<sup>۲</sup> که از سوی رئیس قوه قضائیه به دادگاههای سراسر کشور ابلاغ شده است، چنانچه ملائت محکوم علیه نزد قاضی ثابت نباشد، از حبس وی خودداری و چنانچه در حبس باشد آزاد می‌شود. (اسدی الهام، ۱۳۹۲، ص ۳۳۳) بنابراین در صورتی که برای قاضی ثابت شود محکوم علیه از تمکن مالی برخوردار است و از پرداخت محکوم به امتناع می‌کند، با درخواست محکوم له و به دستور قاضی دادگاه، محکوم علیه تا تأدیه محکوم به، حبس می‌شود. نتیجتاً، این ماده برای افرادی که قادر به پرداخت مهریه نیستند، کافی نمی‌باشد.

۴. ابهامی که متوجه ماده مورد بحث است این است که آیا ماده مذکور مشمول افرادی که تا پیش از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این لایحه ازدواج کرده‌اند، نیز می‌شود؟

طبق یک نظر، با توجه به اینکه، این ماده درصدد محدود کردن حبس زوج است و یکی از موارد عطف به ماسبق شدن قوانین، تخفیف مجازات در قوانین جدید است، فلذا این ماده عطف به ماسبق می‌شود. (مریم، خباز، ۱۳۹۱، ص ۱۷)

ولی از نظر گروهی بحث مربوط به تخفیف مجازات در قوانین جدید و عطف به ماسبق شدن آن، مرتبط به مقررات و قوانین کیفری است، و ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، جزء قوانین کیفری محسوب نمی‌شود و بازداشت بدهکاران بدنبال ارتکاب جرم، صورت نمی‌گیرد تا عطف به ماسبق شود. چرا که اگر کسی مرتکب جرمی شد و در پی آن محکوم به

۱. رجوع شود به میرزایی، محمد، نگاهی به آمار طلاق در ایران، <http://vista.ir/> ۱۳۹۱/۸/۲۰

article / 228381

۲. بخشنامه شماره ۱۰۰ / ۱۵۴۵۸ / ۹۰۰۰ مورخ ۹۱/۴/۱۳

جزای نقدی گشت و این جریمه را پرداخت ننمود، به ازای هر روز از حبس، مبلغی از میزان محکومیت مجرم، کاسته می‌شود. اما در خصوص حبس ناشی از عدم پرداخت محکومیت مالی، این قاعده ساری و جاری نیست و محکوم علیه تا زمان پرداخت بدهی و یا صدور حکم اعسار باید در حبس باقی بماند. فلذا طبق م ۴ قانون مدنی: "اثر ماده نسبت به آتیه است و قانون نسبت به ماقبل خود اثر ندارد، مگر اینکه در خود قانون، مقررات خاصی نسبت به این موضوع اتخاذ شده باشد." بنابراین ماده مورد بحث تنها نسبت به کسانی است که پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون ازدواج کنند، موثر است. اما از آنجا که آثار غیرمستقیم و احتمالی موضوعات حقوقی به گذشته، تابع قانون جدید است، و فقط احتمال تحقیق این نتایج می‌رفته، لذا حق ثابتی ایجاد نشده است تا قانون جدید آن را از بین ببرد. (ناصر کاتوزیان، ۱۳۸۵، ۲۱۸)

در نهایت می‌توان گفت، حق مطالبه زوجه، جهت به زندان انداختن زوج ممتنع از پرداخت دین، جزء آثار احتمالی و غیرمستقیم قرار داد مهریه می‌باشد و زمانیکه از سوی زوجه، مهریه‌ای مطالبه نشده، این حق بصورت احتمالی است و هنوز حق درخواست حبس زوج مستقر نشده، تا آن را مشمول قاعده حقوق مکتوبه بدانیم و ماده ۲ قانون را با توجه به قاعده مذکور نسبت به طلبکاران گذشته قابل اجرا ندانیم. بنابراین، با توجه به اینکه عده‌ای معتقدند ماده مورد نظر عطف به ماسبق می‌شود، بهتر بود قانونگذار صراحتاً نظر خویش را بیان می‌نمود تا تفاسیر متعددی از این ماده حاصل نشود.

با توجه به ایرادات فراوانی که نسبت به ماده مذکور وارد شده است، و با در نظر گرفتن معضلاتی که بانوان جامعه در راستای عملی شدن این ماده، با آن روبرو هستند و در نظر گرفتن اعسار به عنوان یک اصل فقهی و حقوقی که حق بارزی برای فرد معسر محسوب می‌شود، به نظر می‌رسد بهتر است در تفسیر این ماده قانونی، راهکارهایی جدید ارائه شود تا بانوان جامعه با آسودگی خاطر بیشتری اقدام به دریافت مهریه خود بنمایند. یکی از این راهکارها می‌تواند استفاده از اصل ضمانت باشد.

## ضمانت

### ضمانت در فقه اسلامی

ضمان از عقود می‌باشد و طبق نظر شهید ثانی در کتاب الروضة البهیة: مقصود از ضمان، معنای خاص آن است که قسیم حواله و کفالت است، نه معنای عام آن که این دو را شامل می‌شود. و ضمان به صورت بی مدت و مدت دار از بدهی بی مدت و مدت دار، صحیح است. به عبارت دیگر ضمان، تعهد و التزام به مال است، از طرف کسی که برئ الذمه است، ضمان، مال را از ذمه مضمون عنه (بدهکار) به ذمه ضامن که بدهکاری ندارد، منتقل می‌کند (فیض علی‌رضا، ۱۳۸۷، ۳۴۵). به بیانی دیگر، برعهده گرفتن مالی که بر ذمه دیگری است، توسط کسیکه بدهکار نیست را ضمان گویند، نیز باید در نظر داشت که ضمانت حال و موجل هر دو صحیح است.

(دزفولی، مرتضی بن امین انصاری، ۱۴۲۱ ه.ق، ۹۶)

### ضمانت در قرآن

در بین آیات قرآن در خصوص ضمانت می توان به آیات ۷۲ سوره یوسف<sup>۱</sup> و ۴۰ سوره قلم<sup>۲</sup> اشاره کرد که اشاره ای گذرا نسبت به ضمانت دارند ولی تعریف ضمانت در قرآن با تعریفی که ما در حقوق ارائه می دهیم بسیار متفاوت است و چه بسا کارکرد آن دو نیز مختلف باشد. ضمانت در آیه ۴۰ سوره قلم، اختصاص به ضمانت در روز قیامت دارد و مختص امور معنوی و اخروی است ولی در خصوص ضمانت در مورد مسائل مادی و دنیوی سکوت کرده است.<sup>۳</sup>

اما با تدقیق در آیه ۷۲ سوره یوسف، احتمالی یافت می شود که خیلی هم بعید نیست، و آن اینکه گوینده " نَفَقْدُ صَوَاعِ الْمَلِكِ " کارمندان یوسف، و گوینده " وَ لِمَنْ جَاءَ بِهِ جَمْلٌ بَعِيرٍ وَ أَنَا بِهِ زَعِيمٌ " خود یوسف باشد، چون رئیس و سرپرست مردم خود او بوده، و او بوده که اعطاء و منع و ضمانت و کفالت و حکم، شان او بوده.

بنا بر این برگشت معنای کلام به این می شود که: مثلاً بگوییم یوسف و کارمندان از ایشان جواب دادند، کارمندان گفته اند: " ما پیمانۀ پادشاه را گم کرده ایم "، و یوسف گفت: هر که آن را بیاورد یک بار شتر (طعام) به او می دهیم و من خود ضامن این قرارداد می شوم. (موسوی همدانی سید باقر، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ۳۰۵)

چنانچه مشاهده شد، ضمانت در قرآن کریم نیز پذیرفته شده است.

### ضمانت در روایات

علاوه بر آیات وارده در خصوص ضمانت و نیکویی آن، روایاتی نیز ذکر شده که منجر به بری شدن ذمه مدیون اصلی می شود. به صورتی که در فقه و سیره بزرگان نیز امر ضمانت به عنوان فعلی پسندیده مورد توجه بوده است.

۱. حسن بن محبوب، از عبد الله بن سنان، از امام صادق علیه السلام در باره مردی روایت کرده است که در حالی بمیرد که دینی بر ذمه داشته باشد، ولی ضامنی در مقابل طلبکاران از او ضمانت کند. امام علیه السلام فرمود: در صورتی که طلبکاران راضی باشند، ذمه میت بری شده است. (قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ج ۶، ص ۸۰)

۲. روایت است که چون عبد الله بن الحسن (عبد الله محض) عمرش به سرآمد در حال احتضار و جان دادن، طلبکارانش گرد او را گرفته مطالبه طلب خود را می کردند، عبد الله گفت

۱. گفتند: جام پادشاه را. و هر که بیاوردش او را بار شتری است و من ضمانت می کنم

۲. از ایشان بپرس کدام یکشان ضامن چنین پیمانی است؟

۳. برای مطالعه تفسیر آیه رجوع شود به تفسیر انوار درخشان از سید مهمدحسین حسینی همدانی، ج ۱۷، ص ۲۹

چيزی ندارم که به شما بدهم و لکن یکی از این دو را به عنوان ضامن بپذیرید، برادرم یا پسران عمویم علی بن الحسین یا عبد الله بن جعفر، طلبکاران گفتند: عبد الله بن جعفر مردی است ثروتمند اما سهل انگار و بی توجه و امروز را به فردا می افکند، ولی علی بن الحسین مردیست تهیدست لکن صحیح القول و او برای ما بهتر است، پس فرستاد و آن حضرت علیه السلام را خبر دادند، و امام فرمود: تا برداشت غله مهلت دهید می پردازم، در حالی که غله ای نداشت، طلبکاران گفتند: راضی هستیم، پس زمانی که غله رسید خداوند مالی برای آن حضرت رسانید و آن حضرت دیون عبد الله را پرداخت. (این نوعی ضمانت است). (قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه ۶ جلد ۴، بی تا، ۱۲۴)

### ضمانت در حقوق ایران

لفظ ضمان در معانی ذیل استعمال شده است: الف) ذمه و عهده و تعهد و متعهد. ب) به معنای حواله که شامل عقد ضمان و کفالت می شود. ج) به معنای عقد ضمان. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰، ص ۴۵۷)

در حقوق ایران، عقد ضمان، عبارت است از اینکه شخصی مالی را که بر ذمه دیگری است به عهده بگیرد. متعهد را ضامن، طرف دیگر را مضمون له و شخص ثالث را مضمون عنه یا مدیون اصلی گویند.<sup>۱</sup>

ضمان، خود شامل انواع و اقسام مختلفی می شود، که هر یک اثر حقوقی خاص خود را

دارد:

### انواع ضمانت

ضمان ناقل ذمه: در این نوع ضمانت با وقوع ضمانت ضامن، بدهکار در مقابل طلبکار از مسئولیت مبرا می شود. در حالی که قانون مدنی، توجه ویژه ای به این نوع ضمانت داشته است، امروزه این نوع عقد نزد عموم مردم متروک است.

ضمان ضم ذمه (تضامنی): این نوع ضمانت به معنی بدهکار شدن شخص دوم علاوه بر مدیون اصلی است. در این خصوص، حداقل دو تن در مقابل طلبکار مسئول هستند که این نوع ضمانت نیز خود بر دو نوع است:

الف) ضمان تضامنی طولی: در این نوع ضمانت، مسئولیت ضامن محرز، اما مشروط است به این معنی که اجرای عقد ضمانت منوط به وصول نشدن طلب از بدهکار است. به عبارت دیگر، طلبکار باید اول به مدیون اصلی مراجعه کند و در صورتی که با وجود صدور حکم قطعی قضایی علیه وی، دین پرداخت نشده باشد، علیه ضامن اقامه دعوی شود.

ب) ضمان تضامنی عرضی: در این نوع ضمانت، مسئولیت ضامن و مدیون اصلی همزمان

است و طلبکار به هر یک از آنان می‌تواند مراجعه کند و رعایت تقدم یا تاخر در مطالبه دین لازم نیست. ضمانتی که مورد نظر بانک‌ها و موسسات مالی است، ضمان تضامنی عرضی است. به عبارت بهتر، این ضمانت، قوی‌ترین نوع ضمانت است و منافع حداکثری بستانکار تامین می‌شود و ضامن هیچ‌گونه بهانه‌ای برای تعلق در ادای دین بدهکار اصلی نخواهد داشت. نکته بسیار مهم آن که حسب حکم صریح ماده ۲۴۹ قانون تجارت، هر نوع ضمانت در اسناد تجاری مشمول احکام ضمان تضامنی عرضی است.<sup>۱</sup>

آنچه در مورد مهریه تقسیط شده می‌تواند به عنوان ضمانت واقع شود و مطابق با اخلاق حسنه می‌باشد، ضمان احتیاطی می‌باشد که اگر متعهد (زوج)، اقساط مهریه را سر موعد پرداخت نکند و زن را با مشکلات عدیده مواجه کند، زن بتواند از طریق ضمان طولی تضامنی به ضامن مراجعه کرده و حق خود را دریافت نماید. و چه بهتر است کسی که ضمانت را به عهده می‌گیرد از شهود اعسار باشد، چرا که در صورت وجود ضمانت، فرد مدعی اعسار تمام تلاش خود را می‌کند تا حداقل برای مصون نگاه داشتن وجهه خود، دین خود را در موعد مقرر پرداخت نماید و از سوی دیگر، شاهی که ضمانت را به عهده می‌گیرد، با این عمل خود، در واقع به زوجه این اطمینان را می‌دهد که او قطعاً به حق خود خواهد رسید، و نیز کسیکه مجبور به ضمانت است در صورتی که اطمینان کامل نسبت به معسر بودن مدعی نداشته باشد و از حال و روز مدعی اعسار به صورت قطعی و یقینی آگاه نباشد، اقدام به ادای شهادت نخواهد کرد. و این امر خود، باعث جلوگیری از ادای بسیاری از شهادت‌های از روی جهل و یا کذب خواهد شد. و در نهایت اصل ۲۱ و ۲۲ قانون اساسی در خصوص حقوق زن و حقوق ملت، تماماً و کمالاً در خصوص دعاوی مالی، به حیطة اجرا خواهد آمد، زیرا با توجه به قوانین جدید قانون حمایت خانواده در زمینه اعسار، تنها در صورت وجود ضمانت است که زنان با آسایش به حقوق خود دست خواهند یافت.

۱. آرش دولتشاهی، وکیل پایه یک دادگستری

<http://press.jamejamonline.ir/Newspreview/2144308366115495417>

۲. دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

(۱) ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادری و معنوی او.

(۲) حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزندان، و حمایت از کودکان بی سرپرست.

(۳) ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده.

(۴) ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست

(۵) اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی

۳. حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

### نتیجه‌گیری

ازدواج و تشکیل خانواده یکی از دستورات دین مبین اسلام است که توسط دو غیر همجنس ایجاد می‌شود، از مهمترین اهداف این نهاد، رسیدن به تعالی روحی و اخلاقی است. و دستورات اسلامی در تمام احوال در خصوص خانواده مبتنی بر رعایت اخلاق می‌باشد.

مهریه به عنوان یکی از آثار مالی ازدواج که بر عهده زوج ثابت است و در واقع به عنوان هدیه و پیشکش و نشان دهنده عشق و علاقه زوج نسبت به همسرش می‌باشد، بصورت پشتوانه‌ای مالی برای زن، پس از طلاق و یا فوت شوهر معرفی شده است.

آنچه در حقوق کنونی و در دادگاههای امروزی مورد مشاهده است این است که پس از طلاق مهریه عندالمطالبه زوج به صورت تقسیط درآمده است و این تقسیط مهریه با اینکه تا حد بسیاری کمک به وضعیت مردان جامعه نموده است ولی در عمل آنچه مشاهده می‌شود، از آنجا که تقسیط بدون هیچ ضمانتی و ابتدائاً می‌باشد اینکه آیا زوجه بتواند اقساط را در موعد مقرر دریافت کند را با مشکلات عدیده‌ای روبرو کرده است چه اینکه مرد می‌تواند برای آزار رساندن به همسر خود و در نهایت بخشش مهریه توسط زن از پرداخت اقساط ممانعت کند و در نهایت با مراجعه مکرر زن به دادگاه و درخواست جلب، اقدام به جلب زوج مدیون کند و در این راستا باید دید آیا زن می‌تواند حق خود را دریافت کند یا نه؟ که در بیشتر موارد مرد متواری شده و زن نمی‌تواند وی را جلب کند.

مهریه در جامعه امروزی از یک هدیه و پیشکش به یک ابزار جنگ مبدل شده که در نهایت اکثر زنان با اینچنین وضعیتی و مواجه شدن با سدهای مختلف و عدم توان دریافت آن، از آن چشم‌پوشی می‌کنند.

و آیا این معضل با عدالت و اخلاق اسلامی سازگار است؟ جز آنکه در اسلام از ضرر رساندن به دیگران نهی شده است و تقسیط به اینگونه جز ضرر رساندن به زن حاصلی ندارد.

فلذا بهتر می‌نماید قانونگذار مبحث ضمانت را در خصوص تقسیط مهریه باز بگذارد و آن را به شرایط تقسیط اضافه کند تا مرد ملزم به پرداخت اقساط مهریه در موعد مقرر شود، چرا که قانونگذار به وسیله ضمانت راهی را برای دریافت حقوق از دست رفته بسیاری از بانوان کشور، باز می‌نماید.

## فهرست منابع

- قرآن کریم  
اعلامیه جهانی حقوق بشر  
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران  
قانون مدنی ایران  
قانون حمایت خانواده
- ۱- ابن حیون نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵ه.ق)، دعائم الاسلام فی ذکر الحلال و الحرام، قم، موسسه آل البيت (ع)، ج ۲
  - ۲- امیرمحمدی محمدرضا، (۱۳۸۸)، حقوق مدنی نظام مالی خانواده، چاپ اول، تهران: نشر میزان
  - ۳- انصاری دزفولی، مرتضی بن امین، (۱۴۲۱ه.ق) صیغ العقود و الایقات شیخ انصاری، قم: مجمع اندیشه اسلامی.
  - ۴- بغدادی مفید، محمدبن محمدبن نعمان عکبری، (۱۴۱۳ ه.ق)، احکام النساء، چاپ اول، قم: انتشارات کنگره جهانی هزاره شیخ مفید (ره)
  - ۵- جعفری لنگرودی محمدجعفر، (۱۳۴۶)، ترمینولوژی حقوق، انتشارات ابن سینا
  - ۶- حسینی شاه عبدالعظیمی حسین بن احمد، (۱۳۶۳)، تفسیر اثنا عشری، چاپ اول، تهران: میقات، ج ۲
  - ۷- حسینی همدانی سید محمد حسین، (۱۴۰۴ ه.ق)، انوار درخشان، تهران: کتابفروشی لطفی
  - ۸- حلی محقق نجم الدین جعفر بن حسن، (۱۴۰۸)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۲، قم: موسسه اسماعیلیان
  - ۹- دهخدا علی اکبر، (۱۳۳۸)، لغت نامه، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران، ج ۱۴
  - ۱۰- شایگان سیدعلی، (۱۳۴۵)، حقوق مدنی، چاپ اول، قم: انتشارات طه
  - ۱۱- شریف مرتضی علی بن حسین موسوی، (۱۴۰۵ ه.ق)، رسائل الشریف المرتضی، چاپ اول، قم: دارالقرآن الکریم، ج ۱
  - ۱۲- طوسی ابو جعفر محمدبن حسن، (۱۴۰۷ ه.ق) تهذیب الاحکام، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ج ۹، ص ۲۷۴، ش ۹۹۲
  - ۱۳- عاملی بهاء الدین محمد بن حسین و ساوجی نظام الدین بن حسین، بی تا، جامع عباسی و تکمیل آن، محقق: علی محلاتی حائری، چاپ اول، تهران: موسسه منشورات الفراهانی
  - ۱۴- عاملی شهید اول محمد بن مکی، (۱۴۱۰)، اللمعة الدمشقیه فی فقه الامامیه، چاپ اول، بیروت، دار التراث، دارالاسلامیه



- ۱۵- عاملی شهید ثانی زین الدین بن علی، (۱۴۱۳ ه.ق)، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، ج ۱
- ۱۶- عاملی شهید ثانی زین الدین بن علی، (۱۴۱۳ ه.ق)، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، ج ۱
- ۱۷- علی بن موسی الرضا (ع)، (۱۴۰۶ ه.ق)، فقه الرضا، محقق: موسسه آل البیت علیهم السلام در قم، چاپ اول، مشهد: موسسه آل البیت علیهم السلام
- ۱۸- فیض علیرضا، (۱۳۸۷)، مبادی فقه و اصول، چاپ نوزدهم، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران
- ۱۹- قربان نیا ناصر و همکاران، (۱۳۸۴)، بازپژوهشی حقوق زن، چاپ اول، تهران: انتشارات روز نو
- ۲۰- قرشی سید اکبر، (۱۳۷۷)، تفسیر احسن الحدیث، چاپ سوم، تهران: بنیاد بعثت، ج ۲
- ۲۱- قمی صدوق محمدبن علی بن بابویه، (۱۴۱۵ ه.ق)، المقنع، چاپ اول، قم: موسسه امام هادی (ع)
- ۲۲- قمی، صدوق، محمدبن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، مترجم: غفاری علی اکبر، بی تا، قم، ج ۶
- ۲۳- کاتوزیان ناصر، (۱۳۸۲)، حقوق مدنی (خانواده)، چاپ ششم، تهران: شرکت انتشار، ج ۱
- ۲۴- کلینی ابوجعفر محمدبن یعقوب، (۱۴۰۷ ه.ق)، الکافی (ط - الاسلامیه)، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۵
- ۲۵- گرجی ابوالقاسم و همکاران، (۱۳۸۷)، بررسی تطبیقی حقوق خانواده، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران
- ۲۶- مترجمان، (۱۳۷۷)، ترجمه تفسیر جامع الجوامع، چاپ دوم، مشهد بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ج ۱
- ۲۷- مکنون ثریا و صانع پور مریم، (۱۳۷۴)، بررسی تاریخی منزلت زن از دیدگاه اسلام، تهران: انتشارات تبلیغات اسلامی
- ۲۸- موسوی همدانی سید باقر، (۱۳۴۷) ترجمه تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، ج ۱۸
- ۲۹- مهرپور حسین، (۱۳۷۹)، مباحثی از حقوق زن، تهران: انتشارات اطلاعات
- ۳۰- نجفی صاحب جواهر محمد حسن، بی تا، جواهر الکلام فی شرائع الاسلام، چاپ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۳۱
- ۳۱- یشربی میرسید محمد، (۱۳۹۰)، حقوق خانواده ۱، چاپ اول، قم: انتشارات علامه بهبهانی
- مقالات
- ۳۲- یوسف زاده حسن، (۱۳۸۴)، جامعه شناختی مهریه، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۷
- ۳۳- ملک زاده فهیمه، (۱۳۸۸)، بررسی مهریه در حقوق موضوعه ایران، مطالعات اجتماعی - روانشناختی زنان، شماره ۴

- ۳۴- احمدیه مریم (۱۳۹۱)، اخلاق در خانواده، نشریه: مطالعات راهبردی زنان، تابستان ۱۳۸۰، ش ۱۲
- ۳۵- قلی زاده آذر و غفاریان سحر، ۱۳۹۰، آسیب شناسی مهر و عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی موثر بر آن، جامعه شناسی زنان، شماره ۱
- ۳۶- علیمردانی اسدالله، (۱۳۸۸)، بازشناسی قواعد حقوقی و اخلاقی حاکم بر مهریه و حقوق اسلامی، شماره ۱۶
- ۳۷- محمودی امامی نمینی، (۱۳۸۶)، ماهیت مهر و نقد مهریه‌های سنگین، مقالات و بررسی‌ها، ۳۵، ص ۸۶
- ۳۸- زندی محمدرضا، (۱۳۹۰)، جواز حبس مدیون ممتنع مماطل، قضاوت، شماره ۷۰
- ۳۹- اسحاقی تیموری آریتا، (۱۳۹۶)، بررسی نقش اخلاق در مهریه و حقوق خانواده در نظام حقوقی، دومین کنفرانس ملی حقوق - الهیات و علوم سیاسی، مرکز توسعه آموزش های نوین
- ۴۰- خباز مریم، (۱۳۹۱)، مصوبه مهریه ۱۱۰ سکه ای در ابهام، جام جم، شماره ۳۳۸۱

### پایان نامه

- ۱- اسدی الهام، (۱۳۹۲)، بررسی ابداعات و نوآوری های قانون جدید حمایت خانواده نسبت به مصوبات قبلی، دانشگاه ازاد اسلامی واحد ساوه، دانشکده علوم انسانی - حقوق، کارشناسی ارشد
- ۲- محمدشاه علی، بررسی تحولات و نوآوری‌های لایحه جدید حمایت خانواده، کارشناسی ارشد، حقوق خصوصی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، بهمن ۱۳۹۱

### سایت ها

- 1- <http://press.jamejamonline.ir/Newspreview/2144308366115495417>
- ۲- <http://vista.ir/article/228381>:سایت: ۱۳۹۱/۸/۲۰
- 3- <https://www.civilica.com/paper-CJLPO2-VJLPO2>

## ویژگیهای زندگی مطلوب در روانشناسی مثبت و مقایسه آن با زندگی مطلوب در منابع اسلامی

سید مرتضی حسینی مطلق<sup>۱</sup>

رحیم میر دریکوندی<sup>۲</sup>

### چکیده

هدف از انجام این پژوهش، بررسی ویژگیهای زندگی مطلوب از دیدگاه روانشناسی و اسلام و مقایسه بین آنهاست که با روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است. زندگی مطلوب از دیدگاه روانشناسان مثبت، از دو دیدگاه کلی لذت‌گرا و سعادت‌گرا مورد بررسی قرار گرفته است. امروزه روانشناسی مثبت، رویکردی سعادت‌گرا به زندگی مطلوب داشته و بر منش و فضیلت‌های فردی تأکید کرده‌اند و مراحل را برای تحقق زندگی مطلوب برشمرده‌اند. افرادی که به تمام مراحل زندگی مطلوب، نائل شوند به خود شکوفایی رسیده‌اند. آنچه برای طی کردن مراحل مختلف زندگی مطلوب لازم است، استفاده از کارکرد بهینه و بهره‌گیری از تمام استعدادها در جهت شکوفایی و دستیابی به توانایی‌های بالقوه افراد می‌باشد. زندگی مطلوب از دیدگاه اسلام، در گستره‌ای وسیع‌تر از آنچه در روانشناسی مثبت وجود دارد، طرح شده است؛ در دیدگاه اسلام، زندگی انسان دارای دو سطح دنیوی و اخروی است که ارتباط تنگاتنگی هم با یکدیگر دارند. زندگی مطلوب در منابع اسلامی، بر محور سعادت شکل می‌گیرد و افراد به هر اندازه که از اسباب سعادت بهره‌مند باشند، به همان میزان از زندگی مطلوب دنیوی و اخروی برخوردار خواهند بود. البته تحقق کامل اسباب سعادت دنیوی و عوامل زمینه‌ساز زندگی مطلوب اخروی، در دوره‌ای خاص از زندگی بشر-به خاطر تحولات عمیقی که در این دوره اتفاق می‌افتد- امکان دارد که از آن به دوره ظهور امام زمان (عج) یاد می‌شود.

### واژگان کلیدی

زندگی مطلوب، روانشناسی مثبت، شادکامی، حیات طیبه، سعادت، عصر ظهور، منابع اسلامی.

Email: Seyedm124@gmail.com

Email: mirderikvandi@qabas.net

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۱۲/۲۲

۱. کارشناسی ارشد معارف و روانشناسی

۲. استادیار گروه روانشناسی مؤسسه امام خمینی (ره)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۹/۱۹

## طرح مسأله

محققان بر این باورند که زندگی مطلوب و تلاش برای دستیابی به آن، نقش مهمی در زندگی فردی و اجتماعی خواهد داشت (اله بخشیان، ۱۳۸۷). جهت دستیابی به زندگی مطلوب از منظر دین می‌بایست، بین آدمی، جهان زندگی و خویشتن انسان آشتی برقرار کرد (جوادی آملی، ۱۳۸۹). متکفل برقراری این آشتی، سبک زندگی افراد است. سبک زندگی نمایانگر نگاه فرد به زندگی، جهان و ارزشهای مورد قبول اوست. بر اساس یافته‌های پژوهشی نیز، بین سبک زندگی و کیفیت زندگی رابطه معناداری وجود دارد (احمدی، ۱۳۹۴). مقاله پیش رو به بررسی سبک زندگی و نوع نگرش به جهان و همچنین ارزش‌هایی که منجر به زندگی مطلوب از نگاه روانشناسی مثبت و منابع دینی می‌شود، می‌پردازد.

## اهداف تحقیق

این تحقیق به دنبال آن است که زندگی مطلوب و ویژگی‌های آن را از نگاه اسلام و روانشناسی مثبت گرا بررسی کرده و با نگاهی توصیفی-تحلیلی به مقایسه و تطبیق این دو نگاه بپردازد.

## سوالات تحقیق

۱. ویژگی‌های زندگی مطلوب از دیدگاه روانشناسی مثبت چیست؟
۲. ویژگی‌های زندگی مطلوب از دیدگاه منابع اسلامی چیست؟
۳. تفاوت‌ها و شباهت‌های زندگی مطلوب در اسلام و در روانشناسی مثبت چیست؟

## مقدمه

محققان و متخصصان در طول سال‌ها علاقه مند به ارتقای زندگی‌هایی بوده‌اند که بتواند به طور کلی از لحاظ شخصیت اخلاقی، سلامت جسمانی، خشنودی، موفقیت، یا برتری، «خوب» تلقی شوند (ژوزف<sup>۱</sup> و لینلی<sup>۲</sup>، ۱۳۸۸، ص ۶۸). در طی دهه‌های گذشته روان‌شناسی مثبت‌گرا<sup>۳</sup> که به یکی از گرایش‌های عمده در روان‌شناسی تبدیل شده و به سرعت جایگاه مناسبی در این رشته یافته است و مداخلات روانشناسی مثبت به منظور ارتقای کیفیت زندگی، خشنودی بیشتر از زندگی، شادکامی و نشاط، دستیابی به بهزیستی و احساس ذهنی آسایش<sup>۴</sup>، سعادت‌مندی و خوشبختی می‌باشد. گسترش این کاربردها تا جایی است که در چند سال اخیر از درمان‌های مثبت‌گرا سخن گفته شده است (ژوزف و لینلی، ۲۰۰۶، ص ۴).

1. Joseph
2. Linley
3. positive psychology
4. subjective well-being

سعادت‌مندی و خوشبختی در مکتب اسلام هم از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده و اسلام، زندگی انسان را مورد توجه جدی قرار داده است. بینش اسلامی و معارف قرآنی، به زندگی انسان ها در دو مرحله دنیوی و اخروی نظر داشته و سعادت و داشتن یک زندگی خوب را یک هدف اساسی در مسیر تکامل او می‌داند. نمی‌توان بدون برخوردارگی از یک زندگی متعالی در دنیا، حیات اخروی مثبت داشت. برای آنکه حیات اخروی، آباد باشد، باید حیات دنیوی را نیز آباد ساخت. به همین جهت است که قرآن کریم درباره اهمیت آبادانی حیات دنیا می‌فرماید: «وَلاتنسِ نَصبیکَ مِنَ الدُّنیا»<sup>۱</sup> «بهرهات را از دنیا فراموش نکن.»

گرایش به یک زندگی خوب و لذتبخش، یکی از گرایش‌های فطری انسان است که با فرار از درد و رنج و ناراحتی، همراه است. معنای فطری بودن این گرایش آن است که ساختمان روح انسان طوری است که نمی‌تواند از لذت و خوشی صرف نظر کند.

آنچه در اینجا مورد توجه قرار می‌گیرد، بررسی زندگی مطلوب<sup>۲</sup> از نگاه روانشناسی مثبت‌گرا و منابع اسلامی و مقایسه ای بین آنهاست. اما از آنجایی که موانعی بر سر راه تحقق مطلق زندگی مطلوب وجود دارد، تحقق چنین زندگی که در اوج مطلوبیت باشد، با هموار شدن موانع در عصر ظهور امام زمان (عج) میسر خواهد شد.

### پیشینه تحقیق

پیشینه عام: از متفکران یونانی، افرادی همچون سقراط، افلاطون و ارسطو به موضوع سعادت و زندگی مطلوب پرداخته‌اند. سقراط، سعادت را غایت نهایی انسان می‌داند و آن را بیشترین غلبه لذت بر درد و رنج معرفی می‌کند. افلاطون معتقد است که سعادت آمیزه ای از معرفت عقلی و لذت بدنی و حسی است. ارسطو نیز از فعالیت نفس بر وفق فضیلت به عنوان آن امر خیری که غایت نهایی (سعادت) است، یاد می‌کند (پسندیده، ۱۳۹۲، ص ۲۰).

هر یک از روانشناسانی که در این حوزه به کار پرداخته‌اند نیز، عوامل و ابعاد خاصی معرفی کرده‌اند که هر فردی که واجد این ویژگی‌ها و ابعاد باشد دارای نسبتی از بهزیستی روانی است. روانشناسانی مانند فلوگل<sup>۳</sup> در سال ۱۹۲۵م، ویلسون<sup>۴</sup> در سال ۱۹۶۷م، نورمن بردبن<sup>۵</sup> در سال ۱۹۶۹م، و داینر<sup>۶</sup> در سال ۱۹۸۴م مطالعات تجربی خود را در زمینه بهزیستی شکل داده‌اند. می‌توان سودگرایان را پیشگام در تحقیقات مربوط به بهزیستی دانست که بر لذت‌ها و

۱. سوره قصص، آیه ۷۷

2. good life
3. Flugel
4. Wilson
5. Bradburn
6. Diener

دردهای هیجانی، ذهنی و بدنی که فرد تجربه می‌کند تمرکز داشتند. سودگرایانی چون جرمی بنتام معتقدند که وجود لذت و نبود درد ویژگی تعریف‌کننده یک زندگی خوب هستند و فردی که احساس شادی فراوانی دارد، یک مولفه کلیدی برای داشتن زندگی خوب را در اختیار دارد. (پسندیده، ۱۳۹۲، ص ۲۲)

پیشینه اختصاصی: سلیگمن با تاثیر پذیری از مدل ارسطویی چهار مرحله زندگی خوب را ترسیم می‌کند. او اولین شکل زندگی خوب را زندگی لذتبخش می‌نامد. دومین شکل زندگی خوب، زندگی درگیرانه است که در این زندگی تاکید بر فضیلت‌هاست. این فضیلت‌ها عبارتند از: شجاعت، خردمندی، اعتدال، تعالی، عدالت، رافت و انسانیت. (پترسون و سلیگمن، ۲۰۰۴). سومین نوع زندگی خوب از نظر سلیگمن زندگی با معناست. و آخرین مرحله از نظر سلیگمن زندگی کامل است. همچنین طی سال‌های گذشته و به ویژه دو دهه اخیر در ارتباط با موضوع این تحقیق، پژوهش‌هایی صورت گرفته است و شیوه‌هایی برای پایداری و افزایش خشنودی از زندگی و شادکامی، تعریف شده است؛ امانز<sup>۱</sup>، مک کلاف<sup>۲</sup> و تسانگ<sup>۳</sup> (۲۰۰۶) در مطالعه‌ای به بررسی مداخله‌ای درباره شکر پرداختند. شکر در متون روان‌شناسی مثبت‌گرا و شادکامی پایدار و اصیل، یکی از فضیلت‌های اساسی محسوب می‌شود و توانایی شکرگذاری، به شادکامی پایدار افراد می‌انجامد. سلیگمن و همکاران (۲۰۰۵) نیز در مداخله دیگری با عنوان «شمارش نعمت‌های زندگی» افزایش شادکامی و خشنودی از زندگی را بررسی کرده‌اند. لوبومیرسکی و همکاران (۲۰۰۶) در مطالعه دیگری، افزایش خشنودی از زندگی و افزایش شادکامی و ارزشمندی در زندگی را توسط مداخله مهربانی و شفقت نسبت به دیگران و بخشش، بررسی کرده‌اند. یافته این پژوهش آن بود که دانشجویانی که اعمال مهربانانه را در طی یک روز انجام داده بودند شادمان‌تر از دیگران بودند.

در کشور ایران نیز فعالیت‌هایی انجام گرفته است؛ مردانی نوکنده (۱۳۹۱) چیستی و ماهیت شادی در قرآن و روایات و راهکارهایی برای شاد زیستن را مورد مطالعه قرار داده است. حسین زاده (۱۳۹۱) به بررسی ویژگی‌های جامعه مطلوب از نظر قرآن پرداخته است. رجب نژاد، حاجی، طالب و رجب نژاد (۱۳۹۱) نیز در یک بررسی، به سبک زندگی اسلامی از منظر «حیات طیبه» در قرآن پرداخته‌اند. تابعی (۱۳۹۲) سبک زندگی مطلوب در خانواده‌های مسلمان را مورد بررسی قرار داده و آن را با سبک زندگی خانواده‌های معاصر مقایسه کرده است. یدالله پور، حسن زاده، فاضلی کبری (۱۳۹۲) به بهبود کیفیت زندگی از منظر اسلام و روانشناسان مثبت‌گرا

1. Emmons
2. Mccullough
3. Tsang

پرداخته، و معتمدی (۱۳۹۲) تحقیقی را تحت عنوان سبک زندگی مطلوب بر اساس دیدگاه ارتباطی نگاشته شده است.

### بیان مسأله

در طول تاریخ، آرزوی بهترزیستن با زندگی بشر عجین بوده و هیچگاه جدا نشده است. رؤیای مزبور، در زندگی انسان به گونه‌های مختلفی، توسط فلاسفه، مذاهب شرقی و روانشناسان متبلور شده و آنان را به شناسایی مفهوم "زندگی مطلوب" به بحث و بررسی کشانده است؛ از مدینه فاضله افلاطونی گرفته تا مدینه فاضله فارابی و از مدینه فاضله کمونیست‌ها و سوسیالیست‌های تخیلی و بهشت موعود آنان گرفته تا مدینه فاضله عصر روشن‌گری، هر کدام از منظر خود به ارایه دیدگاه پرداخته اند. فلاسفه در توصیف زندگی مطلوب به فضایی همچون حکمت، صداقت و وظیفه‌مداری اشاره کرده‌اند. افرادی مانند سقراط، افلاطون و ارسطو معتقدند که زندگی مطلوب، زندگی است که در آن، فرد با استفاده از دانش و فضایل به یک حالت ایده آل دست یابد. آنان بر این باورند که زمانی که مردم یک زندگی با فضیلت را پیگیری کنند به یک شادمانی اصیل دست پیدا می‌کنند. اما برخی دیگر از فیلسوفان یونانی مانند اپیکوروس و فایده‌گرایان معتقدند که شادی در واقع محصول احساسات مثبت و لذت است (هفرون<sup>۱</sup> و بونیول<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱، ص ۳ و لویز<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹، ص ۴۳۹).

ارسطو بر این باور است که افراد باید به فعالیت‌هایی اقدام کنند که به رشد مهارت‌های ضروری برای رسیدن به سعادت یا آنچه جامعه مدرن آن را به عنوان "زندگی مطلوب" می‌پندارد، کمک می‌کند. سعادت گاهی به معنای شادمانی ترجمه شده است، اما معنای دقیقتر آن، توصیفی است برای تلاش به سمت پتانسیل واقعی فرد. تلاش برای دستیابی به اهداف و شکوفایی استعدادها، همیشه خوشایند و همراه با شادی نیست؛ اما در عین حال به رشد انسان منجر می‌شود. بر خلاف دیدگاه لذت‌گرا، آنچه نقش اصلی را در تحقق پتانسیل‌های واقعی افراد ایفا می‌کند، تلاش و مجاهده است. ارسطو می‌گوید، بر اساس دیدگاه شادمانی مبتنی بر لذت، زندگی مطلوب، زندگی است پر از لذت اما خالی از تلاش. تحقیقات نشان داده است که بالاترین سطح رضایتمندی، در تجربه‌ای است که افراد کارهایی را که به اتمام می‌رسانند، توأم با فداکاری جسمی و عاطفی و در خدمت رشد و توسعه مهارت‌ها و نقاط قوت، برای بهره‌برداری در آینده باشد (لویز، ۲۰۰۹، ص ۴۳۹).

در حوزه روانشناسی مثبت نیز، بحث گسترده‌ای در مورد تعریف و مولفه‌های زندگی

- 1 . Hefferon
- 2 . Boniwell
- 3 . Lopez

مطلوب وجود دارد. ریشه‌های فلسفی و تاریخی روانشناسی مثبت‌گرا، به فلسفه ارسطو باز می‌گردد و در نظریه کمال و رشد ارسطویی و همچنین در رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا، مفهوم زندگی نیک (مطلوب) و شادکامی با مفهوم کارکرد مطلوب ارتباط دارند (پسنندیده، ۱۳۹۲، ص ۱۹).

در تعریف روان‌شناسی مثبت‌گرا، شلدون و کینگ این رشته را مطالعه علمی فضائل و نقاط قوت (توانمندی‌های) افراد عادی معرفی می‌کنند (شلدون<sup>۱</sup> و کینگ<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱، ص ۲۱۶). گیبیل و هایت روان‌شناسی مثبت‌گرا را مطالعه شرایط و فرایندهای دخیل در شکوفایی یا عملکرد بهینه افراد، گروه‌ها و نهادها می‌دانند (گیبیل<sup>۳</sup> و هایت<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵، ص ۱۱۰).

روان‌شناسی مثبت با توجه به اینکه به آسایش روانی و کارکرد بهینه می‌پردازد، در بدو امر شاید یک پیوست روان‌شناسی بالینی یا بخشی از آن باشد اما ما چیز دیگری معتقدیم. باور ما این است که افرادی که شدیدترین فشارهای روان‌شناختی را تحمل می‌کنند در زندگی به دنبال امری به مراتب بیشتر از تسکین یافتن از درد و رنج هستند. افراد دچار مشکل در پی خشنودی بیشتر، لذت بیشتر و رضایتمندی بیشترند تا صرف کردن غم و نگرانی. آنان به دنبال ساخت نقاط قوتند نه اصلاح نقاط ضعفشان، آنها به دنبال زندگی معنادار و دارای قصد و هدفند. بدیهی است که این شرایط به سادگی و با رفع درد و ناراحتی حاصل نمی‌شوند. «داک ورث<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۰۵، ص ۶۳۰).

بدین ترتیب روان‌شناسی مثبت‌گرا را می‌توان مطالعه علمی تجارب و عواطف مثبت آدمی، توانمندی‌ها و فضیلت‌های شخصی و خشنودی و شادکامی (سعادت‌مندی) آدمیان تعریف کرد (براتی سده، ۱۳۸۸، ص ۲۹).

این مفهوم یعنی "زندگی مطلوب" از آموزه‌های کارل راجرز و آبراهام مزلو ساخته شده است. هدف اساسی راجرز، درمانی است برای کمک به افراد برای بهبود عملکرد خود بر اساس کشف و بیان خویشتن. مزلو نیز در همین مسیر، به مفهوم خودشکوفایی اشاره می‌کند؛ خودشکوفایی که از دسترسی به طیف گسترده‌ای از استعدادها و توانایی‌ها بدست می‌آید. نظریه خود مختاری نیز بر این اصل استوار است که تحقق خود کلیدی است برای رفاه و یک زندگی مطلوب (لوپز، ۲۰۰۹، ص ۴۴۰).

سلیگمن در بررسی زندگی مطلوب، بر روی نقاط قوت و فضایل تاکید می‌کند. وی شش

1. Sheldon
2. King
3. Gable
4. Haidt
5. Duckworth



فضیلت را به عنوان ویژگیهای اساسی مورد تایید تقریباً تمامی سنت های مذهبی و فلسفی تلقی کرده است. این شش فضیلت عبارتند از: خرد و دانش، شجاعت، رأفت و عشق، عدالت، میانه روی، معنویت و تعالی. روانشناسان مثبت گرا، عناوینی را برای روانشناسی مثبت ترتیب داده‌اند که یکی از آن عناوین، مطالعه زندگی خوب است (سلیگمن<sup>۱</sup>، ۱۳۹۱، ص ۱۷۲).

هم در رویکرد ارسطویی و هم در رویکرد روانشناسی مثبت، مفهوم کارکرد بهینه مرتبط با مفهوم زندگی خوب، روان بهزیستی یا شادی است. مدل ارسطویی زندگی خوب، لذت سعادت طلبانه، "خوب بودن و خوب رفتار کردن برای خوب بودن" است. لذت طلبی محض روانی یا اصل سودمندی که فیلسوفی به نام بنتام آن را این گونه نامیده است، بخشی از روانشناسی مثبت است اما بیشتر روان شناسان مثبت رویکرد سعادت طلبانه به زندگی خوب را برگزیده‌اند. رویکرد سعادت طلبانه به تمام ابعاد شخص، کارکرد بهینه او و رشد در همه ابعاد زندگی می پردازد (ژوزف و لینلی، ۱۳۸۸، ص ۵۰).

سلیگمن با انتخاب مدل ارسطویی رشد از ساده به پیچیده، به عنوان موضوع اصلی خود، چهار مدل متفاوت را برای زندگی خوب مسلم فرض می کند. او ساده ترین شکل زندگی خوب را «زندگی خوشایند» می نامد. سلیگمن زندگی خوشایند را این گونه توصیف می کند: یک زندگی که به طور موفقیت آمیزی هیجانانگیز مثبت را در مورد گذشته و حال و آینده دنبال می کند. مشخصه زندگی خوشایند هیجانانگیز مثبت است. مفهوم زندگی خوشایند شبیه مفهوم زندگی خوب توصیف شده در رویکرد لذت طلبی محض است. اما آنچه سلیگمن زندگی خوب می نامد پیچیده تر از زندگی خوشایند است. دومین نوع زندگی خوب، زندگی درگیرانه است. یک زندگی خوب طبق نظر سلیگمن این است: «استفاده از توانایی های شخصی برای دستیابی به رضایتمندی فراوان در حوزه های اصلی زندگی». بنابراین یک زندگی خوب زندگی ای است که در آن از استعدادها، توانایی های شخصی در حوزه های مهم زندگی برای به دست آوردن رضایتمندی استفاده می شود. دیدگاه سلیگمن این است که زندگی خوب به معنای استفاده از توانایی های شخصی، تحقق شخصیت خود یا ماهیت بنیادی فضایل خود است. سومین نوع زندگی خوب که به فرد با کارکرد بهینه نزدیک تر است از نظر سلیگمن «زندگی با معنا» است. انسان در زندگی با معنا علاوه بر داشتن زندگی خوب به دنبال چیزی فراتر است. سلیگمن زندگی با معنا را اینگونه تعریف می کند: «زندگی با معنا یعنی استفاده از توانایی ها و فضایل شخصی در جهت چیزی بزرگتر از آنچه که هستی». اما وی معنای فراتر از خود بودن را بر عهده فرد می گذارد. پیچیده ترین نوع زندگی خوب از نظر سلیگمن «زندگی کامل» است. این نوع از زندگی

خوب بر پایه هر سه نوع زندگی قبلی ساخته می‌شود و دارای همه ویژگیهای آنهاست. زندگی کامل یعنی: «درک احساسات مثبت از لذت‌ها، دستیابی به رضایتمندی فراوان از توانایی‌های شخصی و استفاده از این توانایی در جهت چیزی فراتر از خود و برای یافتن معنای زندگی» (ژوزف و لینلی، ۱۳۸۸، صص ۵۳-۵۱).

زندگی مطلوب علاوه بر اینکه در بین فلاسفه و روانشناسان مورد بحث قرار گرفته، قبل از آن در بین ادیان خصوصاً اسلام در ابعاد زندگی فردی و اجتماعی مورد توجه بوده است. همانطور که در ادبیات فلاسفه و روانشناسان در تعریف زندگی مطلوب از واژه‌هایی همچون لذت، شادکامی، رضایتمندی و بهزیستی استفاده شده است، مکتب اسلام، یک زندگی خوب و ایده آل را بر محور "سعادت" بنا نهاده است. واژه‌هایی همچون شادکامی، رضایتمندی و بهزیستی در روانشناسی به حوزه معنایی سعادت، اختصاص دارند (عبدی، ۱۳۹۱، ص ۱۱).

بنابراین، ساختار شادکامی در اسلام با تعریف سعادت متناسب است. سعادت‌تی که سه مولفه اساسی دارد: «خیر» که مربوط به ماهیت آن چیزی است که انسان در زندگی با آن روبرو می‌شود. «سرور» به بعد هیجانی زندگی اشاره دارد و «پایداری» به بعد زمانی دوتای دیگر. سعادت وقتی به دست می‌آید که از یک سو روند زندگی، مبتنی بر خیر باشد و از سوی دیگر با سرور و خردسندی همراه باشد و در عین حال این دو پایدار باشند، نه مقطعی و موقتی. پس سعادت، حالتی است پایدار از زندگی شاد و خوب (پسندیده، ۱۳۹۲، ص ۳۷).

البته، هرچند واژه لذت و سعادت مترادف هم نیستند ولی مساله سعادت بی ارتباط با لذت نیست و مفهوم لذت، نزدیکی زیادی با مفهوم سعادت دارد. حقیقت سعادت، بازگشتن به این است که انسان لذت دائمی و فراگیر داشته باشد، خوشبختی و سعادت چیزی جز این نیست که انسان بتواند لذت دائمی و پایدار و همه جانبه ببرد، و این که لذت و سعادت با هم ذکر می‌شود به خاطر همین است (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ص ۱۸۷).

همچنین مفاهیمی چون سعادت، فوز و فلاح نیز خیلی به هم نزدیک اند و گاهی به جای مفهوم سعادت، مفاهیم خوشبختی، نیک بختی و نیز مفهوم فلاح و رستگاری و فوز و کامیابی را به کار می‌بریم. قرآن در مواردی واژه فلاح را به کار برده است. فلاح به معنای رستگاری به کار می‌رود. رستن از گرفتاریها و رنج‌ها و موانع و رسیدن به هدف و مطلوب. پس رستگاری یعنی خلاص شدن از گرفتاری، که ملازم با سعادت است. کلمه فوز هم به معنای کامیابی و رسیدن به مطلوب است اعم از مطلوب مادی و معنوی (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ص ۳۲). از آنجایی که حیات انسان دارای دو سطح دنیوی و اخروی است، الگوی سعادت اسلامی نیز در دو سطح «سعادت دنیوی» و «سعادت اخروی» قابل طرح است.

در عصر ظهور امام زمان (عج) نیز، زندگی انسان از حیث مطلوبیت، به اوج خود می‌رسد و

انسان ها، زندگی توأم با سعادت را در حد کمال، تجربه خواهند کرد. اعتقاد به زندگی برتر در بین مسلمانان ریشه در کتاب آسمانی، قرآن کریم دارد؛ خداوند در قرآن کریم به آنانی که ایمان و عمل صالح دارند نوید می دهد که خداوند حکومت زمین را به دست آن ها می سپرد، دین آن ها نیرومند و قوی می گردد و در نتیجه آرامش و امنیت جانشین خوف و نا آرامی می شود:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيُثَبِّتَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا أَثَبَّتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُؤْتِيَنَّهُمُ الدِّينَ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُثَبِّتُنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا»<sup>۱</sup>

علاوه بر آیات قرآن، روایات ائمه معصومین (ع)، زندگی در عصر ظهور را توصیف و تبیین کرده اند. بر اساس روایات مهدویت، عصر ظهور، دوران حیات طیبه و حیات معقول انسانی است و عصر حاکمیت عقلانیت و معنویت بر افراد و جوامع و دوره بهزیستی و کمال گرایی است که کمتر نظیری می توان برای آن تصور کرد. در این عصر، تمامی ظرفیت ها و استعداد های فطری و عقلی انسان، شکوفا می شود و با تربیت اخلاقی و عقلانی او، حیات نوینی فرا روی او گشوده می شود. امام باقر (ع) می فرماید:

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ وَ أَكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ وَ كَمَّلَتْ بِهِ أَخْلَامَهُمْ»<sup>۲</sup>

هنگامی که قائم ما قیام کند دستش را بر سر بندگان می گذارد و خرده های آن ها را گرد می آورد و اخلاقشان را کامل می گرداند، و به وسیله او به رشد و کمال می رسند. این زندگی از مؤلفه ها و شاخصه هایی برخوردار است که می توان به گسترش عدالت، رشد آگاهی و دانش، رشد عقل و خرد ورزی، برقراری امنیت اجتماعی، رفاه اقتصادی و معیشتی اشاره کرد.

### روش تحقیق

روش این پژوهش از لحاظ غایت و هدف، بنیادی در مقابل کاربردی و از لحاظ ماهیت و روش توصیفی - تحلیلی و از نوع کتابخانه ای و بررسی متون است.

تحقیقات بنیادی نظری با رویکرد قیاسی و با تکیه بر خلاقیت ذهنی و دانش پیشین، اطلاعات و مواد اولیه تحلیل منطقی و استدلال قیاسی گزاره های نظری جدید تولید و ارائه می گردد. این گزاره ها می توانند مبنای جدیدی برای تحقیقات تجربی قرار گیرند (حافظ نیا، ۱۳۸۹، ص ۵۹).

### مقایسه و نتیجه گیری

در بررسی ادبیات روانشناسی، مشکل می توان با این عقیده که مفهوم روانشناختی زندگی

۱. سوره نور، آیه ۵۵

۲. الکافی، جلد ۱، صفحه ۲۵

خوب، نبود اختلال روانی است، مخالفت کرد. نگاهی به متغیرهای مختلف زندگی خوب، به مطرح کردن این پرسش منتهی می‌شود که آیا یک زندگی خوب لزوماً یک زندگی شاد است؟ (لینلی و ژوزف، ۱۳۸۸، ص ۷۰). اگرچه شادی بیشتر به عنوان پیامد شرایط زندگی یا سازش به حساب می‌آید اما خود شادی پیامدهای مثبت زیادی دارد. این پیامدها شامل روابط رضایت بخش، موفقیت شغلی، سازش زیاد، سلامت جسمانی، و بقای زندگی هستند. بنابراین افراد شاد ظاهراً در بسیاری از زمینه‌ها موفق‌اند. اما در عین حال محققانی که انرژی‌شان را بر روی مفهوم «شادی» متمرکز کرده‌اند ادعا نمی‌کنند که شادی تنها خوبی حقیقی زندگی است یا باید باشد. در حقیقت هیچ فردی در روانشناسی طرفدار یک زندگی لذت‌جویانه محض نیست (همان، ص ۷۴).

امروزه اکثر مردم شادکامی را یک احساس لذت تلقی می‌کنند و رویدادهای لذت بخش و شادکامی را به هم مرتبط می‌کنند. هر کسی لذت را دوست دارد اما اکثر ما در پی یک زندگی مملو از فقط احساسات خوب نیستیم. به تعبیر بهتر، همه لذت‌ها لذت‌های ساده حسی نیستند. جان استوارت میل فیلسوف از لذت‌های عالیتر که از هنر، موسیقی، فلسفه، مذهب و مانند آن حاصل می‌شود صحبت می‌کند. اگر صادق باشیم قبول داریم که لذت به تنهایی کافی نیست. زندگی با مصرف مواد، سکس، نوشیدنی‌گوارا و کتاب‌های خوب یک زندگی آرمانی برای هیچ کس نیست (فرانکلین، ۱۳۹۰، صص ۲۴-۲۲). لذت موجب شادکامی نیست بلکه اغلب محصول حاشیه‌ای کمال است. کلید عمر طولانی یا زندگی خوب، شکوفایی است نه لذت (همان، ص ۳۵). «حیات طیبه»، روشن‌ترین واژه‌ای است در قرآن که می‌توان معادل زندگی مطلوب در روانشناسی قرار داد. این حیات طیبه بر محور «سعادت» شکل می‌گیرد؛ سعادت حالتی است پایدار از زندگی شاد و خوب (خیر). این مفهوم یعنی سعادت، با خلاص شدن از گرفتاریها و رنج‌ها و موانع و رسیدن به هدف و مطلوب، ملازم است. در عصر مهدی موعود (عج)، است که این حیات طیبه با ویژگیهای کامل آن محقق شده و این دوره را از اعصار دیگر متمایز می‌گرداند. زندگی مطلوب در عصر امام زمان (عج) از شاخصه‌هایی برخوردار است که همه انسان با تشکیل شدن جامعه جهانی و زندگی برتر به قدر ظرفیت‌شان، بهره‌مند خواهند شد.

### نتیجه‌گیری

در مقام و مقایسه بین زندگی مطلوب در روانشناسی و مکتب اسلام، و همچنین مقایسه بین آرمانشهرهایی که بستر زندگی مطلوب را فراهم می‌آورند، چند نکته مهم و قابل توجه است:

۱. سعادت در مکاتب مادی، عمدتاً دنیایی تعریف شده است، روانشناسی نیز همین سطح از معنا را پذیرفته است و دین را به لحاظ ماهوی این گونه تعریف کرده‌اند که لاجرم، تاثیر و تاثرات آن را باید در همین سطح، نگاه کرد. در تحقیقات حوزه روانشناسی مثبت، موضوعاتی مانند

مذهب و فضایل اخلاقی از قبیل گذشت، تواضع را مشاهده می کنیم؛ اما تاثیرت این مفاهیم در حوزه هایی بحث شده اند که در حوزه های دنیایی محسوب می شوند (عبدی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۴). نمونه آن رابطه مذهب با شادکامی، رضایت از زندگی و بهداشت روانی است. برای روانشناسی مفهومی مانند آخرت، مفهومی شناخته شده نیست. البته مکتب اسلام، نه تنها با لذت‌های مشروع مخالف نیست، بلکه بر آن تأکید دارد و آن را جزئی از شادکامی می‌داند. با این حال، رویکرد مبتنی بر لذت در زندگی خوب و سعادت‌مند ندارد. از طرف دیگر، اسلام نه تنها درد و رنج را با زندگی خوب در تضاد نمی‌داند، بلکه آن را جزئی از زندگی خوب به شمار می‌آورد و کسانی را که رنج نبینند، در مسیر سعادت نمی‌داند. دلیل آن نیز این است که منطق اسلام، مبتنی بر «خیر» است. رویکرد اسلام، نه لذت‌گراست و نه محنت‌گرا؛ بلکه رویکردی خیرگرا دارد و در این میان، درد و رنج، گاهی تأمین کننده خیر و سعادت بشر است. بر همین اساس، درد و رنج، جزئی از سعادت به شمار می‌رود. به همین جهت است که پیامبر خدا (ص) در روایتی تصریح می‌کند که کارهای دنیا، شادباش با اندوه درآمیخته است.<sup>۱</sup> و خدا به کسی که از مال و بدنش برای او بهره‌ای نیست، نیازی ندارد.<sup>۲</sup> امام زین العابدین (ع) نیز همواره تأکید داشتند که «من برای مرد نمی‌پسندم که در دنیا عافیت داشته باشد و هیچ مصیبتی به او نرسد.<sup>۳</sup> امام باقر (ع) نیز در روایتی دیگر می‌فرماید: همانا خدای عزوجل مؤمن را با بلا، دلجویی می‌کند، چنان که مرد با هدیه‌ای که از سفر برای خانواده‌اش می‌برد، از آنها دلجویی می‌کند، و خدا مؤمن را از دنیا پرهیز می‌دهد چنان که پزشک، بیمار را پرهیز می‌دهد.<sup>۴</sup> در فرمایشی از پیامبر اکرم (ص) نیز وارد شده که: «کسی که بلایی نبیند، خدا به او نیازی ندارد».<sup>۵</sup>

اگر انسان به دنبال یک زندگی آرام و به دور از رنج و سختی باشد، تحمل فشارها و سازگاری با آنها برایش بسیار مشکل تر است. بنابراین رویارویی با مشکلات و درد و رنج در زندگی امری گریز ناپذیر است. بر اساس متون اسلامی، مردم در زندگی دنیا در پی آسایش کامل هستند اما این امر در آخرت خواهد شد، نه در زندگی دنیا، چراکه انسان در کانونی از سختی و رنج آفریده شده است.<sup>۶</sup> بنابراین در دنیا به دنبال هر لذتی، رنج و ناملایماتی نیز پدید

۱. أُمُورُ الدُّنْيَا يَتَسَوَّبُ سُرُورَهَا حُرَّتُهَا. (بحار الأنوار، جلد ۲۲، صفحه ۵۰۳)

۲. لَا حَاجَةَ لِلَّهِ فِيمَنْ لَيْسَ لَهُ فِي مَالِهِ وَ بَدَنِهِ نَصِيبٌ. (الكافي، جلد ۲، صفحه ۲۵۶)

۳. كَانَ عَلِيٌّ بَنُ الْأَحْسَنِ يَقُولُ إِنِّي لَأَكْرَهُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَعَاقِيَ فِي الدُّنْيَا فَلَا يَصِيبُهُ شَيْءٌ مِنَ الْمَضَائِبِ. (همان)

۴. إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَيَتَعَاهَدُ الْمُؤْمِنَ بِالْبَلَاءِ كَمَا يَتَعَاهَدُ الرَّجُلُ أَهْلَهُ بِالْهَدِيَّةِ مِنَ الْغِيَةِ وَ يَحْمِيهِ الدُّنْيَا كَمَا يَحْمِيهِ الطَّيِّبُ الْمَرِيضَ. (همان)

۵. ... مَنْ لَمْ يَرُزْأَ فَمَا لِلَّهِ فِيهِ مِنْ حَاجَةٍ. (الكافي، جلد ۲، صفحه ۲۵۶)

۶. لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ. (سوره بلد، آیه ۴)

می‌آید و ممکن است فرد دچار ترس، فشار اقتصادی، فقدان عزیزان شود؛ پس شادی مطلق در دنیا وجود ندارد و کسانی که در دنیا در صدد به دست آوردن شادی مطلق هستند، دستیابی به آن در دنیا امکان پذیر نیست، مگر برای کسانی که خود را به گونه ای ساخته اند که تلخی‌ها نیز برای آنها شیرین است.

۲. در صورت تاکید بر تک گرایی شادمانی، نتیجه به این امر منتهی خواهد شد که همسرانی که دارای فرزند هستند به طور متوسط، شادکامی و رضایت از زندگی کمتری در مقایسه با همسران بدون فرزند دارند (سلیگمن، ۱۳۹۲، ص ۳۰). در حالی که مکتب اسلام، داشتن فرزند و احترام به والدین را از عوامل سعادت و زندگی مطلوب می‌شمارد.

۳. تفاوت اساسی بین آرمانشهرهای افلاطون و دیگران و بین آرمانشهر مهدوی (عج) در امکان تحقق آن است. به عنوان نمونه، افلاطون خود به عدم امکان تاسیس آرمانشهرش اقرار کرده و آن را به نقاشی زیبایی از یک انسان تشبیه نموده است که وجود خارجی آن قابل اثبات نیست و به وجود خیالی آن اکتفا کرده است. او می‌گوید: اگر نتوانیم امکان تاسیس شهری که با این نمونه مطابقت داشته باشد، را ثابت کنیم، آیا از ارزش سخن ما کاسته می‌شود (مکارم، ۱۳۷۷، ص ۲۱). تامس مور نیز درباره تحقق آرمانشهر خود، افسوس می‌خورد که محل جغرافیایی آن در هیچ نقشه ای قابل کشف نیست. او مانع تحقق این نظام را غرور بنی آدم می‌داند و نام روایتگر این مدینه را «رافائل» گذاشته که به معنای «یاوه سرا» است و در پایان اقرار می‌کند که نمی‌تواند حرف‌های رافائل را باور کند (همان، ص ۲۳).

بله؛ از آنجایی که فارابی، نظام لازم در آرمانشهر و اداره این مدینه فاضله‌اش را، طرح شده در قوانین اسلامی می‌داند، لذا دنبال ارائه مقررات اجرائی آن نرفته و در صدد ذکر مبانی کلی و فلسفی آن بوده است. بقیه نظام‌ها و آرمانشهرها نیز یا اذعان به عدم تحقق آرمانشهرهایشان کرده‌اند و در مرحله خیال و توهم باقی مانده و یا مخترعین این آرمانشهرها، صحبتی از امکان تحقق آن به میان نیاورده‌اند؛ اما مدینه فاضله در عصر ظهور، به گواهی آیات قرآن بدون هیچ گونه تردیدی محقق خواهد شد ان شاءالله.

## فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. اله بخشیان، مریم. (۱۳۸۷ش). ارتباط سلامت معنوی و کیفیت زندگی. فصلنامه طبیب شرق. ش ۳.
۳. احمدی، محمد سعید. (۱۳۹۴ش). رابطه باورهای دینی و سبک زندگی با کیفیت زندگی. مجله زن و مطالعات خانواده. ش ۳۰.
۴. براتی سده، فرید. (۱۳۸۸ش). اثر بخشی مداخلات روانشناسی مثبت گرا جهت افزایش نشاط. رساله دکتری دانشگاه علامه طباطبایی.
۵. پسندیده، عباس. (۱۳۹۲ ش). الگوی اسلامی شادکامی. قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
۶. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۹ش). سرچشمه اندیشه. قم: انتشارات اسراء.
۷. حافظ نیا، دکتر محمد رضا. (۱۳۸۹ ش). مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: انتشارات سمت.
۸. سلیگمن، مارتین ای. پی. (۱۳۹۱ ش). شادمانی درونی. ترجمه: مصطفی تبریزی، رامین کریمی، علی نیلوفری. تهران: نشر دانژه.
۹. عبدی، حمزه. (۱۳۹۱ ش). سعادت و شادکامی از دیدگاه اسلام. قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
۱۰. فرانکلین، ساموئل. اس. (۱۳۹۰ ش). روانشناسی شادکامی: زندگی انسانی خوب. تهران: نشر سخن.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۹ ه.ق). الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۱۲. لینلی، آکس؛ ژوزف، استفن. (۱۳۸۸ ش). روان شناسی مثبت در عمل. ترجمه: دکتر احمد برجعلی، سعید عبدالملکی. تهران: موسسه نشر پنجره.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۷ ش). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه. چاپ پنجم.
۱۴. مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۷۶ ش). اخلاق در قرآن. قم: انتشارات موسسه امام خمینی (ره).
۱۵. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۰۳ ه.ق). بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار الأئمه الأطهار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
16. Duckworth, A.L. Steen, T.A. Sligman, M.E.P. (2005). positive psychology in clinical practice. Annual Review of clinical psychology.
17. Gable, S.L. Haidt, j. (2005). What is positive psychology. Review of General psychology.
18. Lopez, Shane. (2009). encyclopedia of positive psychology. Blackwell
19. Sheldon, K.M. King, L. (2001). Why positive psychology is necessary. American psychologist.
20. Hefferon, Kate & Boniwell, Ilona. (2011). Positive Psychology Theory, Research and Applications.





## بررسی رابطه اخلاق کار و رفتار شهروندی سازمانی در کارکنان منتخب دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران

محمد رضا ربیعی مندجین<sup>۱</sup>

سعید صیاد شیرکش<sup>۲</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر باهدف شناسایی رابطه اخلاق کار و رفتار شهروندی سازمانی در کارکنان منتخب دانشگاه علوم پزشکی خدمات بهداشتی درمانی تهران انجام شده است. روش پژوهش از نوع کاربردی و از نوع تحقیقات توصیفی پیمایشی محسوب می‌شود. جامعه آماری شامل کارکنان منتخب دانشگاه علوم پزشکی تهران که تعداد آنها بالای ۲۰۰۰ نفر هستند، و حجم نمونه طبق فرمول کوکران تعداد ۴۲۶ نفر انتخاب شد. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه است که روایی آن توسط خبرگان و پایایی آن از طریق روش آلفای کرونباخ تایید شده است. از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف برای سنجش نرمال یا غیرنرمال بودن داده‌های تحقیق استفاده شده و همچنین از آزمون پیرسون در راستای تایید یا عدم تایید فرضیات تحقیق استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که دقت، میل و رغبت کار، وظیفه‌شناسی، آزادی عمل، ابتکار، احساس مسئولیت، صادقانه کار کردن، اعتقاد به کار، انگیزه، چابکی در کار، احساس کارآمد بودن و همچنین کار را با جدیت انجام دادن و مراعات دیگران، تابع جمع بودن و روحیه کارجمعی از بعد اخلاق کار می‌تواند با اتخاذ هرگونه تصمیم به موقع در کار، جلوگیری از اعتراضات، کمک به تازه کارها، تحمل کار سنگین، سروقت حاضر شدن در محیط کار، شرکت در جلسات، نگهداری پاکیزه محل کار و نهایتاً با پیشرفتهای سازمانی ارتباط دارد. یافته‌ها حاکی از این است که بین اخلاق کار و رفتار شهروندی سازمانی در کارکنان دانشگاه رابطه وجود دارد و در دانشگاه تاثیر به‌سزایی دارند.

### واژگان کلیدی

اخلاق کار، رفتار شهروندی سازمانی.

۱. استادیار و عضو هیأت علمی دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.  
Email: m.rabiee2012@yahoo.com

۲. استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.  
Email: saeed.sayad@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۱/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۵

## طرح مسأله

در عصر حاضر که مدیران با تنوع ارزشی و فرهنگی در محیط کار مواجه هستند، مدیریت اخلاق از جایگاه و اهمیت والایی برخوردار است. بحث اخلاق، در حقیقت عمده ترین چالش مدیریت است. در بررسی تجزیه و تحلیل سازمان ها، دستیابی به درک مفاهیم اخلاق و ارزش های اخلاقی یکی از الزامات حیاتی است. نماد بیرونی سازمان ها را رفتارهای اخلاقی آن ها تشکیل می دهد که خود حاصل جمع ارزش های گوناگون اخلاقی است که در آن سازمان ها ظهور و بروز یافته است. رعایت اخلاق و حفظ ارزش های اخلاقی به صورت یکی از مهمترین پدیده هایی است که در بیشتر سازمان ها مورد توجه قرار می گیرد. اخلاق اگر چه مفهومی دیرپا دارد، ولی در حیطه سازمان دانشی نو است. از اواسط قرن بیستم به تدریج دانش اخلاق حرفه ای، اخلاق سازمانی و اخلاق کار در سازمان ها ریشه دواند و سازمان ها شروع به حرکتی سازمان یافته برای ترویج، توسعه و مدیریت اخلاق کردند (عنایتی و دیگران، ۱۳۹۲، ۵۵). اخلاق و اصول اخلاقی ۱ نمی توانند مجزا از هم باشند و عموماً به طور هم معنا بکار گرفته می شوند. صاحب نظران اخلاق کار را بیان گر حد یا قدر و منزلتی می دانند که هر فرد برای کار باور دارد. اخلاق کار قوی متضمن این باور است که سخت کار کردن رمز موفقیت و سعادت است. پژوهشگران دریافته اند که اخلاق کار قوی با بهره وری، ابتکار، نیاز به کسب موفقیت، رضایت شغلی، درآمد بیشتر و نگرش ها و باورهای محافظه کارانه بیشتری همراه است (فارنهام و کوریتساس، ۱۹۹۰، ۴۳). در سال های اخیر نگرانی گسترده ای از کاهش اخلاق کار ایجاد شده است. برای مثال براساس یک مطالعه مشاهده ای از رفتار کارکنان طی یک دوره دو ساله، کارکنان فقط ۵۱ درصد از روز کاری را به طور واقعی کار می کردند و بقیه ۴۹ درصد به فعالیت های غیرمولد مانند خوردن چای، گفتگوهای خصوصی با همکاران و دیر حاضر شدن بر سر کار و زود ترک محل کار می گذشت (هیون، ۱۹۹۰، ۵۵).

برخی از کارشناسان بر این باورند که اخلاق کاری به وسیله برخی از مدیران سرکوب شده است، زیرا مدیریت به جای این که اخلاق کاری را تقویت نماید اغلب با اقدام هایی که انگیزه سخت کوشی را سرکوب می کند موجبات بی نتیجه ماندن فعالیت های افراد را پدید می آورد (گوردون، ۱۹۹۰، ۲۵). برای مثال با پرداخت دستمزد ساعتی انگیزه حاضر شدن در محل کار را در آنان ایجاد می کند، ولی ضرورتاً آنان را به طور کامل مولد بار نمی آورد. گذشته از آن واگذاری کارهای گنگ، تکراری و غیرچالشی نه تنها زمینه سخت کوشی کارکنان را فراهم نمی آورد، موجب می شود که آنان از زیر کار شانه خالی کنند. لذا تحقیق حاضر بر آن است تا به

بررسی رابطه اخلاق کار و رفتار شهروندی سازمانی در کارکنان منتخب دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران پردازد.

### مبانی نظری و پیشینه تحقیق

اخلاق کار از دیدگاه افراد مختلف معانی متفاوتی دارد اما عموماً آن را شناخت درست از نادرست در محیط کار و آنگاه انجام درست و ترک نادرست می‌دانند. امروزه رعایت اخلاق و حفظ ارزشهای اخلاقی به صورت یکی از مهمترین پدیده‌هایی درآمده است که در بیشتر سازمان‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. اصول اخلاقی به صورت بخشی از سیاست‌های رسمی و فرهنگ غیررسمی سازمان‌ها درآمده است.

مجموعه‌ای از اصول و ارزش‌های معنوی که درستی یا نادرستی رفتار فرد یا گروه را در محل کارش معین می‌کند، اخلاق کاری نامیده می‌شود. ابعاد چهارگانه اخلاق کار توسط گریگوری، سی، پتی در سال ۱۹۹۰ ساخته شده است که با استفاده از مؤلفه‌های دلبستگی و علاقه به کار، پشتکار و جدیت در کار، روابط انسانی سالم در کار و روح جمعی و مشارکت در کار مورد سنجش قرار می‌گیرد.

دلبستگی و علاقه به کار: منظور از دلبستگی و علاقه به کار، اندازه و حدی است که کارکنان در انجام کارها دقت به خرج می‌دهند، کارهای خود را با میل و رغبت انجام می‌دهند، کار خود را دوست دارند و در نهایت به کارش دلبستگی دارند.

### پشتکار و جدیت در کار

منظور از پشتکار و جدیت در کار، اندازه و حدی است که کارکنان، کارهای خود را به موقع و سر وقت انجام می‌دهند، در انجام کارها آزادی عمل دارند و در کارها از خود سخت‌کوشی نشان دهند.

### روابط انسانی سالم در کار

منظور از روابط انسانی سالم در کار، اندازه و حدی است که کارکنان مراعات دیگران را می‌کنند، با دیگران به صورت مؤدبانه برخورد می‌کنند و در نهایت رفتار متین و دوستانه با دیگران دارد.

### روح جمعی و مشارکت در کار

منظور از روح جمعی و مشارکت در کار، اندازه و حدی است که کارکنان، در محیط کار روحیه جمعی دارند، در کارها با دیگران مشورت می‌کنند و در انجام کار نظرات سازنده دیگران را جویا می‌شوند.

### مفهوم رفتار شهروندی سازمانی

اصطلاح رفتار شهروندی سازمانی، اولین بار توسط «باتمان» و «ارگان» در اوایل ۱۹۸۰

میلاادی ارائه شد. تحقیقات اولیه ای که در زمینه رفتار شهروندی سازمانی انجام گرفت بیشتر برای شناسایی مسئولیت‌ها و یا رفتارهایی بود که کارکنان در سازمان داشتند ولی اغلب نادیده گرفته می شدند. ارگان معتقد است که رفتار شهروندی سازمانی، رفتاری فردی و داوطلبانه است که مستقیماً به وسیله سیستم‌های رسمی پاداش در سازمان طراحی نشده است، اما با این وجود باعث ارتقای اثر بخشی و کارایی عملکرد سازمان می شود (کوهن و کول، ۲۰۰۴، ۳۸۶).

باتمن و اورگان (۱۹۸۳) اصطلاح «رفتار شهروندی سازمانی» را در تحقیقات و مطالعات میدانی به کار برده و آن را در دو قالب مفهومی ذیل بیان نموده اند:

۱. کمک‌های مثبت هم چون؛ وقت شناسی و انجام دادن امور فراتر از آن چه که تحت عنوان وظایف رسمی سازمانی برای فرد مشخص شده است.

۲. رفتارهایی اجتناب از خسارت یا زیان رسانی به سازمان به همراه عدم ایجاد مزاحمت برای همکاران و سازمان که شامل؛ اجتناب از شکوه، شکایت و سرزنش دیگران بابت چیزهای کم اهمیت می باشد (مارکوزی و ژان، ۲۰۰۴، به نقل از سبحانی نژاد، ۱۳۸۹).

ارگان رفتار شهروندی سازمانی را نوعی رفتار فردی در سازمان تعریف می کند که اثربخشی سازمانی را ارتقاء می دهد. به زعم اورگان وجوه بنیادی مطرح در رفتار شهروندی سازمانی شامل زمینه‌های ذیل است:

۱. رفتاری فراتر از آنچه که سازمان به طور رسمی برای کارکنان تبیین نموده است.
۲. رفتاری که به صورت اختیاری و براساس اراده فردی می باشد.
۳. رفتاری که به طور مستقیم پاداشی به دنبال نداشته و یا قرار نیست از طریق ساختار رسمی سازمانی مورد قدردانی قرار گیرد.
۴. رفتاری که در موفقیت عملیات سازمان، ارزشمند و موثر است (کاسترو و همکاران، ۲۰۰۴).

ارگان پنج بعد رفتار شهروندی را این گونه بیان می‌دارد: (اپل‌بام و همکاران، ۲۰۰۴، ۱۹)

- نوع دوستی
- نزاکت
- جوانمردی
- اجابت کلی
- آداب اجتماعی

اولین بُعد رفتار شهروندی یعنی نوع دوستی به رفتارهای مفید و سودبخشی از قبیل ایجاد صمیمیت، همدلی و دلسوزی میان همکاران اشاره دارد که خواه به شکل مستقیم و یا غیرمستقیم

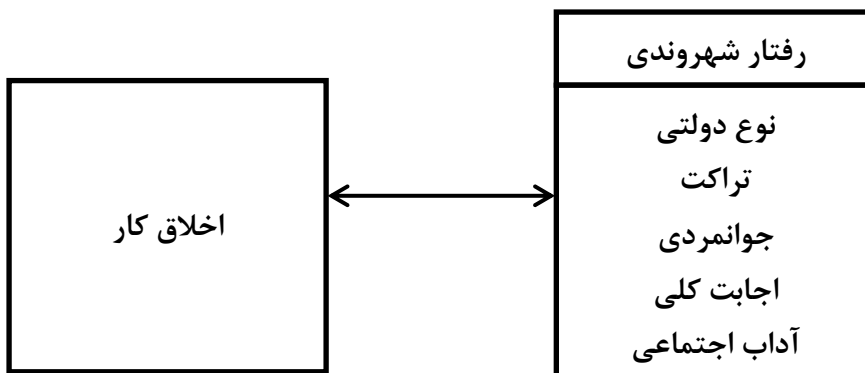
به کارکنانی که دارای مشکلات کاری هستند کمک می‌کند. البته برخی از صاحب نظران رفتار شهروندی مانند پودساکف، ابعاد نوع دوستی و وظیفه شناسی را در یک طبقه قرار می‌دهند و از آنها به عنوان «رفتارهای کمکی» نام می‌برند (ارگان، ۱۹۸۸، ۱۲).

بعد دوم رفتار شهروندی که نزاکت نام دارد، شامل رفتارهای مودبانه ای است که از ایجاد مشکل در محیط کار جلوگیری می‌کند (فرد تلاش می‌کند تا از ایجاد مشکل برای همکاران خود اجتناب نموده و پیش از بروز مشکل با آنان مشورت کند).

بعد سوم رفتار شهروندی که جوانمردی یا تحمل پذیری نام دارد، به شکیبایی در برابر موقعیت‌های مطلوب و مساعد، بدون اعتراض، نارضایتی و گلابه‌مندی، اشاره می‌کند (ارگان، ۱۹۸۸، ۱۲).

اجابت کلی چهارمین بعد رفتار شهروندی است. واژه مذکور میل کارکنان به پذیرش و پیروی از قوانین، مقررات و رویه‌های سازمانی را توصیف می‌کند و نشان دهنده رفتارهایی می‌باشد که ضرورت و مطلوبیت آن‌ها شناسایی و در ساختار و مشارکت در مسایل سازمانی و غیره در نظر گرفته شود.

و آخرین بعد رفتار شهروندی سازمانی آداب اجتماعی است. این بعد بیان کننده رفتاری است که نشان دهنده، مشارکت مسئولانه فرد در فعالیت‌های سازمانی است (فرد خود را با رویدادهای سازمانی هماهنگ ساخته و یا کارهایی را انجام می‌دهد که در حیطه وظایف او نیستند اما وجهه سازمان را ارتقاء می‌دهند) با توجه به مطالب مطرح شده، مدل عمومی تحقیق به شرح زیر است: (سبحانی نژاد و همکاران، ۱۳۸۹، ۲۸).



ارگان بعد از برشمردن این ابعاد، یادآوری می‌کند که هر پنج بعد رفتار شهروندی ممکن است هم زمان ظهور پیدا نکنند، مثلاً افرادی که ما فکر می‌کنیم دارای بعد وظیفه شناسی هستند ممکن است همیشه نوع دوست و فداکار نباشند و یا اینکه برخی از این ابعاد، مانند نوع دوستی و

وظیفه شناسی تاکتیکی برای تحت فشار قرار دادن مدیران سازمان باشد. یعنی کارکنان سعی میکنند تا با انجام این اعمال بر روند تصمیم‌گیری مدیران سازمان برای ارتقا و یا اعطای پاداش به آنها، تاثیر گذارند. در این حالت کارکنان سازمان از سرباز خوب بودن به «هنرپیشه خوب» برای سازمان تبدیل می‌شوند (کاسترو، آرماریو و رویز، ۲۰۰۴، ۳۰). در حقیقت، رفتار شهروندی با تاکید بر ویژگی‌هایی چون نزاکت، جوانمردی، نوع دوستی، وجدان کاری و آداب اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده و ابزاری نوین و شایسته در دست مدیران برای هدایت افراد درون سازمان و تامین رضایت آنان است (ارگان، ۱۹۸۸).

وجود رفتار شهروندی سازمانی در سازمان، پیامدهایی به دنبال خواهد داشت که مهمترین آن‌ها افزایش بهره‌وری، کارایی و اثربخشی، ارتقاء روابط مثبت بین کارکنان، کارایی بیشتر در تخصیص منابع، کاهش هزینه‌های نگهداری، فراهم کردن انعطاف لازم برای ابداع و نوآوری، بهبود خدمت به مشتری و استفاده اثربخش از منابع کمیاب می‌باشد. از دیگر پیامدهای رفتار شهروندی سازمانی می‌توان به بهبود و افزایش کمیت کار، رضایت شغلی، افزایش خودپنداره مثبت شخصی، بهبود توانایی سازمان برای جذب نیروی جدید با کیفیت بالا، ارتقاء روابط مثبت بین کارکنان، سهیم شدن کارکنان در مسئولیت‌های سنگین نظارتی و حفظ تعادل درونی سازمانی اشاره نمود (سبحانی نژاد و همکاران، ۱۳۸۹، ۶۴).

### پیشینه تحقیق

در این راستا با مرور نتایج تحقیقات گذشته نشان می‌دهیم که بین متغیر اخلاق کار و رفتار شهروندی سازمان کارکنان رابطه وجود دارد. همچنین نتایج این مطالعات نشان می‌دهد که بین ابعاد اخلاق کار و ابعاد رفتار شهروندی سازمانی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد به طوری که با ارتقاء اخلاق کار در کارکنان، رفتار شهروندی سازمانی افزایش می‌یابد.

رودساز و بیشه (۱۳۹۳) به بررسی نقش معنویت اسلامی در بروز رفتار شهروندی سازمانی در سازمان ثبت احوال کشور پرداختند. جامعه آماری متشکل از ۱۶۶ نفر از مدیران و کارمندان به روش تصادفی - طبقه‌ای انتخاب شد. یافته‌های تحقیق بیانگر این است که میان معنویت اسلامی و رفتار شهروندی سازمانی رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد.

زارعی و بخشنده (۱۳۹۳) به شناسایی و رتبه‌بندی مؤلفه‌های اخلاق کاری مؤثر بر توسعه تعهد سازمانی کارکنان دانشگاه هوایی شهید ستاری پرداختند. جامعه مورد پژوهش کارکنان و اعضای هیأت علمی دانشگاه هوایی شهید ستاری هستند که در آن از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است. براساس یافته‌های تحقیق، فرضیه اصلی تحقیق مبنی بر تأثیر اخلاق کاری کارکنان بر تعهد سازمانی تأیید گردید. ضریب همبستگی بین این دو متغیر برابر با ۰/۷۷۵ است که بر وجود همبستگی قوی بین اخلاق کاری کارکنان و تعهد سازمانی

اشاره دارد.

عنایتی و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی رابطه اخلاق کار و تعهد سازمانی در پرستاران بیمارستان حضرت فاطمه زهرا<sup>(س)</sup> شهر ساری پرداختند. این تحقیق در بین نمونه ای ۱۴۸ نفری از جامعه ۲۵۰ نفری بیمارستان حضرت فاطمه زهرا<sup>(س)</sup> شهر ساری در سال ۱۳۹۳ صورت پذیرفت. براساس یافته های حاصل از این پژوهش، تمام ابعاد اخلاق حرفه ای و دو بعد عاطفی و مستمر تعهد سازمانی در نمونه مورد بررسی به طور معنی دار ( $P < 0/001$ ) در سطحی بالاتر از میانگین قرار داشتند. در بررسی رابطه بین دو متغیر اخلاق کار و تعهد سازمانی، تنها رابطه بین بعد مربوط به روابط سالم و انسانی اخلاق کار و بعد مستمر تعهد سازمانی معنی دار بود ( $P=0/022$ ).

موغلی و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی تبیین مدل اخلاق کار اسلامی و رفتار شهروندی سازمانی با واسطه ارزشهای شغلی (مورد مطالعه دانشگاه علوم پزشکی اصفهان) پرداختند. جامعه آماری این پژوهش را کلیه کارکنان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، با مدرک تحصیلی کارشناسی و بالاتر تشکیل دادند. تعداد کارکنان ۸۲۸۲ نفر و روش نمونه گیری خوشه ای از نوع طبقه ای- تصادفی بود و تعداد نمونه، ۲۳۹ نفر برآورد شد، برای تأیید پایایی پرسشنامه ها از ضریب Cronbach's alpha (درصد ۷۶) و برای تعیین قابلیت اعتبار آن، از روش تحلیل عاملی استفاده شد. تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS و معادلات ساختاری عاملی Lisrel انجام شد .

بهراری فر و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی رفتار اخلاقی و رفتار شهروندی سازمانی: تاثیر ارزش های اخلاقی، عدالت و تعهد سازمانی در بین کارکنان حوزه ستادی دانشگاه پیام نور استان تهران پرداختند. است. جامعه آماری این تحقیق کلیه کارکنان حوزه ستادی که تعداد آنها ۴۶۵ می باشد. حجم نمونه آماری تحقیق با استفاده از فرمول ۹۵ نفر بدست آمد. نتایج بدست آمده نشان داد که ارزش های اخلاقی سازمان به طور مثبتی بر عدالت رویه ای و عدالت توزیعی تاثیر دارد، عدالت رویه ای و عدالت توزیعی به طور مثبتی بر تعهد سازمانی فرد تاثیر دارد، تعهد سازمانی نیز به طور مثبتی بر رفتار اخلاقی تاثیر دارد و رفتار اخلاقی نیز به طور مثبتی بر بعد جوانمردی و بعد نوع دوستی رفتارهای شهروندی سازمانی تاثیر دارد.

طاهری دمنه و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی نقش اخلاق کاری در ارتقای رفتار شهروندی سازمانی کارکنان دانشگاه یزد پرداختند. جامعه تحقیق کلیه کارکنان دانشگاه یزد که تعداد آنها ۴۰۳ نفر می باشد و با استفاده از فرمول نمونه گیری تعداد نمونه برابر با ۱۰۲ نفر بدست آمد. نتایج این تحقیق نشان داد که بین اخلاقیات و رفتار شهروندی سازمانی ارتباط و همبستگی وجود داشته و اخلاق فردی بالاتر منجر به درجات رفتار شهروندی بالاتر می شود.

سلیمانی (۱۳۹۰) به بررسی رابطه بین رفتار اخلاقی مدیران با رفتار شهروند سازمانی معلمان و کارکنان در مدارس شهرستان گرمسار پرداختند. جامعه آماری پژوهش را کلیه معلمان و کارکنان مدارس شهرستان گرمسار تشکیل داده اند. حجم نمونه مطابق با فرمول برآورد (کوکران) ۵۸۷ نفر برآورد گردید. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد بین رفتار اخلاقی مدیران و رفتار شهروندی سازمانی معلمان و کارکنان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

پژوهش دیگری که اصل مقاله آن لاتین میباشد و توسط علی نصیرنوزی (۲۰۰۶) ترجمه شده و در مجله Journal of Business Research به چاپ رسیده و منبع آن Sciencedirect می باشد به بررسی ترویج رفتار اخلاقی و رفتارهای شهروندی سازمانی، تاثیر ارزشهای اخلاقی در سازمانهای کاری پرداخته است. نتایج شامل ارزشهای اخلاقی شرکت، عدالت سازمانی و تعهد سازمانی می شود. از مدل رابطه ساختاری برای آزمون مدل استفاده شده است. نتایج نشان داد که داده ها به خوبی برازنده مدل اند.

Ghulam Murtaza و همکاران (۲۰۱۶) به بررسی "تاثیر اخلاق کار اسلامی در رفتار شهروندی سازمانی و دانش - به اشتراک گذاری رفتارها" پرداختند. در مجموع ۲۱۵ نفر از موسسات آموزشی بخش عمومی در این تحقیق شرکت کردند.

Jihad Mohammad و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی "عوامل موثر بر رفتار شهروندی سازمانی در میان کارمندان بانک مالزی: نقش تعدیل اخلاق کار اسلامی" پرداختند. داده ها از ۱۹۲ کارمند در بانک های اسلامی مالزی جمع آوری شده است. نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که عدالت توزیعی و عدالت رویه ای رفتار شهروندی سازمانی را پیش بینی میکنند. یافته ها همچنین نشان میدهد که اخلاق کار اسلامی در پیش بینی رفتار شهروندی سازمانی موثر می باشند.

Fatemeh Mohabati و همکاران (۲۰۱۴) به بررسی "رابطه بین رفتار شهروندی سازمانی و اخلاق اسلامی کسب و کار و در سلامت کارکنان" پرداختند. روش تجزیه و تحلیل آن همبستگی IEB به عنوان یک پیش بینی قابل توجهی از رفتار شهروندی سازمانی شناسایی شد. نتایج این پژوهش بیانگر این است که  $(r = 0.31, P < 0.05)$  به علاوه ارتباط معنی داری بین IEB مشخص شد.

Pablo Ruiz-Palomino و همکاران (۲۰۱۴) به بررسی "فرهنگ اخلاقی، قصد اخلاقی و رفتار شهروندی سازمانی: هم زمان است و واسطه تناسب فرد - سازمان است" با استفاده از یک نمونه ۵۲۵ نفر از کارکنان صنعت مالی در اسپانیا پرداختند.



چان، شین، چوی، کیم<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) به بررسی "نظام اخلاقی شرکت چه نقشی در عملکرد مالی آن دارد؟ نقش میانجی گری تعهد جمعی سازمانی و رفتار شهروندی سازمانی" پرداختند. روش این تحقیق ضریب همبستگی - تحلیل عاملی - الگویابی معادلات ساختاری می باشد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد نظام اخلاقی شرکت از طریق میانجی گری و تأثیرات عمده رفتار شهروندی سازمانی و تعهد سازمانی به عملکرد مالی آن مرتبط می شود. وانگ، هاول، هینریچ و پریئو<sup>۲</sup> (۲۰۱۱) به بررسی "رفتار شهروندی سازمانی: نقش انگیزش بر مبنای ارزش و هویت" پرداختند. روش شناسی این تحقیق ضریب همبستگی - تحلیل عاملی - تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی بوده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد رابطه مثبت بین انگیزش بر مبنای ارزش و ابعاد رفتار شهروندی سازمانی (ابعاد بر اساس الگوی ارگان) وجود دارد.

### فرضیه های پژوهش

#### فرضیه اصلی

بین اخلاق کار و رفتار شهروندی سازمانی در کارکنان منتخب دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران رابطه وجود دارد.

#### فرضیه های فرعی

- بین اخلاق کار با نوع دوستی در کارکنان منتخب دانشگاه علوم پزشکی تهران رابطه وجود دارد.
- بین اخلاق کار با نزاکت در کارکنان منتخب دانشگاه علوم پزشکی تهران رابطه وجود دارد.
- بین اخلاق کار با جوانمردی در کارکنان منتخب دانشگاه علوم پزشکی تهران رابطه وجود دارد.
- بین اخلاق کار با اجابت کلی در کارکنان منتخب دانشگاه علوم پزشکی تهران رابطه وجود دارد.

#### روش شناسی تحقیق

از آنجاکه در این تحقیق، به بررسی وضعیت موجود متغیرها با استفاده از جمع آوری اطلاعات از خبرگان و متخصصان، اقدام شده است لذا تحقیق حاضر از نظر هدف یک تحقیق کاربردی و از نظر نوع روش در دسته پژوهشهای پیمایشی و همبستگی قرار دارد. در این پژوهش

---

1. Chun, Shin, Choi, & Kim  
2. Wang, Howell, Hinrichs, & Prieto

به منظور تحلیل کمی اطلاعات و نیز آگاهی از بررسی رابطه اخلاق کار و رفتار شهروندی سازمانی کارکنان در دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران، نسبت به موضوع مورد مطالعه از طریق ابزار پرسش نامه، اطلاعات جمع آوری شده است. جامعه آماری تحقیق حاضر را کارکنان منتخب دانشگاه علوم پزشکی تهران تشکیل می دهند که تعداد کارکنان آن بالای ۲۰۰۰ نفر می باشند. در پژوهش حاضر روش نمونه گیری تصادفی ساده می باشد و به منظور تعیین حجم نمونه این پژوهش با توجه به دسترس نبودن واریانس صفت مورد مطالعه حجم نمونه مورد استفاده، محقق جهت جمع آوری اطلاعات با توجه به این موضوع که این بررسی در یک جامعه نامحدود صورت می گیرد از فرمول کوکران برای محاسبه حجم نمونه آماری استفاده کرده است. در این تحقیق مقدار خطا برابر با ۰/۰۵ در نظر گرفته شده است. با استفاده از این رابطه و با در نظر گرفتن تعداد جامعه آماری کارکنان بالای ۲۰۰۰ نفر، تعداد نمونه آماری ۴۲۶ نفر حاصل شد. با توجه به اینکه روایی و اعتبار محتوایی بستگی به قضاوت و نظر افراد متخصص دارد؛ لذا به منظور سنجش روایی تحقیق، نمونه پرسشنامه ها در اختیار ۱۳ نفر از متخصصان و نخبگان دانشگاه علوم پزشکی تهران قرار گرفت و پس از جمع آوری دیدگاه های آنها نسبت به اصلاح و تنظیم پرسشنامه اقدام شد. در این تحقیق به منظور تعیین پایایی پرسشنامه، تعداد ۳۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب و پرسشنامه در اختیار آنها قرار گرفت و با استفاده از نرم افزار SPSS ورژن ۱۸ و باروش آلفای کرونباخ پایایی پرسشنامه برای تمامی متغیرها برآورد گردید. با توجه به اینکه تمامی برآوردها بالاتر از حداقل مقدار ۰/۷ می باشند پایایی پرسشنامه تایید می شود. در اینجا محقق پس از استخراج اطلاعات اقدام به خلاصه کردن و طبقه بندی داده های آماری می نماید و این کار را با تشکیل جداول توزیع فراوانی<sup>۱</sup> و همچنین نمودارهای میله ای<sup>۲</sup> انجام می دهد و اگر بخواهد تجزیه و تحلیل را به کمک رایانه انجام دهد، به آن برنامه می دهد.

روش های آمار استنباطی مورد استفاده در این تحقیق عبارت است از:

- آزمون کوکران
- آزمون کولموگروف - اسمیرنوف
- آزمون اسپیرمن

از آزمون کوکران برای تعیین حجم نمونه آماری استفاده شده است.

از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف برای سنجش نرمال یا غیرنرمال بودن داده های

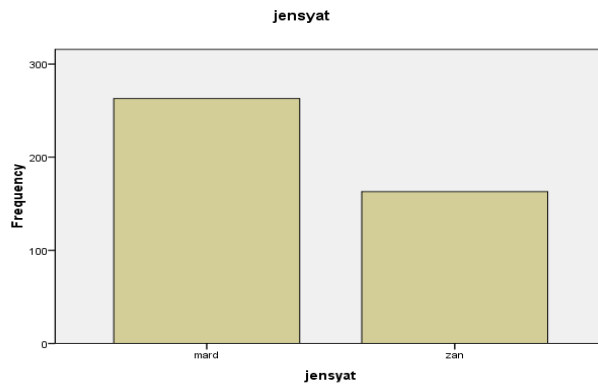
<sup>۱</sup> -Frequency Tables

<sup>۲</sup> -Bar Chart

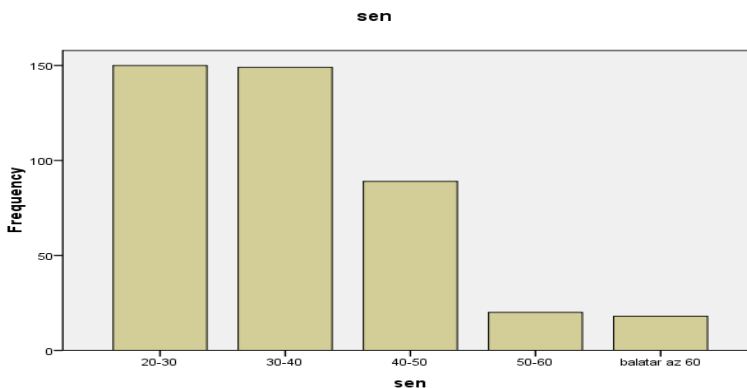
تحقیق استفاده شده است که در تحقیق حاضر با توجه به نتایج حاصل از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف و نرمال بودن داده ها از آزمون همبستگی برای تحلیل متغیرها استفاده شده است. از آزمون اسپیرمن در راستای تایید یا عدم تایید فرضیات تحقیق استفاده شده است.

### آمار توصیفی

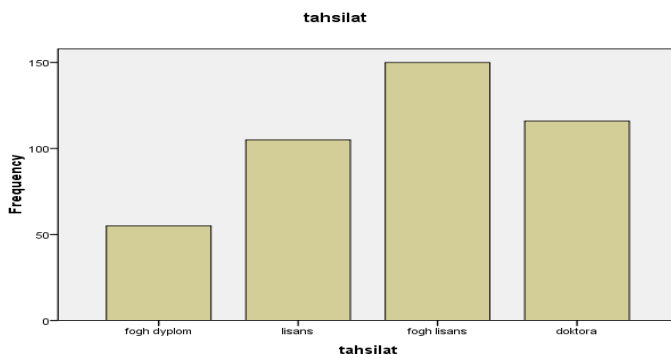
از ۴۲۶ نفری که در این تحقیق شرکت کردند ۶۱.۷ درصد مرد و ۳۸.۳ درصد افراد مورد تحقیق زن هستند.



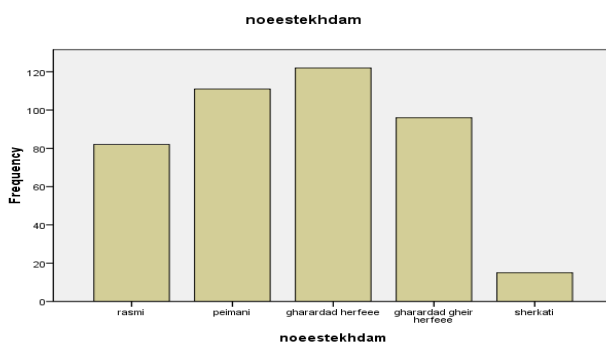
از ۴۲۶ نفری که در این تحقیق شرکت کردند نتایج نشان می دهد ۳۵.۲ افراد در بازه ی سنی ۲۰-۳۰ سال، ۳۵.۰ افراد ۳۰-۴۰ سال، ۲۰.۹ افراد در بازه ی سنی ۴۰-۵۰ سال، ۴.۷ افراد در بازه ی سنی ۵۰-۶۰ سال و ۴.۲ افراد در بازه ی سنی ۶۰ سال به بالا هستند.



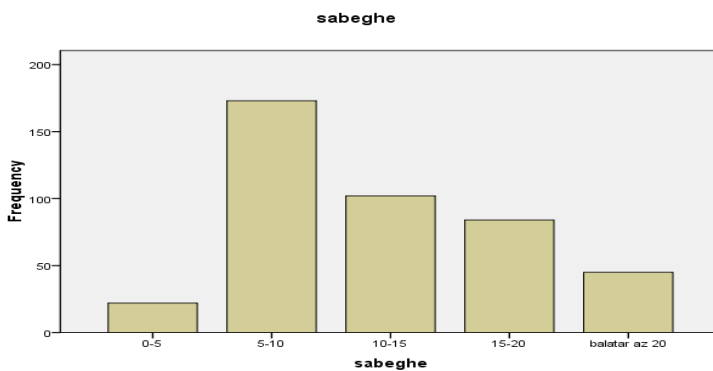
از ۴۲۶ نفری که در این تحقیق شرکت کردند نتایج نشان می دهد که ۱۲.۹ افراد دارای تحصیلات فوق دیپلم، ۲۴.۶ افراد دارای مدرک لیسانس، ۳۵.۲ افراد دارای مدرک فوق لیسانس، ۲۷.۲ افراد دارای مدرک دکتری هستند.



از ۴۲۶ نفری که در این تحقیق شرکت کردند نتایج نشان می دهد که ۱۹.۲ افراد کارمند رسمی، ۲۶.۱ پیمانی، ۲۸.۶ قرارداد حرفه ای، ۲۲.۵ قرار داد غیر حرفه ای و ۳.۵ شرکتهای هستند.



از ۴۲۶ نفری که در این تحقیق شرکت کردند نتایج نشان می دهد که ۵.۲ افراد کمتر از ۵ سال، ۴۰.۶ افراد ۵-۱۰ سال، ۲۳.۹ افراد ۱۰-۱۵ سال، ۱۹.۷ افراد ۱۵-۲۰ سال و نهایتاً ۱۰.۶ افراد بالاتر از ۲۰ سال سابقه خدمتی دارند.



## آمار استنباطی

## فرضیه اصلی

بین اخلاق کار و رفتار شهروندی سازمانی در کارکنان منتخب دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران رابطه وجود دارد.

سطح معناداری	ضریب همبستگی	تعداد	آزمون
۰.۰۰۰	۰.۷۸۳	۴۲۶	اسپیرمن

همانطور که از جدول خروجی مشخص می‌باشد ضریب همبستگی اسپیرمن ۰.۷۸۳ بدست آمده است و از آنجایی که مقدار معیار تصمیم (*sig.*) ۰.۰۰۰ بدست آمده است و کوچکتر از ۰.۰۵ می باشد، لذا ضریب همبستگی بدست آمده معنادار است. یعنی بین اخلاق کار و رفتار شهروندی سازمانی در کارکنان منتخب دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران رابطه معناداری وجود دارد. و فرضیه مذکور تایید می شود.

## فرضیه فرعی اول

بین اخلاق کار با نوع دوستی در کارکنان منتخب دانشگاه علوم پزشکی تهران رابطه وجود دارد.

سطح معناداری	ضریب همبستگی	تعداد	آزمون
۰.۰۱۴	۰.۱۲۰	۴۲۶	اسپیرمن

همانطور که از جدول خروجی مشخص می‌باشد ضریب همبستگی اسپیرمن ۰.۱۲۰ به دست آمده است و از آن جایی که مقدار معیار تصمیم (*sig.*) ۰.۰۱۴ به دست آمده است و بزرگ تر از ۰.۰۵ می باشد، لذا ضریب همبستگی به دست آمده معنادار نمی باشد. یعنی بین اخلاق کار و نوع دوستی در کارکنان منتخب دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران رابطه معناداری وجود ندارد. و فرضیه مذکور رد می شود.

## فرضیه فرعی دوم

بین اخلاق کار با نزاکت در کارکنان منتخب دانشگاه علوم پزشکی تهران رابطه وجود دارد.

سطح معناداری	ضریب همبستگی	تعداد	آزمون
۰.۰۰۰	۰.۷۹۰	۴۲۶	اسپیرمن

همانطور که از جدول خروجی مشخص می باشد ضریب همبستگی اسپیرمن ۰.۷۹۰ به

دست آمده است و از آن جایی که مقدار معیار تصمیم ( $sig.$ )  $0.000$  بدست آمده است و کوچکتر از  $0.05$  می باشد، لذا ضریب همبستگی بدست آمده معنادار است. یعنی بین اخلاق کار و نزاکت در کارکنان منتخب دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران رابطه معناداری وجود دارد. و فرضیه مذکور تایید می شود.

#### فرضیه فرعی سوم

بین اخلاق کار با جوانمردی در کارکنان منتخب دانشگاه علوم پزشکی تهران رابطه وجود دارد.

آزمون	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
اسپیرمن	۴۲۶	۰.۸۶۰	۰.۰۰۰

همانطور که از جدول خروجی مشخص می باشد ضریب همبستگی اسپیرمن  $0.860$  به دست آمده است و از آن جایی که مقدار معیار تصمیم ( $sig.$ )  $0.000$  بدست آمده است و کوچکتر از  $0.05$  می باشد، لذا ضریب همبستگی بدست آمده معنادار است. یعنی بین اخلاق کار و جوانمردی در کارکنان منتخب دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران رابطه معناداری وجود دارد. و فرضیه مذکور تایید می شود.

#### فرضیه فرعی چهارم

بین اخلاق کار با اجابت کلی در کارکنان منتخب دانشگاه علوم پزشکی تهران رابطه وجود دارد.

آزمون	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
اسپیرمن	۴۲۶	۰.۸۲۸	۰.۰۰۰

همانطور که از جدول خروجی مشخص می باشد ضریب همبستگی اسپیرمن  $0.828$  به دست آمده است و از آنجایی که مقدار معیار تصمیم ( $sig.$ )  $0.000$  بدست آمده است و کوچکتر از  $0.05$  می باشد، لذا ضریب همبستگی بدست آمده معنادار است. یعنی بین اخلاق کار و اجابت کلی در کارکنان منتخب دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران رابطه معناداری وجود دارد. و فرضیه مذکور تایید می شود.

### نتیجه گیری و پیشنهادات

پس از تجزیه و تحلیل فرضیه اصلی در نهایت این فرضیه تایید شد؛ به عبارتی نتایج نشان می دهد، بین اخلاق کار و رفتار شهروندی سازمانی در کارکنان منتخب دانشگاه علوم پزشکی تهران رابطه وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی اسپیرمن ۰.۷۸۳ و مقدار ضریب خطا نیز ۰.۰۰۰ می باشد و فرض صفر در سطح ۰/۰۵ رد می شود که منجر به تایید فرضیه مذکور می گردد. نتایج حاصله با نتایج تحقیقات (Fatemeh Ghulam Murtaza, ۲۰۱۴) و (Mohabati و Pablo Ruiz-Palomino, ۲۰۱۴) همراستا می باشد.

پس از تجزیه و تحلیل فرضیه فرعی اول در نهایت این فرضیه رد شد؛ به عبارتی نتایج نشان می دهد اکثر پاسخ گویان در سوالات ابتدایی این مولفه از گزینه های منفی استفاده بیشتری کرده اند. بین اخلاق کار با نوع دوستی در کارکنان منتخب دانشگاه علوم پزشکی تهران رابطه وجود ندارد. مقدار ضریب همبستگی اسپیرمن ۰.۱۲۰ و مقدار ضریب خطا نیز ۰.۱۴ می باشد و فرض صفر در سطح ۰/۰۵ تایید می شود که منجر به رد فرضیه مذکور می گردد. نتایج حاصله با نتایج تحقیقات مورد بررسی در تحقیق همراستا نمی باشد.

پس از تجزیه و تحلیل فرضیه فرعی دوم در نهایت این فرضیه تایید شد؛ به عبارتی نتایج نشان میدهد پاسخ گویان به سوالات این مولفه بیشتر از گزینه های مثبت استفاده کرده اند. همچنین بین اخلاق کار با نزاکت در کارکنان منتخب دانشگاه علوم پزشکی تهران رابطه وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی اسپیرمن ۰.۷۹۰ و مقدار ضریب خطا نیز ۰.۰۰۰ می باشد و فرض صفر در سطح ۰/۰۵ رد می شود که منجر به تایید فرضیه مذکور می گردد. نتایج حاصله با نتایج تحقیقات (چان، شین، چوی، کیم، ۲۰۱۱) و (وانگ، هاول، هینریچ و پریتو، ۲۰۱۱) و (سلیمانی، ۱۳۹۰) همراستا می باشد.

پس از تجزیه و تحلیل فرضیه فرعی سوم در نهایت این فرضیه تایید شد؛ به عبارتی نتایج نشان میدهد اکثر پاسخ گویان به سوالات این مولفه پاسخ مثبت داده اند. بین اخلاق کار با جوانمردی در کارکنان منتخب دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران رابطه وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی اسپیرمن ۰.۸۶۰ و مقدار ضریب خطا نیز ۰.۰۰۰ می باشد و فرض صفر در سطح ۰/۰۵ رد میشود که منجر به تایید فرضیه مذکور میگردد. نتایج حاصله با نتایج تحقیقات (طاهری دمنه و همکاران، ۱۳۹۰)، (بهراری فر و همکاران، ۱۳۹۰)، (موغلی و همکاران، ۱۳۹۰) و (چان، شین، چوی، کیم، ۲۰۱۱) همراستا می باشد.

پس از تجزیه و تحلیل فرضیه فرعی چهارم در نهایت این فرضیه تایید شد؛ به عبارتی نتایج نشان میدهد اکثر پاسخ گویان به سوالات این مولفه از گزینه های مثبت استفاده کرده اند.

بین اخلاق کار و اجابت کلی در کارکنان منتخب دانشگاه علوم پزشکی تهران رابطه وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی اسپیرمن ۰.۸۲۸ و مقدار ضریب خطا نیز ۰.۰۰۰ می باشد و فرض صفر در سطح ۰/۰۵ رد میشود که منجر به تایید فرضیه مذکور می گردد. نتایج حاصله با نتایج تحقیقات (عنایتی و همکاران، ۱۳۹۳) (زارعی و بخشنده، ۱۳۹۳)، (رودساز و بیشه، ۱۳۹۳) و (نصیر زنوزی، ۲۰۰۶) همراستا می باشد.

در راستای نتایج فوق پیشنهادهای زیر ارائه میشود:

**پیشنهاد براساس فرضیه اصلی:** پیشنهاد می شود دانشگاه علوم پزشکی تهران فرایندهای جذب و استخدام نیروهای خود را طوری طراحی کند که افراد با اخلاق کاری بالا را گزینش کنند. به بحث دقت و احتیاط در کار، وظیفه شناسی، جلوگیری از تنش در محیط کار و کمک به افراد تازه کار در محیط کار توجه شود. هم چنین برگزاری کلاس ها و همایش های آموزشی در ارتباط با رفتار شهروندی سازمانی با محوریت رفتار شهروندی سازمانی برای کارکنان الزامی باشد.

**پیشنهاد براساس فرضیه فرعی اول:** پیشنهاد می شود سازمان ها با ایجاد سیستم های منظم و منطقی برای ارائه پاداش به کارکنان به منظور ایجاد رفتار های شهروندی مناسب، همچنین ایجاد علاقه و نوع دوستی در کار، این مولفه را ارتقاء دهند.

**پیشنهاد براساس فرضیه فرعی دوم:** پیشنهاد می شود با اجرای طرح های آموزشی برای کارکنان فعلی دانشگاه علوم پزشکی تهران تا حد زیادی ایجاد رفتار شهروندی را تسهیل کنند. تا حس وظیفه شناسی و صادقانه کار کردن در افراد بالا رود. همچنین ایجاد انگیزه در کار، میل و رغبت در کار، آزادی در عمل، این مولفه را ارتقاء دهند و به جدیت در کار و تکمیل کار دقت ویژه ای داشته باشند.

**پیشنهاد براساس فرضیه فرعی سوم:** پیشنهاد می شود اقدام به توسعه مکانیسم های غیر رسمی مانند فرهنگ مشارکتی که یک رکن اساسی و محوری برای تقویت رفتار شهروندی در محیط کار است، بشود. همچنین مولفه بشاش و خوشرویی، خوش برخوردی را ارتقاء دهند. افراد را در گروه های مختلف عضو کنند تا در کنار یکدیگر بدون خصومت تشریک مساعی داشته باشند و از ایجاد خصومت در کار و خودخواهی ها، جلوگیری کنند.

**پیشنهاد براساس فرضیه فرعی چهارم:** آسیب شناسی روانی سازمان و نیمرخ روانی سازمان قابل بررسی است و به منظور ایجاد رفتارهای شهروندی سازمانی مناسب پیشنهاد می شود مولفه اطاعت از مقام مافوق ارتقاء یابد. همچنین محیط و محل کار برای افراد انعطاف پذیر شود.



## فهرست منابع

۱. اسکندری، استیره و همکاران، (۱۳۹۴)، اخلاق در علوم و فناوری، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، شماره ۴، سال دهم
۲. بهاری فر، علی و همکاران، (۱۳۹۰) رفتار اخلاقی و رفتار شهروندی سازمانی: تاثیر ارزش های اخلاقی، عدالت و تعهد سازمانی، پژوهشهای مدیریت منابع سازمانی، شماره ۱، دوره ۱
۳. رودساز، حبیب و همکاران، (۱۳۹۳) نقش معنویت اسلامی در بروز رفتار شهروندی سازمانی،
۴. رضائیان، علی، (۱۳۸۶) مبانی مدیریت رفتار سازمانی، چاپ هشتم، انتشارات سمت
۵. زارعی، حجت الاسلام والمسلمین حبیب اله و همکاران، دانشگاه هوایی شهیدستاری، ۱۳۹۳، شناسایی و رتبه بندی مؤلفه های اخلاق کاری مؤثر بر توسعه تعهد سازمانی کارکنان، فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات منابع انسانی، شماره یازدهم، سال سوم
۶. سبحانی نژاد، مهدی و همکاران، ۱۳۸۹، رفتار شهروندی سازمانی (مبانی نظری، همبسته ها و ابزارهای سنجش)، انتشارات یسطرون
۷. سلیمانی، نادر، (۱۳۹۰) بررسی رابطه بین رفتار اخلاقی مدیران با رفتار شهروندی سازمانی معلمان و کارکنان در مدارس شهرستان گرمسار، فصلنامه اندیشه های تازه در علوم تربیتی، شماره اول، سال هفتم.
۸. طاهری دمنه، محسن و همکاران، (۱۳۹۰) نقش اخلاق کاری در ارتقای رفتار شهروندی سازمانی، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، شماره ۲، سال ششم
۹. عنایتی، ترانه و همکاران، (۱۳۹۲) رابطه اخلاق کار و تعهد سازمانی در پرستاران بیمارستان حضرت فاطمه زهرا<sup>(س)</sup> شهر ساری، فصلنامه نسیم تندرستی، شماره ۲، دوره ۲
۱۰. موغلی، علیرضا و همکاران، (۱۳۹۰) تبیین مدل اخلاق کار اسلامی و رفتار شهروندی سازمانی با واسطه ارزشهای شغلی (مورد مطالعه دانشگاه علوم پزشکی اصفهان)
11. Appelbaum, Steven & Bartolomucci, Nicolas & Beaumier, Erika & Boulanger, Jonathan & Corrigan, Rodney & Dore, Isabelle & Girard, Chrystine & Serroni, Carlo "organizational citizenship behavior: a case study of culture , leadership and trust " manamement decision Vol.۴۲ No.۱, (۲۰۰۴).
12. Authors:Virginia Humme -Félice van Laar, Supervisors: Drs. K. Kalshoven - Mw. Prof. Dr. D.N. Den Hartog, The relationship between Ethical Leadership and Organizational Citizenship Behavior Empirical research into the effect of ethical leadership on followers' extra-role behavior, Amsterdam, 14 maart 2008.
13. Fatemeh Mohabati, Seyed Pouria Hedayati, Somayah Bagheri, Saeedeh Nabizadeh, Farideh Shariati Shiri, Asieh Sharifzadeh Sarju, Mahbobeh

- Mohabati, Relationship between Organizational Citizenship Behavior and Islamic Ethics of Business and in Health Staff, *International Journal of Hospital Research* 2014, 3(4):173-176.
14. Ghulam Murtaza • Muhammad Abbas , Usman Raja • Olivier Roques • Afsheen Khalid •Rizwan Mushtaq; Impact of Islamic Work Ethics on Organizational Citizenship Behaviors and Knowledge-Sharing Behaviors, *Bus Ethics* (2016) 133:325–333.
15. Jihad Mohammad, Farzana Quoquab, Rosmini Omar, Factors Affecting Organizational Citizenship Behavior among Malaysian Bank Employees: The Moderating Role of Islamic Work Ethic, 6th International Research Symposium in Service Management, IRSSM-6 2015, 11-15 August 2015, UiTM Sarawak, Kuching, Malaysia.
16. Organ, D.W.(۱۹۸۸), organizational citizenship behavior: the good soldier syndrome , Lexington book, Lexington, MA.
17. Pablo Ruiz-Palomino • Ricardo Martı́nez-Can˜as, Ethical Culture, Ethical Intent, and Organizational Citizenship Behavior: The Moderating and Mediating Role of Person–Organization Fit, *J Bus Ethics* (2014) 120:95–108.
18. Thomas L. Baker , Tammy G. Hunt , Martha C. Andrews, Promoting ethical behavior and organizational citizenship behaviors:The influence of corporate ethical values, *Journal of Business Research* 59 (2006) 849–857

## تبیین شاخصه‌های مثبت شخصیت انسان از منظر نهج‌البلاغه

حسن رضایی هفتادری<sup>۱</sup>  
صفر نصیریان<sup>۲</sup>

### چکیده

رویکردهای مختلفی در تبیین شاخصه‌های مثبت شخصیت انسان وجود دارند. رویکرد دینی با محوریت نهج‌البلاغه، یکی از رویکردهای مهم در شناخت شاخصه‌های مثبت شخصیت است. این رویکرد، به دلیل طرح شاخصه‌های شخصیت به صورت بنیادی، جامع و نظام‌مند مورد توجه است. بر این اساس، ایمان اصلی‌ترین شاخصه مثبت شخصیتی به شمار می‌آید و به عنوان رکن رکین شخصیت مورد توجه است. این شاخصه در مرحله بعد، خود به چهار شاخصه دیگر تقسیم می‌شود که پایه‌های ایمان را شکل می‌دهند. این چهار شاخصه عبارتند از: صبر، یقین، عدالت و جهاد. در مرحله نهایی نیز هر یک از این چهار شاخصه، به چهار شاخصه دیگر تقسیم می‌شوند و در مجموع، با احتساب ایمان به عنوان اصلی‌ترین شاخصه، ۲۱ شاخصه شخصیتی را شکل می‌دهند.

### واژگان کلیدی

شاخصه‌های شخصیت، نهج‌البلاغه، ایمان، صبر، یقین، عدالت، جهاد.

Email: hrezaii@ut.ac.ir

۱. دانشیار دانشگاه تهران.

Email: s.nasirian@ut.ac.ir

۲. دانش‌آموخته دکتری معارف اسلامی دانشگاه تهران

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۱۱/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۱۷

## طرح مسأله

شخصیت یکی از مسائل مهم علم روان‌شناسی به شمار می‌آید. این مسأله امروزه جایگاه خود را به عنوان بخش مهمی از علم روان‌شناسی تثبیت کرده است. البته دیدگاه روان‌شناسان در زمینه چستی شخصیت، متفاوت است. حاصل این اختلاف‌نظرها، پیدایش رویکردهای گوناگون در این باره است؛ به گونه‌ای که هر یک از این رویکردها، به شاخصه‌های متفاوتی برای شخصیت انسان تأکید دارند. (شولتز، ۱۳۹۲، صص ۴-۱۰ و ۵۹۶-۵۹۷)

شاخصه‌های شخصیت انسان از دیرباز مطرح بوده است. اگرچه در آثار اندیشه‌وران فلسفی و عرفانی هرگز اصطلاح شخصیت به کار نرفته، با نگاهی تاریخی به این آثار، مشخص می‌شود که اندیشه‌وران این مسأله را در گذشته مطرح کرده‌اند. (افلاطون، ۱۳۶۷، صص ۱۰۱-۱۰۳۵؛ ارسطو، ۱۳۷۸، صص ۶۱-۶۶ و ۱۰۱-۱۴۹؛ ابن‌مسکویه، ۲۰۱۱، صص ۲۴۷-۲۵۱؛ احمدپور، ۱۳۸۹، صص ۴۲-۴۸)

افلاطون نفس انسان را دارای سه قوه ناطقه، شهویه و غضبیه می‌داند. اخلاق از دیدگاه او، عبارت از اعتدال قوای سه‌گانه است. اصل عدالت، مهم‌ترین شاخصه‌ای است که شخصیت انسان را می‌سازد. وی سه شاخصه دیگری را نیز در کنار این شاخصه، لحاظ کرده است که عبارتند از: حکمت، عفت و شجاعت که شاخصه‌هایی برآمده از عدالت هستند. از دیدگاه وی، تمام فضایل اخلاقی به این چهار فضیلت بازگشت دارند. (افلاطون، ۱۳۶۷، صص ۱۰۱-۱۰۳۵؛ ارسطو، ۱۳۷۸، صص ۶۱-۶۶ و ۱۰۱-۱۴۹؛ ابن‌مسکویه، ۲۰۱۱، صص ۲۴۷-۲۵۱؛ احمدپور، ۱۳۸۹، صص ۳۴-۳۵)

بدین ترتیب می‌توان نظریه شخصیت افلاطون را نظریه‌ای نظام‌مند در مورد بیان شاخصه‌های شخصیت به شمار آورد. همان‌گونه که انسان با فعلیت دادن به قوای نفس خود در جانب عدالت، به چهار شاخصه شخصیت در جانب مثبت می‌رسد، با فعلیت نادرست آن‌ها، در دو جانب افراط و تفریط، به هشت شاخصه منفی نیز دست می‌یابد؛ چنان‌که ارسطو با لحاظ جانب افراط و تفریط این چهار شاخصه شخصیت، شاخصه‌های هشت‌گانه دیگری را نیز به این چهار شاخصه افزوده است. البته این هشت شاخصه، جنبه منفی شخصیت را شکل می‌دهند. بدین ترتیب وی، به دوازده شاخصه شخصیتی، در دو جانب مثبت و منفی معتقد است که روی هم به نام «قانون اعتدال زرین» شناخته می‌شوند. در این قانون، در کنار شاخصه عدالت، در جانب افراط، ظلم و در جانب تفریط، انظلام وجود دارد. در کنار حکمت، در دو جانب افراط و تفریط، جُرْبُزه و بَلَه است. شاخصه عفت هم در جانب افراط و تفریطش، هم‌جوار با دو شاخصه شَرَه و خُمود است. در نهایت در کنار شاخصه شجاعت، دو شاخصه جُبِن و تهور حضور دارند. (ارسطو،

۱۳۷۸، صص ۲۵۱-۲۶۱؛ احمدپور، ۱۳۸۹، صص ۲۹-۳۰)

بدین ترتیب این هنر ارسطوست که شاخصه‌های چهارگانه شخصیت را به یک قانون درآورده که دو جانب افراط و تفریط این شاخصه‌ها نیز در آن بیان گردیده است. بدین ترتیب در رویکرد فلسفی، شاخصه‌های شخصیت به طور عام - چه مثبت و چه منفی - شاخصه‌های دوازده‌گانه‌ای هستند که از بین آن‌ها، تنها چهار شاخصه جنبه مثبت و هشت شاخصه دیگر، جانب منفی شخصیت را شکل می‌دهند.

ناگفته نماند که ابن‌مسکویه در کتاب *تهذیب‌الاخلاق*، به توسعه قانون اعتدال زرین ارسطو پرداخته و آن را به یک نظام کامل شخصیتی ارتقا داده است. وی این کار را به طور ابتکاری و با بهره‌گیری از معارف گسترده اسلامی در این باره انجام داده و فروع بسیاری را ذیل شاخصه‌های شخصیتی دوازده‌گانه ارسطویی درآورده است، اما فیلسوفان بعد از ابن‌مسکویه هم با اندکی تفاوت، به همین منوال عمل کرده‌اند. (ارسطو، ۱۳۷۸، صص ۲۵۱-۲۶۱؛ طوسی، ۱۴۱۳، صص ۷۷-۷۹؛ فانی کشمیری، ۱۳۶۱، صص ۲۴-۳۲)

معرفت، شاخص‌ترین وجه شخصیت از نگاه عارفان است که مراتبی دارد. مقامات معرفتی در برخی از آثار عرفانی به یکصد مقام می‌رسد که هر یک از این مقامات، به یکی از ویژگی‌های اخلاقی اشاره دارند. بدین ترتیب از نگاه عارفان، یکصد ویژگی اخلاقی به اضافه معرفت به‌عنوان رکن همه آن‌ها، شاخصه‌های مثبت شخصیت عرفانی را شکل می‌دهند. (احمدپور، ۱۳۸۹، صص - ۴۲-۴۸)

شاخصه‌های مثبت شخصیت، با رویکرد دیگری نیز می‌تواند مطرح شود که شایسته است آن را «رویکرد دینی» بنامیم. این رویکرد، بر اساس منابع وحیانی به ویژه *نهج‌البلاغه*، به تبیین شاخصه‌های مثبت شخصیت می‌پردازد. به درستی می‌توان گفت که *نهج‌البلاغه* در این زمینه، بیش‌ترین نوع شاخصه‌های مثبت شخصیت را در قالبی نظام‌مند، معرفی کرده است. (*نهج‌البلاغه*، ۱۴۱۴، حکمت ۳۱)

تبیین شاخصه‌های مثبت شخصیت، بر اساس منابع وحیانی به ویژه *نهج‌البلاغه*، از چهار محور ضرورت دارد. اما این محورها، بر اساس اشکالاتی شکل گرفته‌اند که متوجه رویکردهای سه‌گانه غیردینی درباره شخصیت انسان است. برخی از این محورها، مشترک بین همه رویکردهاست و برخی هم اختصاصاً به رویکرد خاصی توجه دارد:

الف) شاخصه‌های مثبت شخصیت، به طور جامع در هیچ یک از سه رویکرد پیشین ذکر نگردیده است. برای مثال، از شاخصه ایمان که محوری‌ترین شاخصه شخصیت از منظر دینی است (همان)، در این رویکردها غفلت شده؛ در حالی که بر اساس آیات و روایات، ایمان اصلی‌ترین شاخصه شخصیت است (اسراء، ۸۴؛ *نهج‌البلاغه*، ۱۴۱۴، خطبه ۲؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲،

ص ۱۶؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۲۱۴). هم‌چنین صبر به عنوان یکی دیگر از شاخصه‌های مثبت شخصیت که برآمده از شاخصه ایمان است و نقش مهمی در شکل‌گیری دیگر ویژگی‌های شخصیتی و رفتارهای ظاهری انسان دارد، در این رویکردها، ذکر نشده است. (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴، حکمت ۳۱)

ب) نوع شاخصه‌هایی که در این سه رویکرد مطرح شده‌اند، در بسیاری از موارد با شاخصه‌هایی که در رویکرد دینی آمده است (همان)، متفاوتند؛ اگرچه در میان آن‌ها، برخی از شاخصه‌ها هم هستند که در رویکرد دینی نیز وجود دارند. برای مثال، شجاعت که یکی از شاخصه‌های مثبت شخصیت در رویکرد فلسفی است، در رویکرد دینی، از شاخصه‌های مثبت شخصیت به شمار نمی‌رود؛ اگرچه شاخصه عدالت در هر دو رویکرد مطرح شده است. (همان؛ احمدپور، ۱۳۸۹، صص ۲۹-۳۰)

ج) شاخصه‌های شخصیت در هیچ یک از رویکردهای پیش‌گفته - به غیر از رویکرد فلسفی که به صورت نیمه‌نظام‌مند است - (احمدپور، ۱۳۸۹، صص ۴۲-۴۸)، در نظام مشخصی قرار ندارند و جایگاه اصول و فروع در آن مشخص نشده است. این مسأله در دو رویکرد عرفانی و روان‌شناختی بیش‌تر دیده می‌شود؛ به طوری که پیوند مشخصی بین شاخصه‌های شخصیت، در این دو رویکرد، در نظر گرفته نشده است. (همان، صص ۲۹-۳۰؛ شولتز، ۱۳۹۲، صص ۴-۱۰ و ۴۹۷-۵۲۸)

د) رویکرد روان‌شناختی، به دلیل تعلق خاطری که به مبانی علوم تجربی دارد، بیشتر به شاخصه‌هایی توجه کرده که کلیت لازم را نداشته و به رفتارهای حسی انسان نزدیک‌ترند؛ برای مثال، در نظریه یادگیری اجتماعی که به‌روزترین و کامل‌ترین نظریه رویکرد روان‌شناختی است، بر شاخصه‌هایی هم‌چون: الگوگیری مشاهده‌ای، خودتشویقی و خودکارآمدی که قابلیت آزمون‌پذیری را دارند، تأکید می‌شود. (شولتز، ۱۳۹۲، صص ۴-۱۰ و ۴۹۷-۵۲۸)

با توجه به خلأهای موجود در سه رویکرد پیشین، مقاله حاضر در صدد است که به تبیین شاخصه‌های مثبت شخصیت انسان و رابطه هر یک از این شاخصه‌ها با یک‌دیگر، از منظر نهج‌البلاغه بپردازد و بدین منظور، با روش توصیفی - تحلیلی، به پرسش‌های ذیل پاسخ دهد:

- شاخصه‌های مثبت شخصیت از منظر نهج‌البلاغه چیستند؟
- از منظر نهج‌البلاغه، چه ارتباطی بین شاخصه‌های مثبت شخصیت در ابعاد مختلف آن وجود دارد؟

## ۱. مفهوم‌شناسی شخصیت

شخصیت اصطلاحی روان‌شناسی به شمار می‌آید که در اصل ترجمه «persona» یونانی است. این واژه در زبان یونانی، به معنای نقابی است که بازیگران برای خود انتخاب می‌کنند تا

نقش یک شخصیت را بازی کنند. اگرچه این معنا از شخصیت، برابر با ساختار ظاهری شخص است؛ امروزه این واژه، از نظر عرفی، مفهومی وسیع‌تر دارد و بر ویژگی‌های باطنی اشخاص نیز دلالت می‌کند. (همان، ص ۱۱)

مفهوم شخصیت در زبان عربی نیز دو بعد ساختار ظاهری و باطنی را شامل می‌شود. (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۱۶۵؛ صاحب‌بن‌عباد، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۲۱۸؛ ابوهلال عسکری، ۱۴۰۰، ص ۱۵۳؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۵۴؛ زمخشری، ۱۹۷۹، ص ۳۳۳؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۷۲؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۴۵)

نکته دیگری که لازم است در این‌جا بیان گردد، آن است که شخصیت مصطلح علم روان‌شناسی، اصطلاحی جدید به شمار می‌آید، ولی این بدان معنا نیست که مفهوم آن نیز در گذشته به کار نرفته است. با بررسی منابع وحیانی، به این نتیجه می‌رسیم که در گذشته برای بیان مفهوم شخصیت، از واژه‌هایی هم‌چون شاکله و اخلاق استفاده می‌شد. واژه «شاکله» که در قرآن به کار رفته است (اسراء، ۸۴)، از منظر لغت‌شناسان، معانی مختلفی دارد که عبارتند از: طبیعت، استعداد، راه و روش، اخلاق و ساختار. (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۳۹۳؛ صاحب‌بن‌عباد، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۱۶۴؛ زمخشری، ۱۹۷۹، ص ۳۳۶؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۴۰۲؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۳۵۶؛ حسینی‌زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۳۸۰)

با وجود تنوع معانی «شاکله»، همه آن‌ها را ذیل مفهوم «ساختار» می‌توان جمع کرد؛ برخی از این معانی بر ساخت فطری و برخی بر ساخت اکتسابی انسان دلالت دارند. البته «شاکله» در کاربرد قرآنی، از معنای ظاهری آن به معنای ساختار باطنی، تطور یافته است. در معارف روایی، «شاکله» قرآنی، به «نیت» تفسیر شده است. نیت هم بر اساس برخی از روایات، به خُلق اکتسابی تفسیر گردیده است؛ چنان‌که امام صادق(ع) در این باره می‌فرماید:

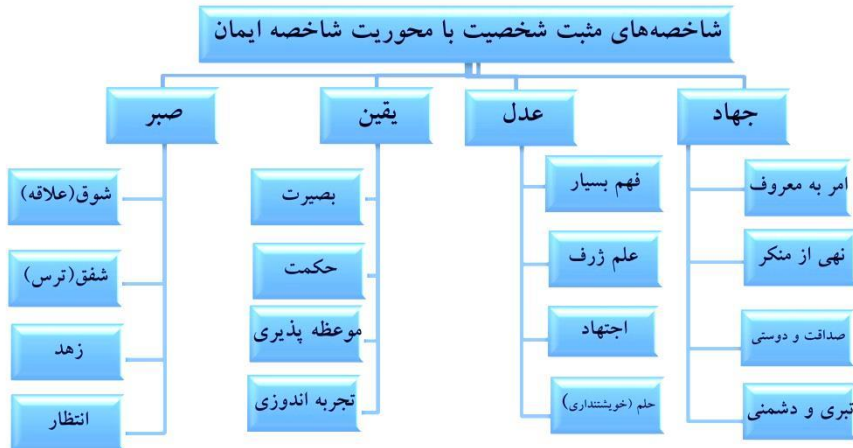
اخلاق نعمتی خدادادی است که حضرتش آن را به بندگان خود اعطا می‌کند؛ نوعی از آن، سنجیه است و بخشی دیگر نیت... صاحب سنجیه مفلطح به این اخلاق است و امکان ندارد که خلاف آن عمل کند، ولی صاحب نیت بر اطاعت الهی صبر می‌کند؛ از این رو نیت (اخلاق اکتسابی)، بر سنجیه (اخلاق فطری) برتری دارد. (کوفی اهوازی، ۱۴۰۲، ص ۲۹؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۰۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۱۵۱)

بنابر روایت پیش‌گفته، اخلاق دارای دو بعد فطری و اکتسابی است و مفهومی عام دارد؛ چنان‌که شاکله هم از منظر لغویان، دارای مفهومی عام است. بدین ترتیب، این دو واژه از جهت دلالت بر مفهوم عام، دقیقاً بر مفهوم واژه شخصیت منطبق هستند؛ لذا معنای شخصیت، مساوی با معنای شاکله و اخلاق خواهد بود.

## ۲. شاخصه‌های مثبت شخصیت در نهج‌البلاغه

خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های بسیاری در نهج‌البلاغه، به شخصیت انسان توجه کرده‌اند، ولی از میان آن‌ها نامه ۳۱ و حکمت ۳۱ دارای برجستگی خاصی هستند. نامه ۳۱ به بسیاری از شاخصه‌ها، با گستره ابعاد فردی و اجتماعی اشاره دارد. اما حکمت ۳۱ نهج‌البلاغه در زمینه شاخصه‌های مثبت شخصیت، از دیگر کلمات حضرت، متمایزتر است؛ زیرا به همه این شاخصه‌ها، به طور نظام‌مند اشاره کرده و جایگاه اصول و فروع آن را از هم تفکیک نموده است. بر اساس حکمت ۳۱ نهج‌البلاغه که به دلیل انعکاس طرح نظام‌مند از مسأله شخصیت، شایسته است که حکمت «روان‌شناسی شخصیت» نامیده شود، ایمان اولین بروز شخصیت است. ایمان چهار پایه دارد که شاخصه‌های بعدی شخصیت مثبت را شکل می‌دهند و سرانجام هر یک از این چهار پایه، خود چهار شعبه دارند. بدین ترتیب بر اساس این حکمت، در مجموع، شاخصه‌های شخصیت در جانب مثبت، با احتساب ایمان به عنوان اصلی‌ترین شاخصه، ۲۱ شاخصه خواهند بود.

البته توجه به این نکته نیز مهم است که بر اساس ضبط کامل حکمت ۳۱، در دیگر کتب روایی (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴، صص ۱۶۴-۱۶۹)، در نقطه مقابل ایمان به عنوان محور تمام شاخصه‌های مثبت شخصیت، دو نوع دیگر شاخصه‌های شخصیت در جانب منفی، با محوریت کفر و نفاق قرار دارند، اما از آن‌جا که هدف این نوشتار بررسی شاخصه‌های مثبت شخصیت است، در ادامه صرفاً به بررسی ۲۱ شاخصه مثبت شخصیت پرداخته می‌شود.



### ۲-۱. ایمان

ایمان از نگاه نهج‌البلاغه، رکن رکن شخصیت است. البته تکمیل ایمان و کسب مراتب بالای آن، به اکتساب دیگر شاخصه‌ها بستگی دارد که شاخص‌ترین آن‌ها بر اساس حکمت ۳۱،



عبارتند از: صبر، یقین، عدل و جهاد؛ چنان که امام علی (ع) به آن‌ها اشاره کرده است. (نهج البلاغه، ۱۴۱۴، حکمت ۳۱)

نکته درخور توجه آن است که بین علم و ایمان تفاوت وجود دارد. در حالی که علم به معنای دانایی و نقیض جهل است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۲، صص ۱۵۲-۱۵۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۱۰۹؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۷، ص ۴۹۵)، کاربرد واژه «ایمان» متفاوت از کاربرد «علم» است. این واژه، از ریشه «أمن»، در تقابل با ریشه «خوف» به معنای آرامش به کار می‌رود (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، صص ۳۸۸-۳۸۹؛ صاحب‌بن‌عباد، ۱۴۱۴، ج ۱۰، صص ۴۱۳-۴۱۴؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۳۳؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۸، ص ۲۴). بنابراین باب افعال آن یعنی «ایمان» و مشتقات آن، معنای متعدی دارد و به معنای آرامش دادن به کار می‌رود؛ چنان که عبارت (ءَأْمَنَهُمْ مِّنْ خَوْفٍ) (قریش، ۴)، بدان معناست که خداوند به آنان (از ترسی که داشتند)، آرامش داد.

اما غالباً مشتقات باب «ایمان» در قرآن، به رغم تعدی، بدون مفعول به کار رفته است - (آل عمران، ۱۱۴؛ مائده، ۸۱؛ توبه، ۴۴). بنابراین در مواقعی که بدون مفعول می‌آید، مفعول آن محذوف است؛ برای مثال، وقتی گفته می‌شود (يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ) (آل عمران، ۱۱۴)، این عبارت، بدان معناست که «آنان با (تصدیق و باور) خداوند، به (قلب خود) آرامش می‌دهند». اما این تفاوت، بر این مطلب دلالت دارد که ایمان برخلاف علم، از مراتب استکمال نفس است و علم مقدمه‌ای بر آن است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، صص ۹۳-۹۷)؛ زیرا هر نوع علمی که برخاسته از تراوشات ذهنی انسان باشد، نمی‌تواند حالتی پایدار و راسخ در نفس باشد. بسیاری از علوم، صرفاً تراوش ذهنی انسان هستند و در قلب انسان نفوذ نمی‌کنند. برخلاف دانسته‌هایی که به درجه ایمان می‌رسند و حالتی پایدار و مستقر در نفس پیدا می‌کنند. بدین ترتیب علم را نمی‌توان از شاخصه‌های مثبت شخصیت انسان برشمرد، برخلاف ایمان که اصلی‌ترین شاخصه شخصیت به شمار می‌رود.

بدین ترتیب ایمان، رکن رکین و شاخصه محوری شخصیت از منظر نهج البلاغه به شمار می‌آید که ارمغانش، تبلور آرامش حقیقی در قلب انسان مؤمن است. راه رسیدن به این ایمان و آرامش قلبی نیز بر اساس آیات قرآن، اعتقاد و توجه به خداوند متعال است؛ چنان که امام علی (ع)، اعتقاد به خداوند متعال را به عنوان اساسی‌ترین تبلور ایمان معرفی فرموده، آن را زمینه‌ساز تحقق تمام نیکی‌ها می‌داند. (نهج البلاغه، ۱۴۱۴، خطبه ۲؛ پوررستمی، ۱۳۹۴، صص - ۸۲ - ۸۳)

این که برخی از روایات، نیت را رکن رکین شخصیت (شاکله) معرفی کرده‌اند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۶؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۲۱۴)، بدان علت است که نیت، به همان ایمان بازگشت می‌کند. نیت از ماده «نوی» به معنای قصد و اراده قلبی است (ابن فارس، ۱۴۰۴،

ج ۵، ص ۳۶۶؛ زمخشری، ۱۹۷۹، ص ۶۵۹؛ فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۶۳۱) و بنابر اصطلاح شرعی نیز عبارت است از قصد انجام دادن عمل به منظور امتثال فرمان الهی. بنابراین نیت، نفس عمل نیست، بلکه قصد عمل است مشروط بر این که بر پایه اعتقاد به خداوند باشد. پس براساس روایات، نیت، به ایمان بازگشت دارد. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۶؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۰۴؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۲۱۴)

بنابر نهج‌البلاغه شخصیت، فارغ از این که بر رکن رکین ایمان تکیه دارد، دارای شاخصه‌های چهارگانه دیگری است که در شکل‌گیری شخصیت انسان نقش مهمی ایفا می‌کنند (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴، حکمت ۳۱). در ادامه، به بررسی تفصیلی این چهار شاخصه و ابعاد مختلف هر یک از آن‌ها، پرداخته می‌شود:

## ۲-۱-۱. صبر

واژه صبر در اصل به معنای حبس کردن و در تنگنا قرار دادن است. وقتی عرب می‌گوید: «صَبَرْتُ الدَّابَّةَ»، یعنی من فلان حیوان را در جایی بدون علف حبس کردم (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۱۱۵؛ صاحب‌بن‌عباد، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۱۳۴؛ ابوهلال عسکری، ۱۴۰۰، ص ۱۹۵؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، صص ۳۲۹-۳۳۰؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۷۴)؛ از این‌رو، علامه طباطبایی می‌گوید که «صبر»، عبارت است از: حبس و نگه‌داری نفس در برابر عمل به مقرراتی که عقل و شرع معتبر می‌شمارند و یا ترک اموری که عقل و شرع اقتضا می‌کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۳۰۲)؛ چنان که مقصود حضرت علی(ع) از صبر در نهج‌البلاغه نیز همین معناست: و صبر کردم، گویی در چشمم خاری و در گلویم استخوانی مانده است! (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴، خطبه ۳)

این تعبیّرات عجیب برای صبر در این سخن، بدان معناست که صبر کاری طاقت‌فرساست و بدون حبس نفس از خواسته‌های آن معنا نخواهد داشت؛ چنان که مقصود حضرت، صبر در برابر کج‌روی‌های امت پس از رحلت پیامبر(ص) است که حضرت به منظور حفظ و بقای اساس دین تحمل کرد. (همان)

بنابراین صبر به معنایی که ذکر شد، نوعی تاب‌آوری است در برابر مشقات و یا پیشامدهایی که در راه کمال انسان وجود دارند. صبر یا تاب‌آوری به این معنا، یکی از پایه‌های ایمان است که ایمان را تقویت می‌کند و به آن استحکام می‌بخشد. (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴، حکمت ۳۱؛ هاشمی خویی، ۱۴۰۰، ج ۱۰، ص ۱۶۶؛ موسوی اصفهانی، ۱۳۸۲، ص ۸۹)

نکته درخور توجه درباره این شاخصه به عنوان یکی از پایه‌های ایمان، آن است که صبر به دلیل اهمیت خاصی که در حفظ ایمان و آرامش‌بخشی به انسان دارد، به عنوان اولین پایه ذکر شده است (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۲، ص ۹۰). از این رو، به اهمیت «صبر» در دیگر روایات نیز

اشاره شده است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۸۷؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۱، ص ۲۰۲؛ هاشمی خویی، ۱۴۰۰، ج ۱۰، صص ۱۶۵-۱۷۰)، برای مثال، صبر در چندین روایت، به رأس ایمان تشبیه می‌شود (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴، حکمت ۸۲: قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۹۷؛ حمیری، ۱۴۱۳، ص ۱۵۶؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۸۷؛ ابن‌همام اسکافی، ۱۴۰۴، ص ۶۴؛ ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۰۲؛ تیممی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۸۰). نکته درخور توجه در این تشبیه، آن است که رابطه بین صبر و ایمان از نگاه حضرت علی (ع)، ناگسستگی است. با وجود صبر، ایمان انسان معنا می‌یابد و با رفتن آن نیز ایمان می‌رود (هاشمی خویی، ۱۴۰۰، ج ۱۰، ص ۱۶۶). بنابراین صبر می‌تواند اولین نمود کاربردی ایمان باشد.

صبر نیز همانند ایمان نمودهایی دارد. این نمودها از نگاه امام علی (ع)، همان شعبه‌های صبر هستند؛ چنان که می‌فرماید:

صبر، خود بر چهار شعبه است: شوق (علاقه)، شفق (ترس)، زهد (بی‌رغبتی به دنیا) و انتظار کشیدن. پس آن کس که شائق و شیفته بهشت است، از شهوت دست شوید و آن کس که از آتش بیم‌ناک شود، از کارهای حرام دوری‌گزیند و آن کس که به دنیا بی‌رغبت باشد، پیشامدهای جهان را خوار شمرد و آن کس که انتظار مرگ کشد، به سوی نیکی‌ها بشتابد. (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴، حکمت ۳۱)

بر اساس این سخن حضرت، شوق و علاقه به کمال مطلوب، اولین نمود صبر است. بی‌شک انسان در صورتی به کمال انسانی دست می‌یابد که نسبت به کمال خود و رسیدن به هدف مطلوبش شائق باشد. در این صورت انسان، به راحتی موانع راه را از سر راهش برمی‌دارد. بنابراین شوق و علاقه، بازویی نیرومند برای تقویت صبر است تا انسان بهتر با مشقات و پیشامدهای پیش‌رو مقابله کند.

بر همین اساس، داشتن شفقت و دل‌سوزی انسان به خود و هراس از رسیدن آفات نفس، دومین نمود صبر به شمار می‌آید (همان). از این رو، شخصی که طالب شخصیت والاست در کنار علاقه به کمال، نیازمند ترس است تا در سایه آن، از عواقب اعمالش ترسان باشد و در برابر جذابیت‌های فریبنده دنیوی تاب بیاورد.

بنابر نهج‌البلاغه، زهد سومین نمود صبر است (همان). زندگی انسان در دنیا، همراه تلخی‌هایی است که به طور معمول انسان در زندگی خود با آن‌ها مواجه می‌شود که او را از رسیدن به مطلوب حقیقی باز می‌دارند. طبعاً انسان صبور به معنای حقیقی، کسی است که روش آزادگی را در دنیا در پیش بگیرد و از تعلقات آن به دور باشد. این همان معنای زهد است.

بر همین اساس، انتظار کشیدن، آخرین نمود صبر است (همان). انسان صبور، در عین آن که به سمت مطلوب واقعی خود حرکت می‌کند و در کسب فضایل نفس می‌کوشد، برای رسیدن به مطلوب لازم است که اهل انتظار هم باشد؛ زیرا امور این جهان به صورت تدریجی و با کسب

مقدمات لازم به دست می‌آیند و انتظار نوعی کسب لیاقت برای رسیدن به مطلوب است. بدین ترتیب انسان صبور به معنای واقعی، از دیدگاه امام علی(ع)، کسی است که دارای چهار ویژگی مهم باشد:

الف) به کمال خود شوق داشته باشد؛

ب) از آفات بترسد؛

ج) برای رسیدن به کمال، از لذت‌های زودگذر دنیا چشم‌پوشد؛

د) منتظر ملاقات باشد.

انسان در سایه چنین صبری، شخصیت خود را به خوبی می‌سازد و به موفقیت دست می‌یابد. (همان؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۲۴؛ موسوی اصفهانی، ۱۳۸۲، ص ۹۰)

## ۲-۱-۲. یقین

یقین نیز یکی دیگر از پایه‌های شخصیت بر محور ایمان است (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴، حکمت ۳۱). بر همین اساس، این شاخصه نیز در کنار شاخصه صبر، از شاخصه‌های درون‌گرایانه هستند که بنیاد شخصیت باطنی انسان را می‌سازند.

لغویان معنای علم و یقین را متمایز از هم‌دیگر می‌دانند. از نظر آنان، یقین نوع خاصی از علم است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۲۲۰؛ فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۶۸۱؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۴۵۷). برخی نیز یقین را این‌گونه معنا کرده‌اند:

یقین علمی است که شک و شبهه در آن نباشد و نفس در پی آن به سکون و اطمینان برسد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۹۲؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۴، ص ۲۶)

بنابراین، علم و یقین دو ویژگی متفاوت از ویژگی‌های انسان هستند. علم با واژگانی چون ادراک و فهم معادل است و یقین با سکونت و قطعیت قرین است؛ چنان که جایگاه شکل‌گیری این دو ویژگی هم متفاوت است: علم جایگاهش ذهن انسان و یقین جایگاهش قلب اوست. بنابراین، به نظر می‌رسد که علم تا به مرحله یقین قلبی برسد، روندی را باید بپیماید که این روند، نزول آن علم از مرتبه ذهنی به مرتبه قلبی است و صرفاً در این موقع است که آن علم به یقین تبدیل می‌گردد و به عنوان یک صفت راسخ در نفس (قلب) درمی‌آید. ولی علم پیش از آن که متصف به یقین گردد، هرگز صفتی راسخ در نفس نیست؛ زیرا علم ممکن است در مرتبه ذهنی باقی بماند و در قلب انسان نفوذ نکند.

یقین یا همان قطع نیز خود مراتبی دارد که آیات قرآن به این مراتب اشاره کرده‌اند (تکاثیر، ۷-۵؛ واقعه، ۹۵). این مراتب عبارتند از: علم‌الیقین، عین‌الیقین و حق‌الیقین که علم‌الیقین ادنی مراتب آن است. (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶۶، صص ۱۵۹-۱۶۰؛ مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱۳، ص ۱۳؛ مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۱، صص ۶۸-۶۹؛ هاشمی خویی، ۱۴۰۰، ج ۱۹، ص ۲۸۶)

علم‌الیقین یعنی یقین علمی که انسان نسبت به معارف دین کسب می‌کند (مازندرانی،

۱۳۸۲، ج ۱، صص ۶۸-۶۹؛ هاشمی خویی، ۱۴۰۰، ج ۱۹، ص ۲۸۶). البته این یقین، از نوع مفهومی است؛ به طوری که انسان از روی ادله به این یقین دست می‌یابد. اما یقین در این مرتبه متوقف نمی‌گردد؛ بلکه گاهی یقین انسان عینی است نه علمی و آن زمانی است که انسان نه از روی شواهد و ادله، بلکه به عین یک چیز یقین پیدا می‌کند یا با رؤیت ظاهری و یا رؤیت قلبی که با مکاشفه به دست می‌آید (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶۶ صص ۱۵۹-۱۶۰؛ مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۱، صص ۶۸-۶۹). برای مثال، وقتی در این مرحله از یقین، سخن از یقین به قیامت است، بدین صورت است که انسان پس از انتقال از این دنیا و یا با مکاشفه در این دنیا، به حقیقت عالم قیامت اطلاع یابد. (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶۶ صص ۱۵۹-۱۶۰؛ مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱۳، ص ۱۳؛ مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۱، صص ۶۸-۶۹؛ هاشمی خویی، ۱۴۰۰، ج ۱۹، ص ۲۸۶)

بنابراین تفاوت بین دو نوع یقین، در کیفیت یقین تحصیل شده نیست؛ بلکه تفاوت بین آن دو، در کیفیت دسترسی به یقین و راه تحصیل آن است؛ البته تحصیل نوع دوم در امور غیبی، نیازمند طی مراتبی از تمرین و مراقبت عملی است که انسان در اثر آن به مکاشفه برسد.

حق‌الیقین هم نوع سوم یقین است. اما مقصود از این مرتبه، نه ارتقای کیفی یقین و نه اختلاف راه تحصیل آن است؛ بلکه مقصود از آن افزایش مصادیق یقین است؛ به گونه‌ای که تمام گستره معرفت دینی را دربرگیرد. به نظر می‌رسد که مقصود امام علی(ع) از یقین در این تعبیر که فرمود: «لَوْ كُشِفَ الْغَطَاءُ مَا ازْدَدْتُ يَقِينًا» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶۶ ص ۲۰؛ اربلی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۸۶؛ دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۲۴؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۱، ص ۲۰۲)، نیز اشاره به همین نوع آخر باشد؛ زیرا زمانی می‌توان از امتیاز ویژه برای حضرت سخن گفت که یقین وی، از نوع علمی و یا عینی محدود در موارد خاص نباشد؛ چون اکتساب آن دو، برای برخی از مؤمنان معمولی نیز امکان‌پذیر است؛ ولی رسیدن به مقام حق‌الیقین، تنها از عهده امام علی(ع) برمی‌آید.

یقین نیز همانند دو شاخصه پیشین، نمودهایی دارد. علی(ع)، در این باره می‌فرماید:

یقین چهار شعبه دارد: بصیرت، حکمت، موعظه‌پذیری از عبرت‌ها و تجربه‌اندوزی از گذشتگان. پس آن کس که با بصیرت به واقعیت‌ها نگریست، حکمت بر او آشکار شود و آن کس که حکمت بر او آشکار گردد، عبرت‌آموزی را شناسد و آن که عبرت‌آموزی داشت، گویا چنان است که با گذشتگان زیسته است. (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴، حکمت ۳۱)

بی‌شک مقصود حضرت از یقین و شاخصه‌های آن، علم و دانش معمولی نیست که آمیزه‌ای از علوم قطعی و ظنی باشد؛ چنان که معنای لغوی یقین هم متمایز از معنای علم بود. بنابراین، مقصود حضرت از یقین و چهار شاخصه فرعی آن؛ یعنی بصیرت، حکمت، موعظه‌پذیری و تجربه‌اندوزی، علوم متعارف بشری نیست که احتمال خطا و اشتباه در آن‌ها وجود دارد؛ بلکه مقصود، علمی است که در ارتباط با قلب انسان باشد که مرکز نفوذ صفات است. این نوع علوم - برخلاف عمومی که در بسیاری از دانش‌وران وجود دارد - صرفاً از راه علم‌آموزی به دست

نمی‌آیند، بلکه به تمرین و کسب مهارت نیاز دارند و بدون تلاش، مراقبت و تمرکز، دست‌یافتنی نیستند. از این‌رو، اندیش‌وران به‌رغم برخورداری از علوم معمول، در بسیاری از زمان‌ها، از به‌کارگیری آن‌ها هنگام بروز موقعیت‌های جدید عاجزند و توان تشخیص درست ندارند؛ همانند ورزش‌کاری که اطلاع دقیقی از یک ورزش خاصی داشته باشد، ولی چون تمرین‌های لازم در آن زمینه را انجام نداده است، امکان کسب موفقیت را از دست می‌دهد.

بصیرت یکی از شاخصه‌های فرعی یقین به شمار می‌آید که مقصود حضرت از آن، دیدن با چشم ظاهری نیست، بلکه عبارت است از آن که انسان، فارغ از امور ظاهری، به پشت پرده امور پی ببرد و به حقیقت آن‌ها بنگرد (همان). برای مثال، بصیرت یعنی در زمانی که همه آرا بر یک سخن باطل متفق گردد، انسان از گفتن سخن حق ابایی نداشته باشد؛ از تنهایی رأی خود ترسان نباشد و بر سخن راستین خود استقامت ورزد؛ زیرا او با بلندای افق دیدش، حقیقتی را می‌نگرد که دیگران از دیدن آن درمانده‌اند.

طالبان یقین در سایه همین استقامت در مسیر بصیرت، به وادی مکاشفه علمی نایل می‌گردند. انسان در سایه بصیرت، به علمی می‌رسد که از نوع انکشافی است نه اکتسابی. تأول حکمت که امام علی (ع) به آن اشاره فرموده (همان)، همان مکاشفه مبادی علوم است که غالب طالبان علم بدان توجهی ندارند. ولی حکیمان به دلیل بهره‌گیری از مبادی علوم، از آن برخوردارند. (همان)

کسی که از نظر شخصیت، دو شاخصه بصیرت و حکمت را به دست آورد، به دو شاخصه مثبت دیگری نیز توجه خواهد کرد. یکی از این دو شاخصه، موعظه‌پذیری از کار گذشتگان و دیگری تجربه‌اندوزی از تجربیات آنان است. (همان)

## ۲-۱-۳. عدالت

بنابر نهج‌البلاغه، عدالت به عنوان یکی از پایه‌های ایمان، برخلاف دو پایه اول آن (صبر و یقین)، صرفاً از شاخصه‌های باطنی شخصیت نیست، بلکه بر هردو جنبه باطنی و ظاهری شخصیت دلالت دارد. (همان) عدالت باطنی، همان عدالتی است که انسان در درون خود و با تعدیل قوای نفس بدان می‌رسد. عدالت ظاهری نیز آن است که در جامعه و در قالب رفتارهای ظاهری انسان، ظهور می‌یابد.

منشأ عدل بیرونی همان اعتدال درونی است؛ از این رو امام علی (ع) می‌فرماید:

أَنَّ لِكُلِّ ظَاهِرٍ بَاطِنًا عَلَيِّ مِثَالَهُ؛

هر ظاهری به یک امر باطنی شبیه خود متکی است. (همان، خطبه ۱۵۴)

البته این سخن، بدان معنا نیست که برخی از رفتارهای به ظاهر عدالت‌گونه که برخی آن را ابزاری برای فریب مردم قرار می‌دهند، عادلانه باشند، بلکه مقصود آن است که انسان در اثر تمرین و استمرار بر رفتارهای عادلانه، باطنش به اعتدال می‌رسد و آن‌گاه این اعتدال درونی، در

قالب رفتارهای عادلانه تجلی می‌یابد. از این‌رو، رفتارهای عادلانه شخص، خود نشانه‌ای از اعتدال درونی خواهند بود.

عدالت از جنبه دیگری نیز به دو نوع تقسیم می‌شود: عدالت فردی و عدالت اجتماعی. عدالت فردی از نگاه امام علی(ع)، بیش‌ترین اهمیت را دارد؛ چنان‌که در این باره فرمود: «اولین عملکرد شخص عادل، عدالتش در نفی خواسته‌های (غیرعقلانی) نفس است» (همان، خطبه ۸۷)؛ ولی در ضمن این مسأله، بر عدالت اجتماعی تأکید بیش‌تری می‌فرماید؛ گویی از نگاه آن حضرت، زندگی بدون عدالت اجتماعی، معنا و مفهوم کاملی نخواهد داشت. (همان، خطبه ۳، ۱۵ و ۷۲)

آن حضرت عدالت را این‌گونه تعریف می‌کند:

عدل چهار شعبه دارد: فهم بسیار، دانش ژرف، اجتهاد و حلم. پس، آن‌که امور را درست فهمید، به ژرفای دانش رسید و هر کس به ژرفای دانش رسید، از احکام شریعت سیراب گشت و آن‌که حلیم (خویشتن‌دار) بود، در کار خویش کم‌کاری نکرده، در میان مردم با نیک‌نامی زندگی کرد. (همان، حکمت ۳۱)

بر اساس این سخن، عدل نیز به عنوان یکی از پایه‌های ایمان، خود چهار شعبه دارد که عدالت از طریق این شعبه‌های چهارگانه به ظهور کامل خود می‌رسد. اما در این‌جا نکته تأمل‌برانگیزی وجود دارد. به رغم آن‌که شاخصه عدالت، برخلاف شاخصه یقین، شاخصه‌ای عملی به شمار می‌آید، چگونه دو قسم اول آن، از نوع علمی هستند، نه عملی؟!

پاسخ این پرسش، اولاً با دقت در تعبیری که علی(ع) برای دو قسم اول عدالت بیان فرموده است، به دست می‌آید؛ زیرا حضرت در این باره فرمود:

غَائِصِ الْفَهْمِ وَ غَوْرِ الْعِلْمِ. (همان)

«غَائِصِ الْفَهْمِ» یعنی فرورفتگی در فهم، در کلام حضرت بدان معناست که انسان همانند غواصی که با فرورفتن در آب، از هر طرف احاطه می‌گردد، از آن‌چنان ورزیدگی در فهم برخوردار شود که تمام دغدغه‌های فکری‌اش را پاسخ گوید.

«غَوْرِ الْعِلْمِ» یعنی ژرفایی علمی نیز در تعبیر حضرت، بدان معناست که علم ژرف، تنها با اکتفا به علوم سطحی ظاهری، به دست‌آمدنی نیست، بلکه با اتکال به علومی فراطاهری؛ یعنی علوم وحیانی و عقلانی به دست می‌آید؛ زیرا انسان با بینش عمیق، می‌تواند شناخت درستی درباره جهان هستی و از همه مهم‌تر به باطن و نفس خود داشته باشد و خود را از تنگ‌نظری‌های حاصل از توجه افراطی به علوم ظاهری و حسی بازدارد. بنابراین با توجه به دو تعبیر پیش‌گفته، معلوم می‌گردد که مقصود حضرت از فهم و علم، صرف آگاهی و کسب اطلاعات نیست، بلکه فهم و علمی ملاک آن حضرت است که به ویژگی کثرت و ژرفایی متصف باشد. (همان)

جواب دوم پرسش نیز از ارتباطی که خود حضرت بین قسم دوم عدالت با قسم سوم آن برقرار کرده، قابل برداشت است (همان). امام علی(ع) در این باره می‌فرماید: «وَمَنْ عَلِمَ غَوْرًا

أَلْعِلْمِ صَدَرَ عَنْ شَرَائِعِ الْحُكْمِ» (همان)؛ یعنی عالمی که در دانش ژرف‌نگر شد، به جایگاه صدور و اجرای قوانین درست زندگی دست خواهد یافت؛ جایگاهی که رسیدن به عدالت در ابعاد فردی و اجتماعی، بر تحصیل آن متوقف است؛ زیرا انسان‌ها در سایه آشنایی به قواعد درست زندگی و عمل به آن‌ها، به موفقیت دست می‌یابند. از این رو، رهبر جامعه از نظر اسلام، فقیهی است که توانایی دارد با توسعه قوانین متناسب با نیاز جامعه، به تحقق عدالت اجتماعی کمک نماید.

عدالت بر عنصر چهارمی هم تکیه دارد و آن حلم یا خویشتن‌داری است (همان). این شاخصه به عنوان آخرین شاخصه عدالت، در تحقق عدالت نقش مکمل را بازی می‌کند. عدالت از دو جنبه فردی و اجتماعی، نیازمند این شاخصه است. حلم و خوش‌خویی از جهت فردی، عاملی برای تداوم انتظام قوای نفس با کنترل عوامل غضب‌ساز است. از نظر اجتماعی نیز حاکمان جامعه به طور ویژه، به حلم و کنترل غضب، نیاز دارند. حلم و خوش‌خویی، شاخصه‌ای به شمار می‌آید که حاکمان جامعه با برخورداری از آن، به انتظام امور جامعه و حل و فصل امور پیچیده حکومتی و حل اختلافات میان مردم، نایل می‌گردند. اما نتیجه هر دو جنبه حلم از نگاه امام علی(ع)، برحذر بودن از تفریط در امور است؛ چنان‌که با نبود حلم و خوش‌خویی، عدالت در هر دو جنبه آن، به مخاطره خواهد افتاد و انسان به کم‌کاری دچار خواهد شد. (همان)

### ۳-۱-۴. جهاد

جهاد به معنای بذل وسع و طاقت توأم با مشقت در رسیدن به هدفی است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۳۸۶؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۴۸۶؛ فیومی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۱۲). بنابراین معنای جهاد همان سخت‌کوشی است. اهمیت جهاد نیز به همین است که انسان در انجام دادن آن به سختی می‌افتد. از روایات به دست می‌آید که شاخصه جهاد نسبت به سه شاخصه دیگر ایمان، فضیلت دارد. امام علی(ع) به فضیلت این شاخصه چنین اشاره می‌فرماید:

جهاد دری از درهای بهشت به شمار می‌آید که خداوند آن را به روی اولیای خاص خود گشوده است. (تقی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۳۲۶؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۴؛ نهج‌البلاغه، ۱۴۰۴، خطبه ۲۷؛ هاشمی خویی، ۱۴۰۰، ج ۷، ص ۳۹۶)

بدین ترتیب می‌توان فهمید که چرا حضرت مسأله جهاد را به عنوان آخرین پایه ایمان آورده است. این تأخیر در بیان، به دلیل آن است که جهاد آخرین مرتبه از شکل‌گیری شخصیت مطلوب از نگاه علی(ع) به‌شمار می‌رود. آن حضرت، جهاد به عنوان آخرین پایه ایمان را به چهار شاخصه فرعی تقسیم کرده، می‌فرماید:

جهاد چهار شعبه دارد: امر به معروف، نهی از منکر، صداقت (و دوستی) در مواقع آن، و دشمن داشتن فاسقان. هر کس مردم را به نیکی و اجرای فرمان‌های الهی امر کرد، پشت مؤمنان را قوی گردانیده و آن کس که از زشتی‌ها جلوگیری نمود، دماغ مخالفان را به خاک مالید و آن کس که در مواقع خود صدق (و دوستی) به جای آورد، حقی که بر او واجب افتاده بود، ادا کرد و



آن کس که فاسقان را دشمن داشت و برای خدا به خشم آمد، خدا نیز بر دشمنان او خشم کرده، در قیامت، خود او را خشنود خواهد ساخت. (نهج البلاغه، ۱۴۱۴، حکمت ۳۱)

پیش از آن که به توضیح این چهار شاخصه پرداخته شود، لازم است به مطلبی مهم اشاره گردد: منظور حضرت از شاخصه جهاد در این سخن، به سان شاخصه عدالت - که تبیین آن گذشت - اعم از دو نوع جهاد باطنی و ظاهری است؛ چنان که روایات دیگر بر عمومیت آن نسبت به دو نوع جهاد، دلالت دارند. جهاد باطنی همان جهاد با نفس یا جهاد اکبر به شمار می‌آید و جهاد ظاهری هم جهاد در میدان جنگ است که به جهاد اصغر شهرت دارد. از این منظر، جهاد اکبر، به دلیل آن که از نوع باطنی به شمار می‌آید، بر جهاد اصغر مقدم است. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۱۲؛ صدوق، ۱۴۰۳، ص ۱۶۰؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۰، ص ۵۴)

امر به معروف، اولین شاخصه‌ای است که انسان جهادگر در سایه تلاش و همت خود بدان دست می‌یابد (نهج البلاغه، ۱۴۱۴، حکمت ۳۱)؛ شاخصه‌ای که معنای جهاد بدون تحقق آن، مفهوم خود را از دست خواهد داد؛ زیرا احیای کلمه توحید و گسترش امر به معروف در جامعه، هدف اصلی جهاد در آموزه‌های دینی است. نهی از منکر نیز یکی دیگر از شاخصه‌های شخصیتی انسان جهادگر به شمار می‌آید. منکرات در جامعه بدون نهی از منکر، موجب گسترش فساد در جامعه و مانعی در جهت نیل افراد به کمال مطلوب انسانی هستند. بنابراین، لازم است که با منکرات مبارزه شود تا انسان‌ها در فضای سالم اجتماعی به رشد و تعالی دست یابند. بدین ترتیب امر به معروف و نهی از منکر، محقق ارزش‌های مطلوب اجتماعی هستند که در سایه مجاهدت مردان الهی به دست می‌آیند؛ چنان که علی (ع) فرمود:

امر به معروف موجب پشت‌گرمی مومنان است. (همان)

صداقت و دوستی با دوستان و دشمنی با دشمنان، دو شاخصه دیگر از شاخصه‌های مثبت شخصیت بر محور جهادگری به شمار می‌آیند (همان). از دیگر روایات می‌توان فهمید که این دو شاخصه، به عنوان شاخصه‌های مکمل شخصیت هستند، برای مثال، در روایت بیان شده: «آیا دین به جز محبت و دوستی (در راه خدا) و بغض و دشمنی (در راه او) است؟!» (قرات کوفی، ۱۴۱۰، ص ۴۲۸؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶۵، ص ۶۳)

امام علی (ع) درباره اهمیت صداقت و دوستی می‌فرماید:

آن که در موقعیت مناسب صداقت پیشه کند، حقی که بر او واجب افتاده بود، ادا کرده است. (نهج البلاغه، ۱۴۱۴، حکمت ۳۱)

این سخن حضرت، بدان معناست که صداقت در موقعیت مناسب، جامعه را به سمت سلامت روانی و روابط سالم اجتماعی بر اساس حقوق متقابل سوق می‌دهد. جامعه‌ای که در آن صداقت رواج یابد، نفاق و دشمنی‌ها از آن رخت برمی‌بندد؛ چنان که در دیگر منابع دینی، به اهمیت این کارکرد مهم اجتماعی، این‌گونه اشاره شده است: «وَهَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ». (کلینی،

۱۳۶۵، ج ۸، ص ۷۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۱۷۱)

باید توجه داشت که صداقت در کلام آن حضرت، به عنوان یک شاخصه مهم شخصیتی، مقید به اهلیت فرد مقابل و مورد اعتماد بودن اوست (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴، حکمت ۳۱). در غیر این صورت، صداقت نه تنها موجب دوستی نخواهد بود، بلکه دشمنی را خواهد افزود. از همین رو امام علی(ع)، دشمنی با ناهلان را آخرین شاخصه شخصیت جهادگر می‌داند (همان). دشمنی با فاسقان و ناهلان، مبارزه با کسانی است که به نوعی در خلاف جهت سعادت افراد جامعه گام برمی‌دارند و جامعه را از ناهنجاری‌های اجتماعی پر می‌کنند.

### نتیجه گیری

اندیشه‌وران با چهار رویکرد روان‌شناختی، فلسفی، عرفانی و دینی، به بررسی شاخصه‌های مثبت شخصیت انسان پرداخته‌اند. هر یک از این رویکردها، برای شخصیت به معنای ساختار و اصول ویژگی‌های اکتسابی انسان، شاخصه‌های متفاوتی را برشمرده‌اند. از میان این رویکردها، رویکرد دینی با محوریت نهج‌البلاغه، به شاخصه‌های مثبت شخصیت، به طور جامع‌تر و نظام‌مندتر نگریسته است؛ به طوری که شاخصه‌های مثبت شخصیت در این رویکرد، به ۲۱ شاخصه می‌رسد که این شاخصه‌ها به طور نظام‌مند به هم‌دیگر متصل هستند. ظهور تام شاخصه ایمان به چهار شاخصه فرعی بستگی دارد. چنان که شاخصه‌های چهارگانه نیز برای ظهور تام، هر یک نیازمند چهار شاخصه فرعی تری هستند که روی هم رفته شانزده شاخصه فرعی‌تر شخصیت را شکل می‌دهند؛ بدین صورت که در رویکرد اخیر، شخصیت مطلوب از یک شاخصه اصلی به نام ایمان برخوردار است. شاخصه ایمان نیز خود چهار شاخصه فرعی دارد که عبارتند از: صبر، یقین، عدالت و جهاد. هم‌چنین هر یک از این چهار شاخصه نیز چهار شاخصه دارند که در مجموع شانزده شاخصه فرعی‌تر شخصیت را شکل می‌دهند. این شانزده شاخصه عبارتند از: شوق (علاقه)، شفق (ترس)، زهد، انتظار، بصیرت، حکمت، موعظه‌پذیری، تجربه‌اندوزی، جامعیت فهم، ژرفایی علم، اجتهاد در احکام (قوانین)، حلم (خویشتن‌داری)، امر به معروف، نهی از منکر، صداقت (دوستی) و تبری (دشمنی). البته ظهور تام شاخصه ایمان در شخصیت، به چهار شاخصه دیگر؛ یعنی صبر، یقین، عدل و جهاد منوط است. هر یک از این شاخصه‌های چهارگانه نیز برای ظهور تام، نیازمند چهار شاخصه دیگری هستند که روی هم رفته شانزده شاخصه شخصیت بر محور ایمان را شکل می‌دهند.

## فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه. (۱۴۱۴ق). قم، هجرت.
۳. ابن ابی الحدید، عبد الحمید. (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴ق). تحف العقول، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵. ابن فارس، أحمد. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۶. ابن مسکویه، احمد بن محمد. (۲۰۱۱م). تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، بغداد، منشورات الجمل.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب، بیروت، دار صادر.
۸. ابن همام اسکافی، محمد. (۱۴۰۴ق). التمهیص، قم، مدرسه الامام المهدی.
۹. ابو هلال عسکری، حسن بن عبدالله. (۱۴۰۰ق). الفروق فی اللغة، بیروت، دار الآفاق الجدیده.
۱۰. احمدپور، مهدی و دیگران. (۱۳۸۹ش). کتاب شناخت اخلاق اسلامی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۱. اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۸۱ش). کشف الغمه فی معرفه الأئمه، تبریز، بنی هاشمی.
۱۲. ارسطو. (۱۳۷۸ش). اخلاق نیکوماخوس، ترجمه محمدحسن لطفی تبریزی، تهران، خوارزمی.
۱۳. افلاطون. (۱۳۶۷ش). دوره آثار افلاطون، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران، خوارزمی.
۱۴. پوررستمی، حامد. (۱۳۹۴ش). سبک زندگی در آموزه‌های نهج البلاغه، قم، معارف.
۱۵. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد. (۱۳۶۶ش). تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۶. ثقفی، ابراهیم بن محمد. (۱۴۱۰ق). الغارات، تحقیق عبدالزهراء حسینی، قم، دار کتاب الاسلامی.
۱۷. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعۀ إلى تحصیل مسائل الشریعۀ، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۸. حسینی زبیدی، محمد مرتضی. (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر.
۱۹. حمیری، عبدالله بن جعفر. (۱۴۱۳ق). قرب الإسناد، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۰. دیلمی، حسن بن محمد. (۱۴۱۲ق). إرشاد القلوب إلى الصواب، قم، الشریف الرضی.
۲۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، دمشق، دارالعلم.
۲۲. زمخشری، محمود بن عمر. (۱۹۷۹م). أساس البلاغه، بیروت، دار صادر.
۲۳. شولتز، دوان. (۱۳۹۲ش). نظریه‌های شخصیت، ترجمه یوسف کریمی و دیگران، تهران، ارسباران.

۲۴. صاحب بن عباد، إسماعیل بن عباد. (۱۴۱۴ق). المحيط فی اللغة، بیروت، عالم الكتاب.
۲۵. صدوق، محمد بن علی. (۱۴۰۳ق). معانی الأخبار، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۶. طباطبائی، محمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم، مکتبه النشر الإسلامی.
۲۷. طریحی، فخر الدین. (۱۳۷۵ش). مجمع البحرین، تهران، مرتضوی.
۲۸. طوسی، خواجه نصیرالدین. (۱۴۱۳ق). اخلاق ناصری، بی‌جا، علمیه اسلامی.
۲۹. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه. (۱۴۱۵ق). تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان.
۳۰. فانی کشمیری، محسن. (۱۳۶۱ش). اخلاق عالم آراء، بی‌جا، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
۳۱. فرات کوفی، فرات بن ابراهیم. (۱۴۱۰ق). تفسیر فرات الکوفی، تهران، موسسه الطبع و النشر للوزاره الارشاد الاسلامی.
۳۲. فراهیدی، خلیل بن أحمد. (۱۴۰۹ق). کتاب العین، قم، هجرت.
۳۳. فیومی، أحمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم، موسسه دارالهجره.
۳۴. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ق). تفسیر القمی، تحقیق طیب موسوی جزائری، قم، دار الكتاب.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵ش). الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۳۶. کوفی اهوازی، حسین بن سعید. (۱۴۰۲ق). الزهد، قم، المطبعه العلمیه.
۳۷. مازندرانی، محمد صالح بن احمد. (۱۳۸۲ق). شرح الکافی، تحقیق ابوالحسن شعرانی، تهران، المکتبه الاسلامیه.
۳۸. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ق). بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار(ع)، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۳۹. مجلسی، محمدتقی. (۱۴۰۶ق). روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، قم، موسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور.
۴۰. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۱ش). خودشناسی برای خودسازی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۴۱. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰ش). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر.
۴۲. موسوی اصفهانی، سید جعفر. (۱۳۸۲ش). فروغ حکمت در نهج البلاغه، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۴۳. هاشمی خویی، میرزا حبیب الله. (۱۴۰۰ق). منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، تهران، مکتبه الإسلامیه.

## واکنش رفتاری شهروندان به آسیب شناسی اجتماعی در مواجهه با بحرانهای طبیعی و پهنه بندی شهر

حسنعلی فرجی سبکبار<sup>۱</sup>

بهزاد نادری<sup>۲</sup>

محمد رضایی نریمیسا<sup>۳</sup>

### چکیده

زمانیکه شرایط آسیب‌پذیری شکل می‌گیرد سوانحی مانند زلزله و سیل تبدیل به بحران‌های عظیم می‌گردند. امروزه این بحران‌های طبیعی از جمله مسائل و مشکلاتی هستند که پیش‌روی جوامع شهری قرار می‌گیرند و می‌توانند زندگی روزمره را از ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و محیطی دچار بحران کنند. این پژوهش نیز به دنبال تبیین عوامل اجتماعی است که شرایط آسیب‌پذیری را فراهم می‌کنند. بر این مبنا از لحاظ ماهیت جز تحقیقات توصیفی-تحلیلی و به لحاظ هدف از نوع توسعه‌ای-کاربردی است. جامعه‌آماری آن منطقه ۶ شهرداری تهران می‌باشد که بر مبنای قدمت و مرکزیت به عنوان نمونه انتخاب شده است. داده‌ها به دو صورت میدانی و کتابخانه‌ای با ابزارهایی چون پرسشنامه دیمتل و تحلیل شبکه، کتب، مقالات و نقشه‌های گوناگون، جمع‌آوری و با استفاده از نرم‌افزارهای EXCEL, IDRISI, MATLAB و ARC GIS 10.1، مورد تحلیل واقع شده‌اند. نتایج بیانگر آن است که؛ بیشترین میزان آسیب‌پذیری مربوط به مرکز، جنوب و به ویژه جنوب‌شرقی محدوده است که جزو بافت‌های مسئله‌دار با عمر و قدمت بالا هستند، و همچنین بیشترین تراکم ساختمان، جمعیت و بعد خانوار را نیز دارا می‌باشند. وجود چنین عواملی در نحوه دسترسی مناطق مسکونی به مراکز آتش‌نشانی، درمانی و فضاهای باز در حین و بعد از وقوع بحران‌های طبیعی، اثر بسزایی دارد.

### واژگان کلیدی

آسیب‌پذیری، تراکم جمعیت، تراکم ساختمان، منطقه شش شهرداری تهران.

۱. دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تهران و عضو قطب مطالعات و برنامه‌ریزی روستایی.

Email: hfaraji@ut.ac.ir

Email: nadibehzad@gmail.com

۲. دانشیار گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر

۳. دانشجوی دکتری مدیریت بحران، پژوهشگاه مهندسی بحرانهای طبیعی شاخص پژوه

Email: Mohdtehran@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۱۱/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۲۲

## طرح مساله

سیاره زمین به عنوان مکان زندگی و فعالیت بشر، محیطی توصیف شده است که در آن وقوع سوانح طبیعی (نظیر سیل، زلزله، توفان و گردباد و...) در اغلب موارد خسارات و تلفات اجتماعی و اقتصادی متعددی را بر جوامع تحمیل می‌کند (UN/ISDR, 2005:1-2). امروزه بلایا و مخاطرات طبیعی هنگامی رخ می‌دهند که آثار مخربی از جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی روی اجتماعات انسانی داشته باشند. آثار این مخاطرات بر روی اجتماعات فقیر بیشتر است. در کشورهای در حال توسعه علل ریشه‌ای آسیب‌پذیری در برابر مخاطرات، فقر و نابرابری توسعه است (Bethke et al:1997,9). از این رو در حال حاضر دیدگاه غالب از تمرکز بر روی صرفاً کاهش آسیب‌پذیری به افزایش تاب‌آوری در مقابل سوانح تغییر پیدا کرده است (Zhang et al, 2015: 9925).

شهرهای امروزی در نقاط مختلف دنیا به دلایل متعدد از جمله نوع مکان‌گزینی، توسعه فیزیکی نامناسب، عدم رعایت استانداردهای لازم (زنگی‌آبادی و تبریزی، ۱۳۸۵: ۱۱۵)، کمبود و توزیع نامناسب فضاهای باز شهری (شیراویژن، ۱۳۸۷: ۴۸)، رشد سریع جمعیت، شهرنشینی و مهاجرت توده‌ای، الگوی نامناسب و نابرابر مالکیت زمین، فقدان آموزش (Bethke et al:1997,9) و بی‌برنامگی با محدودیت فضا روبه‌رو هستند و این باعث می‌شود که از یک سو بافت شهری فشرده شود و در نتیجه تراکم جمعیتی ساکن در آن افزایش یابد (Van Westen, 2006)، و در نهایت منجر به آسیب‌پذیری در شرایطی نظیر استحکام پایین ساخت و سازها و مساکن و خانه‌های کم مقاومت می‌گردد (Bethke et al:1997,9). و از سوی دیگر زمین‌های نامناسب از نظر آسیب‌پذیری از بلایای طبیعی (به عنوان مثال مناطق نزدیک به گسل‌ها) اغلب توسط فقیرترین طبقات جامعه تصرف شود (Van Westen, 2006).

این شهرها همواره در معرض خطرات ناشی از بلایای طبیعی قرار دارند. یکی از این خطرات که بسیاری از شهرهای جهان از جمله کشور ما را تهدید می‌کند، زمین‌لرزه است. ایران یکی از زلزله‌خیزترین کشورهای دنیا محسوب می‌شود و شهرهای آن در رابطه با این پدیده طبیعی آسیب‌های فراوان دیده‌اند. تهران نیز به عنوان کلانشهر اول کشور نه تنها از این قاعده مستثنی نمی‌باشد، بلکه با توجه به تراکم سازه‌ای، جمعیت متراکم، عدم رعایت استانداردها، توسعه فیزیکی نامناسب و... با خطر جدی‌تری روبروست (زنگی‌آبادی و تبریزی، ۱۳۸۵: ۱۱۵).

با توجه به مطالعات انجام شده، از مهم‌ترین مشکلات بافت‌های مورد نظر می‌توان به مسائل کالبدی و زیست‌محیطی اشاره کرد که شامل معضلاتی مانند: معابر کم عرض و پیچ و خم دار (نفوذ ناپذیری)، عدم وجود تأسیسات و تجهیزات جدید شهری، ریزدانی اکثر قطعات، از بین رفتن مراکز محلات، کمبود کاربری‌های مورد نیاز و عدم توجه لازم به بافت‌های تاریخی،

وجود ساختمان‌های مخروبه و در نتیجه بروز مشکلات ایمنی و تشدید آلودگی، ترافیک و آلودگی‌های صوتی و عدم توجه به محورهای حرکتی پیاده مناسب و فضاهای سبز می‌باشد (محمدصالحی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۴-۷۳).

### ۱. معیارهای آسیب‌پذیری

در کل معیارهای منتخب آسیب‌پذیری در دو دسته طبقه‌بندی می‌شوند: ۱- زمین‌ساخت (شامل فاصله از گسل) و ۲- معیارهای انسان‌ساخت (جایکا، ۱۳۷۹). در این چارچوب ابعاد اجتماعی و بیوفیزیکی آسیب‌پذیری از هم تفکیک شده است، که به موجب آن، آسیب‌پذیری از دیدگاه ابعاد انسانی توصیف شده است.

جدول شماره ۱: معیارهای انسان‌ساخت آسیب‌پذیری

شاخص	محدوده شاخص	وزن	شدت آسیب-پذیری
تراکم جمعیت	مساوی یا کمتر از ۴۰۰ نفر در هکتار	۱	آسیب‌پذیری کم
	۴۰۰-۵۰۰ نفر در هکتار	۲	آسیب‌پذیری متوسط
	۵۰۰-۶۰۰ نفر در هکتار	۳	آسیب‌پذیری نسبتاً زیاد
سال احداث بنا	مساوی یا بالاتر از ۶۰۰ نفر در هکتار	۴	آسیب‌پذیری زیاد
	ساخت قبل از سال ۴۵	۴	آسیب‌پذیری زیاد
	سال ساخت بین سال‌های ۴۵-۵۴	۳	آسیب‌پذیری نسبتاً زیاد
	سال ساخت بین سال‌های ۵۴-۵۵	۲	آسیب‌پذیری متوسط
مساحت قطعات	ساخت بعد از سال ۶۵	۱	آسیب‌پذیری کم
	$\leq 100$	۴	آسیب‌پذیری زیاد
	$100 \leq \sum < 200$	۳	آسیب‌پذیری نسبتاً زیاد
	$200 < \sum < 300$	۲	آسیب‌پذیری متوسط
دسترسی به محدوده	$\sum \geq 300$	۱	آسیب‌پذیری کم
	کاربری‌هایی که به معبر با عرض ۶ متر وارد یا خارج می‌شود	۴	آسیب‌پذیری زیاد
	کاربری‌هایی که به معبر با عرض ۶-۹ متر وارد یا خارج می‌شود	۳	آسیب‌پذیری نسبتاً زیاد
	کاربری‌هایی که به معبر با عرض ۹-۱۴ متر	۲	آسیب‌پذیری متوسط

		وارد یا خارج می‌شود	
آسیب‌پذیری کم	۱	کاربری‌هایی که به معبر با عرض بالای ۱۴ متر وارد یا خارج می‌شود	
آسیب‌پذیری کم	۱	فاصله شعاعی بالای ۳۰۰ متر با فضاهای پرخطر	همجواری و سازگاری و ناسازگاری کاربری‌ها
آسیب‌پذیری متوسط	۲	فاصله شعاعی بین ۱۵۰ تا ۳۰۰ متر با فضاهای پرخطر	
آسیب‌پذیری نسبتاً زیاد	۳	فاصله شعاعی بین ۵۰ تا ۱۵۰ متر با فضاهای پرخطر	
آسیب‌پذیری زیاد	۴	فاصله شعاعی کمتر از ۵۰ متر با فضاهای پرخطر	دسترسی به فضاهای باز عمومی
آسیب‌پذیری زیاد	۴	فاصله شعاعی کمتر از ۵۰ متر با فضاهای باز	
آسیب‌پذیری نسبتاً زیاد	۳	فاصله شعاعی بین ۵۰ تا ۱۵۰ متر با فضاهای باز	
آسیب‌پذیری متوسط	۲	فاصله شعاعی بین ۱۵۰ تا ۳۰۰ متر با فضاهای باز	
آسیب‌پذیری کم	۱	فاصله شعاعی بالای ۳۰۰ متر با فضاهای باز	مصالح ساختمانی
آسیب‌پذیری کم	۱	اسکلت فولادی، بتن مسلح، احداث بعد از سال ۶۵	
آسیب‌پذیری متوسط	۲	ساختمان بنایی، احداث بعد از سال ۶۵	
آسیب‌پذیری متوسط	۲	اسکلت فولادی، بتن مسلح ۶۷-۵۲	
آسیب‌پذیری نسبتاً زیاد	۳	ساختمان بنایی ۶۷-۵۲	
آسیب‌پذیری نسبتاً زیاد	۳	اسکلت فولادی، بتن مسلح ۵۴-۴۳	
آسیب‌پذیری زیاد	۴	ساختمان بنایی، احداث قبل از ۵۴	
آسیب‌پذیری زیاد	۴	اسکلت فولادی با بتن مسلح، احداث قبل از ۴۳	

منبع: آیین‌نامه ۲۸۰۰ زلزله، طرح جایکا، جلدی، ۱۳۷۵.

### ۱-۱) آسیب‌پذیری و تراکم

از طرفی، رابطه مستقیمی بین کاهش تراکم و افزایش هزینه‌های تأمین زیرساخت‌ها و خدمات همگانی وجود دارد (عزیزی، ۱۳۸۲: ۳۴).  
با افزایش جمعیت، نواحی شهری، مستعد خسارات بیشتر ناشی از زلزله هستند. در نتیجه ریسک زندگی و دارایی‌ها در برابر خطرات زلزله افزایش می‌یابد (بهداری و همکاران، ۱۳۸۷:



۱۶). در مطالعات معمولاً تعداد کشته‌ها و مجروحین در نظر گرفته می‌شود (تابش پور، ۱۳۸۴: ۱۰). توزیع نامناسب جمعیت در بخش‌های گوناگون شهر مسأله امداد رسانی پس از زلزله را دچار مشکل می‌سازد (حسینی، ۱۳۸۵: ۳۵).

معیارهای مؤثر در مدیریت بحران زلزله و کاهش آسیب‌پذیری با توجه به تراکم به شرح زیر است:  
 - هر چه تراکم جمعیت بیشتر باشد، آسیب‌پذیری افزایش می‌یابد.  
 - هر چه تعداد کودکان، افراد مسن، زنان و معلولان بیشتر باشد، آسیب‌پذیری بیشتر است. (امیدعلی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷۱).

در عین حال، شاخص‌ها و هدف‌های ذکر شده مورد توجه برنامه‌ریزی پیشگیری از وقوع سانحه و مدیریت بحران زلزله نیز هست (امیدعلی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶۹).  
 - هر چه تراکم ساختمانی، ارتفاع ساختمان به عرض معبر، عدم رعایت استانداردهای احداث بنا، حداکثر شتاب افقی زمین یا PGA، عمر یا قدمت ساختمان، ناسازگاری کاربریها، عدم امکان تخلیه کاربری، طول شبکه‌های زیرساختی چون خطوط گاز و نفت و... بیشتر باشد امکان آسیب‌رسانی بیشتر و بیشتر می‌گردد (میر و کیلی، ۱۳۸۵).

- هر چه کاربری‌های مختلف دارای طرحی ساده‌تر باشند، آسیب‌رسانی کمتر می‌شود.  
 - هر چه تراکم ساختمانی بیشتر باشد، آسیب‌رسانی افزایش می‌یابد (مرکز مقابله با سوانح طبیعی، ۱۳۷۲: ۲۰۲-۲۰۱).

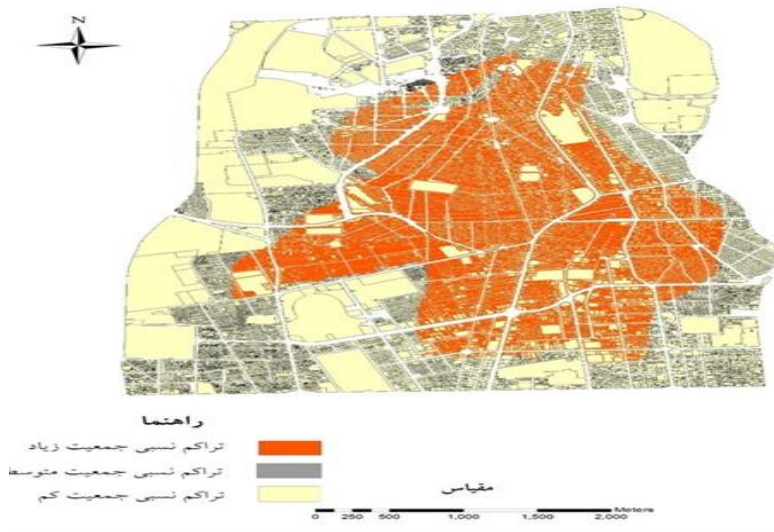
- هر چه کاربری‌ها بیشتر در معرض زلزله و سایر پدیده‌های ناشی از آن باشند، آسیب‌پذیری افزایش می‌یابد.

- هر چه طول شبکه‌های زیربنایی (به جز حمل و نقل) بیشتر باشد، آسیب‌پذیری بیشتر می‌شود (امیدعلی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷۰).

## ۲-۱) یافته‌های پژوهش

### ۳-۱) آسیب‌پذیری و تراکم نسبی جمعیت

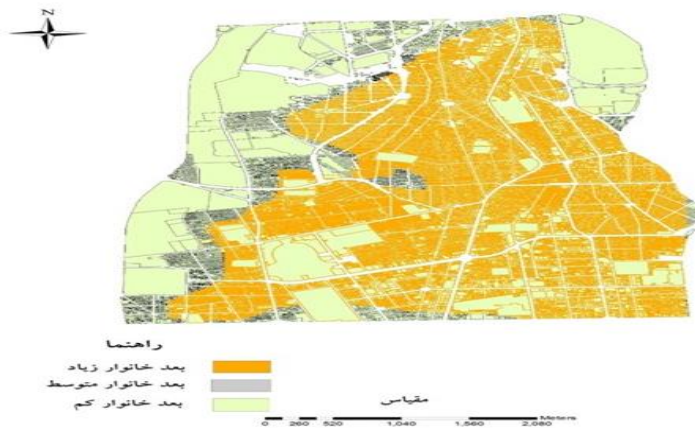
تراکم نسبی جمعیت رابطه و نسبت بین انسان و فضای تحت اشغال انسان را بیان می‌کند، یعنی تعداد افراد ساکن در یک واحد سطح را به طور متوسط نشان می‌دهد ( $Dr = p / s$ ). در رابطه فوق  $Dr$  تراکم،  $p$  تعداد جمعیت و  $s$  مساحت تحت اشغال جمعیت بر حسب کیلومتر مربع می‌باشد. استفاده از این روش تا حد زیادی بستگی به وسعت ناحیه دارد. در بررسی نقشه پهنه‌بندی تراکم نسبی جمعیت منطقه ۶ مشخص می‌شود که بیشترین تراکم در بخش‌های مرکزی و جنوبی قرار دارد این مناطق در معرض بیشترین آسیب قرار خواهند داشت.



تصویر شماره ۱: نقشه پهنه‌بندی تراکم نسبی جمعیت.

#### ۴-۱) آسیب‌پذیری و بعد خانوار

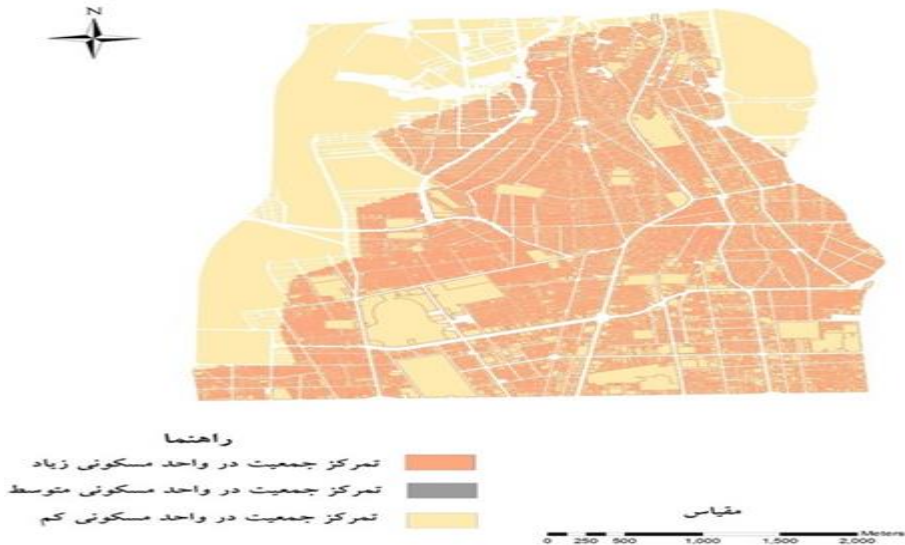
باید توجه داشت که در سال ۱۳۸۵ بعد خانوار کشور ۴/۰۵ و واحد و میزان خانوار در واحد مسکونی ۱/۰۹ بوده است. با توجه به اهمیت شاخص بعد خانوار در آسیب‌پذیری بلایای طبیعی، می‌توان گفت که بیشتر بخش‌های منطقه ۶ در معرض آسیب قرار دارند و میزان پایداری در آن‌ها بسیار پایین است.



تصویر شماره ۲: نقشه پهنه‌بندی شاخص بعد خانوار.

### ۵-۱) آسیب‌پذیری و تمرکز جمعیت در واحد مسکونی

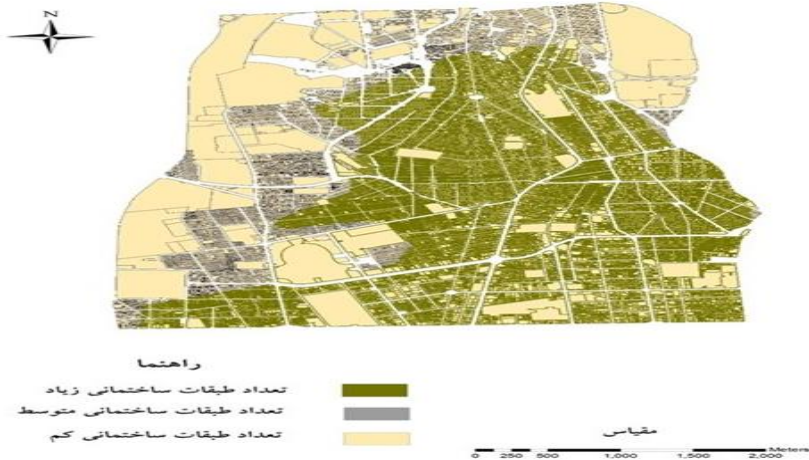
با توجه به شکل شماره ۳، بیشترین تمرکز جمعیت در واحد مسکونی در مناطق با تراکم جمعیتی و ساختمانی بالا می‌باشد که غالباً در شرق و مرکز منطقه واقع شده‌اند. و این بدین معنی است که هر چه مقدار این شاخص بیشتر باشد آسیب‌پذیری بیشتر و پایداری در مقابله با وقوع بلایای طبیعی کمتر می‌باشد.



تصویر شماره ۳: نقشه پهنه‌بندی تمرکز جمعیت در واحد مسکونی.

### ۶-۱) آسیب‌پذیری و تعداد طبقات ساختمانی

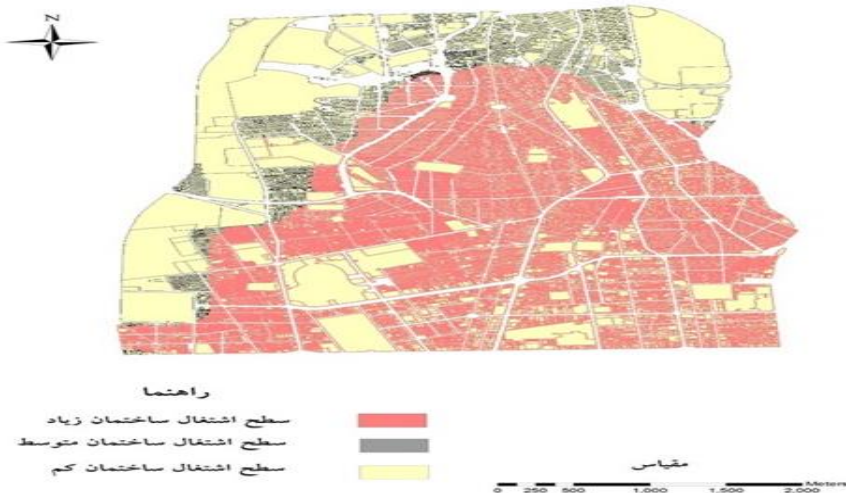
خانه‌ها معمولاً دارای یک طبقه و یا تعداد طبقات کم هستند. ساختمان‌ها معمولاً بر اساس تعداد طبقات، طبقه‌بندی می‌شوند. بلندترین ساختمان‌ها، آسمان‌خراش‌ها هستند. بیشترین تراکم تعداد طبقات ساختمانی در منطقه ۶ شهرداری تهران در مرکز و جنوب می‌باشد که آسیب‌پذیری در مقابله با بلایای طبیعی را افزایش خواهد داد.



تصویر شماره ۴: نقشه پهنه‌بندی تعداد طبقات ساختمانی.

#### ۱-۷) آسیب‌پذیری و سطح اشغال ساختمان

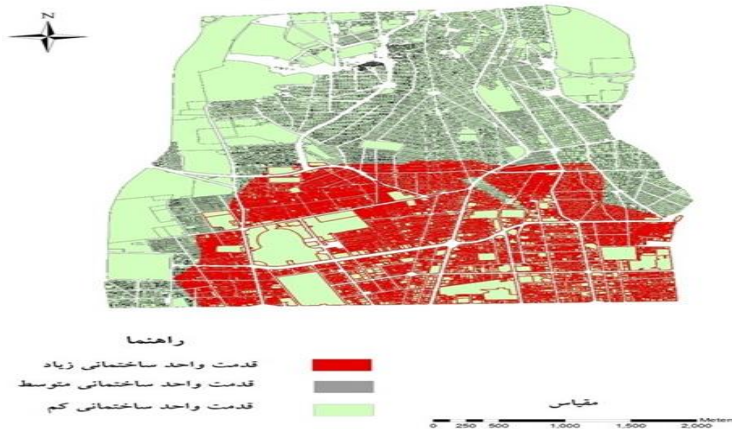
مقدار شاخص سطح اشغال ساختمان در منطقه ۶ در جنوب و مرکز نسبت به سایر نواحی بیشتر می‌باشد و این نشان می‌دهد که این مناطق بیشترین آسیب‌پذیری را دارند.



تصویر شماره ۵: نقشه پهنه‌بندی سطح اشغال ساختمان.

#### ۱-۸) آسیب‌پذیری و قدمت واحد ساختمانی

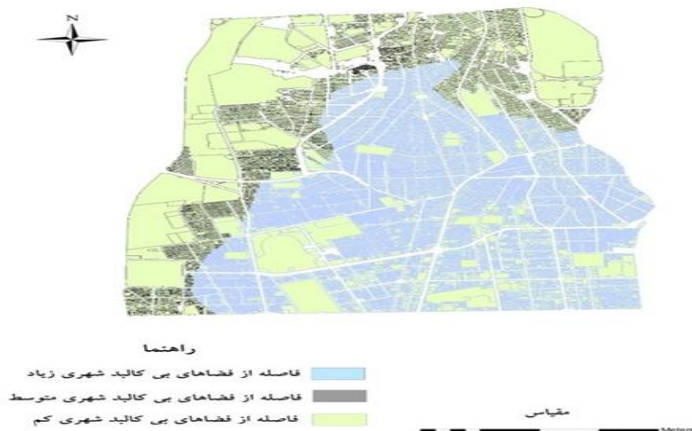
عمر ساختمان‌ها نیز به عنوان یک پارامتر مهم در مقاومت در برابر بلایایی طبیعی مطرح است. با توجه به شکل شماره ۶، ساختمان‌های مناطق جنوبی دارای قدمت بیشتر و به طبع آن در معرض آسیب‌پذیری بیشتری می‌باشند.



تصویر شماره ۶: نقشه پهنه‌بندی قدمت واحد ساختمانی.

### ۹-۱) آسیب‌پذیری و فاصله سکونتگاه‌ها از فضاهای بی‌کالبد شهری

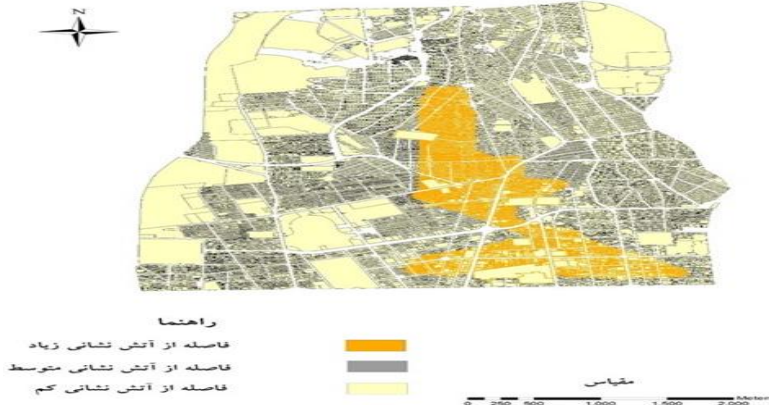
الگوی فضاهای بی‌کالبد و چگونگی پراکنش و توزیع آن‌ها در کل سطح بافت بخش‌های مسکونی عامل مهمی در افزایش کارایی بافت به هنگام وقوع زلزله می‌باشد (حبیب، ۱۳۷۱). پس از وقوع زلزله نیز محلی برای دایر کردن مراکز امدادی، درمانی و مداوای مجروحان، و محلی برای جمع‌آوری کمک‌ها و اسکان موقت زلزله‌زدگان و یا فرود اضطراری بالگرد می‌باشند (احمدی، ۱۳۷۶). همچنین نزدیکی فضاهای باز به مناطق مسکونی و محصوریت کم آن‌ها سبب افزایش مقاومت شهر در برابر زلزله و سایر بلایای طبیعی خواهد بود (پرتویی، ۱۳۷۴). در شکل شماره ۷، پهنه‌بندی فاصله از فضاهای بی‌کالبد نشان می‌دهد که مناطق مرکزی و جنوبی در معرض آسیب قرار دارند و از سطح پایداری کمتری برخوردارند.



تصویر شماره ۷: نقشه پهنه‌بندی فاصله مسکن از فضاهای بی‌کالبد شهری.

### ۱-۱۰) آسیب‌پذیری و فاصله سکونتگاه‌ها از مراکز آتش‌نشانی

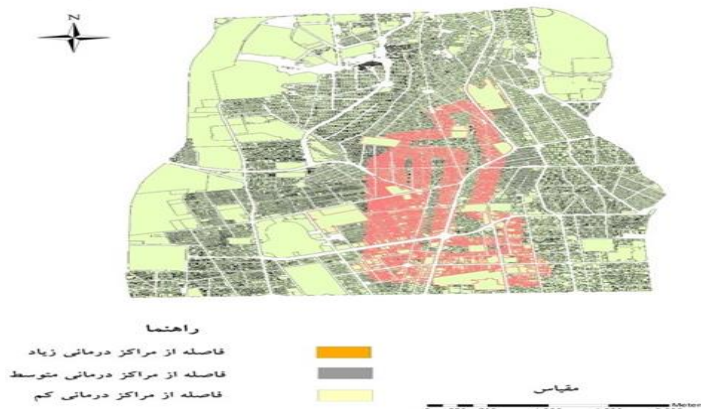
دسترسی به مراکز آتش‌نشانی یک عامل بسیار مهم در امداد رسانی تلقی می‌شود و افزایش فاصله سکونتگاه از مراکز آتش‌نشانی سرعت امداد را کاهش و دامنه خطر را افزایش می‌دهد (حبیبی و همکاران، ۱۳۸۷). در شکل شماره ۸، مناطق با بیشترین فاصله از مراکز آتش‌نشانی و بیشترین آسیب‌پذیری به صوت خطی از مرکز به سمت جنوب امتداد یافته است.



تصویر شماره ۸: نقشه پهنه‌بندی فاصله سکونتگاه‌ها از مراکز آتش‌نشانی.

### ۱-۱۱) آسیب‌پذیری و فاصله سکونتگاه‌ها از مراکز درمانی

دسترسی آسان و سریع به این مراکز موجب سرعت بخشیدن به عملیات امداد رسانی می‌شود. هر چه فاصله تا این مراکز بیشتر باشد، زمان بیشتری بین مبدا و مراکز درمانی طی می‌گردد و درمان به مخاطره می‌افتد (حبیبی و همکاران، ۱۳۸۷). با توجه به شکل شماره ۹، مناطق مرکزی به سمت جنوب منطقه بیشترین فاصله را از مراکز درمانی دارند و نسبت به سایر مناطق آسیب‌پذیرتر می‌باشند.



تصویر شماره ۹: نقشه پهنه‌بندی فاصله سکونتگاه‌ها از مراکز درمانی.

### ۱۲-۱) واکنش مردم به بحران‌های طبیعی

به طور معمول به دنبال بحران‌هایی همچون سیل و زلزله، افراد از مراحل مختلفی عبور می‌کنند. پس از وقوع بلایا، واکنش روانی مردم در مراحل مختلف، متفاوت است باید این تفاوت‌ها را بشناسیم و با آن‌ها رفتار کنیم. انسان‌ها با رویارویی با بلایا و حوادث، واکنش‌هایی از خود بروز می‌دهند که می‌توان آن‌ها را به پنج مرحله تقسیم کرد. مرحله تماس یا ضربه: این مرحله در چند دقیقه اول پس از حادثه بروز می‌کند. افراد دچار ترس و وحشت بهت زده، افراد، گیج و درمانده و قدرت انجام هیچ کاری را ندارند. این حالات معمولاً گذرا و کوتاه مدت است. مرحله برخورد شجاعانه یا قهرمان‌گرایی: این مرحله در ساعات یا روزهای اولیه وقوع حادثه بروز می‌کند. افراد احساس می‌کنند باید کاری انجام دهند، با دیگران ارتباط برقرار می‌کنند و به طور داوطلبانه در امدادسانی کمک می‌کنند. مرحله شادمانی یا فراموش کردن غم: این مرحله بین یک هفته تا چند ماه بعد از حادثه بروز می‌کند. همزمان با رسیدن نیروهای کمکی و توزیع کمک‌ها، افراد امیدوار شده و به بطور موقت به آن‌ها حالت آرامش دست می‌دهد. کمک‌رسانی به افراد در این مرحله بسیار مهم و مفید بوده و نتایج خاصی را در بردارد. مرحله سرخوردگی یا مواجهه با واقعیت: این مرحله بین ۲ الی ۳ ماه بعد از وقوع حادثه بروز می‌کند. افراد تازه متوجه وسعت خسارت و فقدان‌هایشان می‌شوند. افراد مجدداً روحیه خود را از دست می‌دهند، نا آرام، خسته و درمانده می‌شوند. مرحله تجدید سازمان یا ترمیم: این مرحله ۶ ماه تا ۱ سال پس از وقوع حادثه بروز می‌کند. افراد شروع به بازسازی روانی خود و بازسازی زندگی خود می‌کنند و به تدریج درک می‌کنند که باید متکی به خود باشند (بیرودیان، ۱۳۸۵).

### نتیجه‌گیری و پیشنهادات

گسترش شبکه‌های ارتباطی و زیرساخت‌های شهری و عدم رعایت ابتدایی‌ترین نکات ایمنی در ساخت و سازهای شهری و بدون برنامه بودن رشد و توسعه شهر زمینه ایجاد خسارات زیاد در زمان وقوع بلایای طبیعی را فراهم می‌سازد (عبداللهی، ۱۳۸۲). در این پژوهش نیز نقش عوامل اجتماعی در میزان آسیب‌پذیری منطقه شش شهرداری تهران مورد بررسی واقع شد. برای این کار رابطه بین آسیب‌پذیری و تراکم جمعیت و ساختمان با استفاده از پرسشنامه دیمتل و نرم‌افزارهای EXCEL, MATLAB, IDRISI و ARC GIS 10.1 مورد تحلیل و سنجش قرار گرفت. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که منطقه ۶ شهرداری تهران در مقوله فوق‌الذکر با بحران و مشکلات اساسی و عدیده‌ای روبرو است. با توجه به شاخص‌های بدست-

آمده در سطح مناطق، به راحتی قابل مشاهده است که این منطقه در مقابل بروز حوادث و بلایای طبیعی بسیار آسیب‌پذیر است و بدیهی است که در صورت بروز حادثه با مشکلات بی‌شماری مواجه خواهد گردید. نتایج نشان می‌دهد بیشتر قسمت‌های منطقه دارای پتانسیل آسیب‌پذیری بالایی هستند. و بیشترین میزان آسیب‌پذیری مربوط به مرکز، جنوب و به ویژه جنوب شرقی محدوده است که بیش از ۶۰ درصد ساختمان‌های این بخش‌ها جزو بافت‌های مسئله‌دار با عمر و قدمت بالا هستند، و همچنین بیشترین تراکم جمعیت و بعد خانوار را نیز دارا می‌باشند. با فرض وزن‌دهی (هر چه تراکم جمعیت و ساختمان کمتر = پایداری بیشتر و آسیب‌پذیری کمتر) این نواحی در معرض بیشترین آسیب قرار خواهند داشت. از سوی دیگر، چنین مطالعه‌ای می‌تواند مؤثرترین شیوه تخصیص بهینه اعتبارات مقاوم‌سازی شهری بشمار آید. این یافته با یافته‌های عزیزی و اکبری (۱۳۸۷)، حاتمی‌نژاد و همکاران (۱۳۸۸)، محمدی احمدیانی و همکاران (۱۳۸۹)، احدنژاد و جلیلی‌پور (۱۳۹۰)، و پیشگاهی‌فرد و همکارانش (۱۳۹۱)، مبنی بر ارتباط موثر عامل اجتماعی تراکم (جمعیت و ساختمان) و آسیب‌پذیری، یکسان است و مورد تأیید واقع می‌شود.



## فهرست منابع

۱. احدنژاد، محسن، و شهناز جلیل‌پور (۱۳۹۰)، ارزیابی عوامل بیرونی تأثیرگذار در آسیب‌پذیری ساختمانی بافت قدیم شهرها در برابر زلزله، اولین کنفرانس ملی GIS، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۲. احمدی، حسن (۱۳۷۶)، نقش شهرسازی در کاهش آسیب‌پذیری شهر، نشریه مسکن و انقلاب، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، شماره ۶۱، تهران.
۳. امیدعلی، اسماعیل، و مسعود تقوایی، و رسول بیدرام (۱۳۹۳)، بهسازی بافت‌های فرسوده شهری با رویکرد مدیریت بحران زلزله، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۹، شماره ۳، پاییز، شماره پیاپی ۱۱۴، صص ۱۶۵-۱۷۸.
۴. بهادری، هادی، و خورشید کامبیز، و محمد ابراهیم‌نیا (۱۳۸۷)، نگاهی به مدیریت بحران در ایالات متحده آمریکا، چاپ دوم، پویش، ص ۳۴۷.
۵. بیرودیان، نادر (۱۳۸۵)، مدیریت بحران اصول ایمنی در حوادث غیرمترقبه، چاپ دوم، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
۶. پرتویی، پروین (۱۳۷۴)، بررسی موانع، محدودیت‌ها و تقابلهای در زمینه اجرای معیارهای کاهش آسیب‌پذیری در برابر زلزله، مجموعه مقالات دومین کنفرانس بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله، پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله، تهران.
۷. پیشگاهی‌فرد، زهرا، و ناصر اقبالی، و عبدالرضا فرجی‌راد، و بشیر بیگ‌بابایی (۱۳۹۱)، مدلسازی تعیین مناطق خطرپذیر با استفاده از مدل AHP در محیط GIS جهت مدیریت بحران شهری (مطالعه موردی: منطقه ۸ شهرداری تبریز)، فضای جغرافیایی، بهار، شماره ۳۷، صص ۲۰۰-۱۸۳.
۸. تابش‌پور، محمدرضا (۱۳۸۴)، انواع خسارت و خرابی‌های ناشی از زلزله، راه و ساختمان، سال سوم، صص ۱۵-۱۰.
۹. جایکا (آژانس همکاری‌های بین‌المللی ژاپن) (۱۳۷۹)، پروژه ریز پهنه‌بندی لرزه‌ای تهران بزرگ.
۱۰. جدلی، هلن (۱۳۷۵)، پایداری مراکز زیستی در برابر خطرات زلزله، مجموعه مقالات دومین کنفرانس بین‌المللی بلایای طبیعی در مناطق شهری، جلد دوم، تهران، صص ۱۶۰۴-۱۵۹۷.
۱۱. جوملا، حوادث- اقدامات قبل و بعد از حادثه، ترجمه Persian IT. ir
۱۲. حاتمی‌نژاد، حسین، و حمید فتحی، و فرشید عشق‌آبادی (۱۳۸۸)، ارزیابی میزان آسیب‌پذیری در شهر، نمونه موردی: منطقه ۱۰ شهر تهران، نشریه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۶۸، صص ۲۰-۱.
۱۳. حبیب، فرح (۱۳۷۱)، نقش فرم شهر در کاهش خطرات ناشی از زلزله، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی بلایای طبیعی در مناطق شهری، بخش اول زلزله، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی شهر

تهران، صص ۱۶۱۷-۱۶۰۷.

۱۴. حبیبی، کیومرث و همکاران (۱۳۸۷)، تعیین عوامل ساختمانی موثر در آسیب‌پذیری بافت کهن شهری زنجان با استفاده از GIS و FUZZY LOGIC، هنرهای زیبا، شماره ۳۳، صص ۳۶-۲۷.
۱۵. حبیبی، کیومرث، و علی سرکارگر اردکانی، و زاهد یوسفی، و مصطفی صفدرنژاد (۱۳۹۱)، پیاده-سازی الگوریتم‌های سلسله‌مراتبی/ فازی جهت تعیین آسیب‌پذیری چند عامله هسته مرکزی شهرها، مطالعه موردی: منطقه ۶ تهران، دو فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت بحران، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص ۶۷-۷۶.
۱۶. حسینی، محمود (۱۳۸۵)، مشکلات تهران در مقابله با زلزله از دیدگاه برنامه‌ریزی و طراحی شهری و راهکارهایی برای حل آن، پژوهشنامه زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله، سال ۹، شماره ۴، انتشارات پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله، تهران.
۱۷. زنگی‌آبادی، علی، و نازنین تبریزی (۱۳۸۵)، زلزله تهران و ارزیابی فضایی آسیب‌پذیری مناطق شهری، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۶، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۸. زنگی‌آبادی، علی، و جمال محمدی، و همایون صفایی، و صفر قائد رحمتی (۱۳۸۷)، تحلیل شاخص‌های آسیب‌پذیری مسکن شهری در برابر خطر زلزله، (نمونه موردی: مسکن شهر اصفهان)، جغرافیا و توسعه، شماره ۱۲، صص ۷۹-۶۱.
۱۹. شیروازن، سارا (۱۳۸۷)، کاهش خطرپذیری و اثر زلزله در محله‌های شهری واجد بافت فرسوده با استراتژی هم‌زمانی، ساخت شهر، سال پنجم، شماره ۱۱ و ۱۰، صص ۵۶-۴۷.
۲۰. عبدالمی، مجید (۱۳۸۲)، مدیریت بحران در نواحی شهری، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
۲۱. عزیززی، محمدمهدی، رضا اکبری (۱۳۸۷)، ملاحظات شهرسازی در سنجش آسیب‌پذیری شهرها از زلزله، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۴، صص ۳۶-۲۵.
۲۲. عزیززی، محمدمهدی (۱۳۸۲)، تراکم در شهرسازی، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۳. عینالی، جمشید (۱۳۹۳)، ارزیابی تطبیقی نقش شیوه‌های بازسازی سکونتگاه‌های روستایی آسیب-دیده از زلزله بر روی کیفیت زندگی ساکنین، مطالعه موردی: دهستان حصار ولیعصر- شهرستان آوج، اولین همایش ملی توسعه پایدار کالبدی- فضایی روستایی، تهران، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
۲۴. محمدصالحی، زینب، و حجت شیخی، و علی‌اصغر رحیمیون (۱۳۹۲)، بهسازی کالبدی- محیطی بافت مرکزی شهر با رویکرد توسعه شهری پایدار، مطالعه موردی: بافت مرکزی شهر خرم‌آباد، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات شهری، شماره ۷، تابستان، صص ۸۷-۷۳.
۲۵. محمدی احمدیانی، جمال، و زهرا صحرائیان، و فرامرز خسروی (۱۳۸۹)، نقش عوامل مؤثر در آسیب‌پذیری کالبدی شهر جهرم در برابر زلزله، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، جلد ۱۴، شماره ۱۷، تابستان، صص ۱۴۳-۱۲۱.
۲۶. مرکز مقابله با سوانح طبیعی (۱۳۷۲)، کاربرد مدیریت بحران در کاهش ضایعات ناشی از زلزله،

بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.

۲۷. مرکز مقابله با سوانح طبیعی ایران (۱۳۷۲)، طراحی شهری در مناطق زلزله‌خیز، طرح بسیج فنی کشور برای مقابله با آثار زلزله، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.

۲۸. میر و کیلی، علی‌اکبر (۱۳۸۵)، مکانیابی مراکز امدادرسانی و اسکان موقت جمعیت پس از وقوع زلزله با استفاده از GIS، پایان‌نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی.

۲۹. هادیزاده بزاز، مریم (۱۳۸۶)، مدیریت بحران کاهش آسیب‌پذیری در برابر بلایای طبیعی، انتشارات آذر برزین، چاپ اول.

30. Adger, W. N., Kelly, P. M. and Ninh, N. H. (2001), *Living with Environmental Change: Social Resilience, Adaptation, and Vulnerability in Vietnam*, Routledge, London.

31. Alexander, D. (1991). "Natural Disasters: A Framework for Research and Teaching." *Disasters* 15: 209-226.

32. Bethke, Lynne, James Good & Paul Thompson (1997) *Building Capacities for Risk Reduction; Disaster Management Training program*.

33. Blaikie, P., T. Cannon, I. Davis & B. Wisner (1994), *At Risk: Natural Hazards, Peoples' Vulnerability and Disasters*, London: Routledge.

34. Bohle, H. C., Downing, T. E. and Watts, M. J. (1994), "Climate change and social vulnerability." *Global Environmental Change* 4(1): 37-48.

35. Bolin, R. (1982), *Long term family recovery from disaster*, Monograph 36 Boulder Institute for Behavioural Science: 42.

36. Cutter, S. (1996), "Vulnerability to environmental hazards." *Progress in Human Geography* 20(4): 529-539.

37. Füssel, Hans-Martin (2005), *Vulnerability in Climate Change Research: A Comprehensive Conceptual Framework*, University of California International and Area Studies, Breslauer Symposium (University of California).

38. Japan International Cooperation Agency (JICA) (2000), *the study on seismic micro zoning of the greater Tehran area in the Islamic Republic of Iran*, main report.

39. Mileti, D. (1999), *Disasters by Design, A Reassessment of Natural Hazards in the United States*, Joseph Henry Press: Washington DC, 30-35.

40. O'Brien, K., Leichenko, R., (2000). *Mapping vulnerability to multiple stressors: climate change and globalization in India*. *Global environmental change*, 14(4), 303-313.

41. Stanganelli Marialuce (2008). *A new pattern of risk management: The Hyogo Framework for Action and Italian practise [Journal] // Socio-Economic Planning Sciences*. Napoli, Italy: Elsevier Ltd., Vol. 42.

42. Susman, P., O'Keefe, P. and Wisner, B. (1983), "Global disasters: a radical interpretation", in Hewitt, K. (Ed.), *Interpretations of Calamity*, Allen & Unwin, Boston, MA, pp. 264-83.

43. Taubenböck, H., Roth, A., & Dech, S. (2007). Linking structural urban characteristics derived from high resolution satellite data to population distribution. *Urban and regional data management*, 35-45
44. Van Westen (2006). «Geoinformation science and earth observation for municipal risk management».
45. Zaman, M.Q. (1989), 'The Social and Political Context of Adjustment to Riverbank Erosion Hazard and Population Resettlement in Bangladesh', *Human Organization* 48(3):196-205.
46. Zhang, X., Wang, Z., & Lin, J. (2015). GIS Based Measurement and Regulatory Zoning of Urban Ecological Vulnerability. *Sustainability*, 7(8), 9924-9942.
47. UN/ISDR, (2005) National report of Iran on word conference on disaster reduction. 18- 22 January, Kobe, Hyogo, Japan, pp. 149.

## الگوی مشارکت دانشجویان در ورزش‌های همگانی بر اساس نظریه رفتار تمرینی به منظور ترویج اخلاق ورزشی

<sup>۱</sup> محمد علی قره

<sup>۲</sup> مرتضی رضایی صوفی

<sup>۳</sup> ناصر زردی

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی ارثه الگوی مشارکت دانشجویان دانشگاه پیام نور در ورزش‌های همگانی بر اساس نظریه رفتار تمرینی برنامه ریزی شده بود. تحقیق از نوع توصیفی بود که به روش پیمایشی انجام شد. جامعه آماری شامل دانشجویان دانشگاه پیام نور در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ بودند. نمونه آماری طبق جدول مورگان ۳۸۴ نفر بود که به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار اندازه گیری شامل مقیاس اصلاح شده رفتار برنامه ریز شده بود. روایی صوری و محتوایی آن مورد تایید و ضریب پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ پایایی ۰/۹۵ به دست آمد. به منظور تحلیل استنباطی داده‌های جمع‌آوری شده از نرم‌افزار Amos و spss نسخه ۱۸ استفاده شده است. نتایج مدل رگرسیون گام به گام نشان داد که، ۴۶ درصد از کل تغییرات سطح مشارکت در ورزش همگانی به سه متغیر نگرش، کنترل رفتار و ورزش همگانی مربوط می‌شود. شاخص‌های نیکویی برازش مدل پژوهش نشان داد که، مدل ارائه شده برازش خوبی دارد به این معنی که تئوری الگوی رفتار برنامه ریزی شده قابلیت تبیین مشارکت دانشجویان در ورزش همگانی را دارد. بنابراین پیشنهاد می‌شود که دستگاه‌های متولی امر ورزش نسبت به لحاظ کردن تمهیداتی در راستای تقویت نگرش، هنجارهای ذهنی و کنترل رفتار ادراک شده در کنار دیگر عوامل تاثیرگذار مشارکت در فعالیت‌های ورزشی همگانی از جمله فراهم سازی زیرساخت‌های سخت افزاری و نرم افزاری، دسترسی، مسائل مالی و... اهتمام ورزیده تا ورزش همگانی در دانشجویان نهادینه و مستدام گردد.

### واژگان کلیدی

ورزش همگانی، تئوری برنامه ریزی شده رفتار تمرینی، دانشجویان، کنترل رفتار ادراک شده، نگرش، هنجار ذهنی.

Email: dr.ghareh@yahoo.com

۱. دانشیار دانشگاه پیام نور گروه تربیت بدنی.

Email: mornsoufi@yahoo.com

۲. دانشیار دانشگاه پیام نور گروه تربیت بدنی.

۳. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول).

Email: naser.zardi@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۱۱/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۱۹

## طرح مسأله

جابه جایی، حرکت و تحرک از ویژگی‌های بیشتر موجودات زنده از جمله انسان است. انسان در هر مرحله از زندگی، بر حسب نوع و میزان فعالیت جسمانی نیازهای متفاوتی دارد که باید به آنها پاسخ داده شود. انسان‌ها به عنوان موجوداتی جامعه‌گرا به طور عمده در مجتمع‌های زیستی اعم از روستا یا شهر گرد یکدیگر جمع می‌شوند و زندگی می‌کنند. با ارتقای سطح شهرنشینی، نوع و میزان فعالیت‌های فیزیکی تغییر یافته و نیاز به فعالیت فیزیکی برای فراهم آوردن امکانات زندگی کمتر شده است. بنابراین شهروندان برای پاسخ‌گویی به نیاز تحرک باید به طور برنامه‌ریزی شده‌ای به ورزش بپردازند تا از مزایای آن بهره‌مند شوند. با توجه به افزایش شهرنشینی، شهرها به عنوان محیط زیست انسان، باید فضایی را فراهم آورند تا شهروندان به ورزش تمایل پیدا کنند (دیویس و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵). مردم کشورها و مناطق مختلف دنیا به دلایل مختلف به انجام فعالیت‌های ورزشی می‌پردازند اما تحقیقات مختلف نشان می‌دهد بعضی عوامل در مشارکت مردم به ورزش همگانی موثرند از جمله افزایش سطح سلامت، جلوگیری از عوامل بیماری‌زا، افزایش سطح روابط اجتماعی و حتی اقتصادی از عوامل موثر در جذب مردم در انجام فعالیت‌های ورزشی است (احمدی و کارگر، ۱۳۹۲). پس عوامل موثر و چگونگی جذب مردم برای انجام فعالیت‌های ورزشی می‌تواند کمک شایانی به کاهش بیماری‌ها، ایجاد نشاط و شادابی و ارتقاء سطح سلامت جامعه نماید. ورزش همگانی یک عنصر چند کارکردی در زندگی اجتماعی و انسانی است. با توجه به نقش و فعالیت بدنی بویژه برای ارتقای سلامت، مدل‌ها و تئوری‌های مختلفی برای پذیرش و پایبندی افراد به فعالیت بدنی مد نظر قرار دارند (آصفی، ۱۳۹۲). یکی از نیروها و سرمایه‌های مهم و آینده دار ما قشر دانشجویان هستند ورزش یکی از مهم‌ترین عواملی است که باعث سلامت این قشر مهم و توانمند جامعه می‌شود با این حال مسایل و موضوعات مختلف باعث تغییر نگرش و حتی رفتار افراد به خصوص دانشجویان چه در ارتباط با موضوعات مختلف و چه در ارتباط با ورزش می‌شود. (دیشمن همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱) نهادینه کردن ورزش همگانی باعث ایجاد ثبات و فراگیر شدن رفتارهای مطلوب می‌شود. (آصفی و همکاران، ۱۳۹۳) یکی از تئوری‌های مهم در ارتباط با نگرش و قصد انجام کار تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده<sup>۳</sup> فیشین<sup>۴</sup> و آیزن<sup>۵</sup> هست که در سال ۱۹۸۷ مطرح شد. تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده به غیر از عوامل فردی، به عوامل اجتماعی که در ایجاد رفتار، نقش مهمی دارند توجه

1. Davies
2. Ajzen
3. Theory of Planned Behavior (TPB)
4. Dishman
5. Ajzen

خاص نشان می‌دهد. این مدل وقوع رفتار ویژه را پیش بینی می‌کند؛ مشروط بر این که فرد قصد انجام آن را داشته باشد. این تئوری در حوزه‌های مختلف مورد کاربرد قرار گرفته از جمله در حوزه‌های آموزشی و انجام رفتارها. (فیچتن و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴؛ یان و سین<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵) طبق این مدل، قصد انجام یک رفتار توسط سه عامل شامل نگرش<sup>۳</sup> نسبت به رفتار، هنجارهای ذهنی<sup>۴</sup> و کنترل رفتاری درک شده<sup>۵</sup>، پیش بینی می‌شود.

نگرش نسبت به رفتار: ارزشیابی مثبت یا منفی در مورد انجام یک رفتار می‌باشد. اگر شخص باور داشته باشد که شرکت کردن در فعالیت بدنی منجر به کسب نتایج ارزشمند می‌گردد آن وقت انتظار می‌رود نگرش مثبتی نسبت به فعالیت بدنی داشته باشد. (آیزن، ۱۹۹۶) که از دو زیرسازه باورهای رفتاری و ارزیابی نتایج رفتار که باعث حصول نگرش نسبت به رفتار می‌شود. پس نوع نگرش به ورزش در قصد افراد و تمایل به انجام ورزش نقش دارد در واقع همبستگی مثبت «نگرش به فعالیت بدنی» می‌تواند باعث ایجاد انگیزه و «تمایل به انجام فعالیت بدنی» در میان دانشجویان شود (أصفی، ۱۳۹۲).

هنجارهای ذهنی: تابعی از نظر دیگران مهم در زندگی شخص در ارتباط با رفتار مورد نظر است به عبارت دیگر هنجارهای ذهنی به فشار اجتماعی درک شده توسط فرد برای انجام یا عدم انجام رفتار هدف اشاره دارد. افراد غالباً بر مبنای ادراکشان از آنچه که دیگران فکرمی کنند عمل می‌کنند و قصد آنها جهت پذیرش رفتار به صورت بالقوه متاثر از افرادی است که ارتباطات نزدیکی با آن‌ها دارند (داونز و هاوسنبلز<sup>۶</sup>، ۲۰۰۵) بطوریکه سوپی‌تر و ساماهیتو<sup>۷</sup> (۲۰۰۲) بیان می‌کنند که فعالیت ورزشی آثار مثبت بیشتری در رفع مشکلات و گرفتاری‌های خانوادگی و تامین و توسعه سلامتی و روانی افراد دارد آن‌ها ضمن تاکید بر فعالیت‌های ورزشی گروهی معتقدند که تمرینات خانوادگی و دسته جمعی کمک می‌کنند تا مردم با هم باشند و ارتباط مثبت متقابل داشته باشند و نگرش و هنجار ذهنی مثبتی شکل بگیرد.

کنترل رفتاری درک شده: این عامل برای آن دسته از اجزای فعالیت بدنی که تحت کنترل ارادی فرد نیستند مطرح می‌باشد آجزن می‌گوید اگر فرد درک کند کنترل بیشتری بر روی رفتار دارد تلاش بیشتری برای انجام رفتار خواهد کرد (فرنچ<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۰۵). در واقع کنترل رفتار

1. Fichten
2. Yan and Sin
3. Attitude
4. Subjective Norms
5. Perceived Behavioral Control
6. Downs and Hausenblas
7. Supitr, Samahito
8. French

درک شده با تمایل به انجام ورزش همبستگی مستقیم و مثبت دارد و هر چه فرد بیشتر رفتار درک شده را کنترل نماید تلاش بیشتری برای انجام فعالیت ورزشی صورت می‌دهد (گوین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷). نظر به اینکه نگرش بر رفتار اثر می‌گذارد و با رفتار رابطه‌ی علت و معلولی دارد، مطالعه‌ی نگرش به فعالیت‌های حرکتی و ورزشی خواستگاه رفتار آگاهانه در جهت نیل به اهداف بهزیستی و تندرستی است و اهمیت زیادی دارد. بدون تردید، پی ریزی یک جامعه سالم و با نشاط در گرو سلامت روحی و جسمی اعضاء جامعه و مرهون تلاش نیروهای انسانی سالم، کارآمد و فکور می‌باشد (پاکپور و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱). از طرف دیگر، ورزش‌های همگانی فعالیتی است در جهت ارتقاء سطح سلامت، روحیه شادابی، بهداشت روانی می‌باشد اما نتایج تحقیقات مختلف حاکی از این است که افراد با دیدگاه‌ها و نگرش‌های مختلفی به انجام ورزش همگانی می‌پردازند در عین حال نظریه رفتار برنامه ریزی شده یکی از مدل‌های تغییر رفتار است که به خوبی شناخته شده در واقع شاید بتوان گفت مدل رفتار برنامه ریزی شده بتواند باعث تغییر رفتار و نگرش افراد به خصوص دانشجویان نسبت به ورزش همگانی شود. (دیویس و همکاران، ۲۰۱۵؛ فرنچ و همکاران، ۲۰۰۵) به طوری که صلحی و همکاران در تحقیق خود تحت عنوان «طراحی و اجرای برنامه آموزشی ارتقای فعالیت بدنی در بین دانش آموزان: کاربرد تئوری رفتار برنامه ریزی شده» را انجام دادند و نتایج حاصل از این پژوهش نشان دهنده وجود تفاوت آماری معنی دار در سازه‌های تئوری رفتار برنامه ریزی شده و افزایش پرداختن به فعالیت بدنی در بین دانش آموزان گروه مداخله بعد از اتمام برنامه آموزشی بود که حاکی از تأثیر مثبت برنامه آموزشی اجرا شده است (صلحی و همکاران، ۱۳۹۱). پارسامهر (۱۳۹۳) نیز نظریه رفتار برنامه ریزی شده به منظور درک بهتر قصد مشارکت کنندگان در فعالیت‌های ورزشی به کار گرفت. نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد سه متغیر نگرش، کنترل رفتار ادراک شده، و هنجارهای ذهنی با قصد مشارکت در فعالیت‌های ورزشی رابطه مثبت قوی دارند. تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد که متغیرهای نگرش، کنترل رفتار ادراک شده، و هنجارهای ذهنی توانسته‌اند بخشی از واریانس متغیر تحت مطالعه را تبیین کنند. (پارسامهر، ۱۳۹۳) دان و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۰۶) در پژوهش خود تحت عنوان تعیین تمایل به انجام ورزش و انجام ورزش بر اساس تئوری رفتار برنامه ریزی شده در میان کودکان ۹ تا ۱۱ سال نشان داد که هنجار ذهنی در مورد ورزش و کنترل رفتار درک شده در مورد ورزش با تمایل به انجام ورزش همبستگی مستقیم و مثبت

1. Guinn
2. Pakpour
3. dawons



دارد. (داونز<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵) سانچز و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۵) اظهار داشتند که بر اساس تئوری رفتار برنامه ریزی تمرین شده نگرش، هنجاز ذهنی و کنترل رفتار ادراک شده در قصد و تمایل به انجام ورزش تاثیر دارد هر چند که این دیدگاه نسبت به ورزش با توجه به نوع ورزش انفرادی و تیمی فرق می کند. در همین راستا، سلامت دانشجویان به عنوان چهار چوب اصلی پیکره جامعه جوان جهت ایفای نقشهای فردی، علمی و اجتماعی حائز اهمیت بوده و انجام فعالیتهای فیزیکی در کنار علم اندوزی می تواند در یادگیری آنان تاثیر قابل توجهی داشته باشد. این در حالی است که در کشور ایران برنامه ریزی های منسجمی که بتواند شکل منظمی به این فعالیتها بدهد هنوز به وجود نیامده است (حسینی و همکاران، ۱۳۸۸). به همین منظور محقق بر آن است تا با بهره گیری از تئوری رفتار برنامه ریزی شده به عنوان چارچوب تئوریک مطالعه به طراحی و اجرای یک برنامه آموزشی به منظور ارتقاء ورزش های همگانی پرداخته شود تا از این طریق بتواند محیط دانشگاه ها، به ویژه دانشجویان را با مهارتها و دانش سبک زندگی سالم آشنا کرده و با شناسایی دقیق عوامل پیش بینی کننده رفتار تمرینی، به محققان این امکان را می دهد که تداخلات ساختاری مؤثرتری را به منظور بهبود و افزایش مشارکت تمرینی اقشار مختلف جامعه به ویژه دانشجویان طراحی و اطلاعات ارزشمندی فراهم کند. بدیهی است نتایج و اطلاعات بدست آمده از این تحقیق به عنوان ابزاری در دست مدیران می تواند در امر برنامه ریزی و کنترل و هدایت و تصمیم گیری زمینه لازم را برای توسعه ورزش های همگانی در بین دانشجویان به وجود آورد. لذا در تحقیق حاضر با توجه به آنچه گفته شد محقق در تلاش برای بررسی نقش الگوی برنامه ریزی شده رفتار تمرینی در پابندی دانشجویان دانشگاه های پیام نور به انجام ورزش همگانی خواهد بود.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به موضوع و اهداف مورد نظر از نوع توصیفی - تحلیلی است جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه دانشجویان دانشگاه پیام نور در نیم سال دوم سال ۱۳۹۴ می باشد که با توجه به اطلاعات جمع آوری شده تعداد کل آنها حدود یک میلیون و صد و بیست هزار نفر می باشد با توجه به جامعه آماری و بر طبق جدول مورگان ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند که به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. ابتدا دانشگاه های پیام نور استان های خراسان رضوی، یاسوج، شیراز، مازندران، اصفهان، یزد بطور تصادفی انتخاب و سپس دانشگاه های پیام نور شهرستان های گناباد، سبزوار، گچساران، بویراحمد، مرودشت، فیروزآباد، بابلسر، قائم شهر، نجف آباد، شاهین شهر، اردکان و ابرکوه به

عنوان نمونه انتخاب شدند در جدول ۱ خوشه‌ها نشان داده شده است.

جدول ۱) خوشه‌های نمونه گیری شده و حجم نمونه‌ها

نمونه	دانشگاه	نمونه	دانشگاه	نمونه	دانشگاه
۴۱	نجف آباد	۳۲	مرودشت	۲۲	گناباد
۳۶	شاهین شهر	۳۵	فیروزآباد	۲۵	سبزوار
۲۸	اردکان	۳۵	بابلسر	۳۶	گچساران
۱۹	ابركوه	۴۸	قائم شهر	۲۷	بوير احمد
مجموع ۳۸۴ نفر					مجموع

ابزار جمع آوری اطلاعات شامل پرسشنامه اطلاعات جمعیت شناختی و پرسشنامه محقق ساخته سنجش ۳ بعد رفتاری موثر بر ورزش همگانی شامل: نگرش، هنجار ذهنی و کنترل رفتار ادراک شده می‌باشد و پرسشنامه دارای ۳۰ سوال در مقیاس سنجش ۷ گزینه‌ای لیکرت می‌باشد که جدول امتیاز بندی آن به ترتیب عبارتست از: کاملاً مخالفم (۱ امتیاز)، کاملاً موافقم (۷ امتیاز)؛ روایی نهایی این پرسشنامه از طریق متخصصان حوزه مدیریت و روانشناسی ورزشی مورد تایید قرار گرفت و پایایی آن با استفاده از آزمون کولموگروف اسمیرنوف ۰/۸۴ محاسبه گردید. اطلاعات و داده‌های تحقیق با استفاده از روش‌های آمار توصیفی میانگین، فراوانی، درصد فراوانی با استفاده از جدول مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و در ادامه برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از آمار استنباطی شامل آزمون کلموگروف اسمیرنوف، رگرسیون گام به گام استفاده شد. کلیه عملیات آماری با استفاده از نرم افزار ۱۸ spss و نرم افزار AMOS انجام شد.

### یافته‌های تحقیق

بررسی متغیرهای جمعیت شناختی نشان داد که در ارتباط با متغیر «سن» بیشترین درصد فراوانی مربوط به رده سنی «۳۵ تا ۳۹ سال» (۳۸/۸) و کمترین درصد فراوانی مربوط به رده سنی «۲۵ تا ۲۹ سال» (۹/۹) بود. از نظر «رشته تحصیلی» بیشترین درصد فراوانی مربوط به رشته «علوم تجربی» (۳۰/۲۱) و کمترین درصد فراوانی مربوط به رشته «علوم ریاضی» (۱۶/۹۳)، در ارتباط با متغیر «جنسیت» بیشترین درصد فراوانی مربوط به جنس «مذکر» (۵۹/۳۸)، از نظر «مقطع تحصیلی» بیشترین درصد فراوانی مربوط به مقطع «کارشناسی» (۶۹/۲۷) و کمترین درصد فراوانی مربوط به مقطع «دکتری» (۴/۱۷) بود. همچنین در مورد «وضعیت تحصیلی» بیشترین درصد فراوانی مربوط به «ترم چهارم» (۳۴/۹) و کمترین درصد فراوانی مربوط به مقطع «ترم اول» (۱۱/۷۲) بود، در ارتباط با «ورزش کردن بطور منظم» بیشترین درصد فراوانی مربوط به این بود که افراد بطور منظم ورزش می‌کنند. از نظر «تعداد جلسات ورزش در

هفته» بیشترین درصد فراوانی مربوط به «۲ جلسه» (۶۲/۷۶) و کمترین درصد فراوانی مربوط به «۳ جلسه» (۱۴/۰۶) و از نظر «مدت زمان انجام ورزش در هفته» بیشترین درصد فراوانی مربوط به «۱ تا ۲ ساعت» (۶۲/۵) و کمترین درصد فراوانی مربوط «۲ ساعت و بیشتر» (۱۳/۰۲) بود.

جدول ۲. نتایج تحلیل عاملی تاییدی

عامل	پارامتر	بار عاملی	آماره t	عامل	پارامتر	بار عاملی	آماره t
کنترل رفتار	q1	۰/۷۶		ورزش همگانی	q21	۰/۸۰	
	q2	۰/۶۰	۱۱/۵۱		q22	۰/۹۲	۲۱/۸۳
	q3	۰/۷۸	۱۵/۱۱		q23	۰/۷۷	۱۷/۰۶
	q4	۰/۶۵	۱۲/۳۹		q24	۰/۸۷	۲۰/۱۰
	q5	۰/۸۸	۱۶/۸۷		q25	۰/۸۶	۱۹/۹۴
	q6	۰/۷۳			q26	۰/۸۲	۱۸/۴۶
	q7	۰/۸۹	۱۷/۷۶		q27	۰/۸۵	۱۹/۵۸
	q8	۰/۷۴	۱۴/۴۹		q28	۰/۸۵	۱۹/۴۵
	q9	۰/۷۴	۱۴/۴۵		q29	۰/۷۹	۱۷/۶۸
	q10	۰/۷۵	۱۴/۸۳		q30	۰/۸۴	۱۹/۱۱
کنترل رفتار	q11	۰/۶۲	۱۲	q31	۰/۷۲		
	q12	۰/۸۰	۱۵/۷۴	q32	۰/۹۲	۱۷/۹۸	
	q13	۰/۵۷	۱۱/۱۶	q33	۰/۸۱	۱۵/۷۳	
	q14	۰/۸۳	۱۶/۴۰	q34	۰/۸۳	۱۶/۱۴	
	q15	۰/۷۲	۱۴/۰۳	q35	۰/۷۶	۱۴/۷۴	
	q16	۰/۷۴	۱۴/۴۷	q36	۰/۷۴	۱۴/۲۹	
	q17	۰/۷۴	۱۴/۴۴	q37	۰/۹۳	۱۸/۱۲	
	q18	۰/۵۸	۱۱/۳۶	q38	۰/۸۶	۱۶/۷۲	
	q19	۰/۶۹	۱۳/۴۴				
	q20	۷۰	۱۳/۸۰				

به منظور پیش بینی ورزش همگانی و تعیین موثرترین متغیر مستقل، با استفاده از روش رگرسیون گام به گام، مدل رگرسیونی مناسب به داده‌ها برازش داده شده است. در این مدل، متغیر وابسته شامل ورزش همگانی (y) و متغیرهای مستقل شامل نگرش، کنترل رفتار و هنجار ذهنی می‌باشند.

جدول ۳. ماتریس همبستگی و بررسی روایی واگرا (افتراقی)

مدل	R	R <sup>2</sup>	R <sup>2</sup> اصلاح شده
گام اول	۰/۵۸	۰/۳۴	۰/۳۴
گام دوم	۰/۶۷	۰/۴۵	۰/۴۵
گام سوم	۰/۶۸	۰/۴۶	۰/۴۶

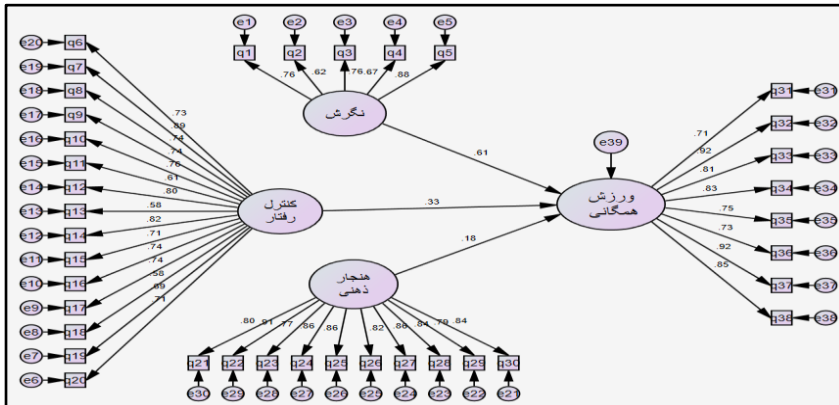
جدول ۴. رگرسیون گام به گام متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

مدل رگرسیون	متغیرهای ورودی	ضرایب غیراستاندارد	ضرایب استاندارد	آماره T	معنی داری
گام اول	عرض از مبدا	۱/۵۲		۶/۰۴	۰/۰۰۰
	نگرش	۰/۷۰	۰/۵۸	۱۴/۰۹	۰/۰۰۰
گام دوم	عرض از مبدا	-۰/۶۷		-۱/۹۸	۰/۰۴۸
	نگرش	۰/۷۳	۰/۶۰	۱۶/۰۷	۰/۰۰۰
گام سوم	کنترل رفتار	۰/۴۱	۰/۳۳	۸/۷۸	۰/۰۰۰
	عرض از مبدا	-۰/۸۸		-۲/۵۸	۰/۰۱
	نگرش	۰/۷۰	۰/۵۸	۱۴/۸۷	۰/۰۰۰
	کنترل رفتار	۰/۳۵	۰/۲۸	۶/۹۴	۰/۰۰۰
	هنجار ذهنی	۰/۱۳	۰/۱۳	۳/۰۹	۰/۰۰۲

با توجه به نتایج جدول ۴، روش رگرسیون گام به گام طی سه گام به مدل مطلوب رسیده است. به طوری که در گام اول متغیر نگرش (X1)، در گام دوم متغیر کنترل رفتار (X2)، در گام سوم متغیر هنجار ذهنی (X3) وارد مدل شدند. بنابراین مدل نهایی به صورت زیر است:

$$y = -0.88 + 0.70x_1 + 0.35x_2 + 0.13x_3$$

چنان که نتایج نشان می‌دهد، ضرایب همه متغیرها بجز ضریب عرض از مبدا مثبت می‌باشند. لذا متغیرهای مستقل مدل بر متغیر وابسته تأثیر مثبت دارند. با توجه به جدول ۴-۳۳ مقدار ضریب همبستگی چندگانه بین متغیرهای مدل نهایی ۰/۶۸ می‌باشد که نشان می‌دهد بین مجموعه متغیرهای مستقل و وابسته همبستگی در سطح بالایی وجود دارد. ضریب اصلاح شده که برابر ۰/۴۶ می‌باشد، نشان می‌دهد که در این معادله، ۴۶ درصد از کل تغییرات ورزش همگانی به سه متغیر نگرش، کنترل رفتار و ورزش همگانی مربوط می‌شود.

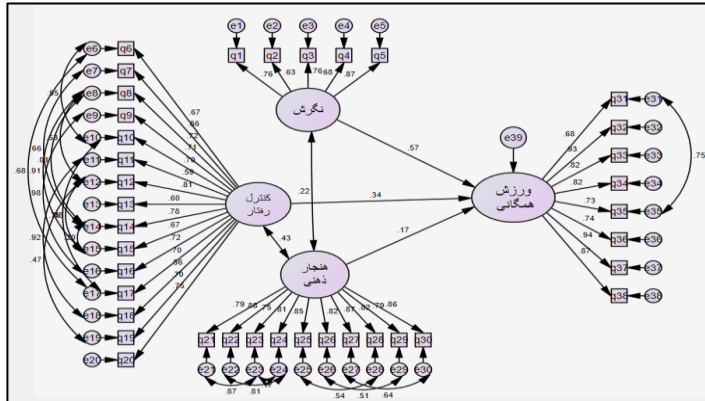


شکل ۱. مدل معادله ساختاری پژوهش

مدل	دامنه مورد قبول	شاخص
۱۵/۴۸	$\chi^2/df < 3$	$\chi^2/df$
۰/۵۰	NFI > 0/90	NFI
۰/۴۴	GFI > 0/90	GFI
۰/۳۸	AGFI > 0/90	AGFI
۰/۵۲	CFI > 0/90	CFI
۰/۱۹	RMSEA < 0/10	RMSEA

جدول ۵. شاخص‌های نیکویی برازش مدل پژوهش

با توجه به نتایج مندرج در جدول فوق، هیچکدام از شاخص‌ها در دامنه مورد قبول قرار نگرفتند. نرم افزار AMOS به منظور بهبود شاخص‌های نیکویی برازش مدل، یکسری اصلاحاتی را مبنی بر اعمال همبستگی بین خطاهای برخی از متغیرها، پیشنهاد می‌کند. با اعمال این پیشنهادات مدل اصلاح شده پژوهش به صورت شکل ۲ می‌باشد. نتایج شاخص‌های نیکویی برازش مدل اصلاح شده نگرش در جدول ۵ ارائه شده است. با توجه به نتایج مندرج در جدول ۵، می‌توان نتیجه گرفت که اصلاحات باعث بهبود شاخص‌های نیکویی برازش مدل پژوهش شده است که این امر، برازش خوب مدل با داده‌ها را نشان می‌دهد.



شکل ۲. مدل معادله ساختاری اصلاح شده پژوهش

مدل	دامنه مورد قبول	شاخص
۲/۹۵	$\chi^2/df < 3$	$\chi^2/df$
۰/۹۵	NFI > 0/90	NFI
۰/۸۹	GFI > 0/90	GFI
۰/۸۷	AGFI > 0/90	AGFI
۰/۹۷	CFI > 0/90	CFI
۰/۰۵	RMSEA < 0/10	RMSEA

جدول ۵. شاخص‌های نیکویی برازش مدل اصلاح شده پژوهش

### نتیجه گیری

در این پژوهش، تأثیر نگرش، کنترل رفتار و هنجار ذهنی دانشجویان به عنوان اجزای الگوی برنامه ریزی شده رفتار تمرینی بطور همزمان بر میزان پایبندی به انجام فعالیت‌های ورزش همگانی با استفاده از روش رگرسیون چندگانه گام به گام سنجیده شد. روش رگرسیون گام به گام طی سه گام به مدل مطلوب رسید، به طوری که در گام اول متغیر نگرش، در گام دوم متغیر کنترل رفتار و در گام سوم متغیر هنجار ذهنی وارد مدل شدند. با توجه به مقدار ضریب همبستگی چندگانه در گام سوم ( $r = 0/68$ ) مشخص شد که بین متغیرهای مستقل نگرش، کنترل رفتار و هنجار ذهنی دانشجویان و انجام فعالیت‌های ورزش‌های همگانی رابطه مثبت و معنی داری وجود داشت. مقدار ضریب تعیین اصلاح شده در گام سوم برابر  $0/46$  بدست آمد، بدین معنی که تنها ۴۶ درصد از تغییرات ورزش همگانی بوسیله نگرش، کنترل رفتار و هنجار ذهنی دانشجویان تبیین می‌شود. نتایج ضریب رگرسیونی در گام سوم نشان داد که مقدار عرض از مبدا ( $-0/88$ )، ضریب نگرش ( $0/70$ )، ضریب کنترل رفتار ( $0/35$ ) و ضریب هنجار ذهنی

(۰/۱۳) در سطح ۰/۰۵ (حتی در سطح ۰/۰۱) معنادار بود. لذا متغیرهای مستقل مدل بر متغیر وابسته تأثیر مثبت داشتند. نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش های حسینی و همکاران (۱۳۹۳)، پارسامهر (۱۳۹۳) دانز (۲۰۰۵) دیدارلو و همکاران (۲۰۱۱) همسو و هم جهت بود.

نظریه رفتار برنامه ریزی شده، که توسط اجزن مطرح شده است، مبتنی بر نظریه عمل منطقی است. این نظریه وقوع یک رفتار ویژه را پیش بینی می کند؛ مشروط بر اینکه فرد قصد انجام آن را داشته باشد. طبق این نظریه، قصد انجام یک رفتار توسط سه عامل (نگرش نسبت به رفتار، هنجارهای ذهنی و کنترل رفتاری درک شده) پیش بینی می شود (آجنز، ۱۹۹۱) منظور از نگرش نسبت به رفتار یعنی اینکه رفتار مورد نظر تا چه حد نزد فرد مطلوب، خوشایند، مفید یا لذت بخش است؛ که به قضاوت فرد در مورد اثرات و پیامدهای رفتار بستگی دارد (آجنز، ۱۹۹۱). در واقع نگرش، مبتنی بر پیامدهای تجربه فردی رفتار یا تجربیات جانشین از راه یادگیری مشاهده ای از دیگران است. بدین علت پس از تجربه مستقیم یک رفتار، اعتقادات مثبت درباره پیامدهای رفتار تقویت شده و سپس به عنوان انگیزه بر ادامه آن تأثیر می گذارد. همچنین نگرش به احساسات ناشی از انجام رفتار اشاره دارد، تجربه این احساسات خوشایند می تواند بر ارتقا و تداوم آن مؤثر باشد (ماک و شادوک<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴).

درایران، یکی از موانع مهم افزایش فعالیت بدنی عدم وجود آگاهی در مورد مزایای فعالیت بدنی و همچنین، عدم وجود اطلاعات کافی در مورد سطوح و محدوده فعالیت جسمانی و ورزش می باشد (سازمان جهانی بهداشت<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳). آنچه مسلم است ادراک و نگرش افراد به موانع و مزایای مشارکت در فعالیت بدنی، عاملی اثرگذار بر تصمیم گیری های آنان در مشارکت در فعالیت منظم و سلامت محور است. لذا، ارزیابی ادراک و نگرش افراد به فعالیت های حرکتی، جایگاه ویژه ای را در پژوهش های کاربردی به خود اختصاص داده است (دفلاندر و کرانت<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴). آلپورت<sup>۴</sup> نگرش را نوعی آمادگی ذهنی و عصبی سازمان یافته با تجربه تعریف می کند که بر واکنش به تمامی موضوعات و موقعیت های وابسته به نگرش تأثیری پویا و مستقیم بر جای می گذارد (عطارزاده حسینی، ۱۳۸۳). نگرش ها از باورهای ما نسبت به افراد و اشیاء متولد شدند. آن ها رفتارهای ما را به روش های بی شمار شکل دادند و مشارکت ما را در فعالیت ها و اهدافی را که بنا نهادیم و آنهایی را که تصمیم به ترک آنها گرفتیم را تعیین می کنند. عقاید و نگرش ها از طریق حرکات و زبان افراد بیان می شود. علت مطالعه ی گسترده ی مفهوم نگرش در سال های

1. Mack MG, Shaddox
2. WHO
3. Deflandre & Corant
4. Allport

اخیر، توانایی شناخته شده آن در تأثیرگذاری بر عملکرد افراد است (زاکاریان و همکاران<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴). ارتقای دیدگاه و نگرش مثبت به تربیت بدنی عنصر مهمی در پی فعالیت‌های جسمانی مادام‌العمر است (سیلورمن و ساب‌رامانیام<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹). بنابراین برای مشارکت بیشتر دانشجویان در ورزش همگانی آگاهی از نگرش و تغییر نگرش آنها نسبت ورزش و فعالیت‌های بدنی ضرورتی انکارناپذیر است. آلبرسین و همکاران (۲۰۰۱) معتقد هستند نگرش ارتباط قویتری با قصد مشارکت در فعالیت ورزشی دارد در مطالعه ریان<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۰۶) در بررسی عوامل پیشگویی کننده قصد ورزش در دانشجویان، نگرش بیشترین همبستگی را با قصد و کنترل رفتاری درک شده کمترین همبستگی را داشته است. در مطالعه دی برویجن<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۰۵) که به منظور تعیین کننده‌های استفاده از دوچرخه با استفاده از این تئوری انجام شد، نگرش بیشترین و بعد از آن به ترتیب کنترل رفتاری درک شده و هنجارهای انتزاعی همبستگی را با قصد استفاده از دوچرخه داشتند. متأسفانه به نظر می‌رسد امروزه در کشور و بخصوص دانشگاه با صرف هزینه‌های سرسام‌آور و با توجه به برنامه ریزی، امکانات و فضاهای ورزشی اختصاص یافته در دانشگاه‌ها جهت فعالیت‌های ورزشی، میزان مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های ورزش همگانی در دانشگاه‌های کم است شاید دلیلی که می‌توان برای این مشکل عنوان داشت نادیده گرفتن نگرش و رفتار دانشجویان است. بنابراین قبل از هر اقدام عملی باید تلاش شود در نگرش آنها به فعالیت ورزش همگانی تغییر ایجاد شود. نکته‌ای که نباید فراموش شود برای تغییر رفتار و انجامش شدن یک فعالیت تنها تغییر نگرش کافی نیست لذا هنجاری ذهنی نیز اثر گذار است. هزاوه ای و همکاران (۲۰۰۸). در مقاله خود به این نکته اشاره می‌کنند که نگرش به تنهایی نمی‌تواند عملکرد را تضمین بکند و در واقع علی‌رغم همبستگی نگرش و رفتار با یکدیگر، طبق تئوری‌ها بروز رفتار تحت تاثیر عوامل متفاوتی از جمله قصد و نرم‌های انتزاعی نیز قرار می‌گیرد که این امر باز هم لزوم به کارگیری مدل‌ها و تئوری‌ها را در مسائل تغییر رفتاری تأیید می‌کند برخوردار از حمایت خانواده و دوستان یکی از عوامل تسهیل کننده در رفتار ورزشی است (داونز و هاوسن بلاس<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵). با توجه به نظریه رفتار برنامه ریزی شده هنجارهای ذهنی همان محیط (همسالان، خانواده‌ها، مدرسه، وغیره) است که بر رفتار فرد تاثیر می‌گذارد. هنجارهای ذهنی به فشارهای اجتماعی درک شده توسط یک فرد برای انجام یا عدم انجام رفتار اطلاق

1. Zakarian et al
2. Silverman & Subramaniam
3. Ryan
4. de Bruijn
5. Downs D S, Hausenblas



می‌گردد (مارتین<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۷). پژوهش‌ها نشان داده‌اند افراد تحت تأثیر هنجارهای اجتماعی و دیگران مهم (والدین، همسر و غیره...) برای مشارکت در رویدادهای ورزشی قرار دارند، نتایج تحقیقات ارتباط مثبت بین هنجارهای ذهنی را با قصد مشارکت در فعالیت ورزشی تأیید کرده است. بر مبنای دیدگاه نظری، کنترل رفتار ادراک شده که هم قصد افراد در انجام رفتار خاص و هم رفتار واقعی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یافته‌ها ارتباط مثبت آن را با قصد مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های ورزشی تأیید کرده‌اند. ترایل و جیمز (۲۰۰۱) تأیید کردند که بین هنجارهای ذهنی را با مصرف ورزش ارتباط وجود دارد. در مطالعه چریس<sup>۲</sup> و همکاران نیز به ترتیب هنجار ذهنی، کنترل رفتاری درک شده و نگرش همبستگی مثبت و معنی داری با قصد انجام ورزش در باز توانی بیماریهای قلبی داشتند

متغیر سومی که مشارکت دانشجویان در ورزش همگانی تاثیر گذار بود کنترل رفتار درک شده است.

به نظر آجرن (۲۰۰۲) کنترل رفتار ادراک شده در واقع باورهای فرد از آسان یا سخت بودن یک رفتار است که احتمال انجام آن از سوی فرد وجود دارد. آجرن عنوان می‌دارد که کنترل رفتار ادراک شده تحت تأثیر عوامل داخلی از جمله متغیرهایی چون مهارتها، توانایی‌ها و تفاوت‌های فردی و عوامل خارجی مانند، زمان، فرصت فراغت و وابستگی به دیگران مهم در اتخاذ تصمیمات جدی است. کنترل رفتار ادراک شده می‌تواند بر قصد، نگرش و هنجارهای ذهنی تأثیر گذاشته و رفتار را به طور مستقیم پیش بینی نموده و به طور موازی در وضعیتی تأثیر کند که رفتار تحت کنترل کامل فرد نیست (گودین<sup>۳</sup> و همکاران، ۱۹۹۰؛ به نقل از پارسا مهر، ۱۳۹۳). این نظریه معتقد است که قصد افراد به تنهایی حتی زمانی که هنجارهای ذهنی و نگرش مثبت باشد نمی‌تواند برای انجام عمل یا رفتار کافی باشد چرا که فرد برا انجام یک رفتار نیازمند فرصت‌های لازم است بنابراین می‌توان گفت هر سه متغیر بصورت یک پیوستار هستند و لازم است هر سه بستر فراهم شود. مطالعات مارتین<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۰۷) و آرمیتاژ<sup>۵</sup> (۲۰۰۵) نشان دهنده نقش مثبت کنترل رفتار درک شده در پرداختن به فعالیت بدنی است

برایان و همکاران (۲۰۰۷) در تحقیقی با عنوان مدل فراتنظیمی ادغام روابط ژنتیکی، فیزیولوژیکی و روانشناختی ورزش داوطلبانه نشان دادند افرادی که بطور منظم فعالیت می‌کنند روحیه مثبت در طول و بعد از فعالیت عامل موثری بر تمایل و نگرش، رفتار و انگیزه آنها برای

1. Martin
2. Chris
3. Godin
4. Martin
5. Armitage

فعال بودن بدنی در آینده است. برگر و همکاران (۲۰۰۸) در تحقیقی با عنوان عوامل موثر بر مشارکت در ورزش در میان نوجوانان کانادایی پرداختند و نتایج نشان داد ویژگی‌های فردی - اجتماعی (سن، نژاد) عوامل روانشناختی مانند نگرش و انگیزش، عوامل محیطی و غیره در مشارکت در ورزش موثر است. انجمن ارزیابی و برنامه آموزشی ویکتوریا (۲۰۱۰) عوامل اجتماعی - زیست محیطی موثر بر مشارکت در فعالیت ورزشی را شامل عوامل ذیل می‌داند: ابعاد فردی: نگرش، دانش، رفتارها، باورها، موانع ادراک شده، انگیزش و لذت و غیره

مطابق با نظریه رفتار برنامه ریزی شده آجزن، رفتار ورزشی تابعی از قصد ورزشی و کنترل رفتار ادراک شده بر آن است. قصد خودش به واسطه نگرش و هنجارهای ذهنی مرتبط با ورزش از یک سو و کنترل رفتار ادراک شده از سوی دیگر تعیین می‌شود. در باب نظریه رفتار برنامه ریزی شده، به نظر می‌آید که می‌توان آن را به طور بالقوه در رابطه با ادراک رفتارهای تمرینی (ورزشی) به ویژه در فعالیت‌های ورزشی در زمینه‌های عینی هدف توجه قرار داد که غالباً با موانع متعددی مواجه می‌شوند. پس باید گفت این نظریه فقط آن بخش از رفتار را که تحت کنترل ارادی است شامل می‌شود (دراکر<sup>۱</sup> و همکارن، ۲۰۰۷). بنابراین از آنجایی که کنترل رفتار درک شده به منابع یا فرصتهای لازم اشاره دارد بنابراین دانشگاه پیام نور لازم شرایط و زیر ساختها لازم را برای فعالیت‌های ورزشی دانشجویان فراهم کند و تا جایی که شرایط و امکانات اجازه می‌دهد ورزش را برای دانشجویان ارزان کند تا آنها بدون دغدغه مالی به فعالیت ورزشی بپردازند. البته نکته‌ای که نباید فراموش کرد این است که تنها ارزان بودن ورزش نمی‌تواند ایجاد انگیزه کند بلکه باید ورزش و فعالیت‌های ورزشی را برای دانشجویان جذاب و مفرح کنند به این معنی تنوع رشته‌های ورزشی همراه با بستر سازی مناسب را ایجاد نمایند. امروزه همه محققان کشور به این نتیجه رسیدند که تنها با پیاده روی خانوادگی که در همه استانها و شهرها بزرگ و کوچک برگزار می‌شود نمی‌توان ایجاد انگیزه کرد، بلکه باید بنظر می‌رسد ورزش‌های مفرح و پرهیجان (ورزش‌های ماجراجویانه، کارتینگ، پرش در آسمان و صدها ورزش پرهیجان دیگر) که بتواند انرژی جوانان را بطور مثبت تخلیه کند می‌تواند به عنوان یک راهکار برای مشارکت هر چه بیشتر در فعالیت‌های ورزش جوانان بخصوص دانشجویان در نظر گرفت.

بطور کلی با توجه به اینکه براساس نتایج مطالعه حاضر نگرش بیشترین همبستگی قدرت پیشگویی را با مشارکت در ورزش همگانی در میان دانشجویان داشته‌اند به نظر می‌رسد برای ترویج این رفتار در بین دانشجویان، فعالیت‌های فرهنگی به منظور ترویج فرهنگ ورزش

همگانی می تواند موثر واقع شود. همچنین پیشنهاد می شود که دستگاه های متولی امر ورزش در دانشگاه پیام نور، وزارت علوم و وزارت ورزش و جوانان با توجه به الگوی برنامه ریزی شده رفتار تمرینی بدست آمده از دانشجویان دانشگاه های پیام نور که در سراسر کشور گسترده شده اند نسبت به لحاظ کردن تمهیداتی در راستای تقویت نگرش، هنجارهای ذهنی و کنترل رفتار ادراک شده در کنار دیگر عوامل تاثیرگذار مشارکت در فعالیتهای ورزشی همگانی از جمله فراهم سازی زیرساخت های سخت افزاری و نرم افزاری، دسترسی، مسائل مالی و... اهتمام ورزیده تا ورزش همگانی در دانشجویان و دیگر آحاد جامعه نهادینه و مستدام گردد. همچنین پیشنهاد می شود از آنجایی که داده های پژوهش به صورت مقطعی جمع آوری شده و به نوعی می توان کلیت مطالعه را مقطعی دانست، پیشنهاد می شود در پژوهشی طولی و نیمه تجربی ارتباط بین متغیرهای مطالعه بررسی گردد تا ارتباطات و تأثیرات واقعی آنها در طول زمان شناسایی شود.

## فهرست منابع

۱. احمدی، سیروس؛ کارگر، سعید (۱۳۹۲) «بررسی نگرش زنان نسبت به مشارکت در ورزش و عوامل موثر اجتماعی و روانی آن». جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۲۴ (پیاپی ۴)، صص ۱۸۹-۲۱۰.
۲. آصفی، احمدعلی (۱۳۹۲) «شناسایی و مدل‌سازی عوامل موثر در نهادینه کردن ورزش همگانی در ایران، رساله دکتری دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی» دانشگاه تهران.
۳. آصفی، احمدعلی، خیبری، محمد، اسدی، حسن، گودرزی، محمود (۱۳۹۳) «بررسی عوامل سازمانی موثر در نهادینه کردن ورزش همگانی در ایران» پژوهشنامه مدیریت ورزش و رفتار حرکتی، شماره ۲۰، صص ۶۳-۷۶.
۴. پارسامهر، مهربان (۱۳۹۳). «بررسی انگیزه‌های افراد از قصد مشارکت در فعالیت‌های ورزشی آمون تجربی نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده»، دوفصلنامه پژوهش در مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی، سال چهارم، شماره ۸، صص ۲۱-۳۵.
۵. حسینی، میمنت؛ خاوری، زهره؛ یغمایی، فریده؛ علوی مجد، حمید (۱۳۸۸). «بررسی عوامل مرتبط با انجام ورزش بر اساس تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده در دانشجویان دختر دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی»، نشریه دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه شهید بهشتی، دوره ۱۹، شماره ۶۶، صص ۱-۷.
۶. صلحی، مهناز؛ زینت مطلق، فاضل؛ کریم زاده، کامبیز؛ حسین، تقدسی؛ محمد، جلیلیان (۱۳۹۱). «طراحی و اجرای برنامه آموزشی ارتقای فعالیت بدنی در بین دانش آموزان: کاربرد تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده»، افق دانش، جلد ۱۸، شماره ۱، صص ۴۵-۵۲.
۷. عطارزاده حسینی، ر. (۱۳۸۳). تبیین نگرش و گرایش مردم شهر مشهد به فعالیت‌های حرکتی و ورزش طرح پژوهشی سازمان تربیت بدنی اداره‌ی کل تربیت بدنی استان خراسان رضوی.

## REFERENCES

8. Ajzen, I (1996). The theory of planned behavior. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 50(2): 170-211.
9. Ajzen, I. (2002). Residual effects of past on later behaviour: Habituation and reasoned action perspectives. *Personality and Social Psychology Review*, 6, 107-122.
10. Armitage C J. Can the theory of planned behavior predict the maintenance of physical activity? *Health Psychol* 2005; 24(3): 235-245.
11. Berger, i.e, oreilly ,n, parent, m.m. seguin, b and Hernandez, t. (2008). Determinants of sport participation among Canadian adolescents, *sport management review*, vol. 11, pp277-307
12. Bryan, A, Hutchison, k.e, seals, d.r & allen, d.l (2007). a transdisciplinary model integrating genetic, physiological, and psychological correlates of voluntary exercise, *health psychology*, vol26, no1, pp30-39
13. Chris M, Blanchard, Kerry S. Courtney, Wendy M. Rodgers, Shawn N.

Fraser, Terra C. Murray, Bill Daub, et al.(2003) Is the Theory of Planned Behavior a Useful Framework for Understanding Exercise Adherence During Phase II Cardiac Rehabilitation?. *Journal of Cardiopulmonary Rehabilitation* 2003;23:29-39.

14.Darker, C.D., French, D.P., Longdon, S., Morris, K., & Eves, F.F. (2007). Are beliefs elicited biased by question order? A theory of planned behaviour belief elicitation study about walking in the UK general population. *British Journal of Health Psychology*, 12, 93-110.

15.Davies B., Cramp F., Gauntlett-Gilbert J., Wynick D., McCabe S., (2015). The role of physical activity and psychological coping strategies in the management of painful diabetic neuropathy – A systematic review of the literature, *Physiotherapy*, 110: 319–326.

16.de Bruijn G-J, Kremers SP, Schaalma H, Van Mechelen W, Brug J. Determinants of adolescent bicycle use for transportation and snacking behavior. *Preventive medicine* 2005;40(6):658-67.

17.Deflandre, A ; Antonini, P.R ; Corant, J. 2004. Perceived benefits and barriers to physical activity among children, adolescents and adults, *International Journal of Psychology*, 35, 23-36.

۱۸. Didarloo, A., Shojaeizadeh, D., Ardebili, H.E., Niknami, S., Hajizadeh, E., Alizadeh, M (2011) "Factors influencing physical activity behavior among Iranian Women with type 2 diabetes using the extended Theory of Reasoned Action" *Diabetes & Metabolism Journal*, 35(5): 513-522

19.Dishman, R.K., Motl, R.W., Sallis, J.F., Dunn, A.L., Birnbaum, A.S., Welk, G (2011). "Self management strategies mediate self-efficacy and physical activity". *American Journal of Preventive medicine*, 29: 10-19.

20.Downes L., (2015). Physical Activity and Dietary Habits of College Students, *The Journal for Nurse Practitioners*, 11: 192–198.

21.Downes D S, Hausenblas H A. (2006). Elicitation studies and the theory of planned behavior: a systematic review of exercise beliefs. *Psychol Sport Exer*;6(1): 1-31

22.Downes D S, Hausenblas H A.(2005) Elicitation studies and the theory of planned behavior: a systematic review of exercise beliefs. *Psychol Sport Exer* 2005; 6(1): 1-31.

23.Fichten, Catherine S.; Nguyen, Mai Nhu; Amsel, Rhonda; Jorgensen, Shirley; Budd, Jillain Jorgensen Mary; Asuncion. Jennison, Barile, Maria. *An International Journal* v17 n4 p657-685 Dec 2014.

24.French, D.P., Sutton, S.R., Hennings, S.J., Mitchell, J., Wareham, N.J., Griffen, S., Hardeman, W. & Kinmonth, A.L (2005). "The importance of affective beliefs and attitudes in the theory of planned behavior: Predicting intentions to increase physical activity". *Journal of Applied Social Psychology*, 35: 1824-1848.

25.Godin, G, Valois, P, Shephard, R. J. (1990) Prediction of leisure-time exercise behaviour: A path analysis (LISREL V) model. *Journal of*

- Behavioural Medicine 10, 145-158.
26. Guinn, B (2007). Predicting physical activity among low – income Mexican woman: Application of the Theory of Planned Behavior. American Journal of Health Behavior. 31(2): 115-122.
27. Hazavehei S M M, Asadi Z, Hasanzadeh A, Shekarchizadeh P. Comparing the Effect of two methods of presenting physical education II course on the attitudes and practices of female students towards regular physical activity in Isfahan University of medical sciences. Iranian J Med Educ 2008; 8(1Suppl): 121-130
28. Mack MG, Shaddox LA. Changes in Short-Term Attitudes Toward Physical Activity and Exercise of University Personal Wellness Students Coll Student J. 2004;38(4):587
29. Martin J J, Oliver K, McCaughy N.(2007). The theory of planned behavior: predicting physical activity in Mexican American children. J Sport Exerc Psychol 2007; 29(2): 225-38.
30. Pakpour, A.H., Zeidi, I.M., Chatzisarantis, N., Molsted, S., Harrison, A.P., Plotnikoff, R.C (2011). “Effects of action planning and coping planning within the Theory of Planned Behaviour: A physical activity study of patients undergoing haemodialysis. Psychology of Sport and Exercise”.12(6): 609-614.
31. Ryan E. Rhodesa, Kerry S. Courneya. Threshold assessment of attitude, subjective norm, and perceived behavioral control for predicting exercise intention and behavior. Psychology of Sport and Exercise 2005;6: 349–61
32. Sánchez, m., SantaCruz, C., March, M., Zabala, m (2015) Attitude towards doping in Spanish Sport Sciences university students according to the type of sport practiced: Individual versus team sports ,Science & Sports, 30: 96–100.
33. Silverman, S ; subramaniam, P.R. 1999. Student Attitude.Towards physical Education and physical Activity: areview of measurement issues and outcomes. journal of teaching physical Education,19:97 -1250.
34. Supitr,Samahito(2002). Sport for all, Faculty of Kasetsart university,Bangkok,Thailand.
35. WHO. 2003. Constraint to the development of regular practice of physical activity.
۳۶. Yan, Zi; Sin, Kuen-fung, (2015). Exploring the intentions and Practices of Principals Regarding Inclusive Esucation: An Application of the Theory of Planned Behaviour. Cambridge Journal of Education. V45 n2 p205-221 2015.
37. Zakarian, J.M ; Hovell, M.F ; Hofstetter, C.R ; Sallis, J.F ; Keating, K.J. 1994. Correlates of vigorous exercise in a predominantly low SES and minority high school population.Preventive Medicine, 23 (3), 314-321.

صفحات ۱۲۸ - ۱۱۱

## مسئولیت مدنی وکیل دادگستری در برابر طرف دعوی و حق شرعی و اخلاقی ایشان

علیرضا کریمی لاریمی<sup>۱</sup>

سید حسین صفایی<sup>۲</sup>

### چکیده

این نوع از مسوولیت وکیل دادگستری در مقابل طرف محاکمه، در قالب عقد و قرارداد نمی‌گنجد، و خارج از اصل «نسبی بودن قرارداد» و مسوولیت قراردادی است، به همین سبب، طرف دعوی، (ثالث) قلمداد می‌گردد و اینکه وکیل دادگستری در مقابل طرف مخاصمه حقوقی، مسوولیتی خواهد داشت یا نه؟ از دیرباز اتفاق نظر در این زمینه وجود نداشته و یک دیدگاه سنتی معتقد است که حتی تصور مسوولیت برای وکیل، تمرکز او را در دفاع از بین می‌برد و این نگرانی در زمینه مسوولیت از دفاع مطلوب وکیل جلوگیری می‌کند اما نظریه جدید و اقتضائات شغلی و حرفه‌ای وکالت منجر به مسوول شناختن وکیل با فراهم آمدن شرایطی، می‌شود و تکالیف قانونی هم، مهر تأیید بر ایجاد مسوولیت برای وکیل در برابر ثالث طرف دعوی می‌زند.

### واژگان کلیدی

مسوولیت مدنی، وکیل، طرف دعوی، ثالث.

---

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: alireza\_karimilariimi@yahoo.com

۲. استاد گروه حقوق خصوصی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: hsafaii@ut.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۱۲/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۱۱

## طرح مسأله

در زندگی نوین و با پیشرفت تکنولوژی و ایجاد مشاغل مختلف و تخصصی شدن امور، بسیاری از اشخاص حقوقی و حقیقی، امور قضایی و حقوقی خود را به متخصصین این فن واگذار می نمایند تا وکیل دادگستری به نمایندگی، امور اشخاص را به سرانجام برساند خواه وکالت برای دفاع در محاکم باشد یا خارج از دادگاه‌ها.

بعد از انعقاد عقد وکالت، هر لحظه ممکن است هر یک از وکیل یا موکل، از وفای به عهد، خودداری نمایند یا نقض عهد نمایند و اگر با شکستن این عهد و پیمان، زیان وارده صرفاً متوجه طرفین گردد، قاعده‌تاً با توجه به نصوص قرارداد و اصل (نسبی بودن قراردادها)، شخص زیان دیده می تواند برای مطالبه خسارت به عامل ورود زیان براساس تخلف از عقد و مسوولیت قراردادی مراجعه نماید.

حال سوال مطرح می گردد اگر با نقض تعهدات قراردادی توسط وکیل خسارتی به ثالث وارد گردد و یا اینکه هر گاه بر اثر فعل یا ترک فعل وکیل در دادگاه «صرف نظر از نقض عهد» به ثالث زبانی وارد شود، آیا اشخاص ثالث می توانند برای مطالبه خسارت به وکیل دادگستری که وظیفه او دفاع از حقوق موکل است، مراجعه نمایند؟

هر گاه وکیل دادگستری در دفاع از موکل خواه در قالب فعل یا ترک فعل، دچار ضعف دفاعی باشد، با توجه به اینکه وکیل در قالب «نماینده» مبادرت به دفاع می نماید، آیا در برابر ثالث یعنی طرف دعوی دارای مسوولیت است یا اینکه علیرغم دفاع نامطلوب وکیل، موکل بایستی در برابر طرف دعوی مسوول قلمداد گردد؟

با توجه به این امر که ناقض عهد، در مقابل طرف قرارداد خود، دارای مسوولیت می باشد، و این نکته که در دعوی حقوقی، دو شخص خواهان و خوانده در مقابل یکدیگر، نفع یا زیان می بینند و وکیلی که صرفاً در نقش نماینده، ظاهر می گردد آیا فعل یا ترک فعل وکیل دادگستری «در مقدمه دفاع و اصل دفاع»، اگر فاقد شرایط اصولی باشد، مسوولیت مدنی را در قبال طرف دعوی متوجه وی می نماید؟

ما در این تحقیق درصدد هستیم با در نظر گرفتن اصول و قواعد و نیز مصادیق مختلف، به سوالات فوق و دیگر پرسش‌ها، پاسخی شایسته ارائه نمائیم.

### ۱. مبانی فقهی مسوولیت مدنی وکیل دادگستری

برخی از فقیهان امامیه، ضمان را به معنی «درک» و جبران خسارت تفسیر کرده اند و شیخ انصاری آنرا به این صورت تعریف کرده است «کون تلفه علیه» و «لو تلف فهو من ماله» ضامن کسی است که هر گاه مالی که بر عهده اوست، تلف شود، باید از مال او جبران شود، یعنی خسارت متوجه اوست، و او باید مثل یا قیمت آنرا به مالک اصلی بپردازد. «اللمعه الدمشقیه، ۱۲۳



– الروضه البهيه ۱۲۳/۴ – شرايع الاسلام ۳۵۸/۲ – جواهر الكلام ۱۴۶/۲۶ – مسالك الافهام ۲۰۰/۴ – تحرير الوسيله ۲۹/۲»

نظريه های مختلفی که از سوی متفکران و فیلسوفان غربی مطرح شده است در فقه اسلامی مورد بحث علمی واقع نشده، هر چند که بعضی از آنها قابل مقایسه با مبنای مسوولیت مدنی در فقه است.

مبنای مسوولیت مدنی در باب اتلاف و تسبیب به نظریه خطر مطلق نزدیک است، عبدالفتاح مراغی در کتاب گرانقدر عناوین می گوید: «آنچه شایان ذکر است این است که تفاوتی بین مواردی که متلف مباشر یا سبب یا مانند آن باشد نیست. مباشرت و سبب مرتبه خاصی ندارند...» بنابراین نظریه صدق عرفی تلف، برای مسوولیت کافی است «صفایی، حسین، رحیمی، حبيب الله، ۸۹-۷۸»

تعریف ضمان در «فقه شيعه» به گونه ای است که هر دو ضمان قهری و قراردادی را شامل می گردد، برخی از فقهای شيعه، ضمان را معنی «اشتغال ذمه» تفسیر نموده و بر عهده بودن مال را به لحاظ وجود اعتباری آن دانسته و وجود عینی مال را خارج از ذمه شمرده اند.

بنظر میرسد از آنجا که اثبات ضمان در هر مورد احتیاج به دلیل و اثبات موردی دارد، نیازی به تعریف جامع که همه موارد ضمان و موجبات و آثار آنرا شامل گردد، نیست، و کلمه ضمان در ادله فقه به ندرت به کار رفته است و ضمان در هر مورد به مقتضای دلیل خاص اثبات می شود و معنی ضمان و سعه و ضیق آن بنا بر ادله خاص مشخص می گردد «عمید زنجانی، ۱۳۸۹، ۱۱۱» در مذاهب فقهی اهل سنت، معمولاً اصطلاح «ضمان» به معنای «کفالت» بکار می رود و اشتغال ذمه کسی نسبت به حق دیگری را ضمان می گویند.

فقهای حنبلی، ضمان را به معنی ضم ذمه ضامن به ذمه غیر، در تعهد به حق و التزام به آن تفسیر نموده اند و این تعریف دقیقاً منطبق بر ضمان عقدی است.

در مذهب شافعی، ضمان را به معنای التزام به حق که ثابت در ذمه دیگری است تفسیر کرده اند و آن را شامل، احضار کسی که حق بر عهده اوست یا بازگرداندن عین مال دیگری (عین مضمون به) دانسته اند و در فقه زیدیه ضمان به معنای، تقریر دین به ذمه دیگری است بگونه ای که قابل مطالبه به وسیله دائن باشد، بدین ترتیب ضمان در مذاهب دیگر نیز به معنی، حکم وضعی عهده داری و مسوولیت مدنی است که وجوب تکلیفی پرداخت خسارت از احکام و آثار آن است «عمید زنجانی، ۱۳۸۹، ۴۱ - ۴۲».

## ۲. اقسام مسوولیت مدنی وکیل دادگستری در برابر طرف محاکمه

وکیل دادگستری در صورت ارتکاب تقصیر حسب قواعد عمومی مسوولیت مدنی و نیز ماده ۶۶۶ قانون مدنی، قاعدتاً در مقابل موکل، مسوولیت خواهد داشت و مبنای مسوولیت وکیل تقصیر

به مفهوم نوعی یعنی تجاوز از رفتار متعارف می باشد.

البته تقصیر و کیل دادگستری از نوع «تقصیر حرفه ای» است و برای تشخیص تقصیر، باید عمل او را با رفتار و کیل دادگستری متعارف و مشابه مقایسه کرد. مسوولیت مدنی و کیل دادگستری در برابر ثالث اعم است از مسوولیت و کیل در برابر طرف دعوی در دادگاه و مسوولیت او در برابر اشخاصی که هیچگاه و کیل در دادگاه در مقابل آنان به جنگ حقوقی نپرداخته است. در این مقاله به انواع و اقسام مسوولیت مدنی که یک و کیل دادگستری در برابر طرف محاکمه با آن روبرو می شود و به دیگر سخن مصادیق این مسوولیت در رابطه با طرف دعوی خواهیم پرداخت و مسوولیت و کیل در قبال اشخاص ثالث دیگر مورد بحث ما نخواهد بود.

## ۲-۱. نحوه پذیرش پرونده

رویه حاکم بر پذیرش پرونده ها توسط وکلا بر این امر استوار است که بعد از مراجعه شخص به دفتر کار وکیل، نخستین پرسش او از مراجعه کننده این خواهد بود که، «بعد از بیان خلاصه مشکل، آیا مدرک و مستند یا دلایلی در حقانیت خود در اختیار دارید؟» و در اینجا وکیل بدون آنکه اشتیاقی به قبول پرونده داشته باشد باید به عنوان داور بی طرف، با توجه به دلایل و مدارک متقاضی اعطاء وکالت، و طرح کردن سوالات روشن و شفاف عامیانه اما با بار حقوقی، به این نتیجه برسد که آیا مراجعه کننده، صاحب حق است یا خیر؟ و صرفاً به اظهار نظر شخصی فرد توجه ننماید، چرا که عموماً اشخاصی که به یک متخصص حقوق مراجعه می نمایند از اطلاعات حقوقی بی بهره هستند «کوهندی، ژرژ، تفضلی، ۸۷- ۴۵».

اما بحث عمده آنست آیا وکیل موظف است در بررسی اولیه، تمام تلاشش را انجام بدهد تا حقیقت را کشف کند؟ و اگر به این کشف مهم نائل نگردد در مقابل اشخاص مسوول می باشد؟ آیا قاعده مسلمی در این خصوص وجود دارد که به عنوان مبنا و معیار باشد؟ به عنوان مثال اگر شخصی به وکیل دادگستری سندی عادی ارایه نماید که حکایت از انتقال ملکی داشته باشد، آیا مخدوش نبودن صورت سند، برای پذیرش پرونده کافی است یا لازم است قبل از اعلام قبولی پرونده، موضوع را به کارشناس خط ارجاع دهد تا موضوع «جعلیت یا عدم جعلیت آن سند» به اثبات برسد؟ در بررسی این پرسش ماده ۱۲۸۸ قانون مدنی بیان می دارد: «مفاد سند در صورتی معتبر است که مخالف قوانین نباشد» یعنی آنکه وکیل دادگستری اگر با تخدیش سند مواجه نگردد باید بررسی کند آیا سند مخالف قوانین امری حاکمه می باشد یا خیر؟ و اگر مخالفتی کشف نگردید آن پرونده را پذیرش نماید چرا که اصل بر صحت اسناد است؛ یا حسب م ۱۳۰۲ قانون مدنی که مقرر میدارد «هر گاه در ذیل یا حاشیه سندی که در دست ابراز کننده بوده، مندرجاتی دال بر بی اعتباری (تمام یا قسمتی از سند) باشد، مندرجات مزبور معتبر محسوب است اگر چه تاریخ و امضاء نداشته و یا به وسیله خط کشیدن و یا نحو دیگر باطل شده باشد» آیا لازم

است وکیل به اینگونه عبارات (بی اعتباری) در اسناد توجه نماید و در غیر اینصورت، ایراد انکار و تردید نسبت به اسناد، از نوع دفاعیات شکلی و ماهوی است که در جلسه دادگاه، انجام می گردد و چطور می توان از وکیل دادگستری انتظار داشت، در لحظه مقدم بر پذیرش وکالت و پرونده آتی، تمام اموری را که لازمه طرح و دفاع از آن در دادگاه است به تنهایی و بدون وارد کردن ایرادات توسط طرف مقابل، ابتدای امر انجام دهد، و چه بسا وسایل دسترسی وکیل به کشف واقع هم غیر ممکن یا با مشکلات زیادی مواجه گردد.

در حقوق انگلیس در فرض عدم دسترسی به ادله متقن، وکیل مکلف است موکل را از هدر رفتن هزینه دادرسی و حق الوکاله و عدم پیشرفت در دعوی احتمالی در آینده، آگاه نماید، و در حقیقت او موظف است تمامی خطرات و فرصت های قابل پیش بینی را با صداقت تمام و با احتساب تجارب عملی و علمی خود به موکل یا مراجعه کننده یاد آوری نماید، و موکل محق است بداند که مبنای توصیه یا عدم توصیه وکیل به طرح دعوی چه امر یا اموری بوده است، تا بتواند بر اساس آگاهی دریافتی، آگاهانه اتخاذ تصمیم کند.

تجربه حقوقی سایر کشور ها نیز نشان می دهد تخلف از این تکلیف، از مواردی است که قضات تمایل زیادی به صدور رای به مسوولیت وکیل به دلیل قصور وی، از خود نشان می دهند و نمونه آن پرونده *Girardet v. Crease Company* (۱۸۹۷) می باشد. (ماری آلیسون، ۲۰۰۷، ۴۲).

در حقوق انگلستان رسالت وکلا و حقوقدانان، خدمت به جامعه حقوقی و یاری رساندن به دستگاه قضا در احقاق حق می باشد و نه پیگیری منافع شخصی موکل، در غیر اینصورت مسوولیت هر نوع خسارات وارده بر عهده وکلا قرار خواهد گرفت «ماکسین، هوستن رموند، ۲۰۱۱، ۱۴». در حقوق ایران درست است که حسب ماده ۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۷۹، از جمله اشخاصی که می توانند، روگرفت ها را برابر با اصل نمایند، شخص وکیل دادگستری است لیکن اعمال این اختیار زمانی است که اصل یا اصول مدارک وجود عینی و خارجی داشته باشد. حسب دادنامه ۹۱۱۱۰۰۰۲۹۸ به تاریخ ۹۱/۱/۳۰ شعبه هفتم دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز (به کلاسه ۸۹۰۱۴۳۴) وکیلی که روگرفت سندی را بدون دیدن اصل سند، برابر با اصل نموده، و هیچگاه قادر به ارایه اصل سند در مراجع رسمی از جمله کانون وکلا نشده بود، به مجازات انتظامی محکوم شده «سمامی، شیخ الاسلامی، ۹۲-۴۴»

هر چند این واقعیت انکار ناپذیر است که در دفتر کار وکیل، زمانی که غیر از خود او و موکل، شخص دیگری به عنوان شاهد و ناظر حضور ندارند، وکیل مبادرت به مصدق کردن فتوکی سندی می نماید، واگر به هر دلیلی موکل در آینده نخواهد یا نتواند اصل سند را نزد محکمه ارایه نماید، جنبه اثباتی امر برای وکیل امر بسیار دشواری خواهد بود.

## ۲-۲. طرح دعوی با قصد اضرار

حسب اصل ۳۵ قانون اساسی ایران «در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی می‌توانند وکیل اختیار کنند» و نیز بر اساس ماده ۲ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۷۹، «هر گاه شخصی ذی نفع باشد و برابر قانون طرح دعوی نماید به دعوی وی رسیدگی خواهد شد» بنابراین طرح دعوی از حقوق عامی است که دارای شرایط سختی نیست همین که شخص نفعی در طرح آن داشته باشد برای اقامه دعوی حقوقی کافی است، و مسلم آنست اجرای هر حقی لازم است با قصد مشروع باشد و هرگاه در لحظه تقدیم دادخواست خواهان یا وکیل او با قصد «نامشروع» آغاز به طرح دعوی حقوقی نماید، و به عبارتی، در صورتی که تنها مقصود او «ضرر رساندن به غیر» باشد حسب ماده ۱ ق. مسوولیت مدنی ایران و نیز، حسب ماده ۵ قانون مدنی مصر، شخص دارای مسوولیت خواهد بود (نوری، محمدعلی، ۹۲، ۱۶)

بنابراین حسب ماده ۱۳۳ قانون آئین دادرسی مدنی، هرگاه وکیل دادگستری رأساً یا با اطلاع موکل، صرفاً برای ورود ضرر به ثالث یا طرف دعوی، اقامه نماید خواه برای اتلاف وقت، مساعدت نادرست و غیره باشد در این صورت حسب ماده ۱ ق. مسوولیت مدنی شخص زیان دیده، می‌تواند از وکیل، مطالبه خسارت نماید و در صورتی که کار وکیل با اطلاع موکل باشد، او هم مسئول است.

در نظام حقوقی آمریکا یکی از موارد مسوولیت وکیل، و تکلیف به جبران خسارت ثالث و مخصوصاً پرداخت حق الوکاله وکیل طرف دعوی، عبارتست از نحوه طرح دعوی و یا دفاع به گونه ای که منجر به اطاله دادرسی شده یا به هر ترتیب، ضرری به طرف مقابل وارد شود، چنانکه بخش ۱۹۲۷ مجموعه قوانین ایالات متحده آمریکا مصوب ۲۰۱۲، بیان می‌دارد «هر وکیلی که وکالت پرونده ای را می‌پذیرد و بطور غیر معقول و آزار دهنده ای جریان دادرسی را طولانی می‌کند، ممکن است از سوی دادگاه به پرداخت هزینه‌های اضافی خسارت و حق الوکاله وکیل طرف مقابل محکوم گردد» البته ماده ۱۱ قانون فدرال در رابطه با آئین دادرسی مدنی پس از تحولات بسیار، برای این امر یک معیار عینی، پیش بینی نموده است که عبارتست از «رفتار توأم با تقصیر» (سالی زین، ۱۹۹۰، ۳). طرح دعوی واهی هم نوعی اضرار به غیر است و دعوی واهی در اصطلاح حقوقی به دعویایی اطلاق می‌شود، که از جهت اثباتی پشتوانه مستند و مدرکی نداشته باشد، و فراتر از ادعا نباشد، البته دادگاه‌ها در پذیرش ایراد خوانده مبنی بر اینکه، دعوی خواهان واهی است، همواره با دو مصلحت متقابل روبرو هستند که می‌بایستی بین آن دو، موازنه ایجاد کنند:

۱. مصلحت تشویق افراد به مشارکت در اجرای قانون با معرفی مجرمین به دادگاه‌ها
۲. مصلحت محافظت از افراد در مقابل اتهامات بی اساس و طرح دعوی واهی

در بین این دو مصلحت، قضاات ایالات متحده معمولاً مصلحت اول را در اولویت تصمیم‌گیری خود قرار می‌دهند و به حق عادی افراد در توسل به نهادهای قضایی احترام بیشتری می‌گذارند، و به همین دلیل تعداد کمی از پرونده‌هایی که با «ایراد دعوی واهی» مواجه می‌شوند با موفقیت روبرو می‌گردند (کدی لین، ۲۰۰۳، ۴۷)

در حقوق انگلستان هرگاه وکیلی مبادرت به طرح دعوی واهی نماید که موجب ایجاد ضرر به طرف مقابل گردد، با این استدلال که وکیل از نظام حقوقی انگلیس سوء استفاده کرده است، میزان خسارت او را صرفاً در قالب هزینه دادرسی اصحاب دعوی می‌دانند، و یکی از محاکم انگلستان بر همین اساس مبادرت به صدور رای نموده است بدون آنکه به مسوولیت وکیل در برابر طرف دعوی، اشاره‌ای نموده باشد. (قهرمانی ۸۴ - ۲۵)

در حقوق ایران، اصل ۳۵ قانون اساسی، دادگستری را مرجع تظلمات عمومی می‌داند و نیز ماده ۲ ق. آئین دادرسی مدنی اقامه دعوی از ناحیه اصیل یا وکیل را از اختیارات قانونی هر شخصی دانسته است، اما هرگاه ثابت گردد وکیل دادگستری با اطلاع و آگاهی کامل از اینکه طرح دعوی او، فاقد هر گونه ادله اثباتی است «م ۱۲۸۵ ق مدنی - فصل دهم آیین دادرسی مدنی» و علیرغم این امر، طرح دعوی واهی نماید، در مقابل ثالث مسوول خواهد بود.

### ۲-۳. اقامه دعوی با استفاده از وسایل خدعه آمیز

لازم است هر دعوی حقوقی بر مبنای قانونی و شرعی و بدون توسل به وسایلی باشد که فریب کاری در آن نقش دارد، چرا که هدف اصلی از دادرسی رسیدن به واقع یا حقیقت است و هر امری که در راستای رسیدن به این هدف، جنبه غیر واقعی و فریبکاری داشته باشد اصیل یا وکیل باید از آن پرهیز نماید چرا که رسالت وکیل نیز در همین راستا است.

قبل از هر طرح دعوی حقوقی لازم است ادله اثباتی بدقت و با وسواس تمام بررسی گردیده و در صورت رسیدن به این آگاهی که وسایل و ادله اثباتی فاقد هر گونه خدعه و نیرنگ است از آن در طرح دعوی استفاده گردد و قانون گذار همین امر را از وکلای دادگستری انتظار دارد.

هرگاه این مسیر طی نگردد و وکیل با استفاده از نیرنگ یعنی امری که قطعاً در قامت شئونات وی نمی‌باشد مبادرت به طرح دعوی به عنوان مثال: با استفاده از اظهارنامه بظاهر قدیمی اما غیر واقعی، نماید و در نتیجه در تمام یا قسمتی از خواسته موفقیتی به دست آورد، و سپس بی‌اعتباری یا جعلی بودن اظهار نامه در تاریخ بعد از صدور حکم قطعی به اثبات برسد و عمل جعل صرفاً توسط وکیل، بدون اطلاع موکل انجام شده باشد، از مصادیق استفاده از وسایل خدعه آمیز است، و متأسفانه بعضی از تخلفات انتظامی وکلا، در همین راستا است، اما اگر «استفاده از خدعه» در موضوع وکالت و اختیارات وکیل درج گردد، از جهت تحلیل حقوقی،

تمسک به روش‌های غیر شرعی و خدعه آمیز، به سبب نامشروع بودن موضوع وکالت از درجه اعتبار ساقط است و اگر بدون اطلاع موکل، چنین اختیاری درج گردد، مسلماً مسوولیت کامل متوجه وکیل است. (قهرمانی، ۱۳۸۴، ۲۵۹)

در حقوق انگلیس توسل به وسایل خدعه آمیز علی‌الاصول مبتنی بر بیان عبارات یا انجام فعل است لیکن برخی از حقوقدانان انگلیس معتقدند که فعل یا حرکت بدن یا ایما و اشاره می‌تواند به منزله بیان عبارت تلقی گردد که منجر به یک عمل خدعه آمیز گردد (اسولیوان، توناتان، ۲۰۱۰، ۲۲۶)

### ایجاد غرور بوسیله وکیل

قاعده ضمان «غرور» در فقه و حقوق ایران بدان معنی است که هرگاه کسی دیگری را به امری «مغرور» کند، و از این راه زبانی به او برساند، ضامن جبران خسارت خواهد بود «المغرور يرجع الی من غره» «میرفتاح، ۱۲۹۰-ج ۲-۴۴۲- بجنوردی - ۹۱-ج ۱- ۲۷۰- حسینی روحانی - ج ۱۶- ۱۳۰- محقق داماد ۹۰-ج ۱- ۱۶۴»

البته زبان دیده می‌تواند به فریب خورده (مغرور) که مباشر ایراد خسارت بوده رجوع کند و مغرور نیز پس از جبران خسارت می‌تواند برای مبلغ پرداختی به غار مراجعه نماید.

مانند آنکه وکیلی با اطلاع از اینکه ملک متعلق به موکل او نمی‌باشد و با تمسک به اسبابی خریدار را فریب دهد و به او بفروشد، و قانون‌گذار ایران در مواد ۲۶۳ - ۳۲۵ - ۳۲۹ قانون مدنی به ضمان ناشی از غرور اشاره کرده و هدف کاربرد قاعده غرور در هر دو نوع مسوولیت (قراردادی - قهری) قابل اعمال است (عمید زنجانی، ۹۲، ۱۵۷)

بنابراین اگر در دعوی خواهان علیه خواننده، وکیل خواننده با استفاده از ابزار فریبنده، خواهان را فریب دهد که دعوی خود را بطور کلی مسترد کند و خواهان نیز با استرداد کلی دعوی خود باعث شود که دادگاه بر اساس بند ج ماده ۱۰۷ قانون آئین دادرسی مدنی، قرار سقوط دعوی صادر نماید، و عملاً پرونده مشمول اعتبار امر مختوم گردد، و راهی برای طرح دعوی دوباره خواهان باقی نماند، و در واقع ادعای خواهان برای همیشه منتفی شود، و در واقع شخص وکیل با انگیزه از بین بردن حق طرح دعوی مجدد خواهان، این عمل را انجام داده باشد، در مقابل طرف دعوی مسئول است.

برخی از استادان حقوق، غرور را نیز به عنوان یکی از علل توجیه کننده فعل زیان بار شمرده اند «کاتوزیان - ناصر - جلد ۱ - ش ۱۲۹ - ۹۱» در حالی که قاعده غرور در فقه مسقط ضمان قهری به شمار نمی‌آید و این قاعده جزو منابع تعهد و موجب مسوولیت مدنی است بر مبنای این قاعده شخصی که فریب خورده است می‌تواند به فریبکار برای جبران خسارت مراجعه کند «المغرور يرجع الی من غره» «صفایی، سید حسین - رحیمی، حبیب الله - ۸۹ - ۱۹۰»

در مبحث غصب هم قاعده غرور جاری است، هر گاه یکی از غاصبان دیگری را مغرور کرده باشد، چنانچه به ادعای اینکه مال متعلق به خود اوست آن را به تصرف دیگری داده باشد، نمی تواند برای آنچه به مالک پرداخته است به مغرور رجوع کند، هرچند که مال مغضوب در دست «مغرور» تلف شده باشد (مستنبط از بند اخیر ۳۲۵ ق. مدنی) در واقع ضمان غرور اقوی از ضمان تلف است «صفایی، رحیمی، ۸۹، ۴۰»

قابل ذکر است که قاعده غرور از مصادیق کاربرد وسایل خدعه آمیز است که در مورد وکیل دادگستری هم قابل اعمال است.

## ۲-۴. بطلان به علت فقدان بعضی از شرایط اساسی

اشخاصی شایسته انجام معاملات هستند که دارای قصد و رضا، بلوغ، رشد و عقل باشند. هرگاه شخص وکیل دادگستری علیرغم اطلاع از این امر که موکل محجور مدنی است جهت طرح دعوی یا اقدامات وکالتی دیگر با وی عقد وکالت منعقد نماید و بدون آنکه به نماینده قانونی یا قضایی وی مراجعه کند، مبادرت به انجام موضوع عقد وکالت از جمله، اقامه دعوی نماید که در غایت به سبب بی اعتباری وکالت به ضرر ثالث منتهی گردد، در این صورت وکیل مسوول خواهد بود «لانگ، ۲۰۱۰، ۴۳۹»

## ۲-۵. نقض اصل "مدارا نمودن با طرف دعوی"

این اصل در ایران تحت همین عنوان وجود ندارد، اما مفاد این اصل را می توان در سوگند نامه ای که وکیل حسب ماده ۳۹ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب آذر ۱۳۳۴ لازم است پس از حاضر شدن پروانه وکالت و قبل از تسلیم به او یاد نماید می توان یافت. «در این موقع که می خواهیم به شغل شریف وکالت نائل شوم به خداوند قادر متعال قسم یاد می کنیم که همیشه قوانین و نظامات را محترم شمرده و جز عدالت و احقاق حق، منظوری نداشته و بر خلاف شرافت قضاوت و وکالت اقدام و اظهاری ننماییم و نسبت به اشخاص و مقامات اداری و همکاران و اصحاب دعوی و سایر اشخاص رعایت احترام را نموده و از اعمال نظریات سیاسی و خصوصی و کینه توزی و انتقام جویی احتراز نموده و در امور شخصی و کارهایی که از طرف اشخاص انجام می دهیم، راستی و درستی را رویه خود قرار داده و مدافع از حق باشیم و شرافت من وثیقه این قسم است که یاد کرده، و ذیل قسم نامه را امضاء می نمایم.»

در این قسم نامه که بنظر می رسد یکی از بهترین و بی نظیرترین قسم نامه بین مشاغل "پزشکی، مهندسی،..." می باشد. به نکات مهم و متعددی اشاره شده است اما آنچه از این قسم نامه می توان استفاده نمود عبارت "رعایت احترام..." است که به نظر فراتر از عبارت "مدارا نمودن" باشد، چه اینکه در رعایت احترام لازم است وکیل اعمالی از خود بروز دهد که نشان از ادب و عزت نهادن به طرف مقابل باشد یعنی دامنه شمول بیشتری دارد اما در عبارت "مدارا

کردن" صرف بی‌حرمتی نمودن کافی است و به نوعی به فعل منفی که مبین بی‌حرمتی نباشد بسنده می‌کند، در نتیجه، از ماده ۳۹ می‌توان حتی فراتر از اصل فوق که در حقوق فرانسه رایج است استنتاج کرد.

با مراجعه به کانون وکلا و مطالعه بعضی از آراء دادگاه‌های انتظامی وکلا، ملاحظه کردم که بعضی از وکلا صرفاً برای رسیدن به خواسته موکل، از قسم نامه و بسیاری از حد و مرزهای اخلاقی جامعه وکالت خارج می‌گردند؛ پرخاشگری وکلای طرفین نسبت به یکدیگر که در بعضی مواقع از الفاظ رکیک و نسبت‌های ناروا استفاده می‌کنند و تعصب غیر عادی وکیل نسبت به موکل خود که همین امر مانع از درک واقعیت‌ها می‌شود و اینکه وکیل، طرف دعوی را نه به عنوان "طرف دعوی" بلکه به عنوان "دشمن واقعی" می‌نگرد و نیز استعمال الفاظ غیر مؤدبانه نسبت به طرف یا اطراف پرونده باعث می‌گردد شخص ثالث یا حتی دادرسی‌پرور اگر از قبل معرفتی نسبت به وکلای دوطرف نداشته باشد بی‌شک گمان می‌برد که تمام اشخاص حاضر در مجلس محاکمه، از اصحاب دعوی می‌باشند و وکیل یا وکلایی در جلسه حضور ندارند و این امر که شخص نایب تصور کند که به نوعی خود، طرف دعوی واقع شده است، هرگاه پیشنهاد مصالحه و سازش مطرح گردد، وکلاء سعی در رد آن دارند تا پذیرفتن آن، و اگر بخواهیم منصفانه به این امر اشاره کنیم باید گفت، لازم است در دوره کار آموزی هیجده ماهه علاوه بر موضوعات حقوقی صرف، مباحث اخلاقی که لازمه کار وکلا است به آنان یادآوری گردد و اینکه رسالت وکیل نمی‌تواند در قالب شخص اصیل باشد و اگر وکیلی این اعمال را از خود بروز بدهد، شأن شغلی خود را تا حد (اجیر) تنزل خواهد داد در حالیکه وکیل یک بال ازدو بال فرشته و کارگزار عدالت است و لازم است شأن و شخصیت و ماهیت کاری خود را در همه حال محفوظ نگه دارد.

بنابراین لازم است جهت والاتر نمودن وجهه وکلا، و نمود وارستگی مقام آنان از این اصل استقبال گردد و هرگونه رفتار ایدایی وکیل عدلیه را نسبت به طرف دعوی «هر چند مغایر با قانون نباشد» اما چون بر خلاف اخلاق شغلی است، منع نمود.

صدور برخی از آراء محاکم انتظامی وکلا حکایت از این امر دارد که مراجع انتظامی به این ضرورت پی برده‌اند و به سبب (حرکت غیر اخلاقی وکیل) و به نوعی تخلف از سوگند نامه، وکلایی را که مرتکب چنان اعمالی می‌گردند به مجازات انتظامی محکوم می‌نمایند به عنوان مثال وکیلی که از آدرس خواهان اولیه اطلاع داشته و بعد از صدور رأی به نفع خواهان، وکیل در ضمن تجدید نظر خواهی اقامتگاه خواهان اولیه (داد برده) را مجهول اعلام نماید مرتکب تخلف انتظامی شده است، و حداقل این امر را روشن می‌نماید که وکیل تجدید نظرخواه از پرونده و اقامتگاه خواهان بدوی بی‌اطلاع نبوده است.



هر چند در این گونه پرونده ها، تعیین نشانی تجدید نظر خواننده با تجدید نظر خواه (وکیل) بوده است و دفاتر محاکم مکلف هستند بر اساس آدرس اعلامی، دادخواست تجدید نظر خواهی را جهت ابلاغ ارسال دارند؛ لیکن شعبه ۲ دادگاه انتظامی و کلا استفاده وکیل از چنین حقی را به دلیل استحضار او از نشانی کامل تجدید نظر خواننده در دادخواست اولیه تخطی از سوگند و کالتی (م ۳۹) یاد کرده و از موجبات محکومیت دانسته است.

هر چند استناد به تخلف از سوگند نامه، ظرفیت پذیرش خیلی از مسائل عام حقوقی را نسبت به طرف دعوی دارد، اما تا زمانی که مسئولیت های وکیل در قالب نظریه های جدید و یا قانون مطرح نشده باشد بیان کلیات صرف، در عمل مشکلی را حل نخواهد کرد.

لازم است نگاه جامعه را نسبت به هدف قانونی و اجتماعی وکیل جلب و اصلاح نمود تا افراد این صنف نیز، صرفنظر از روابط فیمابین وکیل و موکل به این حقیقت آگاهی یابند که مسئولیت آنان در تحکیم پایه های عدالت بسی فراتر از تعهدات و کلا در مقابل موکل معین است به همین دلیل حتی در نظام قضایی کشورهای کامن لا که مسئولیت وکیل را در برابر اشخاص طرف دعوی موکل، انکار می نمایند، رفتار اضرار آمیز وکیل را نسبت به حقوق طرف دعوی، از مصادیق سوء استفاده از نظام قضایی تلقی نموده اند. بنابراین وکلایی که از این نظریه یا همان " قسم نامه " خارج گردند و به نوعی ضرر و خسارتی به شخص طرف مقابل یا ثالث وارد آورند مسئول در مقابل خسارت وارده می باشند.

در نظام حقوقی آمریکا در میان اندیشمندان در رابطه با مسئول دانستن وکیل در مقابل شخص ثالث اتفاق نظر وجود ندارد. برخی معتقدند که رابطه وکیل و موکل یک رابطه محرمانه و خصوصی است که تنها به خود آن ها مرتبط است. اما مخالفان خصوصی بودن و محرمانه بودن وظایف وکیل، معتقدند، شناسایی تکالیف وکیل در مقابل اشخاص ثالث منجر به کاهش خسارات و آسیب های ناشی از دادرسی می شود. چرا که وکیل می تواند با بکارگیری تلاش و رفتار محتاطانه بسیاری از آسیب ها چون اطاله دادرسی جلوگیری کند. آن ها معتقدند که افزایش مسئولیت وکلا منجر به نمایندگی توأم با دقت و به کارگیری درجه بالاتری از احتیاط حرفه ای خواهد شد و در اینجاست که دیگر وکیل در نقش یک مشاور و راهنما ظاهر نمی شود بلکه وظایف جدی تری دارد و این در نهایت به سود جریان یک رسیدگی عادلانه خواهد بود.

رویه سنتی حاکم بر دادگاه های ایالتی آمریکا آن است که وجود یک رابطه خصوصی و قراردادی، مبنای اساسی امکان طرح دعوی مسئولیت علیه وکیل است و در نتیجه شخص غیر موکل نمی تواند چنین دعوایی طرح کند. پیشینه چنین دیدگاهی به اواخر قرن نوزدهم باز می گردد که دیوان عالی ایالات متحده رأیی در این خصوص صادر نمود. از آن پس تا کنون این رویه در اکثر ایالات از جمله نیویورک جریان دارد.

## ۲-۶. مسئولیت مدنی و کیل دادگستری به سبب عملکرد شخصی او

برای ایجاد مسئولیت مدنی، همواره مداخله مادی شخص در عمل زیان بار ضرورت دارد. مداخله مادی یعنی ارتباط مادی شخص با حادثه، که این ارتباط ممکن است از طریق فعل شخصی و فعل اشیاء و فعل غیر باشد؛ بنابراین فعل شخصی، یکی از موارد مداخله مادی شخص در حادثه زیانبار است و مقصود از آن، ارتکاب فعل یا ترک فعل از سوی شخص وکیل است که منتهی به ورود خسارت گردد، و تفاوتی ندارد که ضرر وارد شده عمدی یا غیر عمدی باشد و البته ممکن است حادثه زیانبار نتیجه دخالت فعل واحد یا افعال متعدد باشد در هر حال مسئولیت مدنی بر اساس یکی از قواعد: اتلاف، تسبیب، غصب، ضمان غرور، ایفاء ناروا، و نقض تعهدات قراردادی مطرح می‌گردد، و اگر زیان وارده ناشی از عوامل متعدد باشد، مسئولیت مدنی بر اساس یکی از قواعد مسئولیتی: اجتماع سبب و مباشر، اجتماع چند سبب، اجتماع چند مباشر، اجتماع غاصبان، اجتماع غصب و اتلاف و اجتماع غصب و تسبیب تعیین می‌گردد، و مسئولیت مدنی در هر یک از موارد فوق به سبب فعل یا ترک آن است. در هر صورت اگر وکیل به سبب عملکرد نامطلوب خود به اشخاص ثالث زیان وارد آورد، مسوول تلقی می‌گردد.

در حقوق بعضی از کشورها بدون آنکه تقسیمات فوق صورت گیرد، به طور کلی فعل شخصی به دو دسته «عمد و تقصیر غیر عمدی» تقسیم بندی شده است. و هرگاه فعل یا ترک فعل وکیل موجب ورود ضرر به ثالث شود، مشمول یکی از عناوین فوق خواهد بود.

در حقوق انگلیس - حقوق مسئولیت مدنی، با حقوق بشر نیز پیوندهایی داشته و یکی از وظایف آن صیانت از حقوق بنیادین ابناء بشر است، صرف نظر از گروه‌بندی‌های خاص و عام است. لذا هرگونه هتک حرمت به افراد و توهین به شخصیت و شأن انسانی آن‌ها مسلماً در دایره اخلاق باقی نخواهد ماند. در نتیجه از آنجایی که هرآنچه موجد یک حق قانونی و حقوقی برای افراد باشد، نقض آن ممنوع و موجد مسئولیت خواهد بود در مسوولیت مدنی، نقض رفتار متعارف یا اخلاق حرفه ای، برای مسوول شناختن شخص ناقض رفتار غیر متعارف کافی است (صفایی، سید حسین، - رحیمی، حبیب الله - ۸۹ - ۷۶ - ۱۹۶) در این حوزه نیز انتظار می‌رود که مقررات مسئولیت مدنی فرد متجاوز را مسؤل شناخته و ملزم به جبران خسارات معنوی طرف مقابل بنماید. در این زمینه حقوق انگلستان از پیشگامان مسوولیت محسوب می‌شود. با وجود این، در حقوق انگلیس وکیل هیچ گونه وظیفه ای به مراعات نمودن حقوق طرف اختلاف ندارد و استدلال این نظام حقوقی آن است که وکیل صرفاً در قبال موکل خود دارای وظایف قانونی است و قانون تکلیفی به حرمت نهادن به طرف دعوی مقرر ننموده است و جمع بین دو احترام، نوعی تضاد قلمداد می‌گردد.

در دعوی سرپرستی فرزندان مشترک در انگلستان، فیما بین زوجین، گذرنامه زوج به وکیل

وی سپرده شد تا وی آنرا تا زمان حکم دادگاه نزد خود نگهداری نماید اما در نهایت زوج به گذرنامه ای که نزد وکیلش بوده دسترسی پیدا نموده و فرزندان مشترک را از کشور انگلستان خارج می‌نماید، سپس زوجه به سبب خیانت وکیل در خصوص گذرنامه علیه وکیل زوج طرح دعوی نموده و دادگاه بعد از رسیدگی با این استدلال که «وکیل از حدود اذن وکالت خارج شده است» وکیل زوج را به پرداخت مبالغی خسارات مادی و معنوی محکوم نموده است.

در این قضیه زوجه با اعتماد به رسالت و تعهد وکیل، خود را از هر نوع اقدام قضایی برای جلوگیری از خروج زوج و فرزندان از کشور انگلستان بی نیاز دانسته است، و نقض همین تعهد توسط وکیل برای انجام اقدامات قضایی جهت پیروزی زوجه در دعوی کافی بوده است.

به نظر می‌رسد اجتناب محاکم انگلستان در این دعوی و دعاوی مشابه از هر گونه استدلالی مبنی بر نقض تعهد وکیل در مقابل طرف دعوی، بدان سبب است که رویه اتخاذ شده توسط دادگاه‌های انگلستان به شرح فوق، مخدوش نشود.

### ۳. سوء استفاده از ناتوانی وکیل طرف مقابل

همانطور که اشاره شد، وکیل مدافع بایستی، دفاع استاندارد یا متعارف نماید، و اگر فاقد دفاع متعارف باشد و خسارتی به موکل یا غیر وارد گردد، وکیل مسئول قلمداد می‌گردد. حال اگر یکی از دو طرف دعوی وکیلی اختیار کند که از جهت علمی و عملی از توانایی بسیار کمی برخوردار باشد و همین امر باعث گردد که به عنوان مثال وکیل طرف مقابل با طرح سؤالات متعدد، او را به چالش حقوقی بکشاند یا از دفاع او که از استحکام لازم برخوردار نیست استفاده نماید، به نظر می‌رسد، عدم دفاع استاندارد توسط وکیل مدافع طرف مقابل، و استفاده یکطرفه دعوی از نقاط ضعف وکیل طرف دیگر، نمی‌تواند از باب «مسئولیت مدنی» مطرح گردد، چه اینکه طرفی که وکیل ضعیف را برای دفاع از پرونده خود، انتخاب نموده است، می‌توانست با بررسی بیشتر از دفاع وکیل مدافع بهتری برخوردار گردد و این کوتاهی مصداق «قاعده اقدام» است، اما اگر وکیلی از ضعف زیاد وکیل طرف دیگر سوء استفاده نماید به عنوان نمونه او را وارد قسمتی از دادرسی نماید که به ضرر وکیل ضعیف باشد، چنانکه اجرای قرار معاینه محل یا شهادت شهود به ضرر وکیل ناتوان باشد اما بر اساس سوء استفاده طرف مقابل، این نوع قرارها صادر گردد و نهایتاً به ضرر طرف دعوی باشد، به نظر می‌رسد که به نوعی وکیل اغوا کننده را بتوان مسئول شمرد هر چند اداره دلائل توسط اصحاب دعوی و وکلای آنان صورت می‌گیرد.

در حقوق آمریکا آنچه در اینجا می‌بایست روشن گردد تفکیکی است که میان نیت و قصد فرد به انجام کاری و نتایج طبیعی یک عمل بدون آنکه مورد قصد وی قرار گرفته باشد وجود دارد. الف: در حقیقت گاه فرد قصد می‌کند که صرفاً نقاط ضعف وکیل طرف مقابل را تحت تأثیر قرار دهد و در نتیجه با استفاده از فضای ایجاد شده دعوا را به سود خود خاتمه بخشد. ب: اما گاه

در فضای جدلی حاکم بر جلسه دفاع، فرد ضعیف‌تر تحت تأثیر قوت استدلال و یا توانمندی شخصیتی و کیل طرف مقابل قرار گرفته و ضعف خود را آشکار می‌سازد در نتیجه در دعوا شکست می‌خورد. هرچند در مورد دوم نیز شکست و کیل ضعیف‌تر مستقیماً متأثر از نحوه عملکرد و کیل طرف مقابل است، باید اذعان داشت که این شکست نتیجه طبیعی عملکرد متعارف و کیل پیروز بوده است. در حقیقت مبارزه طلبی و به رخ کشیدن توانایی‌های حرفه‌ای، در طبیعت ایفای نقش وکالت جای دارد و وکیل پیروز صرفاً این بخش از عملکرد خود را قصد کرده است. در نتیجه در این صورت مسئولیتی متوجه او نیست.

اما در حالت نخست، قصد وی تحت تأثیر قرار دادن ضعف‌های شخصیتی و یا حرفه‌ای طرف مقابل و نشانه رفتن آنست که به نوعی سوءاستفاده محسوب می‌شود. چنانکه مشاهده می‌شود تفکیک میان آنچه موضوع قصد بوده و آنچه نتیجه خود به خودی عمل متعارف فرد است، بسیار دشوار و گاه احراز آن غیرممکن است و این موضوع همچنان یکی از مسائل چالش‌برانگیز در حوزه مسئولیت مدنی است

### ۳-۱. دفاع توأم با تهمت «اظهار خلاف احترام و عدم روش شرافتمندانه در دفاع»

مسئله حقوق مبنای اخلاقی هم دارد و قانون نیز با موازین اخلاقی در هم آمیخته است و مفهوم وکالت در معنای اخص آن مانند بسیاری از اصطلاحات حقوقی نیاز به تعریف و محدوده نوینی دارد.

اگر قرار بر این باشد که حقوقدانان اعم از قاضی، وکیل و... صرفاً در قالب اصطلاحات و مقررات قانونی عمیق شوند و مطابق صراحت قانون عمل نمایند به نظر می‌رسد دیر یا زود، اجرای حقوق به ورطه اعسار و ورشکستگی منتهی خواهد شد، چرا که حقوق بدون در نظر گرفتن اصول اخلاقی به بیراهه سوق پیدا خواهد کرد، نه تنها در رشته حقوق بلکه در دیگر رشته‌ها مانند: طبابت، مهندسی، ژنتیک و غیره اگر علم منفک از اصول اخلاقی باشد، جهان هستی به نابودی رهنمون می‌شود. بنابراین لازمه وکالت علاوه بر تخصص کافی اخلاق است و لازم است اخلاق نه در کنار حقوق، بلکه در راس هرم آن واقع شود تا احقاق حق صبغه اخلاقی تری داشته باشد، و اساساً از امین نمی‌توان غیر از این انتظار داشت. در رویه قضایی نیز وکلای وارد وارسته با تقوی و مسئولیت‌پذیر را به وکلای واپسگرا و غیر واثق، کاملاً ترجیح می‌دهند کسانیکه دفاع را دفع وقت و ترازنامه‌ای برای حساب مالی سالیانه قوی خود می‌دانند در دراز مدت در عدلیه ماندگاری نخواهند داشت. افرادی که صحنه دفاع حقوقی را نوعی جنگ حقوقی می‌دانند با افرادی که از تمام اعمال و رفتار و گفتارشان جز حرمت چیزی نمی‌تراود، یکسان نیستند اینان علاوه بر ماندگاری در دادگستری در نزد دادرسان و اصحاب دعوی و کادر اداری از محبوبیت زیادی برخوردار خواهند بود و قضات با چند جلسه به سهولت سره را از ناسره تمیز می‌دهند، و

افرادی که هدف آنان «عدالت» نباشد؛ گذشت زمان آنان را از جمع وکلای راستین خارج خواهد نمود، هر چند متاسفانه قانون وکالت و لایحه استقلال به خیلی از اموری که باید برای وکلا تحت عناوینی، جنبه تقنینی می‌داد، نداده است؛ به استثناء سوگند نامه ای که در ماده ۳۹ آئین نامه استقلال قانون وکلاء اشاره شده است و هم چنین بند ۱۰ ماده ۸۰ که بیان می‌دارد: (در صورتی که وکیل به کار دیگری اشتغال پیدا کند که منافای با شئون وکالت است... یا مرتکب اعمال و رفتاری شود که منافای شئون وکالت است) به امور فوق اشاره نموده است متاسفانه با اینکه قضات می‌توانند نقایص قانون را با تفسیرهای منطقی و عادلانه، یا با استناد به اصول حقوقی رفع کنند اما سابقه قضایی در این خصوص وجود ندارد. لیکن در آراء دادگاه‌های انتظامی (وکلا و قضات) احکام زیادی وجود دارد که وکیل از باب عدم اجرای احترام و اعمال خلاف شأن خود محکومیت یافته است. البته ناگفته روشن است که وظیفه وکیل در مراحل دادرسی نسبت به طرف دعوی و ثالث یقیناً فراتر از رعایت نزاکت است بلکه تعهد وکیل مبنی بر اعمال روش‌های شرافتمندانه در دفاع را هم شامل می‌گردد و آن‌ها که اعتقاد به وکالت اخلاقی صرف دارند، روش شرافتمندانه را بارزترین وظیفه وکالت در دفاع می‌دانند.

در سایر نظام‌های حقوقی، مسئولیت وکیل در برابر طرف دعوی، مورد پذیرش واقع شده و اختلاف نظام‌ها، در محدوده و قلمرو مسئولیت وکیل است به دیگر سخن چون اعمال و اقدامات وکیل به نمایندگی از شخص موکل انجام می‌گیرد، باید بررسی نمود که آثار زیانبار عمل وکیل چه میزان به موکل و شخص وی ارتباط دارد. و هرگاه با دفاع غیر شرافتمندانه و تهمت زدن، خسارت معنوی به یکی از اصحاب دعوی یا وکیل آنان وارد گردد می‌توان بر اساس ق. م.م و اینکه ۱) هدف از مسئولیت مدنی از بین بردن ضرر نیست بلکه حداقل آن است که زیان دیده معادل ضرر متحمل شده را وصول کند ۲) دشواری برآورد خسارت معنوی موجب نفی آن نیست ۳) و آیا غیر اخلاقی نیست که عامل مرگ یک طفل یا فرد سالخورده از مسئولیت معاف باشد ۴) اصل ۱۷۱ ق اساسی و مواد ۱، ۲، ۸، ۹، ۱۰ ق. م. م و در فقه «قاعده لاضرر \_ نفی عسر و حرج \_ اتلاف و اصل حرمت اشخاص...» خسارت معنوی را قابل مطالبه دانست (صفایی، حسین، رحیمی، حبیب الله، ۸۹-۱۳۰)

### نتیجه گیری

هرچند در بادی امر بنظر می‌رسد با توجه به حکومت اصل «نسبی بودن قراردادها» بین وکیل و موکل، وکیل و موکل صرفاً در مقابل یکدیگر مسوولیت دارند، اما نقض قرارداد توسط وکیل در مقابل موکل مانند خروج از اذن موکل، یا سهل انگاری در انجام امور موضوع وکالتی، یا طرح دعاوی واهی، یا استفاده از هر امر نامشروعی جهت نائل آمدن به خواسته موکل، یا فریب دادن طرف مقابل و غیره وکیل را در برابر طرف ثالث مسوول قلمداد می نماید، و این از نوع مسوولیت قهری و خارج از قرارداد است البته وظیفه شخص ثالث زیان دیده است که در مقام مطالبه خسارت، ثابت نماید که فعل یا ترک فعل وکیل یا موکل یا هر دو باعث ورود زیان شده اند، زبانی که فاقد توجیه قانونی است، بنابراین نقض قرارداد فیما بین وکیل یا موکل حسب ماده ۱ ق. مسوولیت مدنی، (هر شخصی بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری یا بهر حق دیگر که بموجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر (مادی - معنوی) دیگری شود مسوول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد) یا به تعبیری نقض قانون یا رفتار متعارف حرفه ای موجب ضمان برای وکیل خواهد بود البته این مسوولیت در صورتی است که رابطه سببیت (مستنبط از ماده ۶۶۶ قانون مدنی) و دیگر شرایط، مطالبه خسارت وجود داشته باشد.

## فهرست منابع

## الف: کتب فارسی

۱. حسینی نژاد، حسینقلی، (۱۳۸۹) مسئولیت مدنی، انتشارات مجد، تهران، چاپ اول.
۲. حکمت نیا، محمود، (۱۳۸۹) مسئولیت مدنی در فقه امامیه، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
۳. سمایی، عبدالله، شیخ الاسلامی، مرتضی، (۱۳۹۲) تخلفات انتظامی و کلاء، انتشارات خرسندی.
۴. صفایی، سید حسین، قاسم زاده، سید مرتضی، (۱۳۹۳) اشخاص و محجورین، انتشارات سمت، چاپ بیستم.
۵. صفایی، حسین، رحیمی، حبیب الله، (۱۳۹۳) مسئولیت مدنی، انتشارات سمت، چاپ ششم.
۶. صفایی، سید حسین، رحیمی، حبیب اله، (۱۳۸۹) مسوولیت مدنی، انتشارات سمت، چاپ اول.
۷. عباسلو، بختیار، (۱۳۹۰) مسوولیت مدنی با نگرش تطبیقی، انتشارات نشر میزان، چاپ اول.
۸. امید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۹۱) قواعد فقه بخش حقوق خصوصی، انتشارات سمت، تهران، چاپ چهارم.
۹. قهرمانی، نصر اله، (۱۳۸۴) مسوولیت مدنی وکیل دادگستری، نشر نسل نیکان، چاپ دوم.
۱۰. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۲) توجیه و نقد رویه قضایی، نشر میزان، چاپ چهارم.
۱۱. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۲) مسوولیت مدنی، جلد ۱، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوازدهم.
۱۲. کوهندی، ژرژ، (۱۳۸۷) اسرار دفاع، ترجمه تفضلی، ابوالقاسم، انتشارات گنج دانش، چاپ پنجم.
۱۳. مجموعه آرای قضایی دادگاه های تجدید نظر تهران، (حقوقی)، (۱۳۹۶) پژوهشگاه قوه قضائیه - نشر مرکز مطبوعات.
۱۴. داراب پور، محراب، (۱۳۸۹) حقوق مدنی تطبیقی به قلم گروهی از مولفان، انتشارات سمت، چاپ سوم.
۱۵. محقق داماد، سید مصطفی، (۱۴۰۶) قواعد فقه، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، چاپ دوازدهم.
۱۶. مسجد سرائی، حمید، (۱۳۹۳) ترمینولوژی فقه، نشر نو.
۱۷. نوری، محمد علی، (۱۳۹۲) قانون مدنی مصر، انتشارات گنج دانش.

## ب: کتب عربی

۱۸. بجنوردی، سید حسن بن آقا بزرگ موسوی، (۱۴۱۹) القواعد الفقهیه (البجنوردی، السید حسن)، ۷ جلد، نشر الهادی، قم - ایران، اول.
۱۹. حسینی روحانی، سید صادق، (۱۴۱۲) فقه الصادق علیه السلام، دار الکتب مدرسه امام صادق علیه السلام، قم، چاپ اول.
۲۰. نجفی، محمد حسن، (۱۴۰۴) جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ هفتم.

ج: منابع انگلیسی

21. Evers, Maxine, Leanne Houston and Paul Redmond, "ETHICS AND PROFESSIONAL RESPONSIBILITY: Good Practice Guide", Australian Learning & Teaching Council, Sydney, 2011, p.14.
22. Salyzyn, Amy, "A Comparative Study Of Attorney Responsibility For Fees Of An Opposing Party", 2ST.JOHN'S JOURNAL of INTERNATIONAL & COMPARATIVE LAW, Vol. 3, No.1 ,P.3.
23. Kodilinye, Gilbert, "Commonwealth Caribbean Tort Law", Cavendish Publishing Limited, Third Edition 2003, London, p.47.
24. O'sullivan, ganet & jonathan hilliard, the law of contract, 2010, oxford university press, p.226
25. Long, Alex B., "Attorney Deceit Statutes: Promoting Professionalism Through Criminal Prosecutions and Treble Damages", 44 UC Davis Law Review 413 (2010), P.439.
26. Strick, Daniel S. and Jordan S. Tafflin, "Can Lawyers Be Sued by Non-Clients?", For The Defense, July 2012, P.56.
27. National Savings Bank v. Ward, 100 U.S. 195 (1879)
28. Katz, Melinda R., "Privity Requirement for Attorney Liability to Non-clients", Journal of Civil Rights and Economic Development: Vol. 4: Iss.2, 1989, p.321.
29. Silecchia, Lucia Ann, "NewYork Attorney Malpractice Liability to NonClients: Toward a Rule of Reason & Predictability", Pace Law Review, Vol. 15, January 1995 p.396.
30. CHENG , EDWARDS,"AV ATTORNEY,S DUTY TO NONCLIEVS"VEW ENGLAND LAW REVIEW, 2002VOL.37:1,P.56.
31. Wright, Jane, "Tort Law and Human Rights", Hart Publishing, North America (US and Canada), 2001, p.1.
32. Salyzyn, Amy, "A Comparative Study Of Attorney Responsibility For Fees Of An Opposing Party", 2ST.JOHN'S JOURNAL OF INTERNATIONAL & COMPARATIVE LAW, Vol. 3, No.1 ,P.3.
33. O'sullivan, ganet & jonathan hilliard, the law of contract, 2010, oxford university press, p.226
34. Silecchia, Lucia Ann, "NewYork Attorney Malpractice Liability to NonClients: Toward a Rule of Reason & Predictability", Pace Law Review, Vol. 15, January 1995 p.396.
35. Wright, Jane, "Tort Law and Human Rights", Hart Publishing, North America (US and Canada), 2001, p.1.



## بررسی نظارت اخلاقی متقابل دولت و ملت در نظام حقوقی ایران و اسلام

رضا نیکخواه سرنقی<sup>۱</sup>

محمد رضا یزدان یار<sup>۲</sup>

### چکیده

همواره بشریت دنبال ایجاد یک جامعه انسانی مطلوب و منطبق بر آرمانها و خواسته های متعالی خود می باشد. در چنین جامعه ای می بایست الزاماتی بر پایه اصول حقوقی، روابط اجتماعی مبتنی بر قرارداد اجتماعی را مدنظر قرار دهد. از این منظر تمسک جستن به حاکمیت قانون می تواند بعنوان پیش نیاز چنین جامعه ای قلمداد گردد.

در پرتو حاکمیت قانون، همواره اراده های فردی در نظام تصمیم گیری وارد شده و به یک نیاز عمومی یا اراده جمعی تبدیل می گردد، تمایلات متناقض با افکار عمومی، نمادی مُخل و برهم زننده هویت جمعی شده و سرمایه های مادی و معنوی افراد اجتماع در خدمت کمالات افراد و اجتماع گذاشته می شود و ساختارهای سیاسی و اجتماعی برآمده از آحاد ملت، این اراده ها و تمایلات مشترک را شاخص اصلی تعیین مسیر حرکت نظام سیاسی قرار می دهند و در آن جهت تعقیب می نمایند، حاکمیت قانون، خود نه تنها هویت مشترک اعضای اجتماع را مورد شناسایی قرار می دهد، بلکه بر مسئولیت متقابل حاکمیت و دولت نیز تاکید دارد، مسئولیتی که هر فرد در برابر سایر افراد اجتماع داشته و در پرتو آن است که حق جستجوی رفاه، سعادت، آسایش و امنیت اجتماعی واجد مفهوم می گردد. هر نوع مجموعه ای خواه اجتماعی یا سیاسی نیاز به کنترل یا نظارت دارد که شیوه های این نظارت و کنترل بر آن حسب مقام نظارت کننده و شیوه کنترل‌های پیش بینی شده است. لذا در این مقاله سعی شده که به انواع نظارتهای چهارگانه پیش بینی شده در اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بپردازد و تکالیف مخاطبین آن را در مقابل اینگونه نظارتهای مورد کنکاش و نقد قرار دهد.

### واژگان کلیدی

فلسفه نظارت، نظارت مردم بر مردم، نظارت دولت بر دولت، نظارت دولت بر ملت، نظام حقوقی ایران، نظام حقوقی اسلام.

۱. استادیار دانشکده فقه و حقوق اسلامی دانشگاه ارومیه. Email: r.nikkhah@urmia.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه ارومیه، (نویسنده مسئول).

Email: mohammad.yazdanyar1358@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۱۲/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۹/۱۰

## واژه‌شناسی بحث

### بند ۱. تعریف لغوی

نظارت از ریشه نظر و مرحوم دهخدا در کتاب لغتنامه (ج ۱۴) ذیل واژه مذکور، آن را نگریستن در چیزی با تامل، چشم انداختن، حکومت کردن بین مردم و فیصله دادن دعاوی ایشان، یاری دادن وهم و اعتراض آورده شده است. وی ((ناظر)) را به معنای نظر کننده، نگرنده، نگاه کننده، بیننده، شاهد و کنایه از جاسوسی، دیده بان و نگاهبان مطرح نموده و در نهایت ((نظارت)) را به معنای نظر کردن و نگریستن به چیزی، مراقبت و در تحت نظر و دیده بانی داشتن کاری، نگرانی و مباشرت معنا کرده است.

### بند ۲. تعریف اصطلاحی

در تعریف مصطلح، نظارت به مجموعه عملیاتی گفته می‌شود که طی آن، میزان تطابق عملکرد اشخاص با قوانین و مقررات سنجیده می‌شود تا از این طریق، به مطابقت نتایج عملکرد با هدف‌های مطلوب، اطمینان به دست آید. (اخوان کاظمی، ۱۳۹۱، ۳۱) به طور خلاصه می‌توان گفت، نظارت در مفهوم حقوقی عبارت است از بازرسی و سنجش و ارزیابی اقدامات مجریان و از سوی دیگر، ناظر کسی است که به منظور چنین بازرسی و ارزیابی و سنجش تعیین می‌شود. لذا آنچه که در مجموع نظریات مختلف در تعریف نظارت می‌توان یافت، آنست که در همه تعاریف، نظارت را نوعی آگاهی و اطلاع از آنچه در حال وقوع است، دانسته اند. به عبارتی دیگر نظارت مقایسه ضمنی بین آنچه که هست و آنچه که باید باشد و انجام اموری در راستای رسیدن به هدف مطلوب است. این نظارت می‌تواند در موضوعات مختلف یا به شیوه‌های مختلفی اعم از پیشینی یا پسینی، استصوابی یا استطلاعی، مستقیم یا غیرمستقیم، نهان یا آشکار و بسیاری انواع دیگر اعمال گردد.

### بند ۳. ویژگی‌های مفهوم نظارت

از آنجائیکه واژه نظارت در یک رشته علمی و در یک حیطه و موضوع کاربرد ندارد، از این رو نمی‌توان تعریف اصطلاحی اجماعی و واحدی از نظارت ارائه کرد و در هر علم، نظارت معنا و کارکرد خاص خود را خواهد یافت، اما در معرفی مفهوم نظارت ویژگی‌های هشتمگانه زیر را در همه اقسام کاربرد این اصطلاح و واژه می‌توان دید:

۱. در نظارتی دارای چهار رکن است: «ناظر» و «عامل» (نظارت شونده)، که البته ناظر ناظر و عامل می‌توانند در یک مصداق جمع شده و به نوعی «خودکنترلی» برسیم. «فرآیند تحقق نظارت» (دیدن و کنترل آگاهانه امور) و نهایتاً «ابزارها و شیوه‌های نظارت»
۲. نظارت با عقلانیت در ارتباط است، چون نیاز به دیدن، تجزیه و تحلیل و تشخیص صحیح از سقیم دارد.

۳. هر نظارت کنشی «عامدانه و عالمانه» است، از این رو هرنگاه تصادفی و از روی جهل را نظارت نمی نامند.

۴. در همه نظارتهای فرض بر این است که عامل بر حسب برنامه ای عمل کند و از این رو بر او نظارت می شود تا حرکت صواب و یا ناصواب او ثبت و درج شود.

۵. نظارت در جاهایی مطرح است که حرکتی علمی یا عملی، کمی یا کیفی، گسترده یا محدود، مخفی یا آشکار و ... متناسب با اهداف مقرر، در جریان باشد.

۶. از جهت «سطح تحلیل» ناظر می تواند منفرد باشد (خدا، فرشته، انسان و ...) و یا گروه و یا دولت و یا یک نهاد فرادولتی و فراملیتی، چنانکه نظارت شونده (عامل) نیز می تواند فرد، گروه، دولت و نهادهای فرامرزی باشد و عمل نظارت نیز آشکار یا پنهان، مستقیم یا غیر مستقیم و ... محقق شود.

نظارت کننده	نظارت شونده	علوم مربوط
فرد	فرد	حقوق، اخلاق، عرفان، فقه، اصول، کلام، روانشناسی و علوم تربیتی
گروه	گروه	حقوق، علوم اجتماعی، جامعه شناسی، علوم سیاسی، علوم مدیریت
دولت	دولت	حقوق، علوم سیاسی، علم مدیریت، فقه سیاسی
نهادهای فرامرزی	نهادهای فرامرزی	روابط بین الملل، حقوق بین الملل، سازمانهای بین المللی

#### جدول سطوح ناظر و عامل و علوم مربوط

شایان ذکر است در جدول صدرا اشاره هرکدام از سطوح ناظر (فرد، گروه و...) می تواند بر چهار سطح نظارت شونده (فرد، گروه و...) نظارت کننده و از این رو و بر اساس رابطه ناظر و عامل، ۱۶ شکل نظارت (فرد بر فرد، فرد بر گروه، فرد بر دولت و ...) قابل فرض است.

۷. مجموعه نظارتهای مربوط به آدمیان در حیطه های سیاسی - اجتماعی، در همه سطوح یاد شده در بند ۶ (فردی، گروهی را می توان به چهار قسم نظارت تقلیل داد: (( نظارت دولت بر مردم))، (( نظارت مردم بر دولت))، (( نظارت مردم بر مردم))، (( نظارت مردم بر دولت))، (( نظارت مردم بر مردم))، (( نظارت دولت بر مردم)) و در مرتبه بعدی نظارت مردم بر حکومت و دولت است که سابقه آن نه چندان طولانی و به قرون اخیر بر می گردد. هرچند در جهان اسلام و تنها در صدر اسلام و سیره علوی نیز می توان از نظارت مردم بر حکام شواهدی جست.

۸. در بحث نظارت نمی توان و نباید از فلسفه واحدی در اقسام نظارتهای سخن به میان آورد

، گرچه در موارد یاد شده می‌توان به این حد مشترک رسید که در همه این موارد، درک و فهم خطا، نقص و عیب از دلایل نظارت است، اما در نگاه عمیق‌تر، بنیاد اینگونه چارئیها در ابعادی با هم متفاوتند، مثلاً در جائیکه نظارت از بالا به پایین برای رعایت حقوق مردم است، اما کنترل دولتمردان از سوی مردم برای رعایت منافع دولتمردان نیست، بلکه غایت در اینجا نیز رعایت حقوق آحاد جامعه است.

### فلسفه نظارت به عنوان متغیر وابسته

اگر بتوان فلسفه نظارت را یکبار بعنوان ((متغیر وابسته)) در نظر گرفت و از عوامل تاثیر گذار بر آن بحث کرد، از زاویه دیگر می‌توان فلسفه نظارت را بعنوان ((متغیر مستقل)) در نظر گرفت و از تاثیرات و آثار آن بر عوامل دیگر سخن گفت، از این رو مجموعه عوامل موثر بر فلسفه نظارت را بصورت زیر می‌توان مورد بررسی قرار داد.

### الف) تاثیر اندیشه سیاسی بر فلسفه نظارت

یکی از حیطه‌هایی که در مباحث و اقدامات نظارتی به صورت گسترده کاربرد داشته و موضوعیت می‌یابد، حوزه حکومت دولت و سیاست است. از همین رو به رابطه سیاست و اندیشه سیاسی با نظارت می‌رسیم، زیرا نحوه رژیم سیاسی، نگرش سیاسی، فلسفه سیاسی با شیوه حکومت و ارکان دولت و نحوه مدیریت یک نظام سیاسی ارتباط تنگاتنگی دارد. گرچه می‌توان در یک نگاه، اندیشه سیاسی غرب جدید را ذیل اندیشه سیاسی سنتی بررسی کرد و آنها را در مقابل یکدیگر بازشناسی نمود، اما این تقسیم و تمییز نمی‌تواند نقش دو متغیر مستقل و متفاوت بر دوگونه فلسفه نظارت متفاوت را تفسیر کند، زیرا در بستر اندیشه فلسفی و سیاسی غرب هم مکتب «آنارشیسیم» می‌جوشد که با نظارت و شیوه‌های نظارتی سرستیز دارد و از این منظر، حکومت همچون شیطانی مطلق در نظر گرفته می‌شود که در تعبیر «پرودون» این شیطان با اقتدار تمام، بیش از ۶۰۰۰ سال انسانیت را له کرده است و تنها قوام دهنده انسانها نوعی معنویت مخفی بوده که همواره در پشت سرفقاع زندگی نسبی را برای بشریت ایجاد می‌کرده است. از نگاه این مکتب که در دهه‌های اخیر نیز جانبداران جدی در غرب دارد، نافرمانی (طغیان) فضیلت اصلی بشر است. پیشرفت از راه نافرمانی و سرکشی به دست آمده است. در مقابل، اندیشه «توتالیتری» امثال هیتلر و موسولینی در غرب جدید سر بر می‌آورد که در آن نظارت نقش تعیین کننده و محوری دارد و در تفسیر «هانا آرنت»، این نظارت سلسه مراتبی است.

در جهان اسلام نیز همانند اندیشه سیاسی غرب جدید، یک گونه نگاه و اندیشه سیاسی وجود نداشته و ندارد تا از یک گونه تاثیر آنها بر فلسفه نظارت سخن گفت. برای اثبات این مدعا کافی است که تنها اشاره ای کوتاه به مقطع مشروطه در ایران گردد. در این عصر، شیخ شهید

«فضل الله نوری» و «آیت الله نایینی» بصورت مشخص، در بسیاری از مسائل سیاسی در برابر یکدیگر نظریه پردازی می کردند. بعنوان شاهد مثال، در بحث آزادی بیان و مطبوعات، شیخ شهید از آن رو مخالفت می کرد که معتقد بود آزادی قلم و بیان از جهات کثیره منافی با قانون الهی است و فایده آن این است که بتواند فِرَق ملاحظه و زنداقه نشر کلمات کفریه خود در منابر و لوايح بدهند و سب مومنین و تهمت به آنها بزنند و القای شبهات در قلوب صافیه عوام بی چاره بنمایند. علی القاعده از این نگاه اگر قرار است قلم و زبان و بیان آزاد باشد، باید به شدت بر آنها نظارت شود و به تعبیر ایشان، از عیوب قانون اساسی آن عصر آن است که عامه مطبوعات، غیر از کتب ضلال و مواد مضره به دین مبین آزاد و ممیزی از آنها ممنوع است و به موجب این ماده، بسیاری از محرّمات ضروری الحرمة تحلیل شد.

مرحوم نائینی در مقابل، از آن رو از قانون اساسی مشروطه و آزادی مطبوعات بدون ممیزی دفاع می کرد که معتقد بود مقصود همه ملتها در دفاع از حریت، آزادی از عبودیت پادشاهان و قدرتمندان خود سر است، نه آزادی از مقررات دین و شریعت و تعمیم بحث آزادی مطبوعات به حیطة های دینی را مغالطه می دانست.

از نتایج اینگونه نگاههای سیاسی، نظارت کمتر و محدودتر در حیطة های نشر است. در اندیشه سیاسی جهان اسلام، همواره دیدگاههای بازت سیاسی در مقابل نگرشهای بسته تر وجود داشته و از این رو در عین نگاههای توحیدی و دین مدار به سیاست، به برداشتهای متفاوت سیاسی و حکومتی رسیده که شیوه های نظارت مختلف و فلسفه نظارتی متفاوت را نتیجه می دهد. النهایه می توان گفت:

۱. تقابل اندیشه سیاسی غرب و جهان اسلام نمی تواند مفسر تفاوت نگاه در فلسفه نظارت برای حکومتها باشد، اگرچه در شیوه های نظارت ممکن است تفاوت را دید

۲. از زاویه دیگری تفاوت نگاههای نظارتی قابل فهم و تفسیر می شود و آن در صورتی است که بگوییم اگر مجموعه نگاههای سیاسی و حکومتی را بتوان به دو دسته تقبیل داد: اندیشه سیاسی حکومت و حاکم مدار و اندیشه سیاسی مردم سالار. که در این صورت می توان مدعی ارتباط اندیشه سیاسی بعنوان متغیر مستقل، بر فلسفه نظارت بعنوان متغیر وابسته شد.

۳. این نکته را می توان مورد تاکید قرار داد که اندیشه های سیاسی حکومت و حاکم مدار از نظارتی قوی، پیچیده و گسترده در ارتباط دولتمردان با مردم و در ساختار نظام سیاسی بین اجزای حکومت دفاع می کنند، زیرا در نظامهای «توتالیتری» و «اوتالیتری» این دولت است که در حیطة های عمومی و جمعی همه امور را تعیین حدود نموده و کنترل می نماید. حال آنکه نظارت در نظامهای مردم سالار، محدودتر، ساده تر و کمتر است.

۴. در چرایی این مضیق یا موسّع دین نظارتها، می توان از جمله بدین نکته انسان شناختی

اشاره داشت که در حکومت‌های حاکم مدار، اعتمادی به آدمیان نیست و اصل در آن نظامها است که افراد بد ذات و شرور داشته و گرایش به بدی دارند، از این رو نباید آنها را آزاد گذاشت، بلکه باید نظارت قویتری را اعمال نمود. اما در حکومت‌هایی که سالار، محقق و محور مردمند، واضح است که اصل بر این است که آدمیان توانا و قابل اعتماد و از این جهت دلیلی برای نظارت‌های گسترده، پیچیده و عمیق پیدا نمی‌شود.

۵. محصول نظارت و کارکرد نهایی نظارت جدی در حکومت‌های حاکم مدار، کنترل مردم و حفظ حقوق حکومت و حاکم و تقویت قدرت آنهاست و حال آنکه حکومت‌های مردم سالار فلسفه نظارتشان، حفظ حقوق و آزادی‌های مردم، به خصوص از دست صاحبان زر و زور می‌باشد. ۶. آثار و تبعات نظارت‌های جدی و یا ضعیف، با همان چرایی‌ها و فلسفه‌های یاد شده در یک نظام سیاسی، در ارکان اصلی و قوای اساسی خلاصه نمی‌شود و به تبع شیوه حکومتی متفاوت با دو گونه نظارت‌های یاد شده به ارکان جزئی‌تر و مدیریتهای تابعه و حتی در آموزش و پرورش و تربیت و ... نیز جریان می‌یابد. لذا با دو گونه نظارت و با دو توجیه نظارتی در همه ارکان حکومتی از بالا به پایین مواجهیم.

۷. از آنجائیکه جمهوری اسلامی ایران، منادی حکومت مردم سالار است (حکومت مردم سالاری یکی از اقسام دموکراسی‌ها می‌تواند فرض شود). بر این مبنا باید ضمن اینکه از نظارت در ابعاد مختلف (از بالا به پایین و از پایین به بالا و...) و در سطوح متفاوت (فردی، گروهی، دولتی و...) دفاع کند و نقصی در نظام کنترلی نداشته باشد، گرایش اصلی‌اش به سوی تشدید و تعمیق نظارت‌ها، به خصوص از حکومت بر مردم نباشد، بلکه بالعکس، گرایش اصلی نظام بر اعتماد به مردم و آزادی روابط مردمی باشد.

### ب) تاثیر برنامه ریزی بر فلسفه نظارت

از جمله عوامل موثر بر نظارت و چرایی آن، وجود و یا فقدان برنامه در فعالیت فردی یا جمعی است. این مدعا را بصورت موجز و به اشاره بدین نحو می‌توان به بحث گذاشت که در مهندسی گذار از نظر بعمل و در برنامه ریزی جهت محقق کردن یک عقیده و فکر، حداقل پنج گام زیر قابل تصور است:

گام نخست: هدف گذاری؛ گام دوم: تدوین دکترین؛ گام سوم: تعیین استراتژی؛ گام چهارم: طراحی خط مشی یا سیاست‌گذاری و گام پنجم: پیش بینی تاکتیک.

از آنجاکه در عینی کردن یک فکر ابتدا اهداف مشخص می‌گردد و سپس سایر مراحل فوق‌الذکر طراحی می‌شود و همچنین چون ممکن است اولاً: فرآیندگذار بدستی نشده و مرحله ای از مراحل یاد شده به درستی تدوین و یا اجرا نگردد و یا بر اثر سهل انگاری و مسئولیت ناشناسی مورد غفلت قرار گیرد، ثانیاً مراحل پنجگانه فوق‌الذکر مترتب برهم تنظیم نگردیده و

تحقق نیابند و به دلیل احتمال وجود انحراف از اهداف، اصول و معیارهای این برنامه، نظارت از ابتدا تا انتهای فرآیند لازم و ضروری است. حاصل آنکه: وجود برنامه ریزی، از عوامل موثر بر فلسفه نظارت است، چنانکه فقدان برنامه در زندگی فردی و جمعی نیز از عواملی است که نظارت را به حاشیه می راند. چگونگی راه دقیقاً تعریف شده نیست، تا در طول مسیر فراز و فرودها مورد کنترل و نظارت قرار گیرند و نظارت، فلسفه خود را از دست می دهد.

### فلسفه نظارت بعنوان متغیر مستقل

نکته اساسی در این قسمت از بحث، آن است که نظارت کردن چه فواید و آثار و نتایج و دستاوردهایی دارد که به دلیل آن محصولات، نظارت ضرورت می یابد؛ پیشتر گفتیم که با توجه به ناظر و عامل، چهارگونه نظارت متصور است: «نظارت دولت بر مردم»، «مردم بر دولت»، «مردم بر مردم» و «اجزای دولت بر اجزای دولت». نکته قابل تذکر آنکه: چون امروزه مباحث نظارتی را عمدتاً ذیل تعامل دستگاهها و سازمانهای رسمی و غیر رسمی و از جهت درون تشکیلاتی و درون سیستمی مورد بررسی قرار می دهند، از این رو تمرکز بحث نظارت نیز به تعبیر تقسیم بندی فوق به نظارت اجزای دولت بر اجزای دولت باز می گردد و به همین دلیل نیز بر این قسم از نظارت توقف بیشتری خواهد شد.

### ۱. نظارت دولت بر مردم

چرا باید دولتها بر مردم و آحاد جامعه نظارت کنند و آثار آن چیست؟ از آنجا که در هر جامعه ای افراد شرور، قانون شکن و مزاحم برای دیگران ایجاد مشکل می کنند و از وظایف دولت، ایجاد امنیت عمومی است. از این رو برای داشتن داده های مناسب، برای غافلگیر نشدن، برای داشتن بهترین عکس العملها و برای پیشگیری از جرائم، برای کنترل و تعقیب و مراقبت جاسوسان و ... نظارت ضرورت پیدا می کند. در یک نگاه، افرادی که برای امنیت مشکل ایجاد می کنند، به دو گروه قابل تقسیم اند:

- آنها که برای مردم ایجاد مزاحمت می کنند. (در زبان فقهی ما، به آنها محارب گفته می شود.)

- آنهائیکه برای دولت و نظام سیاسی خطر سازند. (در علم فقه به آنها باغی اطلاق می گردد.) در رابطه با هر دو گروه قبل از هرگونه اقدام، کنترل، بازرسی، مراقبت و نظارت از آنان در همه دولتها لازم و ضروری است.

اگر پرسیده شود که کنترل و نظارت بر مردم از سوی دولتها، با آزادی انسانها، چگونه قابل جمع است؟ در این قسم از نظارت که آزادی بر قانون شکنان، اشرار و ... مطرح است، پاسخ این است در هیچ جامعه ای از آزادی مطلق دفاع نمی شود و آزادی افراد حداقل دو قید دارد: اول در محدوده قانون؛ دوم آزادی، به شرط آنکه به آزادی دیگران آسیب نزند و مصادیقی که در این

قسم از نظارت تحت کنترل و مراقبت قرار می‌گیرد، از آن رو تحت نظارتند که قانون‌گریز بوده و برای آزادی و حقوق دیگران مشکل سازند.

## ۲. نظارت مردم بر دولت

چرا مردم باید بر دولت و اجزای آن نظارت کنند؟ این پرسش یک مفروض اساسی را در خود نهفته دارد و آن این است که مردم نسبت به حکومت، حاکم و عملکرد آنها دارای حق هستند و نسبت به مجاری حکومت محجور نیستند. اگر کسی فرض کند که حکومت از امور مردم و در حیطه حقوق آنها نیست، بحث نظارت مردم بر دولت نیز بلا موضوع می‌شود، زیرا از مبانی عمده نظارت آن است که چون ناظر در حوزه مورد عمل حق تصرف دارد، از این رو مستقیم یا غیر مستقیم (با وکالت و ...) اعمال نظارت می‌کند؛ به عبارت بهتر، پیش فرض این قسم از نظارت، پذیرش حکومت‌های مردم‌سالار است.

فایده و حاصل اینگونه نظارت نیز آن: از آنجائیکه احتمال قصور و تقصیر در تدبیر امور جامعه می‌رود و از آنجائیکه هم احتمال خطا از سوی قدرتمندان می‌رود و هم قدرت به قدری جذاب و وسوسه برانگیز است که احتمال سوء استفاده از آن قابل فرض است، از این رو برای جلوگیری از هرگونه خطا، اشتباه و یا خیانت و تصرفات نابجا، مردم باید مجاری مختلفی برای نظارت بر دولت را پیش بینی کنند. در عصر جدید، از جمله کارکردهای «احزاب» و گروه‌های سیاسی نظارت بر کارکرد دولتهاست و دلیل کار نیز واضح است؛ چون با پیچیدگی عملکرد دولتها و گستردگی جوامع و ... امکان نظارت فردی بر ساختار دولت، کاری بسیار صعب و حتی ناممکن است. نظارت مردمی بر حکومت از نگاه شیعی تا آن حد اساسی و بنیادین است که حضرت علی (ع) در تولید فرهنگ سیاسی، مردم را به شجاعت، نظارت و اظهار نظر درباره حکومت خودش فرا می‌خواند و می‌فرماید:

«فَلَا تُكَلِّمُونِي بِمَا تَكَلِّمُ بِهِ الْجَبَّارَ، وَ لَا تَتَحَفَّظُوا مِنِّي بِمَا يُتَحَفَّظُ بِهِ عِنْدَ أَهْلِ الْبَادِرَةِ وَ لَا تَخَالِطُونِي بِالْمَصَانِعِ وَ لَا تَنْظَرُوا بِي اسْتِثْقَالًا فِي حَقِّ قَيْلِ لِي وَ لَا التَّمَّاسِ اعْظَامَ لِنَفْسِي، فَانَّهُ مِنْ اسْتِثْقَالِ الْحَقِّ أَنْ يُقَالَ لَهُ الْعَدْلُ أَنْ يُعْرَضَ عَلَيْهِ، كَانِ الْعَمَلُ بِهِمَا أَثْقَلُ عَلَيْهِ، فَلَا تَكْفُوا عَنِ مَقَالِهِ بِحَقِّ أَوْ مَشُورِهِ بَعْدَ، فَانِّي لَسْتُ فِي نَفْسِي بِفَوْقِ أَنْ أُخْطَى وَ لَا أَمْنٌ ذَالِكُ مِنْ فَعْلِي.»

«بنابراین، آنگونه که با زمامداران ستمگر سخن می‌گویید با من سخن نگوئید و آنچنانکه در پیشگاه حکام خشمگین و جبار خود را جمع و جور می‌کنید، در حضور من نباشید و بطور تصنعی با من رفتار ننمایید و هرگز گمان مبرید در مورد حقی که به من پیشنهاد کرده اید کندی ورزم و نه اینکه خیال کنید من در پی بزرگ ساختن خویشتم؛ زیرا کسی که شنیدن حق و یا عرضه داشتن عدالت به او برایش مشکل باشد، عمل به آن برای وی مشکلتر است. با توجه به این، از گفتن سخن حق و یا مشورت عدالت‌آمیز، خودداری مکنید؛ زیرا من، خویشتم را



ما فوق آنکه اشتباه کنم ، نمی دانم و از آن در کارهایم، ایمن نیستم...»

درباره کلام امیرمومنان (ع) نکات چندی قابل توجه است :

اولاً: گفتن سخن حق به بالاترین مقام حکومتی و ارائه مشورت در کارها و ... منوط و مشروط به نظارتند؛ زیرا تا کسی نداند و نبیند که در شرایط موجود چه چیزهایی و چگونه امور تدبیر می شود ، چگونه می تواند اظهار نظر کند؟

ثانیاً : از آنجائیکه فلسفه نظارت علاوه بر جلوگیری از مشکلات ، خطا و سوء استفاده ها ، می تواند ارتقای کیفیت مدیریت باشد. دعوت حضرت علی (ع) از دیگران برای نظارت و مشارکت در حکومت ، برای ارائه حکومتی مطلوبتر و کارکردی مناسبتر است ، ضمن اینکه ممکن است مراد و مقصود حضرت ، لزوماً شخص حضرت امیر(ع) نباشد ، بلکه مراد نظارت و دخالت مردم در ساختار حکومتی است که افراد کثیری در آن فعال هستند و همه آنها امکان خطا و یا حتی سوء استفاده از موقعیت حکومتی را دارند و نظارت می طلبند. چنانکه در مواردی حضرت امیر (ع) از شیوه عملکرد استانداران و فرماندارانش به شدت ناراضی بوده و به صورت مکتوب یا حضوری با آنها برخورد می کردند. (مثلاً نامه ۴۵ به عثمان بن حنیف ، فرماندار بصره در نهج البلاغه .)

امام خمینی (ره) نیز که در صدد ارائه الگو و نماد حکومتی علوی بود، درباره نظارت مردمی بر حکومت معتقد بودند که : «همه ملت موظفند که نظارت کنند براین امور ، نظارت کنند ، اگر من پیام را کنار گذاشتم ، کج گذاشتم ، ملت موظف است که بگویند پایت را کج گذاشتی ، خودت را حفظ کن ... تا این کج را راست کنند.»

### ۳. نظارت مردم بر مردم

از آنجا که افراد متقلب و شیاد در همه کارها و شغلها و فعالیتها ممکن است وجود داشته باشند ، از نظر عقلی هم هوشیاری ، مراقبت در انجام تلاشها و فعالیتها برای آسیب شناسی و مواجهه درست با خطرات لازم است، از این رو اگر نظارت ، نگاههای دقیق به موضوعات است ، برای مصونیت از خطرات ، همه افراد خوب است در جامعه حضوری هوشیارانه و کنترل شده داشته باشند و اینگونه نگاهها در استیفای حقوق لازم و مفید است. اما در نگاه دینی ، آدمیان و به خصوص مسلمانان نسبت به هم مسئولند. نه تنها نسبت به دیگران از حقوقی برخوردارند، بلکه در مقابل دیگران تکالیفی نیز برعهده دارند. در احادیثی وارد شده که پیامبر (ص) فرمود: «من اصیح لایهتّم بامور المسلمین فلیس منهم»، «هر که صیح کند و به امور مسلمانان همت نگمارد ، مسلمان نیست.» و یا «من سمع رجلاً ینادی یا للمسلمین ، فلم یجبه بمسلم»، «هر که بشنود مردی فریاد می زند مسلمانها به دادم برسید و جوابش نگوید ، مسلمان نیست.» پیش شرط حساسیت نسبت به دیگران برای ادای وظیفه ، مراقبت و نظر هوشیارانه است و نتیجه آن نیز ادای

تکلیف دینی و مسئولیتهای شرعی می باشد. اگر پرسیده شود که آیا بحث امر به معروف و نهی از منکر، که دامنه وسیعی دارد و از جمله حیطة های آن امر و نهی مومنان نسبت به یکدیگر است را نیز می توان تحت عنوان نظارت مردم بر مردم آورد؟ به اجمال می توان گفت که اگر کسی عمل و دخالت را از لوازم امر و نهی بگیرد، واضح است که حیطة نظارت با مفهوم امر به معروف و نهی از منکر تطابق نمی کند، بلکه نظارت شرط لازم امر و نهی است، تانسبت به دیگران شناخت، مراقبت، دقت و کنترل نباشد، نوبت به امر و نهی نمی رسد. و از آنجاکه امر به معروف و نهی از منکر از واجبات است، در نگاه دینی و فقهی شیعی، نظارت بر یکدیگر از باب «مقدمه واجب» واجب تلقی می شود. مگر اینکه از نظر اجتهادی با مراجعه به مجموعه نصوص، بتوان بر وجود خود نظارت مردم بر مردم، نه از باب مقدمه واجب، بلکه بعنوان امری واجب، فتوا داد و حکم نمود.

#### ۴. نظارت دولت بر دولت

۴-۱) نظارت و کنترل دولت بر اجزای دولت، در دو سطح قابل تامل و توجه است: اول: از جهت ساختاری یعنی بر اجزا و افراد سیستم دولتی تمرکز نکند، بلکه افراد و عناصر را در ارتباط با سایر عناصر و در پیوند با سیستم بیند.

دوم: از جهت انفرادی، یعنی کنترل بر آحاد کارکنان دولت به صورت فردی. حسن این تقسیم بندی آن است که بهتر چرایی نظارت را تعلیل می کند؛ زیرا در برخی سیستمها ممکن است، افراد بسیار فعال و وظیفه شناس باشند، اما در عین حال به جهت غلط بودن ساختار، تلاشها به ثمر نرسد و نظام مطلوب نباشد و حال آنکه در مواردی، به عکس، ساختار بسیار دقیق، تخصصی و حساب شده پیش بینی شده اند، اما کارکنان آن مجموعه به دلایل عدیده ای کارکرد مناسب نداشته باشند

۴-۲) فواید نظارت بعنوان متغیر مستقل را یکبار می توان به صورت مفهومی، کلی و ارزشی دید و ادعا نمود که از آثار نظارت در مدیریتهای دولتی آن است که مجاری عدالت و ستم از هم بازشناسی می شوند؛ از فواید نظارت آن است که ارتباط با بیگانگان به نفوذ و سلطه بیگانگان و دشمنان بر دولت منتج نمی شود؛ از نتایج نظارت آن است که از تعدادی ارکان حکومتی بر حقوق مردم جلوگیری می شود، از دستاوردهای نظارت آن است که سیره معصومین در حکومت تداعی می کند و... اما از نگاه جزئی تر و خردتر، می توان نکات زیر را از محصولات نظارت دانست: جلوگیری از خطا و کاهش تخلفات، جلوگیری از سوء استفاده، بالا رفتن دقت و سرعت در کار و ارتقای عملکرد، اصلاح رفتار کارگزاران، افزایش اعتماد مردم به مسئولان، جلوگیری از نفوذ بزرگان زر و زور و تزویر بر کارکنان، ایجاد رقابت برای انجام کارهای بهتر و دقیق تر، شفاف شدن فعالیتها، هدایت و کمک رسانی به دست اندرکاران امور، برخورد شایسته

با مراجعین ، جلوگیری از ضرر و زیان احتمالی بر نظام و تشکیلات ، هوشیاری مسئولان و کارآمدی دستگاههای دولتی و...

۳-۴) از فواید نظارت جامع در سیستمهای دولتی آن است که «گلوگاه» مشکلات نظام را تشخیص داده و مثلاً می فهمند که آیا ضعف در تقنین است یا در اجرا و یا در نظارت و پس از تشخیص درد ، درمان و نسخه پیچی آسان خواهد شد.

۴-۴) نظارت دولت بر ارکان دولت در نگاه دینی نیز سابقه جدی به خصوص در سیره علوی دارد. آن حضرت هم اصل نظارت را مورد اهتمام قرار می دادند ( نامه حضرت علی (ع) به مالک اشتر: نهج البلاغه ، نامه ۵۹) و هم نظارت بر کارگزاران را جدی گرفته و اعمال می کردند(نامه ۴۰ ، نهج البلاغه) و از جمله بر چگونگی تقسیم بیت المال (نهج البلاغه ، نامه ۴۳) بر مکاتبات کارگزاران (نهج البلاغه ، نامه ۴۴) بر گفتار کارگزاران(نهج البلاغه نامه ۶۳) بر میهمانی های کارگزاران (نامه ۴۵ ، نهج البلاغه) بر رفتار کارگزاران با مخالفان(نهج البلاغه ، نامه ۱۸) و ... نظارت داشته و در گزینش کارگزاران حکومتی نیز نظارت داشته و به مسئولان رده بالای حکومتشان در انتخاب نیروها تذکر می دادند؛(نهج البلاغه ، نامه ۵۳) و این نظارت بر نیروی مسلح (نهج البلاغه ، نامه ۶۱) و ناظران مالیاتی (نامه ۲۵ و ۵۱ نهج البلاغه) نیز اعمال می شده است.

نکته جالب توجه آن است که مجموعاً نگاه نظارتی حضرت امیر (ع) بر ارکان حکومت بسیار جدی تر ، وسیعتر و دقیقتر از نگاه نظارتی ایشان بر مردم (نظارت حاکم بر مردم ) بوده است و مسئولان را بارها به مدارای با مردم ، در ابعاد مختلف دعوت می نموده اند و دولتمردان را خادم مردم می دیدند.

۴-۵) از جمله نکاتی که در مقایسه چرایی نظارت حکام بر زیردستان در مطابقت با سایر اقسام سه گانه نظارت (مردم بر حاکم، حاکم بر مردم و مردم بر مردم) به وضوح قابل استنتاج است ، آزمون موفقیت آمیز فرضیه نوشتار است که «به جهت گستردگی حیطه های نظارتی و علوم متعدد مرتبط با آن ، در عین وجود غایبات مشترک در اقسام نظارتهای ، باید از فلسفه های متعدد و از سطوح متکثر نظارتی سخن به میان آورد.» دیدیم که فلسفه نظارتی حاکم بر مردم ، با فلسفه نظارتی حاکم بر مردم ، با فلسفه نظارتی مردم بر حاکم و یا حاکم برای اجزای حکومتی و ... یکسان نیست و به فلسفه های نظارت می رسیم. با اضافه نمودن این نکته که اقسام نظارتهای چهارگانه که در این قسمت تحت عنوان فلسفه نظارت به عنوان متغیر مستقل مورد مذاقه قرار گرفت ، جملگی به ابعاد جمعی نظارت توجه دارند و حال آنکه نظارت از نگاه دینی ، یک بُعد بسیار قوی فردی دارد ، که یک مومن باید بر نفس و جانش ، بر جسم و روحش و بر عقل و قلبش نظارت داشته باشد. اگر فلسفه و چرایی این نظارت را که خودسازی ، کنترل بر خود و ...

است، با سایر اقسام نظارت مقایسه کنیم، باز ضمن وجود ابعاد مشترک، به دلایل متفرقی درباره فلسفه نظارت می‌رسیم و این نکته موید فرضیه نوشتار و در راستای آن می‌باشد.

### نتیجه‌گیری

۱. در این مقاله، این مدعا مدلل شد که نظارت ابعاد مختلف و سطوح متفاوتی دارد و گرچه می‌توان فلسفه و چرایی مشترکی نیز برای انحای نظارت جست (مثلاً یافتن عیوب و خطا) ولی اقسام نظارت‌ها مرزهای متمایز زیادی دارند که از جهت کم و کیف، موسع و یا مضیق بودن، حاکم بر مردم یا به عکس با هم تفاوت دارند و از این رو باید به جای فلسفه نظارت، از فلسفه‌های نظارت سخن گفت. شاید بتوان اقسام فلسفه‌های نظارت را برحسب غایات به سه سطح دسته‌بندی نمود:

اول) فلسفه تشویق؛ چنانکه پدر و مادری، بر فرزندان خود نظارت دارند، و این نظارت از روی دلسوزی و برای رشد و شکوفایی توانایی‌های کودکان است.

دوم) فلسفه منع؛ در این قسم فلسفه‌های نظارتی، برای جلوگیری از خطا و سوء استفاده دیگران (مثلاً کارمندان) پیوسته بر آنها نظارت می‌شود.

سوم) فلسفه انهدامی نظارت؛ گاهی نظارت بر دیگران و عمدتاً دشمنان، با هدف ضربه زدن صورت می‌پذیرد. یک دیده بان در جنگ، رفت و آمدهای دشمنان را زیر نظر دارد، تا بهترین موقعیت برای ضربه زدن را به توپخانه اعلام کند.

۲. از فلسفه نظارت حداقل دو گونه برداشت می‌توان داشت؛ یکبار فلسفه نظارت بدین معناست که چرا باید نظارت کرد؟ و بار دیگر مراد آن است که چرا یک فرد و یا گروه حق دارد که نظارت کند؟ خاستگاه نظارت کجاست و نظارت از کجا ریشه می‌گیرد؟ در حین نوشتار اشاره شد نظارت از آنجا موجه و مشروع است که ناظر برای خود حق دخل و تصرف در حیطه فعالیت‌های عامل می‌بیند و از اینجاست که بصورت مختلف (مستقیم، غیر مستقیم، با ابزار و بدون ابزار و...) در امور مربوط به خود نظارت می‌کند. از همین نکته، این نتیجه مورد تاکید قرار گرفت که در نظام‌های سیاسی غیر مردم‌سالار، نظارت مردم بر حکومت و دولت معنایی ندارد و مشروع نیست، گرچه نظارت دولت بر مردم و یا بر اجزای دولت، کاملاً موضوعیت داشته و بصورت غلیظ اعمال می‌گردد.

۳. براساس نکات بالا، باید بین دو نکته تفاوت قائل شد و مرز بین آن دو را حفظ نمود؛ یکی آنکه برای تأمین فلسفه نظارت در همه معانی آن، باید از اقسام نظارت، که هریک در جایگاه خود تعریف شده‌اند، دفاع نمود و امر نظارت را به همه حیطه‌های فردی و جمعی تعمیم داد. هم از نظارت مردم بر مردم و یا بر حاکم و ... دفاع کرد و همه سطوح تحلیل در بحث نظارت (سطح فردی، گروهی، ملی و فراملی) را از نظر دور نداشت و علاوه بر آن، در هریک از

موارد نظارتها دقیق، شفاف و تعریف شده باشد و برای تامین این جهت با ارائه تعریف عملیاتی از هریک از اقسام نظارت، برای تک تک آنها شاخصه های قابل اندازه گیری ارائه نمود. ضمن اینکه چون خود ناظر نیز ممکن است در نظارت خطا کند و یا از وظایفش سوء استفاده نماید، برای این مشکل نیز چاره اندیشی شود و ... در نهایت برای تدوین اقسام نظارتها و سطوح مربوط به آن، شایسته است که (( طرح جامع نظارت )) از سوی نخبگان فکری و اجرایی تهیه و سپس با تقسیم کار به مرحله اجرا درآید. نکته دیگر آن است که در عین دفاع از نظارت جامع، به جهت وجود فلسفه های متعدد نظارتی، نباید از ذی سطوح بودن، متفاوت بودن و حیطه های مربوط به خود داشتن نظارت غفلت نمود و از این رو بسیار خطاست که یک شیوه نظارتی را برای اقسام نظارت اعمال نمود؛ مثلاً شیوه نظارتی حکومت بر مردم را باید بسیار متفاوت از شیوه های نظارت دولت بر ارکان حکومت تعریف نمود و شیوه نظارت بر دیگران راهکارهایی متفاوت از شیوه های نظارت بر خود می طلبد. ضمن اینکه ممکن است در مواردی از نظارتها گسترده، قوی و فراگیر دفاع نمود، (مثلاً در نظارت با غیات انهدامی) و در موارد دیگر نظارت گسترده و قوی را نه تنها مناسب ندید، بلکه شاید آسیب زا نیز شناخت. (مثلاً در نظارت با غیات تشویق و کشف استعدادها در خانواده ها) و از این رو گاه از نظارت موسع و گاه از نظارت مضیق دفاع نمود. نکته اخیر کار مسئولان نظارتی را در تعریف و تحدید حریمهای نظارتی دشوار می سازد و از پیچیدگی امر نظارت حکایت می کند.

حاصل آنکه؛ ضمن اینکه از هیچ یک از اقسام نظارتها نباید غفلت نمود، اما تفاوت ماهیت و فلسفه نظارتها نیز هرگز نباید فراموش شود و از اینجا می توان بر این نکته تاکید کرد که نظارت و فلسفه آن، امری نسبی است و نسبت به امور مختلف تفسیر و تعبیر متفاوت می پذیرند و از این رو در مواردی نظارت کم مشکل ساز می شود، حال آنکه در موارد دیگر نظارت بالا آسیب ساز می تواند باشد.

## فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. صحیفه ی نور، ج ۴، مرکز تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)
۴. عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۸۹) کلیات حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات مجد،
۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۹۳) انتشارات بهنامی
۶. اخوان کاظمی بهرام، نظارت بیرونی در نظام های سیاسی، حکومت اسلامی سال نهم، شماره سوم
۷. علیخانی، علی اکبر، (۱۳۸۳) نظارت بر نظام جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع) شماره ۲۳.
۸. علیرضا حسنی و پریسا شیخی، (۱۳۹۴) نظارت مردم بر دولت در اصل هشتم قانون اساسی، اولین کنفرانس بین المللی علوم انسانی با رویکرد بومی - اسلامی و با تاکید بر پژوهش های نوین
۹. ارنست، هانا، (۱۳۸۶) توتالیتراریسم، ترجمه محسن ثلاثی، سازمان انتشارات جاویدان، چاپ دوم.
۱۰. جوان آراسته، حسین، (۱۳۸۸) گزینش رهبر و نظارت بر او در نظام جمهوری اسلامی ایران، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۱. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۳۹) لغت نامه دهخدا، ج ۴۱، تهران، دانشگاه تهران،
۱۲. عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۸۹) نظارت بر اعمال حکومت و عدالت اداری، تهران، دانشگاه تهران.
۱۳. محرمی، سعید، (۱۳۷۵) نظارت بر قدرت سیاسی در اسلام شیعه، پایاننامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۴. هاشمی، سید محمد، (۱۳۸۷) حقوق اساسی ج.ا.ا، ج ۱، تهران، میزان.

## حق بر محیط زیست سالم در پرتو اصول فقهی و اخلاقی\*

<sup>۱</sup> محسن امامی قشلاق

<sup>۲</sup> سید محمد هاشمی

<sup>۳</sup> محسن محبی

<sup>۴</sup> ولی رستمی

### چکیده

امروزه گسترش علم و فناوری و به تبع آن صنعت، علی رغم اعطای آسایش و رفاه بر انسانها، تخریب، آلودگی و آسیب و ایجاد بحران های محیط زیست را به همراه داشته است محیطی که به مثابه بستر حیات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، لازمه تداوم حیات هر انسان است و به عنوان بستر زندگی بشر و ابزار تکامل وی، در گفتمان فقهی و اخلاقی قابلیت معقولی جهت پژوهش در راستای صیانت از آن بعنوان حق انسان و تکلیف جامعه بشری دارد در این راستا در جهت نیل به برخورداری از محیط زیست سالم و اهمیت آن دو رویکرد وجود دارد در رویکرد اول برای طبیعت به عنوان ودیعه ای الهی ارزش ذاتی قائل شده و خود طبیعت مورد بحث است لیکن در رویکرد دوم لزوم حفظ طبیعت بعنوان ابزاری جهت استفاده نوع بشر مطرح می باشد که در این مقاله نگارندگان ضمن اعتقاد به رویکرد اول درصدد تبیین نظامنامه اخلاق محیط زیستی با تاکید بر آموزه های فقهی و اخلاقی در راستای صیانت از آن بعنوان حق بنیادین بشری می باشند.

### واژگان کلیدی

اخلاق زیست محیطی - محیط زیست سالم - قواعد فقهی - اصول اخلاقی - حق بنیادین بشری.

\*. این مقاله مستخرج از رساله دکتری می باشد.

۱. دانشجوی دوره دکتری تخصصی حقوق عمومی، گروه حقوق عمومی و بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: m\_emami63@yahoo.com

۲. استاد مدعو، گروه حقوق عمومی و بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)  
Email: dr.sm.hashemi@gmail.com

۳. استادیار، عضو هیأت علمی گروه حقوق عمومی و بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
Email: m-mohebi@srbiau.ac.ir

۴. دانشیار، عضو هیأت علمی گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.  
Email: vrostami@ut.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۱/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۲۵

## طرح مسأله

حق بر محیط زیست سالم انعکاس ارزش های متعالی و بلند پایه ای همانند حق به سلامتی، حق به حیات، حق زندگی مطلوب می باشد و از سوی دیگر با پیش نیازهای تداوم حیات بشر و نسل های آتی ارتباط تنگاتنگ دارد. کشورهای پیشرفته دنیا پس از دوره رنسانس و هم زمان با انقلاب صنعتی به رشد علمی و فناوری در زمینه های مختلف دست یافتند و به حق روز به روز در این زمینه به پیشرفت های شگرف نائل آمدند. پیشرفت های صنعتی علاوه بر فوائد مثبت و غیر قابل انکاری که برای بشر به ارمغان آورد، توأم با مشکلاتی هم برای بشر بود؛ که می توان به برخی فجایع زیست محیطی که سبب آلودگی آب، هوا و سایر پدیده های طبیعی شد؛ اشاره نمود. همه این رویدادهای در قرون معاصر و علی الخصوص در قرن اخیر؛ سبب گردیده که توجه مسئولین و سیاست مداران از یکسو و مردم از سوی دیگر به مسأله حق برخورداری از محیط زیست سالم معطوف گردد. در کشورهای مختلف من جمله آمریکا پس از شکست در اجرای طرح های مبارزه با تخریب محیط زیست و توجهاً به لزوم همکاری متقابل نوع بشر در حفظ محیط زیست سعی گردید که با استفاده از رویکردهای اخلاقی و اسلامی از طریق اصلاح فرهنگ عمومی؛ محیط زیست بشری حفظ گردد. اخیراً در کتب محیط زیست جدید، با عناوینی همچون اخلاق و فلسفه زیست محیطی مواجه می شویم؛ چرا که مدیریت جامع و صحیح محیط زیست علاوه بر داشتن دیدگاه های فنی و مهندسی نیاز به توجهات قانونی، اجتماعی، سیاسی و البته اخلاقی دارد. از سوی دیگر دین مبین اسلام نیز همواره بر لزوم حفظ محیط زیست به عنوان موهبت الهی تأکید داشته و آیات و روایت زیادی در این خصوص وارد آمده است. لذا در این تحقیق سعی بر شناسایی اصول اخلاقی حاکم بر محیط زیست سالم و بررسی مبانی فقهی این حق با نگرشی بر قوانین در سطح ملی و بین المللی هستیم که امید است واکاوی این مبانی گامی در جهت فرهنگ حمایت از محیط زیست و رعایت حقوق زیست محیطی در راستای انسان سالم محور توسعه پایدار باشد.

## ۱. مبادی تصویری

### ۱-۱. مفهوم محیط زیست

مفهوم محیط زیست یا از علوم طبیعی نشأت می گیرد و یا از علوم معماری و شهرسازی؛ محیط زیست به مفهوم نخست آن مجموعه ای از پدیده های طبیعی و تعادل بین عناصر مؤثر در طبیعت است که حیات بیولوژیکی گیاهان و جانوران را تضمین می نماید و محیط زیست به مفهوم دوم رابطه تعاملی است که بین تأسیسات و محیطی که در آن ایجاد می شود وجود دارد. بنابراین محیط زیست برای خاک، آب و هوا (منابع طبیعی) و انواع حیوانات و گیاهان و تعادل بیولوژیک بین آنها (طبیعت) شهر و مناظر آن، به کار می رود.



### ۱-۱-۱. انواع محیط زیست

امروزه به جهت گستردگی مفاهیم محیط شناسی، دانشمندان و کارشناسان محیط زیست معتقدند که برای محیط زیست بطور کلی سه نوع محیط قابل تشخیص است که عبارت است از سپهر طبیعی، سپهر اجتماعی و نهایتاً سپهر مصنوع یا انسان ساخت.

#### ۱-۱-۱-۱. محیط زیست طبیعی

«محیط زیست طبیعی به آن بخش از محیط زیست اطلاق می گردد که در تشکیل آن بشر نقشی نداشته، بلکه از موهبت های خدادادی است و شامل جنگل ها، مراتع، کوه ها، دشت ها، رودخانه ها، دریاها، باتلاق ها، چشم اندازها و ... می گردد. عوامل تشکیل دهنده ی محیط زیست طبیعی، شامل عوامل جاندار (گیاهان و جانوران) و عوامل بی جان (خاک، آب و هوا) می باشد.» (قوام، ۱۳۷۵: ۵)

#### ۱-۱-۱-۲. محیط زیست انسانی (مصنوع)

«محیط زیست انسانی یا به عبارت دیگر، محیط زیست انسان ساخت، به آن بخش از محیط زیست اطلاق می گردد که به دست بشر ساخته شده و زاینده ی تفکر و مخلوق دست آدمی می باشد و چنین تفکری ریشه در فرهنگ و تمدن جامعه یک سرزمین دارد.»

#### ۱-۱-۱-۳. محیط زیست اجتماعی

منظور از محیط زیست اجتماعی فضایی است که بشر در آن زندگی می کند و شامل اشخاص حقوقی متولی امور اجتماعی هم می شود. محیط اجتماعی از خانه آغاز می شود و گستره آن تا ملت و دولت ادامه می یابد بدین سان است که تاثیرپذیری محیط زیست از محیط اجتماعی بیشتر از تاثیرپذیری از عوامل فنی در حیطه محیط زیست است زیرا بیشتر مسائل و مشکلات فنی مثل آلودگی آب و هوا، فرسایش خاک و تخریب پوشش گیاهی همگی تا حد زیادی ناشی از پاره ای ناهنجاری های اجتماعی است. (حکیمیان، ۱۳۷۲: ۱۰۵)

#### ۱-۴. حقوق محیط زیست

حقوق محیط زیست، شاخه ای از علم حقوق است که به مطالعه ی قواعد حقوقی موجود در زمینه ی محیط زیست طبیعی و انسانی می پردازد، که یکی از اهداف آن حفظ تعادل اکولوژیک طبیعت در رابطه با فعالیت های انسان است. بنابراین حقوق محیط زیست فعالیت های انسان ها را بر روی عناصر و محیط های طبیعی تعریف و سازمان دهی کرده و کیفیت زندگی بهتر را تضمین می نماید.

#### ۱-۵. اخلاق محیط زیست

اخلاق محیط زیست، مشتمل بر مجموعه ای از گزاره های اخلاقی و بایسته های ارشادی در زمینه ی محیط زیست طبیعی و انسانی است که یکی از اهداف آن ایجاد رابطه ی معنوی با

طبیعت و محیط زیست انسانی و بهبود ضمانت اجرای قواعد شناسایی شده در زمینه ی محیط زیست طبیعی و انسانی در وجدان انسان هاست. امروزه ضرورت تدوین اصول اخلاق زیست محیطی که به آرمانهای اخلاقی الهی توجه داشته باشد و در عین حال توسعه و بهبود زندگی مادی را نیز دربرگیرد جدی تر از هر زمان دیگر احساس می شود.

### ۱-۶. حق بر محیط زیست

در خصوص حق بر محیط زیست تعریف مقبول و جامعی که مورد پذیرش همگان باشد، ارائه نشده است. این مطلب براساس اختلاف های نظری است که در خصوص این حق وجود دارد، اکثر نوشته های موجود از ارائه تعریفی مشخص برای آن اجتناب نموده اند و یا تعاریف ارائه شده نیز مواجه با برخی مناقشات نظری است. (پارسا، ۱۳۷۷:ش ۱۳۵-۱۳۲)

در کنوانسیون ها و اسناد بین المللی و متون مرتبط نیز تعریفی از حق بر محیط زیست ذکر نشده است. با وجود این مواد ۱۴ و ۱۵ پیش نویس سومین میثاق بین المللی حقوق همبستگی تا حدودی حق بر محیط زیست را تبیین نموده است:

ماده ۱۴- هر انسان و کلیه ی انسان ها به صورت گروهی حق دارند از محیط زیست سالم و متعادل از نظر زیست محیطی و مساعد برای توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی برخوردار گردند.

ماده ۱۵- دولت های عضو متعهد می گردند که شرایط طبیعی حیات را دچار تغییرات نامساعدی ننمایند که به سلامت انسان و همزیستی جمعی صدمه وارد کند. صدمه ای که برای توسعه ی جمعی ضروری باشد و راهی برای اجتناب از آن وجود نداشته باشد، قابل قبول محسوب می گردد. باید بررسی شود که مراد از حق بر محیط زیست چه می باشد و محتوای آن دربردارنده چه کیفیتی از محیط زیست است. (فیروزی، ۱۳۸۴: ۵۲)

برای رسیدن به یک تعریف قابل قبول باید به این مطلب توجه نمود که حق بر محیط زیست آمیزه ای از دستاوردهای دو شاخه ی اصلی حقوق بین الملل یعنی حقوق محیط زیست و حقوق بشر می باشد که بدون درک درست این حقوق ارائه تعریف مشکل می نماید. (گروه صلح کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹: ۱۴۷)

به صورت ساده می توان حق بر محیط زیست را این گونه تعریف نمود:

حق بر محیط زیست سالم بعنوان یکی از حق های بنیادین بشر، تضمین بخش حق بنیادی تری بنام حق حیات و حق سلامت جسم و روح می باشد به تعبیری حق بر محیط زیست حقی است که به موجب آن برخورداری از محیط زیست شایسته، سالم و امن یک حق بشری محسوب می شود که در آن تمیزی و پاکی محیط زیست هم مورد حفاظت قرار گیرد و تغییرات در محیط زیست به گونه ای نباشد که به سلامت انسان و زندگی جمعی او صدمه وارد کند.

### ۱-۶-۱. اجزای حق بر محیط زیست

حق بر محیط زیست دارای اجزایی است که تشکیل دهنده و قوام دهنده ی حق مزبور هستند. این اجزا عبارتند از:

۱. حق دسترسی به اطلاعات زیست محیطی.
۲. حق مشارکت در اتخاذ تصمیمات زیست محیطی.
۳. حق بر آموزش مسایل زیست محیطی.
۴. حق دادخواهی از جمله مجازات و جبران خسارات زیست محیطی. (افتخار جهرمی، ۱۳۸۲: ۵۱).

### ۱-۶-۱-۱. حق دسترسی به اطلاعات زیست محیطی

به موجب این حق کلیه ی مؤسسات عمومی موظفند اطلاعات مربوط به حفاظت از محیط زیست و اقدامات مؤثر بر آن را در اختیار شهروندان قرار دهند. شایان ذکر است ایفای تعهدات شهروندان برای دستیابی به حق داشتن محیط زیست سالم هنگامی ممکن می گردد که از اطلاعات کافی برخوردار باشند. حق برخورداری از محیط زیست مانند سایر حقوق صرفاً حق برای شهروندان نبوده بلکه با الزامات و تکالیفی برای ایشان به صورت فردی و گروهی ملازمه دارد. (گروه صلح کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹: ۲۹۷)

این مطلب در ماده (۱۰) اعلامیه ریودوژانیرو در خصوص محیط زیست و اسناد مربوط به اصول راهبردی صوفیا بلغارستان و کنوانسیون بین المللی در مورد حق بر اطلاعات و مشارکت عمومی در زمینه محیط زیست مصوب ۱۹۸۸ دانمارک، مورد تأکید قرار گرفته است (فیروزی، ۱۳۸۴: ۵۹). ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ماده ۶ کنوانسیون تغییر آب و هوایی نیز بر این امر تأکید دارند.

### ۱-۶-۱-۲. حق مشارکت شهروندان در اتخاذ تصمیمات زیست محیطی

به موجب این حق هر شخصی می تواند با رعایت مقررات به صورت فردی یا به همراه دیگران در اتخاذ تصمیمات زیست محیطی مشارکت داشته باشد. این حق ناظر بر اصل مشارکت عمومی هم در تصمیم گیری ها و هم اجرای هنجارهای زیست محیطی است.

مشارکت عمومی موجب افزایش مشروعیت تصمیمات اتخاذی و کاهش سطح تعارض و چالش میان دولت و ملت، ارتقای کیفیت تصمیم گیری به دلیل ارائه ی اطلاعات عینی و مردمی به دولت و احراز منظم و واقع بینانه ی مشکلات اجتماع و علل آن ها و ارائه ی راه حل های مناسب و در نهایت هماهنگی رفتارهای دولت با اجتماع براساس بایسته های نظم عمومی می شود. (2: coenen, 2008)

همانند حق دسترسی به اطلاعات اسناد بین المللی از جمله ماده ۱۰ ریو بر این حق تأکید دارند.

### ۱-۶-۳. حق بر آموزش های محیط زیستی

به موجب این حق دولت موظف به اتخاذ تدابیر لازم جهت ایجاد فرهنگ دوستی با طبیعت، حفاظت از آن و استفاده از فناوری های پاک می باشد. این آموزش و فرهنگ سازی باید در کلیه ی سطوح اعم از آموزش رسمی (مدرسه ای، دانشگاهی) و غیررسمی (آموزش برای عمومی) صورت گیرد. (افتخار جهرمی، ۱۳۸۲: ۵۲)

این حق بر همگان وجود دارد که امکان آموزش مسایل زیست محیطی برای «آن مهیا شود که با استیفای این حق، دو حق دیگر یعنی حق بر مشارکت عمومی و حق دسترسی به اطلاعات تسهیل می شود.

### ۱-۶-۴. حق دادخواهی و اقامه دعوا

دادخواهی زیست محیطی یکی از اجزای طبیعی حق بر محیط زیست سالم است، حقی که به همه ی شهروندان اجازه می دهد نسبت به موارد تخریب یا آلودگی محیط زیست که موجبات خسارت و ضرر شخصی و فردی مستقیم را فراهم کرده اند، به جهت نفع عمومی اقامه دعوا نمایند؛ حضور نهادهای مدنی و تشکل ها در عرصه ی مزبور جلوه ی بارزی از این دادخواهی است. (گروه صلح کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹: ۲۹۹)

### ۲. حق بر محیط زیست سالم از منظر اصول اخلاقی

علم اخلاق شاخه ای از فلسفه است که با اخلاقیات و ارزش ها سروکار دارد. اخلاق زیست محیطی نیز شاخه نسبتاً جدیدی از مباحث اخلاق فلسفی است که تعاملات انسان با محیط غیر انسانی را از منظر اخلاقی بررسی می کند. در اخلاق سنتی عموماً انسان که موجودی مختار و دارای افعال و آثاری است محور مسائل اخلاقی بوده است. لیکن تحولات اخیر و تاثیرگذاری فن آوری های جدید در تخریب سریع و ناجوانمردانه محیط زیست زمینه توجه را به جانب غیر از انسان اعم از حیوانات، کل موجودات زنده و مجموعه هایی مانند جمعیت، جوامع گیاهی، اکوسیستم ها، دریاچه ها، جویبارها و کوه ها کرده است. با این مقدمه روشن می شود که محیط زیست خود مفهومی نسبی و قیاسی است؛ از این رو آن چه مستقیماً مورد توجه اخلاق محیط زیست قرار دارد، بررسی چگونگی رابطه عوامل انسانی آگاه و خود مختار با چیزهای موجود در محیط زیست است. گفتنی است که اخلاق محیط زیست نه تنها به محیط طبیعی بلکه به محیط شهری نیز توجه دارد؛ توجه به تاثیر پذیری فیزیکی، ذهنی و روحی آدمی از طراحی و مصالح ساختمان های ساخته شده نمونه ای از این مسائل است.

عمده‌ترین مسائل اخلاق محیط زیست حول دو محور بحث می‌شوند: اول این که با عنایت به تفکیک ارزش ذاتی از ابزاری چه نوع ارزشی را برای محیط زیست قایل شویم؟ یک چیز در صورتی ذاتاً خوب است که فی نفسه ارزشمند باشد و در صورتی به لحاظ ابزاری خوب است که گرچه لزوماً از خوبی فی نفسه برخوردار نیست ولی به خوبی می‌انجامد لذا کسانی که ارزش محیط زیست را ذاتی می‌دانند بر این باورند که باید به دنبال تاسیس اصول اخلاقی جدیدی جدای از مکتب‌های رایج اخلاق سنتی بود. از نظر این گروه اصول اخلاقی سنتی به شدت انسان محور بوده و منافع محیط زیست را فدای منافع انسانی می‌کند.

در محور دوم از نحوه اندیشیدن آدمی در خصوص رابطه اش با محیط زیست بحث می‌شود؛ آیا رابطه آدمی با طبیعت باید مانند رابطه شاگرد با استاد تنظیم شود که در این صورت باید با پیروی از طبیعت روش درست رفتار کردن را از خود طبیعت بیاموزیم؟ یا این که آدمی نیز باید خود را جزئی از طبیعت و نه تافته جدا بافته از آن بداند. در این صورت نباید خود را برتر از طبیعت بداند و به بهره‌کشی از آن رو آورد.

## ۲-۱. مبانی تئوریک اخلاق محیط زیستی

در اخلاق محیط‌زیست سه گونه نظریه منفعت‌گرا، میثاق‌گرا و پرهیزکارانه شکل گرفته است که به تعریف هر یک می‌پردازیم:

الف: نظریه ای که تصمیمش به باید یا نباید در انجام یک عمل، بر مبنای پی آمدهای آن بر رفاه مردمی که تحت تأثیر آن عمل قرار می‌گیرند مبتنی است، یک نظریه منفعت‌گرا محسوب می‌شود.

ب: نظریه ای که تعریفش از اخلاق، مبنای حقوق و وظایفی است که موجود اجتماعی آزادانه و از طریق توافق متقابل در پیش می‌گیرد، یک نظریه میثاق‌گرا است.

ج: اخلاق پرهیزکارانه نیز نظریه ای است که هر عمل را زمانی به لحاظ اخلاقی موجه می‌داند که پرهیزگاران خدا باور، به آن دست زنند. (فهیمی و مشهدی، ۱۳۸۸: ۱۹۷).

پرسش اساسی، پیرامون ارزشی است که می‌باید به محیط‌طبیعی نسبت داد، بدین معنا که چیزهایی به غیرانسان، اعم از زنده و بی‌جان، آیا ارزش نهادن بر آن‌ها و مراقب بودن در برخورد با آنان فقط به خاطر آن است که به جهات متعدد برای ما مفیدند، یا این که تمام و یا بعضی از آن‌ها ارزش‌های مستقل و فراتر از منافع انسانی نیز دارند؟

در برابر این پرسش بنیادین دو پاسخ شکل گرفته است:

۱. برخی از فلاسفه عقیده دارند آن چیزهایی در طبیعت ارزشمند است که در نهایت با منافع انسان تعریف شود. بر اساس این دیدگاه اخلاق محیط زیست، نیازمند یک مفهوم ارزشی به عنوان کیفیتی مستقل از قضاوت، سلیقه و منفعت بشری نیست، بلکه تابع سودمندی و

ارزش‌گذاری انسان است می‌دانند؛ ولی در این صورت پرسش مهم و اجتناب‌ناپذیر ارزش ذاتی و ارزش ابزاری مطرح می‌شود. زیرا عبارت ارزش ذاتی و ارزش ابزاری مرتباً در نوشته‌های مربوط به اخلاق محیط‌زیست به کار می‌رود. که در ذیل به تعریف هر کدام از دیدگاه‌های ارزش ذاتی و ابزاری محیط‌زیست پرداخته می‌شود:

الف) ارزش ذاتی محیط‌زیست: منظور از ارزش ذاتی محیط‌زیست این است که ارزشی که به او نسبت می‌دهیم به خاطر سودمندی‌اش برای انسان نیست، بلکه به خودی‌خود واجد ارزش است. بدان معنا که ارزش محیط‌زیست مستقل از موجودیت موجود ارزش‌گذار، یعنی انسان باشد. آرنه ناس، در تحلیل ارزش ذاتی و اقسام آن معتقد به دو برداشت از این مفهوم است. نخست ارزش ذاتی که ممکن است تجربیدی بوده و شی را با «ارزشی که آنگونه هست» (Une en elle-meme valeur) و خارج از هرگونه عنوان سلبی و مقایسه‌ای، ارزشمند نماید و دیگر؛ ارزشی که در سلب مفهوم نسبت به مالک یا اشیاء مشابه ارزش‌گذاری می‌شود (بری، ۱۳۸۰: ۳۰۳).

ب) ارزش ابزاری محیط‌زیست: برخلاف ارزش ذاتی، به این معناست که وقتی چیزی ارزش ابزاری دارد که ارزش و بهای خود را در انتساب به هدف یا موجود دیگری می‌گیرد. در این برداشت ارزش هر شی متغیر و کاملاً وابسته به موجود ارزش‌گذار است. (بنون، ۱۳۸۲: ۲۶۷).

## ۲-۱-۱. ارزش ذاتی و ارزش ابزاری در حوزه محیط‌زیست

تیلور در اثر مشهور خود تحت عنوان احترام به طبیعت برای بیان ارزش ذاتی می‌گوید: هر کس از گل، درخت یا درختچه‌ای مراقبت نموده باشد، ارزش آن را می‌داند (حسینی، ۱۳۸۷: ۸۷) در حوزه محیط‌زیست این مساله به چالش کشیده می‌شود که آیا عناصر طبیعت فی‌نفسه دارای ارزش ذاتی و مستقل هستند یا از آن جهت ارزش‌مندند که انسان برای آنها ارزش قایل گردیده‌است. سود و زیان را آیا صرفاً می‌توان برای هویت‌های انسانی به کار برد یا می‌توان آن را به گونه‌ای ویژه و فارغ از همه معیارهای اقتصادی حاکم بر جوامع انسانی که تابعی از اقتصاد بازار است. به گیاهان و جانوران نیز تعمیم داد. تیلور معتقد است که، هیچ موجود زنده‌ای ذاتاً پست‌تر یا برتر از دیگری نیست و تنها این تمایز هنگامی آشکار می‌شود که ما آنها را به منافع انسانی گره می‌زنیم. در کنار رویکردهای متعددی که در حوزه محیط‌زیست مطرح گردیده است دو نوع رویکرد در تحلیل فلسفه محیط‌زیست غالب است: نخست رویکرد انسان محور که طبیعت و محیط‌زیست را به منافع انسانی پیوند می‌زند و غالباً طبیعت، ارزش ابزاری دارد و دیگر رویکرد طبیعت محور که با نقد الگوی نخست برای طبیعت و عناصر آن ارزشی مستقل قایل است.

## الف) رویکرد طبیعت محور

اگر در رویکرد انسان محور طبیعت عنصری وابسته و تبعی محسوب می‌شود و در نهایت به منافع انسانی گره می‌خورد، در این رویکرد طبیعت و محیط‌زیست ارزش ذاتی دارد. در این رویکرد به هیچ وجه انسان و مسایل و منافع مادی وی مطرح نیست. بلکه طبیعت، فی‌نفسه و به

خودی خود ارزشمند است. این رویکرد ما را فارغ از مضار یا منافع آن وا می‌دارد که هر دو حوزه محیط‌زیست طبیعی و انسانی را حفاظت نموده و ارج نهیم. در تئوری‌های غیرانسان‌محور در زمینه ارزش ذاتی طبیعت دو جریان فلسفی متفاوت قابل توجه است که نخستین آن مربوط به نظریه عینی تیلور و دیگری نظریه ذهنی هلمز رولستون سوم است.

نظریه نخست که، بیشتر برخاسته از رویکرد کانتی از مساله ارزش در محیط‌زیست است. معتقد است که مطابق قواعدی جهانشمول و انسانی آدمی باید اخلاقاً به طبیعت احترام بگذارد. در مقابل در برداشت ذهنی، طبیعت دارای ارزشی مستقل از فعالیت‌های انسانی است. در این برداشت ما غالباً از عنوان ارزش درونی اخلاقی به جای ارزش ذاتی صحبت می‌نماییم. این برداشت به دلیل تناقض‌های موجود در نظریه و نزدیکی آن با بنیان‌های نظری انسان‌محور مورد انتقاد قرار گرفته است. دسته دیگری از متفکرانی که بر رویکرد طبیعت‌محور تأکید دارند، معتقدند که اخلاق صرفاً تنظیم رابطه انسان با انسان و یا با خدا نیست بلکه این رابطه باید به فراتر از انسان نیز گسترش یابد، این رابطه باید به رابطه اخلاقی جهان طبیعی غیر بشری نیز پیوند بخورد.

### ب) رویکرد انسان‌محور

در این رویکرد هدف از محیط‌زیست نه برای محیط‌زیست بلکه در واقع حمایت از انسان و منافع انسانی است. این شخص انسان است که ارزش دارد و تنها علایق یا اهداف انسانی هستند که موضوع داوری اخلاقی قرار می‌گیرند. در این رویکرد برداشتی ابزاری از مساله محیط‌زیست قوی است به گونه‌ای که حمایت، پاکسازی و بهبود محیط زیست انسانی از اولویت اساسی نیز برخوردار است (لوپی، ۱۳۸۴: ۱۰۲) امری که آن را انسان‌محوری ابزاری می‌نامد. این رویکرد در حفاظت از محیط‌زیست به دنبال این است که صرفاً انسان بتواند در یک محیط سالم رشد کند و محیط او در برابر آلودگی‌ها، آفات، خسارت‌ها و آسیب‌ها حفظ گردد. «ریچارد روتلی» (۱۹۹۶-۱۹۳۶) به دنبال طرح مفهوم «آخرین انسان»، انسان محوری را در تفکر فلسفی غرب شووینیسم انسانی می‌نامند و نیاز به شکل‌گیری اخلاقی جدید را متذکر می‌گردد (سراج‌الدین، ۱۳۷۹: ۸۱).

### ۳. حق بر محیط زیست سالم و ضمانت‌های اجرای آن بر مبنای قواعد فقهی

#### ۳-۱. قاعده لاضرر

بر اساس قاعده لاضرر، احکام موضوعه نباید به ضرر و ضرار منجر گردد. ضرر و زیان عبارت است از نقض بر جان، مال، حیثیت یا حقی از حقوق انسان که به طور مستقیم یا غیر مستقیم وارد آید و سبب دشواری و زیان بر او گردد.

این قاعده که مبین مفاد حدیث لا ضرر است می‌گوید: در اسلام از طرف شارع هیچ حکم ضرری وضع نگردیده است. بر این اساس ضررزدن به دیگران نیز جایز نیست. لذا آلوده ساختن محیط زیست و تخریب و نابود کردن طبیعت و منابع طبیعی از روشن‌ترین نمونه‌های زیان زدن

به دیگران (عموم و خصوص مردم) است که اسلام با قاطعیت آن را مردود شمرده است و از آن جا که ضرر به محیط زیست (حیات و مال شهروندان) نیز می‌تواند از مصادیق این حکم باشد به دلالت این قاعده می‌توان ضمان قهری صدمه زندگان به محیط زیست را از طریق نفی ضرر غیرمتدارک و ملازمه ضرر با جبران و همچنین استفاده از شمول احکام عدمی، مورد مذاقه قرار داد. مرحوم مراغی سعی کرده است از طریق این حدیث مسئولیت مدنی را به اثبات برساند. در نظر ایشان روایات لا ضرر یک حکم دستوری را بیان کرده و دلالت بر نهی می‌کند؛ بنابراین اگر در خارج، ضرری واقع شود تنها حکم به صرف اضرار کفایت نمی‌کند، بلکه باید راهی برای دفع ضرر ارائه داد. (الحسینی المراغی، ۱۴۱۷: ۱۱۳) فاضل تونی در این زمینه آورده است: «اگر انسانی، حیوانی را حبس کند تا بچه آن بمیرد در این مورد نمی‌توان به اصل برائت استناد نمود. بلکه اینگونه موارد در روایت «لا ضرر ولا ضرار فی السلام» وارد می‌شود.» (فاضل تونی، ۱۴۱۲: ۱۹۳-۱۹۴)

خلاصه این که مبنای مسئولیت مدنی در فقه بر اساس قاعده لا ضرر استوار است و شارع اسلامی راضی به عدم جبران ضرر نبوده است و می‌توان چنین مسئولیتی را مسئولیت مطلق نامید، از آن باب که تا زمانی که بتوان بر اساس قاعده اتلاف زیان وارده را مطالبه نمود به این قاعده تمسک می‌شود و در صورت عدم صدق اسناد به خاطر وجود واسطه‌هایی در ورود ضرر، سراغ قاعده لا ضرر می‌رویم و اگر در برخی موارد از تسبیب سخنی گفته شده است، این بیان به معنی اعتقاد به مبنای تقصیر نیست، بلکه به خاطر کشف رابطه اسناد از تسبیب سخن گفته شده است، بنابراین محتوای قواعد فقهی حاکی از مسئولیت مطلق یا عینی برای عامل زیان می‌باشد. اما در خصوص موضوع بحث ما {حق بر محیط زیست}، قدر متیقن این است که براساس همه ی مبانی موجود در مفاد «لا ضرر و لا ضرار» این موضوع در قلمرو قاعده قرار دارد. قاعده لا ضرر در تعالیم اسلام از قلمرو بسیار وسیع و گسترده ای برخوردار است و تمام زوایای زندگی بشر را در بر می‌گیرد. بدون هیچ تردیدی تخریب محیط زیست و آسیب رساندن به زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها از جمله موارد ضرر است؛ به این معنا که انسان نمی‌تواند به دلیل بهره برداری افراطی از طبیعت به دیگران ضرر و زیان وارد کند. اگر بهره برداری و استفاده بی رویه از طبیعت موجب ضرر به خود و یا اضرار به دیگران گردد، از نظر اسلام مردود است، به سبب این که در اسلام «ضرر و ضرار» وجود ندارد.

خاستگاه این قاعده مهم فقهی، عقل و سیره عقلا است و در کتاب و سنت بر آن تأکید شده است. (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، جلد ۱۱: ۲۹) اضرار وارد بر محیط زیست، از سنخ ضررهای عمومی است که حیات نوع بشر را در معرض آسیب جدی قرار می‌دهند.

یکی از نکات مورد بحث پیرامون قاعده لا ضرر، شمول این قاعده بر عدمیات است. بدین معنا که هر گاه از فقدان یک امر وجودی ضرر پدید آید می‌توان با تمسک به این قاعده آن ضرر



را منتفی کرد. (حسینی سیستانی، ۱۴۱۴: ۲۹۰) از این رو، قاعده لاضرر نه تنها خسارت های ناشی از اقدام های تخریبی را بر می دارد بلکه ترک اقدام های اصلاحی و سازنده اگر به اضرار در محیط زیست منجر شود، این قاعده با آن مقابله خواهد کرد. در نتیجه قاعده لاضرر نه تنها مانع از اضرار به محیط زیست می شود بلکه ضمان خسارت های ناشی از هر گونه ترک اقدام اصلاحی را هم بر عهده خسارت زنده قرار می دهد.

### ۲-۳. قاعده اتلاف

براساس این قاعده هر کس به تخریب و اتلاف اموال دیگران، اعم از اموال خصوصی و عمومی اقدام کند، مسؤول جبران خسارت است. فقهای عظام تأکید نموده اند عنصر عمد و قصد در صدق معنای اتلاف دخیل نیست و اگر منشأ اتلاف غیر آگاهانه و اشتباهی هم باشد، مشمول قاعده می شود. (حسینی سیستانی، ۱۴۱۴: ۷۵)

البته هر گونه اتلاف عمدی و آگاهانه موجب پیگرد قانونی و ثبوت مجازات تعزیری برای متخلف است. از آن جا که موضوع قاعده اتلاف مال غیر می باشد، شایسته است در خصوص مالیت و مالکیت منابع محیط زیست مطلبی بیان شود. فقیهان هر آن چه را که برای تأمین نیازمندی های مردم مطلوب باشد و در امر معاش آن ها دخیل شود مال نامیده اند و این تعریف بر همه عناصر محیط زیست، حتی خاک و هوای موجود صدق می کند. (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۳۰).

اگر چه براساس حق بر محیط زیست، محیط زیست یک حق بشری محسوب می شود ولی این مطلب به این معنا نیست که حق اتلاف و تخریب محیط زیست را هم داشته باشد بلکه باید از محیط زیست به عنوان یک امانت الهی حفاظت و حمایت به عمل آورد. نظریه اتلاف می تواند در مصادیق زیست محیطی و جبران خسارت وارده بر آن نقش مناسب و پررنگی ایفا نماید. بر این اساس، هر کس محیط زیست را تخریب نماید در برابر آن ضامن است، از جمله در مواردی که محیط زیست متعلق به مردم باشد {مشترکات عمومی و انفال} چون در اتلاف، قصد شرط نیست، بر این اساس مبنای مطلوب و ساده تری برای عاملین خسارت به محیط زیست می باشد. (فهیمی و مشهدی، ۱۳۹۳: ۸۹)

### ۳-۳. قاعده تسبیب

براساس قاعده تسبیب هر اقدامی که به طور غیر مباشر موجب تخریب و آلودگی عناصر محیط زیست شود ضمان آور خواهد بود. نکته قابل توجه این که قاعده نقش های تسبیبی ناشی از ترک فعل را هم در بر می گیرد (محقق داماد، ۱۳۸۱: ۱۲۰) سبب چیزی است که از وجودش وجود دیگری لازم نیاید ولی از عدمش عدم دیگری لازم می آید.

تفاوت میان اتلاف و تسبیب این است که اولاً، در اتلاف مستقیماً یا مباشرتاً خسارت متوجه زیان دیده می شود. ثانیاً، در اتلاف همیشه انجام یک فعل باعث ایجاد خسارت می شود یعنی ترک فعل از مصادیق اتلاف نیست اما در تسبیب هم فعل و هم ترک فعل موجب مسؤولیت

است. ثالثاً، در تسبیب تعدی و تفریط هم لازم است اما در اتلاف تعدی شرط نیست. براساس قاعده تسبیب اگر عدم اقدام به موقع اشخاص یا نهادهای مسؤول سبب خسارت های زیست محیطی و از بین رفتن ذخایر محیط زیست شود به حکم این قاعده، مسؤولیت جبران خسارت بر عهده مسبب خواهد بود.

در تعالیم اسلامی براساس قاعده تسبیب، شخصی که از طبیعت به عنوان حق انسانی بهره مند می گردد، حق ندارد به واسطه ی فعل یا ترک فعل خود سبب خسارت به طبیعت شود. هر چند، این نظریه برای جبران کامل، سریع و مناسب خسارات حوزه محیط زیست مناسب نیست، چرا که در غالب موارد مرتبط با خسارات زیست محیطی اثبات رابطه سببیت با دشواری های بسیاری رو به رو خواهد شد. (فهیمی و مشهدی، ۱۳۹۳: ۸۹).

### ۳-۴. قاعده احترام اموال

این قاعده که ریشه در آموزه های فقهی دارد برآمده از روایت مشهور « حرمة مال المسلم بحرمة دمه » است. رسول خدا در روایتی فرمودند: ناسزا گویی به مومن، گناه، کشتن وی کفر و غیبت او از معاصی و احترام مال او چون احترام خون اوست (موسوی الخویبی ۱۴۱۷ ج ۳: ۹۰). لازمه احترام اموال این است که اولاً خسارتی وارد نشود و ثانیاً نباید این مال به هدر رود. این روایت دلالت بر احترام مال مسلمان و در نتیجه دلالت بر حرمت تکلیفی و وضعی و ضمان ناشی از آن دارد. بنابراین شاکله کلی نظریه احترام اموال بر این مبنا استوار است که اموال افراد مانند خون آنان محترم است و کسی حق زیان به آن را نداشته و نتیجه آن ضمان است. نظریه احترام اموال به دنیا توسعه « مسؤولیت حداکثری حفاظت از محیط زیست » است. در واقع این نظریه مکمل نظریات فرض تقصیر، اتلاف و مسؤولیت مطلق است و به عنوان نظریه ای رقیب در برابر نظریه مبتنی بر تقصیر قرار می گیرد. بر اساس مبنای پذیرفته شده، در این نظریه اصولاً عناصر و مواهب زیست محیطی « مال » ( اعم از عمومی و خصوصی ) محسوب می شوند و باید احترام آنها در مفهوم حقوقی آن مراعات شود. بر این اساس از بین بردن اموال زیست محیطی ضمان آور است. بدین صورت که مبنای اولیه این است که در فرضی که تلف مستقیماً به فاعل اسناد داده می شود، مورد مشمول قاعده اتلاف بوده و مسؤولیت مستقر است. و در فرضی که اثبات رابطه سببیت مواجه با مقدمات و واسطه های بعید و با دشواری مواجه شود ( اتلاف غیر مستقیم )، مورد تابع احترام اموال زیست محیطی بوده و باید جبران گردد. البته در اتلاف غیر مستقیم هرگاه اسناد عرفی در خسارات زیست محیطی وجود داشته باشد قاعده اتلاف جاری است و هرگاه اسناد عرفی نیز بعید باشد به ناچار باید به دلیل وضعیت ویژه خسارات زیست محیطی و اهمیت آنها در حیات انسانی جبران صورت پذیرد. بنابراین در جایی که عنوان قاعده اتلاف صادق است طبق قاعده اتلاف عمل می شود و در غیر این صورت برای جبران زیان سراغ قاعده لاضرر می رویم که ترکیب این دو قاعده ( نظریه احترام اموال ) را صورتبندی می کند.»

نظریه احترام اموال که جامع دو نظریه اتلاف و لاضرر است از طرف بعضی از بزرگان و فقها نیز مورد قبول واقع شده است (نجفی ج ۳۷: ۵۴ و ج ۴۳: ۱۲۱). در نهایت باید اشاره نمود که نظریه احترام اموال در موضوع خسارت زیست محیطی راهگشا است و اعم از قاعده لاضرر و اتلاف بوده، سازگار با مسئولیت عینی و بیشتر با مبانی فقه پویا در حمایت حداکثری از محیط زیست سازگاری دارد. (فهیمی، مشهدی، ۱۳۹۰، ش ۱: ۳۲۳-۳۲۴)

### نتیجه گیری

مشکلات گسترده و روزافزون محیط زیست، ساماندهی محیط زیست را با چالش های بسیاری مواجه ساخته است در این میان گام اول، همان تغییری است که در درک ما از محیط طبیعی و نقش و مسؤولیت ما نسبت به آن پدید آمده است. گام دوم این عرضه؛ زمانی برداشته می شود که ارزش های اخلاقی مربوط به محیط زیست فراگیر و جهانی شود و از سوی همه جوامع و مکاتب پذیرفته و رعایت شوند و گرنه پیامدهای اعمال ضد اخلاقی در مورد محیط زیست دامان همه انسان ها و جوامع را خواهد گرفت و پیامدهای خطرناک خود را متوجه همه انسان ها بلکه همه موجودات زنده خواهد ساخت. وظیفه اخلاق زیست محیطی، تعیین اصول و معیارهایی است که بر روابط انسان با طبیعت به منظور ممانعت از آسیب رساندن به طبیعت و حفاظت از آن، حاکم باشند این اصول با ایجاد بازدارنده های درونی اخلاقی، به دنبال تصحیح رفتار نادرست انسان با طبیعت هستند. در این راستا فقه اسلامی نیز محیط زیست را دارای حیات و ارزش های ذاتی می داند از این رو قواعدی را درباره نحوه برخورد با محیط زیست تأسیس کرده و انسان را در برابر آن مسئول دانسته و توصیه می کند که انسان با محیط زیست برخورد مسئولانه داشته باشد و ارزش ذاتی آن را به رسمیت بشناسد. لذا پیشنهاد می شود برای پژوهش پیرامون مبانی فقهی و اخلاق محیط زیستی بیش از هر چیز، به شناخت انسان و پرداختن به باورها و ارزش های اخلاقی در زمینه خاص فرهنگی جوامع نیاز است. به همین دلیل، می باید علاوه بر شناخت ارزش ها و باورهای محیط زیستی سایر جوامع، با بهره گیری از مبانی فقهی و منابع موجود در سنت و فرهنگ بومی خود، به تدوین و تبیین نظام نامه اخلاق محیط زیستی همت گماشت و توجه داشت که اخلاق محیط زیستی به دلیل تفسیر در فناوری، اقتصاد، سیاست و همچنین وسعت، چند رشته ای و چندگانه بودن و برخورداری از ویژگی زیست منطقه گرایی متحرک و پویا است و به همین دلیل، نیاز است تا پژوهش پیرامون اخلاق محیط زیست و مبانی فقهی آن با در نظر گرفتن شرایط فرهنگی، اجتماعی و اعتقادی جامعه، بصورت مستمر و پیرا رشته ای انجام شود و در انجام آن حفظ هویت تاریخی و دینی به عنوان یک معیار مهم مد نظر قرار گیرد.

### فهرست منابع

۱. الحسینی المراغی، میر عبدالفتاح (۱۴۱۷ ه‍.ق). العناوین الفقہیہ، قم، مؤسسہ النشر الاسلامی.
۲. افتخار جهرمی، گودرز، (۱۳۸۲)، حق بر محیط زیست با تاکید بر حق دسترسی بر اطلاعات زیست محیطی، تهران، نخستین همایش حقوق محیط زیست ایران.
۳. بجنوردی، محمدحسن، (۱۴۱۹ق)، القواعد الفقہیہ، قم، نشرالهادی.
۴. بری، جان، (۱۳۸۰)، محیط زیست و نظریه اجتماعی، ترجمه حسن پویان و نیره توکلی، تهران، سازمان حفاظت محیط زیست، جلد اول.
۵. بنون، جان، (۱۳۸۲)، اخلاق محیط زیست: مقدمات و مقالات، ترجمه: عبدالحسین وهاب زاده، مشهد، انتشارات جهاد دانشگاهی.
۶. پارسا، علیرضا، (۱۳۷۷)، محیط زیست و حقوق بشر، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۳۵، ۱۳۶ - ۱۳۷.
۷. حسینی، سادات، (۱۳۸۷)، اخلاق زیست محیطی، کارشناسی ارشد فلسفه غرب، روزنامه جوان.
۸. حسینی سیستانی، سید علی، (۱۴۱۴ق)، قاعده لاضرر و لاضرار، قم، مکتبه آیت الله سیستانی.
۹. حکیمیان، امیرحسین، (۱۳۷۲)، مبارزه با فقر در قالب استراتژی ملی حفاظت از محیط زیست و توسعه، تهران، مجله محیط زیست.
۱۰. سراج الدین، اسماعیل و پارت ریچارد، (۱۳۷۹)، اخلاقیات و ارزشهای معنوی در خدمت ارتقای توسعه پایدار براساس محیط زیست، ترجمه احمد رضا اشرف العقلائی، تهران، نشر حفاظت محیط زیست.
۱۱. فاضل تونی، عبدالله بن محمد (۱۴۱۲ ه‍.ق). الوافیہ فی اصول الفقہ، تحقیق سید محمدحسین رضوی کشمیری، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
۱۲. فهیمی، عزیزالله و مشهدی، علی، (۱۳۹۳)، اندیشه های حقوق محیط زیست، قم، انتشارات دانشگاه قم، چاپ اول.
۱۳. فهیمی، عزیزالله، مشهدی، علی، (۱۳۸۸)، ارزش ذاتی و ارزش ابزاری در فلسفه محیط زیست (از رویکردهای فلسفی تا راهبردهای حقوقی)، فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه قم، سال یازدهم، شماره اول.
۱۴. فهیمی، عزیزالله و مشهدی، علی (۱۳۹۰). «فقه شیعه و تحول در مبانی مسئولیت مدنی زیست محیطی»، مقاله ۱۸، دوره ۴۱، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰، ۳۱۳-۳۲۶.
۱۵. فیروزی، مهدی، (۱۳۸۴)، حق بر محیط زیست، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، بی جا.
۱۶. قوام، میر عظیم، (۱۳۷۵)، حمایت حقوق کیفری از محیط زیست، تهران، سازمان محیط زیست، چاپ اول.
۱۷. گروه صلح کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو دانشگاه شهید بهشتی، (۱۳۸۹)، حقوق زیست محیطی بشر، تهران، نشر دادگستر، بی جا.

۱۸. لویی، پویمان، (۱۳۸۴)، اخلاق زیست محیطی، ترجمه گروه مترجمان، تهران، نشر توسعه، جلد اول.
۱۹. محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۸۱)، قواعد فقه: بخش مدنی، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، جلد ۹.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۱۱ق)، القواعد الفقهیه، قم، مدرسه امیرالمومنین (علیه السلام)، جلد ۱۱.
۲۱. موسوی الخویی، سید ابوالقاسم (۵۱۴۱۷ق). مصباح الفقاهه، تقریر محمدعلی توحیدی، چاپ چهارم، قم، انصاریان.
۲۲. نجفی، محمدحسن (بی تا). جواهر الکلام فی مسائل الحلال و الحرام، تحقیق شیخ عباس قمی قوچانی، جلد ۳۷ و ۴۳، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
23. coenen , frans (2008), public participation and better environmental, decision, Netherland, 2.



## اخلاق و دادرسی عادلانه در پرتو قابلیت پیش‌بینی بودن قواعد دادرسی

جلیل قنواتی<sup>۱</sup>

اسلام مندنی<sup>۲</sup>

### چکیده

رابطه بین اخلاق و حقوق امری مسلم و مورد تأیید و تأکید فلاسفه و اندیشمندان اخلاقی و حقوقدانان است. از جمله مباحثی که به طور خاص می‌توان رابطه این دو را مورد کنکاش و بررسی قرار داد، اخلاق در فرایند دادرسی است. هرگاه بتوان معیارهایی عینی برای سنجش رعایت عدالت در یک دادرسی ارائه نمود، می‌توان راجع به اجرای عدالت در مرحله رسیدگی اظهار نظر دقیق‌تری کرد. در نتیجه باید استانداردهای دادرسی عادلانه تعریف و از آن‌ها در سنجش عادلانه بودن استانداردها استفاده شود. اصل قابل پیش‌بینی از اصول دادرسی منصفانه مدنی محسوب می‌شود و منظور پیش‌بینی ادعاها، ادله و استدلال‌ات طرف دعوا و همچنین مواعد، فرصت‌ها، چالش‌ها و محدودیت‌ها در ارایه دلایل و موضوعات خود و امکان پیش‌بینی عملکرد دادرسی حقوقی در ارزیابی و به چالش کشیدن ادله طرفین و موضوعات رسیدگی حقوقی است. با دقت در مقررات قانون آیین دادرسی مدنی ایران و سایر مقررات و مباحث قضایی فقه امامیه در رابطه با نقش قاضی و ادله اثبات دعوا می‌توان اصل قابل پیش‌بینی بودن را در مقررات دادرسی مدنی ایران به عنوان اصل دادرسی منصفانه مدنی به رسمیت شناخت. موضوعی که اساساً می‌تواند امری اخلاقی محسوب شده و از منظر اخلاقی نیز آن را تحلیل نمود.

ارتباط اصل قابل پیش‌بینی با اصل تناظر، اصل تسلیط طرفین بر دعوی مدنی، اصل منع تحصیل دلیل، اصل منع تلقین دلیل و اصل منع اطاله ناروای دادرسی مدنی، اصل رعایت حق استماع طرف دعوی مدنی در تعرض و تراحم قرار می‌گیرد. در این محور بایستی محدوده دقیق و کم و کیف اجرای این اصل در پرتو سایر اصول دادرسی منصفانه مدنی به دقت و موشکافی تشریح و بررسی شود. ضمانت اجرای نقض اصل قابل پیش‌بینی بودن در آیین دادرسی مدنی بی‌اعتباری تصمیمات قضایی و امکان نقض پژوهشی یا فرجامی آرای ناقض این اصل دادرسی منصفانه مدنی می‌باشد. ضمن اینکه از منظر اخلاقی نیز می‌توان این موضوع را بازسناسی کرد و صرف‌نظر از قواعد حقوقی، اصول اخلاقی را نیز مؤثر در تحلیل‌های حقوقی صرف در نظر گرفت روش تحقیق توصیفی و تحلیلی است.

### واژگان کلیدی

اصل قابل پیش‌بینی بودن دادرسی مدنی، اخلاق در دادرسی، اصل منع تحصیل، دلیل، اصل تناظر، اصل تعاون، اصل تسلیط طرفین، اصل بی‌طرفی، اصل حق استماع، منع تلقین دلیل، نظام ادله تقابلی، روند منصفانه، اصل برابری سلاح‌ها.

۱. دکتری حقوق خصوصی، دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی (نویسنده مسئول).

Email: j.ghanavati@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران، پردیس فارابی Email: eslam.mondani@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۲۶

## طرح مسأله

ارتباط بین اخلاق و حقوق از دو منظر ارتباط اخلاق با حقوق ماهوی و شکلی قابل بررسی است و در آغاز کلام باید یاد آور شد که صحبت از اخلاق در دادرسی از منظر کارکرد آن که به دنبال اجرای عدالت از طریق اعمال حکم بر موضوع است، از دیدگاه طبیعت مقررات آن که باید از پیش مقرر و معلوم (امری و تضمین کننده) باشد، ممتنع می‌نماید. ظهور این امتناع در دشواری تشخیص رابطه‌ی حقوق و اخلاق بی‌تأثیر نیست. اگر حقوق به منابع خود مانند قانون، عرف، دکترین و رویه‌ی قضایی، متکی است و اگر دادرس مکلف به اجرای قانون است، چه‌جایی برای استناد به اخلاق باقی می‌ماند؟ با این حال، اگر ارزش‌های اخلاقی را سنگ‌بنای علم حقوق و اخلاق بدانیم، این ارتباط نزدیک‌تر شده و زمینه‌ی ورود اخلاق به حقوق، نه فقط به معنای تکمیل‌کننده‌ی قاعده‌ی حقوقی بلکه در برخی موارد سازنده‌ی آن، می‌شود. این که سازندگی در چه مواقعی ممکن است، خود محل بحث است. از این رو بایسته است به موارد دخالت قاعده‌ی اخلاقی در حقوق به شکل رابطه‌ی حقوق و اخلاق پرداخت. (محسنی؛ رضایی نژاد، ۱۳۹۰: ۶۶) از جمله مباحث مورد توجه در این زمینه ارتباط اخلاق با حقوق در فرایند دادرسی و به طور خاص با آیین دادرسی مدنی است.

آیین دادرسی مدنی مجموعه اصول، قواعد، احکام و موضوعاتی است که در بستر قوانین دادرسی روند و رویه فصل خصومت و حل اختلافات مدنی میان متداعیین را توسط دادرس یا دادرسان حقوقی به شیوه‌ای عادلانه و منصفانه و نظام‌مند سازماندهی می‌نماید. اجرای عدالت مدنی در تمامی نظام‌های حقوقی مستلزم وجود قوانین شکلی است که اصول و تشریفات و نحوه عملکرد دادرس حقوقی و اداره دعای مدنی را در رسیدگی به دلایل و ادعاها و ادله و استدلالات طرفین دعای مدنی به شیوه‌ای سازمان یافته در راستای نیل به هدف نهایی یعنی فصل خصومت وضع می‌نمایند.

در این میان اصول دادرسی به عنوان راهبردهای کلی و سیاست‌هایی با گستره وسیع به عنوان ستون‌های اصلی ساختمان نظام دادرسی مدنی سایه و چتر فراگیری بر قواعد و احکام و تشریفات آیین دادرسی مدنی حاکم می‌نمایند که غالباً با مطالعه و مذاقه در مقررات و مواد قانونی می‌توان به آنها نایل شد.

خصوصیت دیگر اصول دادرسی مدنی علاوه بر کلی و عام الشمول بودن، ارتباط کامل و پیوستگی و رویارویی و درهم تنیده بودن این مجموعه از اصول کلی با یکدیگر می‌باشد. اصولی نظیر اصل بی‌طرفی و استقلال دادرس و دادگاه، اصل رعایت حق دفاع و حق بر استماع شدن، اصل تعاون، اصل تسلیط طرفین بردعوی مدنی، اصل کشف حقیقت توسط دادرس و... همگی دارای ارتباط و پیوستگی متقابل بوده و گاهی در اجرا، در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند. یکی از



اصول کلی دادرسی منصفانه مدنی که هم در بعد نظری وهم در بعد اجرایی و عملی کمتر به عنوان یک اصل کلی دادرسی در میان این مجموعه اصول مطرح و به آن پرداخته شده است اصل قابل پیش‌بینی بودن در دادرسی مدنی است. منظور از اصل قابل پیش‌بینی بودن در آیین دادرسی مدنی این است که طرفین دعوی مدنی بتوانند در سه مرحله: ۱- طرح دعوا و قبل از آغاز رسیدگی‌های مدنی، ۲- مرحله رسیدگی از آغاز تا ختم دادرسی و ۳- مرحله صدور حکم و پس از آن در دادرسی‌های پژوهشی و فرجامی بتوانند به صورت موردی و موضوعی پیش‌بینی نمایند که اولاً نسبت به ادعاها و ادله و استدلالاتی که به نفع آنها می‌باشد در مواعد قانونی آگاهی یافته، از امکانات و سلاح‌های دادرسی بهره‌مند شده، بتوانند پاسخ و عملکرد طرف مقابل و نحوه اقدام و عملکرد قاضی رسیدگی‌کننده را پیش‌بینی نمایند و ثانیاً نسبت به ادعاها و ادله و استدلالاتی که طرف مقابل بر علیه آنها اقامه نموده است چه دفاعیات متقابل و پاسخ‌ها و ادله ای را بصورت موضوعی در مواعد مشخص و باکم و کیف تعیین شده در قانون می‌توانند به دادگاه ارائه نمایند و پیش‌بینی نمایند که دادرس حقوقی در جریان محاکمه چه اقداماتی می‌تواند به عمل آورد و حقوق و تکالیف اصحاب دعوا در مقابل این اقدامات دقیقاً چیست؟ در این راستا پرداختن این اصل به بررسی، مطالعه و نقد مقررات آیین دادرسی مدنی از دو محور بسیار مهم است: یکی کم و کیف ادله و دلایل در دعوی مدنی و حقوق و تکالیف اصحاب دعوا در قبال آنها و نحوه عملکرد قاضی حقوقی در روند محاکمه، و دیگری ارتباط تنگاتنگ اصل قابل پیش‌بینی بودن، به عنوان یکی از اصول هم‌عرض با سایر اصول دادرسی منصفانه مدنی. با مذاقه در قواعد، احکام و تشریفات دادرسی مدنی در حوزه ادله اثبات دعوا، به دنبال آن هستیم تا اثبات نماییم اجرای عدالت و دادرسی منصفانه به عنوان یک اصل حقوقی و نیز نوعی قاعده اخلاقی نیازمند وجود حق پیش‌بینی موردی و موضوعی در دعوی خاص نسبت به امکانات و محدودیت‌ها در تقدیم دلایل از یک سو و دفاع در برابر آنها از سوی دیگر و همچنین نحوه عملکرد دادرس حقوقی در رسیدگی به دلایل و صدور حکم می‌باشد. از طرف دیگر با توجه به اینکه اصل قابل پیش‌بینی بودن با سایر اصول دادرسی منصفانه مدنی ارتباط تنگاتنگی دارد و بعضاً ممکن است با آنها موافقت و همپوشانی و یا برخلاف آن میانیت و رویارویی داشته باشد، اگر بتوانیم مجموعه نظریات حقوقی را که به اصول راهبردی در شاخه‌های گوناگون دانش حقوقی نامگذاری می‌شوند به چند دسته: نظریه توصیفی، نظریه انتقادی و تحلیلی تعریف کنیم جایگاه این اصل در قالب نظریه تحلیلی خواهد بود چرا که فرضیه نگارنده این است که از مطالعه قواعد و احکام و تشریفات مندرج در قوانین داخلی و فقه اسلامی، به این نتیجه می‌رسیم که جمع بندی احکام و قواعد تشریفات فوق‌الذکر بر وجود این اصل به عنوان یک نظریه تحلیلی می‌باشد چنانچه در این نگارش بتوانیم فرضیه اصلی تحقیق یعنی وجود

اصل قابل پیش بینی بودن در دادرسی مدنی را در بستر مقررات و قواعد و احکام و تشریفات استنباط و استخراج نماییم، اثبات نموده‌ایم که در مبحث اصول دادرسی منصفانه، اصل قابل پیش بینی بودن نیز وجود دارد که نوعی از ارتباط اخلاق و حقوق را نیز در این رهگذار ثابت کرده ایم.

## ۱. ارتباط اخلاق با حقوق و مفهوم استانداردهای دادرسی

پیش از تلاش برای استخراج استانداردهای دادرسی از اسناد و قوانین بین‌المللی و داخلی، لازم است ابتدا مباحث ارتباط و کاربرد اخلاق و حقوق و نیز اخلاق در دادرسی را مورد بررسی قرار داده و سپس مفهوم استانداردهای دادرسی، کاملاً روشن گردد تا معلوم شود که در لابه‌لای این متون باید به دنبال چه نوع قواعدی گشت. در این رهگذر، یافتن ضابطه‌ای برای تمییز استانداردهای دادرسی از تشریفات دادرسی امری بسیار مهم تلقی می‌شود.

### ۱.۱. ارتباط اخلاق و حقوق

ارتباط حقوق و اخلاق از قدیمی‌ترین مباحث فلسفه‌ی حقوق است؛ تا آن‌جا که مدخل بیشتر نوشته‌های آن را تشکیل می‌دهد؛ امری که طبیعی می‌نماید؛ زیرا برای فهم حقوق باید آن را از نظام‌های مشابه بازشناخت و اخلاق شبیه‌ترین نظام رفتاری به حقوق است. درخصوص رابطه‌ی این دو نظام به تعبیر عده‌ای «سلوکی» (دل و کیو، ۱۳۸۶: ۲۳) که به روابط انسانی می‌پردازند، نزاع‌ها خاتمه نیافته اما، می‌توان در سیر اندیشه‌های فلاسفه‌ی حقوق و حتی واقعیت‌های قضایی وجوه اشتراک و افتراق و تأثیر و تأثر این دو را دید. از منظر بنیادین، هر دو نظام هنجاری هستند؛ هنجارهایی که البته بر ارزش مبتنی می‌باشند. بر این اساس، اگر بتوان هنجار را دستور آمرانه‌ی رعایت ارزش تعریف کرد، (پولانزاس، ۱۳۸۶: ۷۳) و ارزش‌های نهفته در پس هنجارهای اخلاق و حقوق را دریافت، به وضوح می‌توان به ابتدای بسیاری از قواعد حقوقی بر این ارزش‌ها پی برد. الزام طرفین یک عقد به انجام تعهدات قراردادی در واقع نمود یک ارزش اخلاقی در قالب یک هنجار حقوقی است، اما مسأله به اینجا ختم نمی‌شود و این دو نظام همیشه در هنجارهایشان بر یکدیگر منطبق نمی‌شوند، بلکه برخلاف آن چه گفته‌اند که میان حقوق و اخلاق نمی‌تواند تعارض باشد (دل و کیو، ۴۷: ۱۳۸۶) گاهی اجرای قاعده‌ی حقوقی به نقض قاعده‌ی اخلاقی می‌انجامد. اگر مطابق ماده‌ی ۲۳۰ قانون مدنی وجه التزام مقطوع است، آیا حکم به پرداخت وجه التزامی گراف توسط طرف قرارداد که به دلیلی اخلاقاً موجه، نتوانسته تعهدش را انجام دهد می‌تواند اخلاقی باشد؟ بدون ورود به نزاع مکاتب حقوقی در باب رابطه‌ی حقوق و اخلاق، باید بپذیریم که حقوق و اخلاق به شدت در هم تنیده‌اند و هرگونه تلاش برای تهی کردن اولی از دومی بیهوده به نظر می‌رسد. (محسنی، رضایی نژاد، ۱۳۹۰: ۶۸)

اگرچه حقوق برخلاف اخلاق که قواعدی صرفاً نیکوپرور و کمال‌گرا دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۵،

۵۴۶) به دلیل پذیرش نظم به عنوان یک هدف متعالی، حاوی هنجارهایی خالی از این ارزش‌ها نیز هست اما، هم اخلاق برای حفظ اصول خود در عرصه‌ی اجتماع نیازمند اجبار و ارشاد حقوق است و هم حقوق با داعیه‌ی عدالت‌گستری، نمی‌تواند برای رسیدن به این هدف ذاتا اخلاقی (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۵۸۵ و ۵۸۸)، خود را بی‌نیاز از اخلاق بداند. اگر، برای نمونه، هدف حقوق کیفری ترویج فضیلت و جلوگیری از رذیلت باشد (هارت، ۱۳۸۸: ۶۷)، که خود از نیادهای اخلاق نیز به شمار می‌آیند، هنجارهای حقوقی برآورنده‌ی این هدف هم ناگزیر همسو با اخلاق بوده و قوانین لا جرم باید این ارزش‌ها را در خود نهفته داشته باشند (آلمن، ۱۳۸۵: ۱۲۳).

### ۱.۱.۱. کاربرد اخلاق در حقوق

این تفکر که قانون هر آنچه را که حل یک مسأله‌ی حقوقی بدان نیازمند است در خود دارد، کانون اندیشه‌ی «مکتب شکل‌گرایی» حقوقی را تشکیل می‌دهد؛ تفکری که براساس آن قاضی برای صدور رأی در یک دعوا صرفا براساس قانون می‌تواند مسأله را حل کند و نیازی به فراتر رفتن از آن ندارد (کیوانفر، ۱۳۹۰: ۷۷). واقعیت اما چیز دیگری است و قانون به لحاظ این‌که قابلیت پیش‌بینی همه‌ی مسائل را ندارد و نیز از این جهت که با «زبان» بیان می‌شود و زبان «مبهم» است، دچار عدم تعین و ابهام است. در این وضعیت قاضی با چند تصمیم ممکن مواجه می‌شود که همگی یا حاصل برداشت از یک مقرره‌ی قانونی هستند یا بدون وجود حکم قانون ذهن قاضی آن‌ها را قابل حمل بر موضوع تشخیص داده است. افزون بر این، مفاهیم حقوقی نیز همیشه روشن نیستند؛ گاه قاضی در این‌که کدام استنباط از یک مفهوم حقوقی باید برگزیده شود، درمی‌ماند (انصاری، ۱۳۸۷: ۴۲-۴۳). قاضی نمی‌تواند در این موارد مبهم و غیرمتعین از صدور رأی امتناع کند و ناگزیر باید برای حل مشکل، قاعده‌ای برون قانونی دست و پا کند. این قاعده از کجا می‌آید؟

نظرات «هارت» و «دورکین» به عنوان بزرگان دو مکتب پوزیتیویسم حقوقی و مکتب حقوق طبیعی مدرن در این خصوص جالب توجه و پراهمیت است. از نظر «هارت» جامعه‌ی بشری دستخوش اختلافات، خواسته‌ها و موقعیت‌های جدیدی است که قواعد مصنوعی حقوق موضوعه نمی‌تواند همه‌ی آنها را پیش‌بینی کند. براین اساس، از دیدگاه وی قوانین الزام‌داری «بافت باز» هستند (موراوتز، ۱۳۸۷: ۷۹-۸۰)؛ بافتی که اجازه‌ی استنباط‌های مختلف و صدور آراء متفاوت را می‌دهد. در این موارد که قاضی با اجمال، ابهام یا نقص قوانین مواجه است، «هارت» حتی مراجعه به قواعد فراتر از حقوق را پیشنهاد می‌نماید که به لحاظ حقوقی الزام‌آور نیستند (کیوانفر، ۱۳۹۰: ۹۰) وی این مراجعه را «بصیرت قضایی» می‌نامد و معتقد است قاضی در این موارد می‌تواند به الزامات مبتنی بر انصاف یا اصول اخلاقی مراجعه کند (کیوانفر، ۱۳۹۰: ۹۶).

برخلاف «هارت»، «دورکین» اصول اخلاقی مورد استناد قاضی در دعاوی دشوار یعنی دعاوی که در آنها به دلیل اجمال، ابهام و نقص قوانین پاسخ صریحی وجود نداشته یا چند پاسخ ممکن وجود دارد را نه خارج از حقوق بلکه جزئی از آن می‌داند. در واقع وی ضمن نفی وحدت استدلال حقوقی و استدلال اخلاقی و نیز ردّ ادعای «هارت» دائر بر این که اصول اخلاقی جزئی از حقوق نیستند، قضات را به ارائه‌ی بهترین تفسیر اخلاقی از حقوق مکلف می‌داند (راسخ، ۱۳۸۷: ۶۳ و ۷۴). بدین ترتیب «هارت» و «دورکین» در این منظر که قاضی در موارد سکوت یا اجمال قانون می‌تواند به معیارهای اخلاقی متوسل شود اشتراک دارند؛ اما، «هارت» این معیارها را برون قانونی و خارج از حوزه‌ی حقوق می‌داند؛ در حالی که «دورکین» اصول و معیارهای اخلاقی را جزئی از حقوق تلقی می‌کند. باید توجه داشت که خارجی بودن قواعد اخلاق نسبت به حقوق از نظر پوزیتیویست‌ها به معنای کم‌اهمیت بودن این قواعد نیست تا آن‌جا که «ژرژ پیر» در عین حال که دانشگاه‌ها و دادگاه‌ها را پرستش‌گاه قانون می‌داند، معتقد است که حقوقدان «باید در راه نفوذ آرمان‌های اخلاقی در حقوق تلاش کند» (مالوری، ۲۰۰۴: ۱۳۸۳) از منظر هر دو دیدگاه باید‌ها و نباید‌های اخلاقی مستند قاضی در تصمیم‌گیری در دعاوی هستند؛ لذا مسأله‌ی حقوقی از این منظر به یک مسأله‌ی اخلاقی تبدیل می‌شود؛ از میان چند تصمیم ممکن کدام یک به لحاظ اخلاقی مناسب‌تر است؟

### ۱.۱.۲. اخلاق و دادرسی

در حالی که «هرودوت» و «دموستن» مجازات افراد بدون رعایت تشریفات قانونی را مظهری مستمگرمی‌دانند و «سنگا»، معتقد است که «هرکس رأیی صادر کند در حالی که به ادعاهای یکی از طرفین گوش فرا ندهاده باشد، حتی اگر رأی او در واقع عادلانه باشد، عادلانه رفتار نکرده است» (کلی، ۱۳۴: ۱۳۸۸)، قواعد دادرسی در ایران به اهرمی جهت شکست دادن طرف مقابل و ردّ دعاوی او در شکل فرو کاسته شده است.

در نگاه نخست، عدم تعیین حقوق ویژه‌ی قواعد ماهوی به نظر می‌رسد اما، باید توجه داشت که اولاً، قانون به‌طور کلی اعم از این که ماهوی باشد و یا ناظر بر رسیدگی به یک دعوا، بنا به دلایل پیش‌گفته می‌تواند نامتعین باشد، ثانیاً، در حوزه‌ی قواعد شکلی گاه مسائلی بسیار بگرنج‌تر از مسائل ماهوی پیش می‌آید که راه‌حل آن‌ها را نمی‌توان در قوانین موضوعه یافت. اما، دقت در مبانی و اصول حاکم بر دادرسی‌ها نشان می‌دهد بسیاری از مقررات دادرسی بر مبنای اصولی استوارند که یا عیناً یک هنجار اخلاقی‌اند و یا درون‌مایه‌ی اخلاقی دارند. از نظر اخلاق، قضاوت و صدور رأی در یک دعوا بدون شنیدن دفاعیات طرف مقابل قبیح است؛ این قبیح اخلاقی خود در قالب اصل رعایت حقوق دفاعی بر دادرسی حکومت می‌کند. هم‌چنین اصل آزادی دفاع که براساس آن هریک از متداعیین می‌توانند شخصا یا با استفاده از نماینده، از خود

دفاع کنند (محسنی، ۱۳۸۹: ۲۴۴)، شاخه‌ای از اصل آزادی افراد است که خود مقدس‌ترین اصول در تاریخ زندگی بشر بوده و هم‌چون یک ارزش به شمار می‌رود (راسخ، ۱۳۸۷: ۲۹۴). بدین ترتیب آن‌جا که در مقام رسیدگی به یک دعوا قاضی با ابهامی در قانون مواجه می‌شود یا درخصوص پذیرش یا عدم پذیرش دلیل ارائه‌شده قانون را خالی از حکم می‌بندد، دست به تفسیر می‌زند؛ در مقام تفسیر نیز چنان‌چه اصل کلی حقوقی ناظر بر موضوع وجود داشته باشد به آن مراجعه می‌کند. اصولی که یا عین اصول اخلاقی‌اند یا برگرفته از آن‌ها، در غیر این صورت قاضی باید اخلاقی‌ترین تفسیر را برگزیند. عدالت رعایت همه‌ی ارزش‌های اخلاقی و برآیند رعایت تمام این ارزش‌هاست (ابدالی، ۱۳۸۸: ۱۰۱) متصف نمودن دادرسی به این وصف متعالی خود از سازنده بودن قواعد اخلاقی در حوزه‌ی دادرسی حکایت دارد. قاضی نمی‌تواند و نباید از یادببرد که در چارچوب آیینی به دعوا رسیدگی می‌کند که بنیان بسیاری از قواعد تشکیل‌دهنده‌ی آن آیین را اخلاق تشکیل می‌دهد و اگر در مواجهه با یک مسأله در رسیدگی از چارچوب قواعد بیرون رفت، بایسته است اخلاقی‌ترین راهکار ممکن را برگزیده و از تصمیمی که اخلاق آن را ممنوع می‌کند، بپرهیزد. درک واقعی حقوق جز از طریق درک آرمان اخلاقی آن که تمامی تلاشش را به سمت نیل بدان معطوف می‌دارد، امکان ندارد (فولر، به نقل از: ابدالی، ۱۳۸۸: ۲۱۴).

## ۱.۲. مفهوم استانداردهای دادرسی

در این گفتار، به منظور شناسایی دقیق مفهوم استانداردهای دادرسی، تعریف و مبنای این استانداردها و سپس ویژگی‌های آن‌ها بررسی خواهد شد.

### ۱.۲.۱. تعریف و مبنای استانداردهای دادرسی

به نظر می‌رسد که استانداردهای دادرسی چهره دیگری از همان اصول کلی حقوقی باشند. در واقع در نوشته‌های حقوقی به صراحت از استانداردهای دادرسی کم‌تر سخن به میان آمده اما با دقت در این متون می‌توان دریافت که این مبحث ذیل عنوان اصول کلی حقوقی مورد بحث قرار گرفته است و در واقع انعکاسی از این اصول در آیین دادرسی به شمار می‌روند. استانداردهای دادرسی، آن دسته از اصولی از آیین دادرسی هستند که مفاهیم اصلی عدالت را در حل و فصل اختلافات تبیین می‌نمایند. (پورااستاد، ۱۳۸۷: ۱۳)

برخی از استادان (شمس، ۱۳۸۳: ۱۲۸) نیز این استانداردها را در مجموعه‌ای به نام اصول راهبردی حاکم بر دادرسی مطرح می‌کنند و سه عنوان؛ "اصول تضمین‌کننده دادرسی منصفانه با رعایت برابری اصحاب دعوا"، "اصول مربوط به نقش متقابل اصحاب دعوا و قاضی" و "اصل حق دفاع و اصل تناظر" را برای بررسی این استانداردها در نظر می‌گیرند.

به‌رغم اختلاف نظرهایی موجود در خصوص مبنای استاندارد های دادرسی، در نظام‌های

حقوقی مدرن پاره‌ای از استانداردها جنبه کاملاً الزام‌آور به خود گرفته‌اند و مبنای استانداردهای دادرسی هرچه که باشد، این دسته از استانداردها، جز در موارد بسیار استثنایی کنار گذاشته نمی‌شوند. از جمله این استانداردها اصل حق دفاع و اصل تناظر از این نوع استانداردها محسوب می‌شوند.

### ۱.۲.۲. ویژگی‌های استانداردهای دادرسی

با توجه به تعاریفی که از استانداردهای دادرسی ارائه شد و با عنایت به مبنای ذکرشده برای آن‌ها، می‌توان موارد زیر را به‌عنوان ویژگی‌های استانداردهای دادرسی برشمرد؛

#### ۱.۲.۲.۱. استانداردهای دادرسی کلی هستند

منظور از کلی بودن یک اصل آن است که تعدادی موارد استعمال نامعین را در برمی‌گیرد. (ژان بولانژه؛ به نقل از کاتوزیان، همان: ۶۴۲) بنابراین نتیجه کلی بودن استانداردهای دادرسی این است که رعایت آن‌ها محدود به نوع و شیوه‌های خاصی از دادرسی نبوده و در هر نوع رسیدگی و حتی رسیدگی‌های اداری و حسبی نیز لازم‌الرعايه هستند. (صادقی، ۱۳۸۴: ۳۴)

بنابراین تنها آن دسته از مقررات دادرسی را می‌توان جزو استانداردهای دادرسی فرض نمود که در تمامی شیوه‌های دادرسی قابلیت اجرا دارند.

#### ۱.۲.۲.۲. استانداردهای دادرسی دائمی و الزامی هستند

دائمی بودن یک اصل در عالم حقوق به این معنی است که "مقید به زمان خاصی نبوده و تا زمانی که توسط اصلی جایگزین، منسوخ نگردیده است، دارای اعتبار بوده و قانون‌گذار در مقام وضع قانون و دادرسی در صدور حکم و تفسیر قانون نمی‌تواند آن را نادیده انگارند". (جعفری‌تبار، منبع پیشین: ۲۰۳)

بنابراین دائمی بودن استانداردهای دادرسی به این معنی است که حتی قانون‌گذار نیز نمی‌تواند پیش از حصول اطمینان از تولد استاندارد دیگری به جای آن، (جعفری‌تبار، منبع پیشین: ۲۰۳) در قانون‌گذاری‌های خود برخلاف آن عمل نموده و آن را نادیده بگیرد.

#### ۱.۲.۲.۳. استانداردهای دادرسی ارزشی هستند

منظور از ارزشی بودن استانداردهای دادرسی این است که این استانداردها مبتنی بر واقعیت‌هایی هستند که احتیاجات و اشتیاق‌های گوناگون انسان را برآورده می‌سازند. (صانعی، ۱۳۸۱: ۳۵۲) منابع این ارزش‌ها ممکن است اموری مانند اخلاق، مذهب و عوامل طبیعی و نژادی یا اقتصادی و سیاسی باشد؛ چرا که ارزش‌ها در واقع مایه‌های اصلی تمدن ملت‌ها محسوب می‌شوند. (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۳۴۲) امروزه جوامع بشری دارای ارزش‌های مشترک بسیاری هستند و بسیاری از ارزش‌ها، هنجارهای مشترک بین تمام ملت‌ها محسوب می‌شوند.

### ۱.۳. تمییز استانداردهای دادرسی از تشریفات دادرسی

پس از آشنایی با مفهوم و ویژگی‌های استانداردهای دادرسی، باید وجوه تمایز و تفکیک این استانداردها را از تشریفات دادرسی نیز بررسی نماییم. تمییز این دو مورد از یکدیگر، از این جهت ضروری است که اساساً برخی از شیوه‌های حل اختلاف به منظور پرهیز از درگیر شدن در تشریفات دادرسی ایجاد شده و مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در حالی که، رعایت استانداردهای دادرسی در همین شیوه‌ها نیز الزامی است.

#### ۱.۳.۱. تفاوت در خاستگاه و مبانی

خاستگاه و مبنای اصول و استانداردهای دادرسی مواردی چون حقوق طبیعی، عقل، عرف، مذهب یا اخلاق است. در حالی که خاستگاه و مبنای تشریفات دادرسی، مصلحت‌بینی‌های قانون‌گذار است. در واقع استانداردهای دادرسی خود راهنمایی برای قانون‌گذار در وضع تشریفات دادرسی کارآمد، مؤثر، ساده و قابل فهم هستند و قانون‌گذار حق طراحی تشریفات دادرسی را به گونه‌ای که با استانداردهای دادرسی تطابق نداشته باشند، ندارد.

#### ۱.۳.۲. تفاوت در ویژگی‌ها

ویژگی‌های استانداردهای دادرسی نیز باعث تمایز آن‌ها از تشریفات می‌گردد. زیرا هیچ‌کدام از سه ویژگی برشمرده شده برای استانداردها، در تشریفات دادرسی وجود ندارد.

۱. استانداردهای دادرسی در زمره اصول هستند در حالی که تشریفات دادرسی را باید در دسته قواعد قرار داد. در بیان رابطه اصول با قواعد چنین اظهارنظر شده است که "اصول، جملات راهبر حاکم بر حقوق موضوعه و هادی شرح و بسط آن است. در حالی که قواعد حقوقی، موارد استعمال اصول هستند". (کاتوزیان، منبع پیشین: ۶۲۸)

بنابراین کلی بودن استانداردهای دادرسی نیز از وجوه تمایز آن از تشریفات است. زیرا "کلی بودن اصل حقوقی بدین معنا است که در میان قواعد حقوقی مصداق‌های متعددی دارد و از این حیث با قاعده حقوقی (که آن هم کلی است) در برابر وقایع خارجی تفاوت دارد". (همان)

۲. استانداردهای دادرسی دائمی هستند و تا زمان احراز نسخ آن‌ها به واسطه ایجاد استاندارد دیگری، قابل عدول حتی در قانون‌گذاری‌های شارع نیز نیستند. در حالی که تشریفات دادرسی در هر زمان بنا بر صلاح‌دید مقنن قابل تغییر بوده و حتی در بسیاری از موارد، خود طرفین اختلاف نیز می‌توانند از آن عدول نمایند.

۳. استانداردهای دادرسی مبتنی بر ارزش‌ها هستند. در حالی که تشریفات دادرسی مبتنی بر هیچ ارزش خاصی نبوده و تنها راه کارهای پیشنهادی قانون‌گذار برای پیشبرد منظم‌تر امور هستند. در واقع، اصولی مانند اصل برابری اصحاب دعوا، اصل رعایت حقوق دفاعی و اصل تناظر، همگی مبتنی بر ارزش‌های والایی نزد انسان‌ها به نام عدالت است که رسیدن به آن تنها با

تمسک به برابری امکان‌پذیر است. در نتیجه، این موارد، همگی از استانداردهای دادرسی محسوب می‌شوند، نه از تشریفات آن.

بنابر آنچه تاکنون بیان گردید می‌توان به این نتیجه رسید که استانداردهای دادرسی، آن دسته از اصول حقوقی هستند که حیات و مشروعیت دادرسی در گرو اجرای آن‌ها است؛ غیرقابل عدول هستند و تنها در موارد استثنایی ممکن است در تعارض با اصلی دیگر، بر یکدیگر ترجیح داده شوند.

## ۲. اخلاق و استانداردهای دادرسی در مقررات بین‌المللی

منظور از استانداردهای دادرسی در مقررات بین‌المللی، آن دسته از اصولی هستند که به موجب اسناد بین‌المللی در تمامی دادرسی‌ها لازم‌الرعايه می‌باشد. از طرفی همواره این بحث مطرح است که اخلاق آیا یک موضوع جهانی است یا نسبی؟ در این بخش از پژوهش تلاش می‌شود تا استانداردهایی که صرف‌نظر از نوع نظام‌های دادرسی در تمام کشورهای متمدن رعایت شده و پای‌بندی به آن‌ها یک هنجار و ارزش بین‌المللی تلقی می‌شود، از دیدگاه حقوقی - اخلاقی بررسی گردد.

### ۱.۱.۲. استانداردهای دادرسی در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی و

#### سیاسی

اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مهم‌ترین اسناد بین‌المللی در خصوص حقوق بشر هستند که مورد پذیرش بسیاری از کشورهای جهان و از جمله جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته‌اند. این دو سند حاوی اساسی‌ترین حقوق افراد بشر است و استانداردهای مختلفی را برای دادرسی، ارائه می‌نماید. در ادامه به استانداردهای مذکور اشاره خواهیم کرد.

#### ۱.۱.۲. حق برخورداری از تسهیلات و زمان کافی برای تهیه دفاعیه

افرادی که خوانده دعوی واقع می‌شوند، باید از فرصت کافی و نیز تسهیلات مناسب برای تدارک دفاعیات خود در مقابل ادعایی که علیه آن‌ها صورت گرفته است، برخوردار باشند. این اصل در مورد متهمین به جرم کیفری در بند یک ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر و شق "ب" بند ۳ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی تصریح گردیده است. (اشرفی، ۱۳۸۶: ۹۱ - ۹۷).

به نظر می‌رسد زمان کافی برای تهیه دفاعیه در دعوی مختلف، متفاوت باشد و به اوضاع و احوال خاص هر پرونده بستگی داشته باشد. اما مهم‌ترین معیاری که در سنجش کافی بودن زمان در اختیار خواننده باید مدنظر قرار گیرد، محدودیت‌های زمانی قانونی می‌باشد. همچنین وجود تسهیلات کافی برای خواننده دعوی، علاوه بر تسهیلاتی مانند حق استفاده از راهنمایی و معاضدت قضایی، شامل دسترسی وی به تمامی اطلاعات موجود در پرونده نیز هست.



### ۲.۱.۲. حق تساوی در برابر قانون و مرجع دادرسی

این حق علاوه بر اینکه لزوم پرهیز از وضع قوانین تبعیض‌آمیز را گوشزد می‌کند، به لزوم برخورد یکسان و برابر قضات و مقامات مرجع رسیدگی با طرفین اختلاف نیز اشاره دارد. بر پایه این اصل که در مواد ۷ و ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و مواد ۳ و ۲۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مورد تأکید قرار گرفته است، اشخاص رسیدگی‌کننده به اختلافات نباید به گونه‌ای انتخاب شده باشند که شبهه امکان جانب‌داری آنان از یکی از طرفین قابل طرح باشد. بر پایه همین اصل است که لزوم وجود جهات رد دادرسی در دادرسی مطرح می‌شود و وجود امکان رد دادرسی در حل و فصل اختلافات یکی از استانداردهای دادرسی است که از اصل برابری اشخاص در برابر قانون و دادگاه ناشی می‌شود. (اشکلک، حبیب، ۱۳۸۶ - ۱۳۸۷: ۱۹)

### ۳.۱.۲. علنی بودن دادرسی

رسیدگی علنی به اختلافات یکی از اصولی است که رعایت آن در جهت تضمین عادلانه بودن و استقلال روند دادرسی نقشی اساسی دارد. چراکه هم عملکرد دادرسان را در معرض مشاهده و قضاوت عموم قرار می‌دهد و هم ابزاری در جهت حمایت از طرفین در برابر رفتارهای خودسرانه در جریان دادرسی محسوب می‌شود.

ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند یک ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی بر لزوم علنی بودن رسیدگی تأکید دارد.

علنی بودن دادرسی به این معنی است که علاوه بر طرفین اختلاف، عموم مردم نیز حق حضور در جلسه رسیدگی را داشته باشند و بتوانند از چگونگی اجرای عدالت در مراجع حل اختلاف آگاهی یابند. این امر علاوه بر ایجاد امکان پایش دادرسی توسط افکار عمومی، نشانه اعتماد به نفس نهاد رسیدگی‌کننده نیز هست (شمس، منبع پیشین: ۱۵۴)

### ۴.۱.۲. فرض برائت مدعی علیه

هر کس ادعایی را در مرجعی قانونی مطرح می‌سازد، مسؤول ارائه ادله و مدارک مثبت ادعای خود نیز هست و همواره کسی که ادعایی علیه او صورت گرفته است، تا زمانی که ادله‌ای بر صحت ادعا ارائه نشده است، بری و فاقد مسؤولیت در برابر مدعی فرض می‌شود.

ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۲ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، این فرض را با عنوان فرض بی‌گناهی در خصوص متهمین به جرم کیفری مطرح ساخته اما می‌توان لزوم وجود چنین فرضی را درباره مدعی‌علیه در دعوی مدنی نیز پذیرفت. یکی از نتایج مهم اصل برائت مدعی‌علیه این است که مرجع رسیدگی برای احضار وی درخواست ارائه دفاعیات از او، باید ابتدا احتمال صحت ادعای مدعی را با ملاحظه اسناد و مدارک او احراز کند.

### ۵.۱.۲. حق حضور در محل انجام دادرسی

مدعی علیه باید حق داشته باشد در محل انجام دادرسی به منظور استماع دعوی و تقدیم دفاعیه حضور داشته باشد. در واقع، اصل در دادرسی‌ها، انجام دادرسی به صورت حضوری است و انجام دادرسی به صورت غیابی باید تا حد امکان محدود و تابع تشریفات خاصی قرار گیرد که حقوق احتمالی محکوم علیه غایب را تضمین می‌نماید.

شق "د" بند ۳ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی این حق را در مورد متهمین به جرایم کیفری مورد تأکید قرار می‌دهد و از همین تأکید می‌توان ضرورت انجام دادرسی به صورت علنی را به عنوان یکی از استانداردهای دادرسی استفاده نمود.

در واقع درست است که الفاظ به کار رفته در این ماده مربوط به متهمین جرایم کیفری است، اما روح حاکم بر این میثاق ایجاب می‌کند که از وحدت ملاک این ماده در مورد دعاوی مدنی نیز استفاده نماییم.

### ۶.۱.۲. حق احضار و سؤال از شهود

شق "ه" بند ۳ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی به متهمین به جرایم کیفری این حق را می‌دهد که بتوانند شهودی را که دارای اطلاعاتی در جهت اثبات بی‌گناهی آنان هستند به دادرسی احضار نموده و از شهود دادستان یا شاکی خصوصی نیز سؤال نمایند. در اعطای این حق احضار الزام‌آور شهود به اشخاصی که طرفین دعاوی حقوقی واقع می‌شوند باید قدری احتیاط نمود. زیرا به نظر برخی استادان (اشکلک، منبع پیشین: ۲۵)، این حق در دعاوی کیفری به این دلیل به متهم داده می‌شود که دادستان هم، چنین حقی را دارد.

به هر روی، هرگاه نتوان احضار الزام‌آور شهود را در دعاوی مدنی پذیرفت، حداقل اصل وجود حق احضار شهود را باید برای طرفین اختلاف محفوظ دانست و در واقع باید به طرفین این حق را داد که از مرجع دادرسی بخواهند که به صورت رسمی از شهود آن‌ها برای حضور در دادرسی دعوت نماید، هرچند این دعوت جنبه الزام‌آوری نیز نداشته باشد.

### ۷.۱.۲. صدور حکم علنی

بند یک ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی در باره لزوم علنی بودن احکام صادره از مراجع دادرسی اشعار می‌دارد:

«هر حکمی که در پرونده کیفری یا حقوقی صادر می‌شود، باید علنی باشد مگر در موردی که مصالح جوانان ایجاب می‌کند یا رسیدگی‌ها مربوط به اختلافات زناشویی یا سرپرستی صغار باشد».

البته عدم توجه این ماده به یک استثنای مهم دیگر در خصوص موارد تجویز صدور احکام غیر علنی مورد انتقاد است. زیرا در بسیاری از دعاوی، هرگاه طرفین دعوی توأمان خواستار عدم

انتشار علنی رأی باشند، انتشار علنی نتیجه رسیدگی می‌تواند با منافع طرفین دعوا در تضاد قرار گیرد و اساساً فلسفه رجوع به برخی از شیوه‌های حل اختلاف را از بین می‌برد. برای مثال، در دعاوی بازرگانان و تجار، معمولاً طرفین خواستار حفظ اسرار و نیز اعتبار خود در عرصه تجاری هستند و از همین‌رو، تمایل زیادی نیز به حل اختلافات از طریق داوری نشان می‌دهند.

## ۲.۲. اصول دادرسی مدنی فرا ملی

نهاده‌ها و مؤسساتی که تلاش می‌کنند به هدف یکنواخت‌سازی حقوق خصوصی در جهان دست یابند، همواره به دنبال یافتن ارزش‌های مشترک جوامع مختلف و تأکید بر وجود پاره‌ای از مشترکات لازم‌الرعایه در تمامی نظام‌های حقوقی مطرح دنیا هستند. نیل به این هدف تنها زمانی امکان‌پذیر است که انجام دادرسی و حل‌وفصل اختلافات در نقاط مختلف جهان نیز بر پایه مبانی مشترکی انجام شود و هر شخص اطمینان داشته باشد که در هر کدام از نظام‌های حقوقی پیشرفته دنیا، رسیدگی به اختلافات او با دیگران براساس ضوابط مشخصی انجام می‌شود که متضمن عادلانه بودن دادرسی هستند.

به همین منظور، مؤسسه حقوق آمریکا با همکاری مؤسسه بین‌المللی یکنواخت‌سازی حقوق خصوصی، مجموعه‌ای را با عنوان اصول و قواعد آیین دادرسی مدنی فرا ملی پیشنهاد نموده‌اند که در آن تلاش شده است استانداردهای دادرسی لازم‌الرعایه در تمامی شیوه‌های حل‌وفصل اختلافات که مورد قبول و احترام تمامی نظام‌های مدرن حقوقی هستند، در غالب مواد مشخصی جمع‌آوری شود. (پوراستادمنبع پیشین ۱۳۹۰:۱۴) در این اصول نیز ارتباط حقوق و اخلاق در دادرسی را به وجه بارزی می‌توان مشاهده نمود. در ادامه به ذکر فهرست‌وار مهم‌ترین موارد این اصول و شرح مختصری پیرامون هریک خواهیم پرداخت.

## ۱.۲.۲. استقلال و بی‌طرفی دادگاه و دادرسان

اصول آیین دادرسی فرا ملی، نکات جالب و در عین حال جامعی را در خصوص معیارهای عینی احراز بی‌طرفی دادگاه و دادرس و ضمانت اجرای آن ارائه می‌دهد. بر پایه نخستین اصل این مجموعه؛

۱. دادگاه و دادرسان در رسیدگی به دعوا براساس امور موضوعی و حکمی آن، دارای استقلال قضایی هستند. دوری از هرگونه اعمال نفوذ ناروا، اعم از داخلی و خارجی، نمونه‌ای از این استقلال است.

۲. دادرسان باید از دوره تصدی متعارفی برخوردار باشند. اعضای غیرحرفه‌ای دادگاه باید به شیوه‌ای انتخاب شوند که استقلال آن‌ها از اصحاب دعوی، اختلاف و سایر اشخاص ذی‌نفع در دعوا تضمین شود.

۳. دادگاه باید بی‌طرف باشد. دادرس یا هر شخص دیگری که دارای اختیار تصمیم‌گیری

است، در صورت وجود جهات متعارف برای ظن به بی‌طرفی آنان، باید از رسیدگی به دعوا امتناع کند. برای رسیدگی به شکایات مربوط به تخلفات قضایی دادرسان، باید شیوه رسیدگی عادلانه و کارآمدی وجود داشته باشد.

۴. دادگاه یا دادرس نباید اظهارات یکی از طرفین را در غیاب طرف‌های دیگر استماع کند مگر در مواردی که این اظهارات مربوط به دادرسی‌های بدون ابلاغ می‌شود و برای اداره عادی جریان دادرسی ضرورت دارد. در صورتی که بین دادگاه و یکی از طرفین دعوا، بدون حضور طرف دیگر، مذاکره‌ای صورت گیرد، دادگاه باید فوراً طرف غایب را از مفاد آن مطلع کند. ۵. دادگاه باید از دانش و تجربه حقوقی قابل توجهی برخوردار باشد.

### ۲.۲.۲. ابلاغ صحیح و حق استماع اظهارات

پنجمین اصل از مجموعه مذکور، استانداردهای لازم جهت اعطای حق دفاع به طرفین را بیان می‌کند. در واقع، این اصل با بیانی جامع، مهم‌ترین استانداردهای دادرسی در باب ابلاغ و استماع اظهارات طرفین را بر می‌شمارد. این استانداردها عبارتند از:

۱. در شروع دادرسی برگ اخطار باید به‌وسیله‌ای که به‌طور متعارفی مؤثر است، به نشانی خواندگان ارسال شود. نسخه‌ای از برگ دادخواست یا برگ‌های دیگر که حاوی جهات موضوعی دعوا و تعیین خواسته خواهان باشد باید پیوست برگ اخطار شود. خواننده باید از نحوه پاسخ‌گویی به دعوی خواهان و امکان صدور حکم غیابی علیه خود در صورت عدم پاسخ به‌موقع به آن، آگاه باشد.

۲. اوراق و برگ‌های مذکور در بالا باید به زبان رایج در کشور محل دادگاه و نیز به زبان رایج در کشور محل اقامت اشخاص حقیقی یا محل اصلی امور تجاری اشخاص حقوقی و یا به زبان اسناد اصلی معامله تنظیم و ابلاغ شود. همین‌طور، خواننده و طرف‌های دیگر نیز باید لوایح دفاعیه، اظهارات معارض و درخواست‌های خود را به زبان رایج در دادرسی، مطابق مقررات اصل ۶، تنظیم و به خواهان ابلاغ کنند.

۳. بعد از شروع دادرسی، همه طرف‌ها باید فوراً از پیشنهادها و درخواست‌های طرف دیگر و تصمیمات دادگاه آگاه شوند.

۴. اصحاب دعوا حق دارند امور موضوعی و حکمی مورد اختلاف که مربوط به مورد دعوا است و دلایل مثبته ادعای خود را به دادگاه ارائه کنند.

۵. هریک از طرفین باید از فرصت عادلانه و وقت کافی متعارف برخوردار باشند که به امور موضوعی و حکمی مورد اختلاف و به دلایل ابرازی طرف دیگر و دستورها و پیشنهادهای دادگاه پاسخ دهند.

۶. دادگاه باید به کلیه موارد اختلاف اصحاب دعوا توجه و سپس به موضوع‌های اساسی

مورد اختلاف رسیدگی کند.

۷. اصحاب دعوا می‌توانند با توافق یکدیگر و با اجازه دادگاه، از شیوه‌های ارتباطی سریع، مانند وسایل ارتباطی از راه دور استفاده کنند.

۸. دادگاه نمی‌تواند بدون اخطار قبلی به خوانده دستوری صادر یا اجرا کند که معارض با منافع وی باشد مگر اینکه متقاضی دستور لزوم فوریت آن و غلبه ملاحظات منصفانه را اثبات کند. صدور دستور یک‌جانبه باید با منافعی که متقاضی درصدد حفظ آن است، متناسب باشد. طرفی که به زیان وی این دستور صادر شده است، تا حد امکان، باید از مفاد دستور دادگاه و جهات استنادی موجهه آن مطلع شود؛

عبارات و کلمات به کار رفته در مواد این اصل، آن‌چنان با دقت حقوقی و توجه به تمامی جوانب امر انتخاب شده است که درخصوص تمام شبهات و لغزش‌گاه‌های مربوط به ابلاغ و استماع اظهارات طرفین، استانداردهایی را بیان می‌کند.

### ۳.۲.۲. علنی بودن دادرسی

آنچه مجموعه اصول و قواعد آیین دادرسی مدنی فرا ملی را درخصوص علنی بودن دادرسی از سایر متون متمایز می‌سازد، توجه به ارائه تعریفی دقیق از این موضوع و شرایط اجرای آن است. اصل ۲۰ این مجموعه مقرر می‌دارد؛

۱. به طور کلی، جلسات دادگاه به منظور استماع اظهارات شفاهی که شامل جلسات رسیدگی به دلایل و اعلام رأی دادگاه می‌شود، باید برای عموم افراد علنی باشد. دادگاه پس از مشورت با اصحاب دعوا، می‌تواند دستور دهد که از حیث اجرای عدالت، رعایت نظم عمومی یا حفظ حریم خصوصی اشخاص، تمام یا بخشی از جلسه رسیدگی به صورت غیرعلنی برگزار می‌شود.

۲. پرونده‌ها و سوابق دادگاه باید برای عموم مردم علنی باشد یا در غیراین صورت، حداقل اشخاصی که دارای نفع مشروع بوده یا به مناسبت مسؤولیت خود در این زمینه دست به تحقیقاتی می‌زنند، باید طبق قانون مقر دادگاه به آن‌ها دسترسی داشته باشند.

۳. عموم اشخاص باید بتوانند به آراء دادگاه‌ها، از جمله دلایل و مستندات که رأی براساس آن‌ها صادر شده است و به‌طور کلی سایر دستوراتی که دادگاه صادر کرده است، دسترسی داشته باشند.

### ۴.۲.۲. بار اثبات و ضابطه آن

اصل ۲۱ مجموعه اصول، در خصوص بار اثبات دلایل، قلمرو اجرای آن و ضابطه اثبات دلایل را نیز به‌خوبی تبیین می‌کند. این اصل مقرر می‌دارد:

۱. به طور کلی، هریک از طرفین دعوا باید کلیه امور موضوعی مبنای ادعای خود را اثبات

کند.

۲. امور موضوعی وقتی اثبات می‌شوند که دادگاه به‌طور متعارف از صحت و درستی آن‌ها اقناع شود.

۳. هرگاه معلوم شود که دلیل مربوط به مورد ادعا نزد یکی از طرفین یا در اختیار او است، ولی بدون عذر موجه از ابراز آن امتناع می‌کند، دادگاه می‌تواند با توجه به امری که دلیل مثبت آن است، از آن نتیجه منفی استنباط کند.

### ۵.۲.۲. اجرای فوری عدالت

اجرای فوری عدالت، عبارتی است که برای لزوم سرعت در رسیدگی و پرهیز از اطاله دادرسی انتخاب شده است. در واقع، منظور از اجرای فوری عدالت این است که مرجع رسیدگی‌کننده وظیفه دارد دعوا را با سرعت حل و فصل نماید. زیرا چنان که مشهور است «تأخیر عدالت، تکذیب عدالت است».

اصل هفتم در این رابطه چنین مقرر می‌دارد:

۱ - دادگاه باید اختلاف طرفین را در مدت زمان متعارف حل و فصل نماید.

۲ - اصحاب دعوا مکلف‌اند با دادگاه همکاری کنند و حق دارند که به‌طور متعارف طرف مشورت دادگاه درباره برنامه زمانی رسیدگی قرار گیرند. برنامه زمانی متعارف رسیدگی و مواعد آن به‌موجب قواعد دادرسی و دستورات قضایی دادگاه تعیین می‌شوند.

### ۶.۲.۲. اجرای مؤثر آراء

اجرای احکام به منزله گام نهایی در اجرای عدالت است و تا زمانی که حکمی اجرا نشده باشد، سایر اقداماتی که در جریان دادرسی انجام شده‌اند، هیچ ثمره عملی و ملموسی در اجرای عدالت ندارند.

اجرای احکام باید به نحوی مؤثر صورت پذیرد. بدین معنی که باید دقیقاً مفاد حکم را به اجرا گذاشته و محکوم‌له را به آنچه که در حکم به نفع او مقرر شده است، برساند. بنابراین لازم است شیوه‌های اجرای احکام همواره با گذشت زمان مورد بازنگری قرار گیرد تا انطباق خود با شرایط حاکم بر اجتماع را از دست ندهد.

اصل ۲۹ مجموعه، حق دسترسی به آیین اجرای سریع و مؤثر آراء، دستورهای موقت و قرارهای تأمین خواسته را از اصول دادرسی اعلام نموده و بدین ترتیب بر اندیشیدن راه‌کارهایی مناسب جهت اجرای مؤثر احکام صادره در دادرسی‌ها تأکید کرده است. این اصل مقرر می‌دارد: «اصحاب دعوا باید از حق دسترسی به آیین اجرای سریع و مؤثر آراء از جمله احکام مالی، خسارات و هزینه‌های دادرسی، دستور موقت و قرار تأمین خواسته برخوردار باشند».

### ۳.۲. جهانی شدن و اخلاق جهانی

اخلاق هیچ‌گاه به‌طور کامل جهانی نخواهد شد. ارتباطاتی که امروز به وجود آمده و جهان را به صورت یک دهکده جهانی درآورده است، باعث شده است که اصول اخلاقی مشترک گسترده شود. در حقیقت همین حقوق بشر اصول مشترکی است که جهان متمدن به آن اعتقاد پیدا کرده است. ولی این اصول در همه چیز مشترک نیست. منظور این است که اخلاق مقداری جنبه محلی دارد. هر چه ارتباطات زیادتر باشد اخلاق گسترده‌تر می‌شود. اما مانع گوناگونی‌های اخلاق نمی‌توان شد و حتی طرفداران حقوق بشر گفته‌اند: برای هر ملتی باید حاشیه‌هایی گذاشت تا طبق آداب و رسوم خود عمل کند. پس نباید به خودباختگی برسیم به عنوان این که غرب پیشرفته‌تر از ماست. اخلاق مخصوص هر قومی است اگر مختلط شود نامطلوب جلوه می‌کند. (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۸۶) با این وجود درمبحث قواعد دادرسی مدنی بین الملل نوعی از اخلاق مداری مشهود و ملموس است.

### ۳. استانداردهای دادرسی در نظام قضایی ایران

در این مبحث، شناخت و تبیین استانداردهای دادرسی در نظام قضایی ایران را مورد بحث قرار می‌دهیم. روش ما برای نیل به این هدف نیز چنین است که با همان ضوابط به‌دست آمده در مبحث نخست برای تمییز استانداردها از تشریفات، به جستجوی استانداردهای دادرسی در بین نصوص قانونی ایران و مخصوصاً قانون اساسی جمهوری اسلامی و قوانین مربوط به آیین دادرسی می‌پردازیم. همچنین لازم است در قواعد قضا در فقه امامیه نیز به جستجوی استانداردهای دادرسی بپردازیم. در این رهگذر از نظریه‌های حقوقی نیز بهره خواهیم گرفت.

#### ۳.۱. استانداردهای دادرسی در قوانین ایران

با دقت در نصوص قانونی معتبر در نظام حقوقی ایران می‌توان موارد متعددی از تصریح به استانداردهای دادرسی را یافت که با ضوابط به‌دست آمده در مبحث نخست همین فصل، قابل تمییز و تفکیک از تشریفات دادرسی هستند. بر همین اساس، مهم‌ترین استانداردهای دادرسی در قوانین ایران عبارت‌است از:

##### ۳.۱.۱. حق دادخواهی

اصل ۳۴ ق.ا.، دادخواهی را حق مسلم و انکارناپذیر هر فرد اعلام کرده و به همه افراد ملت حق داده است که بتوانند دادگاه‌های صالح برای استماع دادخواهی آنان را در دسترس داشته باشند. در واقع، هر ستم‌دیده‌ای باید از امکانات لازم و کافی برای تظلم و دادخواهی برخوردار باشد. (هاشمی ۱۳۸۲: ۱۲۸) نتیجه عملی اعطای چنین حقی به ملت این است که دستگاه قضایی موظف به ایجاد و سازماندهی تشکیلات حل‌وفصل اختلافات بین اشخاص به گونه‌ای است که متضمن امکان دسترسی تمام افراد ملت به این تشکیلات باشد.

### ۲.۱.۳. اصل حقوق دفاع

منظور از حقوق دفاع در امور مدنی این است که در جریان یک دادرسی، "باید دفاع از منافع اصحاب دعوا مورد حمایت و تضمین قرار گیرد". (شمس، منبع پیشین: ۱۳۵).

این حقوق ذیل هر کدام از دو عنوان حقوق دفاع یا اصل تناظر که بحث شود، تردیدی در محسوب شدن آن به عنوان استانداردهای دادرسی وجود ندارد. زیرا علاوه بر نظرهای استادان، مواد مختلفی در نصوص قانونی ایران نیز بر این امور دلالت می‌نماید. از جمله بند ۴ ماده ۲۹۶ ق.آ.د.م. بر لزوم مستدل بودن رأی قاضی، ماده ۶۷ همان قانون بر لزوم اطلاع‌رسانی به طرف مقابل و ماده ۹۱ همان قانون نیز بر لزوم خودداری دادرسی که شبهه عدم بی‌طرفی در مورد او وجود دارد، تأکید می‌کند.

در مورد سازمان‌دهی روشی عقلانی در طرق شکایت از آراء نیز در بحث از دو درجه‌ای بودن رسیدگی خواهیم دید که نظام دادرسی ایران مبتنی بر اصل قابل تجدیدنظر بودن احکام صادره از مراجع بدوی است.

### ۳.۱.۳. اصل تناظر

ماده ۶۰ ق.آ.د.م با الهام از اصل تناظر، خواهان را موظف می‌سازد دادخواست و کلیه برگ‌های پیوست آن را به تعداد خواندگان تهیه و جهت ابلاغ به آنان در اختیار دادگاه قرار دهد. مواد مطرح در فصل هفتم همان قانون نیز امکان تأمین و حفظ دلایل برای ارائه در جریان دادرسی و نیز حق طرح هرگونه مطالبی را، به‌وسیله اظهارنامه، خطاب به دیگران تضمین می‌نماید.

همچنین به موجب مواد ۲۱۶ تا ۲۲۳ همان قانون نیز به طرفین امکان انکار و تردید یا ادعای جعلیت نسبت به ادله ابرازی از سوی طرف مقابل داده شده است.

ماده ۶۴ ق.آ.د.م تلاش کرده تا امکان برخورداری از وقت کافی برای تدارک دفاعیات را برای خواننده فراهم نماید و تبصره ماده ۲۳۴ همان قانون نیز دادگاه را مکلف به اعطای مهلتی یک هفته‌ای به طرف دعوا برای جرح گواه نموده است. این موارد اگرچه برای تضمین کامل حق طرفین در برخورداری از زمان کافی برای مورد مناقشه قراردادن موارد ابرازی از سوی طرف مقابل نیست لیکن نشان‌دهنده تمایل قانون‌گذار ایرانی به پای‌بندی به این استاندارد است. اما در مورد لزوم آگاه نمودن صریح اشخاص از عواقب عدم حضور در دادرسی، در قوانین موجود در حوزه حقوق خصوصی ایران چیزی یافت نمی‌شود و به‌نظر می‌رسد این مطلب مورد غفلت قانون‌گذار قرار گرفته و به‌هرروی، قابل طرح به‌عنوان یکی از استانداردهای قانونی دادرسی در حقوق ایران نیست.

### ۴.۱.۳. علنی بودن دادرسی

علنی بودن جلسه دادرسی به‌عنوان تضمینی جهت قضاوت‌شوندگان و نشانه‌ای از اعتماد به



نفس دستگاه قضایی دانسته شده است. (شمس، همان: ۱۵۴) اصل ۱۶۵ ق.ا نیز اصل علنی بودن محاکمات را مورد تأکید قرار داده و تنها سه استثنا را در این زمینه پذیرفته که عبارت است از: نظم عمومی، عفت عمومی و تقاضای طرفین در دعاوی خصوصی. از وجود این اصل در قانون اساسی می‌توان دریافت که اصل علنی بودن محاکمه به‌عنوان یک استاندارد دادرسی در حقوق ایران پذیرفته شده است.

استادان آیین دادرسی مدنی (شمس، منبع پیشین: ۱۵۵) نیز با توجه به اصل ۱۶۵ ق.ا و با استفاده از وحدت ملاک ماده ۱۸۸ ق.ا.د.ک. وجود اصل علنی بودن دادرسی را در امور غیر کیفری مورد تأکید قرار داده‌اند. هرچند بسیاری از حقوق‌دانان (کاشانی، ۱۳۸۳: ۲۰۳) معتقد هستند که رویه عملی دادگاه‌ها تاکنون نشان داده که این مراجع به این اصل حتی در محاکمات کیفری نیز عمل نمی‌کنند.

### ۵.۱.۳. محدودیت دادرسی به چارچوب خواسته

اصولاً در دادرسی‌های غیر کیفری، محدوده دعوا به وسیله ادعاهای متقابل اصحاب دعوا تعیین می‌شود و اصل تغییرناپذیری محدوده دعوا که در مورد اصحاب دعوا با استثناهایی مواجه است، نسبت به دادرسی مطلق است و دادرسی نمی‌تواند به اموری رسیدگی کند که رسیدگی به آن از وی خواسته نشده است. این اصل دارای دو نتیجه مهم است؛ اول این که دادرسی باید تنها نسبت به چیزهایی که از او درخواست شده است، اظهار نظر کند و دوم آن که دادرسی باید نسبت به تمام چیزهایی که از او درخواست شده است، اتخاذ تصمیم کند. (شمس، منبع پیشین: ۱۳۳)

بنابراین اصل، اصحاب دعوا محدوده دادرسی و محدوده تصمیم دادرسی را حداقل در خصوص عناصر ماهوی (موضوعی) به وی تحمیل می‌کنند. (همان) در نتیجه، در حل و فصل اختلافات مدنی مرجع رسیدگی‌کننده همواره باید خود محدود در چارچوب خواسته دانسته و از اتخاذ تصمیماتی خارج از این محدوده خودداری نماید.

### ۶.۱.۳. رسیدگی دو درجه‌ای

جایز الخطا بودن بشر و مستثنا نبودن قضات از این حکم، ایجاب می‌کند که هر دعوا قابلیت این را داشته باشد که دو بار مورد قضاوت قرار گیرد. همین ضرورت باعث برقراری اصلی در آیین دادرسی با عنوان اصل پژوهش یا تجدیدنظر شده است. به‌هرروی، اصل تجدیدنظر و دو درجه‌ای بودن دادرسی‌ها یکی از استانداردهایی است که رعایت آن ضامن سلامت دادرسی و اطمینان بیشتر از اجرای عدالت در حل و فصل اختلافات است و همان‌طور که برخی استادان تصریح کرده‌اند؛ "رسیدگی دو درجه‌ای به دعوا، از اصول ارزشمند یک دادگستری سالم و از حقوق بشر است". (کاشانی، منبع پیشین: ۹۹)

اصل پژوهش (تجدیدنظر) از نخستین دوره‌های قانون‌گذاری در ایران پذیرفته شده و تردیدهایی که پس از مهرماه ۱۳۵۸ نسبت به لزوم این اصل روا داشته شده است، تاکنون

نتوانسته چهره این اصل را در نظام حقوقی ایران مخدوش نماید. صرف‌نظر از فراز و نشیب‌هایی که این اصل از آن زمان تاکنون پشت سر گذاشته، هم‌اکنون به‌رغم اعلام اصل قطعیت آراء در منطوق ماده ۳۳۰ ق.آ.د.م، تمایل قانون‌گذار به پذیرش اصل تجدیدنظر از مدلول ماده ۳۳۱ همان قانون مشهود است.

### ۷.۱.۳. منع تحصیل دلیل توسط دادرسی

صاحب‌نظران (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۹۸) در حوزه حقوق خصوصی و آیین دادرسی مدنی بر این باورند که به منظور حفظ بی‌طرفی دادرسی در حل و فصل اختلافات مدنی، دادرسی نباید اجازه داشته باشد تا به تحصیل دلیل برای هریک از طرفین اختلاف بپردازد. اما قانون آیین دادرسی مدنی ایران بدون توجه به نقش بسیار مهم پای‌بندی دادرسی به این قاعده در تأمین بی‌طرفی او، دادگاه را از این قید رهانیده و آن را مجاز به انجام هرگونه تحقیق یا عملی برای کشف حقیقت دانسته است. ماده ۱۹۹ قانون مذکور اشعار می‌دارد:

«در کلیه امور حقوقی، دادگاه علاوه بر رسیدگی به دلایل مورد استناد طرفین دعوا، هرگونه تحقیق یا اقدامی که برای کشف حقیقت لازم باشد، انجام می‌دهد».

به‌نظر نگارنده، این ماده عملاً قاعده منع تحصیل دلیل توسط دادرسی در امور مدنی را در نظام حقوقی ایران از بین برده است. اما اهمیت این قاعده به قدری است که اندیشمندان حقوقی ایران نتوانسته‌اند حذف آن را از نظام حقوقی ایران باور نمایند و به همین دلیل تلاش نموده‌اند تا با ارائه توجیهاتی، ماده فوق را به گونه‌ای تفسیر نمایند که منجر به حذف قاعده منع تحصیل دلیل از نظام حقوقی ما نگردد. برخی از این صاحب‌نظران (بیگدلی، ۱۳۸۵ - ۱۳۸۴: ۵۰) چنین استدلال نموده‌اند که منظور قانون‌گذار در ماده فوق این بوده است که دادگاه حق دارد هر اقدامی را که در جهت اطلاع از صحت و سقم ادله ابرازی از سوی طرفین لازم می‌داند انجام دهد، هرچند طرفین، خود، خواستار انجام آن اقدام نشده باشند.

به‌نظر نگارنده، واقعیت این است که قانون‌گذار تصور نموده است که مقتضای اقناع وجدانی دادرسی که ملاک صدور رأی توسط او می‌باشد، وجود امکان به عمل آوردن کلیه تحقیقات توسط او است و با توجه به سنگینی مسؤولیت اخروی قاضی در قبال تصمیم‌گیری‌های خود در دعاوی، باید به او امکان داد که هر اقدامی را که برای رسیدن به اقناع وجدانی لازم می‌داند انجام دهد. همچنین با توجه به ماده ۱۹۹ ق.آ.د.م، دیگر نمی‌توان قاعده منع تحصیل دلیل توسط دادرسی را یکی از استانداردهای قانونی دادرسی در ایران به شمار آورد. هرچند که در عمل، هنوز هم بسیاری از دادگاه‌ها خود را ملزم به رعایت این قاعده دانسته و از تحصیل دلیل در امور حقوقی پرهیز می‌نمایند.

### ۲.۳. استانداردهای دادرسی در فقه امامیه

فقه امامیه، مهم‌ترین و اصلی‌ترین منبع حقوق ایران به شمار می‌رود و علاوه بر آنکه بخش

مهمی از قوانین موجود در نظام حقوقی ایران مستقیماً از منابع فقهی و آراء فقها گرفته شده است، به‌موجب اصل ۴ ق.ا، عدم مخالفت سایر قوانین با مقررات شرعی و ضوابط فقه امامیه باید از سوی شورای نگهبان احراز شود. بنابراین نه تنها بسیاری از استانداردهای دادرسی موجود در نظام قضایی ایران برخاسته از منابع فقهی و ضوابط فقه امامیه در باب قضا است، بلکه سایر استانداردهایی که مستقیماً در منابع فقهی دیده نمی‌شوند نیز تنها زمانی می‌توانند در نظام حقوقی ما باقی بمانند که با ضوابط فقهی سازگاری داشته باشند.

بر همین اساس در این گفتار تلاش می‌نماییم با دقت در آراء فقها و منابع مشهور فقهی، مهم‌ترین استانداردهای دادرسی را در فقه امامیه کشف و ارائه نماییم.

### ۱.۲.۳. بی‌طرفی و استقلال دادرسی

بی‌طرفی دادرسی در دادرسی مورد تأکید فقه اسلامی است. (شهید ثانی، ۱۴۲۶ ه.ق: ۴۸۶). هرچند در معنی و مصادیق آن اختلاف نظرهایی بین فقیهان وجود دارد. برخی (همان) مراد از بی‌طرفی دادرسی را لزوم رعایت مساوات کامل بین طرفین اختلاف دانسته‌اند. در حالی که برخی دیگر، (علامه حلی، منبع پیشین) رعایت مساوات را به‌طور کامل در فرضی که یکی از طرفین اختلاف مسلمان نیست، لازم نمی‌دانند. همچنین به عقیده برخی فقها، (شهید اول، ۱۴۰۹ ه.ق: ۴۹) دادرسی ملتزم به تساوی بین طرفین به لحاظ میل قلبی و باطنی به آن‌ها نیز نیست. به‌هرروی، صرف نظر از لزوم یا عدم لزوم رعایت بی‌طرفی در آداب و رفتار دادرسی با طرفین، لزوم بی‌طرفی او در قضاوت بین آن‌ها و تصمیم‌گیری در فقه امامیه مورد اجماع فقها است و از اصول اولیه دادرسی اسلامی محسوب می‌شود.

استقلال قاضی نیز از آموزه‌های مورد تأکید فقه امامیه به شمار می‌رود و نه تنها دادرسی باید از پذیرش هر نوع امری که استقلال وی را ضایع می‌سازد، پرهیز کند، بلکه حکومت اسلامی نیز حق تحمیل هیچ موضوعی را به قاضی ندارد.

### ۲.۲.۳. لزوم تخصص و مهارت دادرسی

تخصص و مهارت قاضی برای انجام قضاوت و لزوم تسلط وی به علوم لازم برای انجام این کار از ضرورت‌های دادرسی اسلامی محسوب می‌شود و فقها مباحث مفصلی را درباره حداقل‌های علمی لازم برای قاضی جهت تصدی منصب قضا مطرح کرده‌اند. (شهید ثانی، منبع پیشین: ۴۸۷ - ۴۹۱) بنابراین یکی از اصول دادرسی اسلامی، انجام این دادرسی توسط افراد دارای مهارت و تخصص علمی است.

استثنای مهمی که بر این اصل وارد شده است، عدم لزوم رعایت این اصل در مورد قاضی تحکیم است. در واقع، قاضی تحکیم، یعنی فردی که طرفین اختلاف بر سر او برای حل اختلاف‌شان تراضی کرده‌اند، می‌تواند حائز شرایط علمی و تخصصی مذکور برای سایر قضات نباشد.

### ۳.۲.۳. قرار داشتن بار اثبات بر عهده مدعی

قاعده مشهور "البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر" به تنهایی برای تبیین لزوم اثبات ادعا توسط مدعی در دادرسی اسلامی کفایت می‌کند. اما به عقیده برخی (حجتی، ۱۰۵)، قسمت اخیر این قاعده که مدعی علیه را برابر صرف ادعای مدعی و بدون آنکه مدعی بینه‌ای اقامه کرده باشد، به ادای سوگند وادار می‌کند، رنگ و بویی از نظام دادرسی خواهان مدارانه دارد. به نظر می‌رسد در قضای اسلامی، بار اثبات دعوی همواره بر عهده مدعی است. اما شارع در این خصوص، راه افراط را نپیموده و وجدان و ضمیر انسانی افراد را نیز به عنوان تضمین نهایی عادلانه بودن تصمیمات اتخاذ شده، قرار داده است. به عبارت دیگر، هر چند قرار داشتن بار اثبات دعوی بر عهده مدعی در فقه اسلامی آشکار است اما اجرای عدالت و عادلانه بودن تصمیم نهایی به عنوان هدف اصلی قضای اسلامی، ایجاب می‌کند که برای ذی‌حق فاقد بینه نیز این فرصت را باقی گذاشت که با تحریک وجدان طرف مقابل، آخرین بخت خود را نیز برای رسیدن به حق خویش بیازماید.

### ۴.۲.۳. حق دفاع

حق دفاع در برابر ادعاهایی که علیه اشخاص صورت می‌پذیرد از اصول مسلم دادرسی اسلامی است. به طوری که نه تنها دادرس موظف است که پس از استماع سخنان هر یک از طرفین، فرصت تکلم را به دیگری بدهد (شهید ثانی، منبع پیشین، ۴۹۳)، بلکه منع دادرسی غیابی در حقوق الهی و مقررات سخت‌گیرانه دادرسی‌های غیابی در حقوق الناس و نیز ادعا بر میت، همگی نشان‌دهنده وجود حق دفاع در نظام دادرسی اسلامی است.

### ۵.۲.۳. تلاش برای فصل اختلاف بدون صدور حکم

یکی از وظایف دادرس در فقه امامیه، پرهیز از صدور حکم بین طرفین اختلاف و حل و فصل اختلاف آن‌ها به شیوه صلح و سازش است. چراکه علاوه بر ورود نهی صریح از قضاوت بین مردم و پرهیز از فتوا دادن بین آن‌ها تا حد امکان، فقها ترغیب طرفین به صلح را نیز جزو مستحبات مؤکد برای قاضی دانسته‌اند.

شهید ثانی در همین رابطه چنین می‌فرماید:

«و مستحب است که قاضی قبل از حکم، طرفین را به صلح ترغیب نماید و هرگاه تحقق صلح بین آنان متعذر باشد، به مقتضای شرع بین آنان حکم کند...»<sup>۱</sup>

ابن ادریس نیز در السرائر بر جواز و استحباب امر طرفین به صلح و سازش از طرف قاضی ادعای اجماع کرده و آن را مقتضی قول خداوند در قرآن که می‌فرماید "و اصلح خیر" (شهید

۱. علامه حلی در جلد هشتم بحار الانوار، باب قضا، روایتی را بدین شرح از امام علی (ع) خطاب به یکی از یارانشان نقل می‌کند؛ «... فر من الفتیاء فرارک من الاسد...».

ثانی، منبع پیشین: ۴۹۴) دانسته است. (ابن ادريس ۱۴۱۰ هـ ق: ۱۶۰) با دقت در روایات موجود در باب قضا و نیز استصحاب و ساطت قاضی برای صلح و سازش (و نه برای ابطال حق از سوی ذی‌حق) می‌توان به این نتیجه رسید که اصلاح ذات‌البین در نظام حقوقی اسلام، مهم‌تر از احقاق حق با توسل به نظام رسمی دادگستری است. (رهگشا، ۱۳۸۳: ۳۲)

بنابراین به نظر می‌رسد که یکی از استانداردهای دادرسی از نگاه فقه امامیه، وجود امکان حل و فصل دعوی به صورت آشتی‌جویانه و صلح‌آمیز، قبل از صدور حکم و اتخاذ تصمیم توسط دادرسی است.

### نتیجه‌گیری

استانداردهای دادرسی چهره دیگری از همان اصول کلی حقوقی باشند که در تمام نظام‌های حقوقی مدرن پذیرفته شده و مبنای سنجش عادلانه بودن دادرسی‌ها قلمداد می‌شوند. این اصول واجد نوعی از قواعد حقوقی نیز می‌باشند هرگاه اصول کلی حقوق را در قلمرو آیین دادرسی پیاده نماییم، استانداردهای دادرسی را به دست آورده‌ایم. استانداردهای دادرسی، آن دسته از اصولی از آیین دادرسی هستند که مفاهیم اصلی عدالت را در حل و فصل اختلافات تبیین می‌نماید. دکتر شمس نیز این استانداردها را در مجموعه‌ای به نام اصول راهبردی حاکم بر دادرسی مطرح می‌کند و سه عنوان؛ "اصول تضمین‌کننده دادرسی منصفانه با رعایت برابری اصحاب دعوا"، "اصول مربوط به نقش متقابل اصحاب دعوا و قاضی" و "اصل حق دفاع و اصل تناظر" را برای بررسی این استانداردها در نظر می‌گیرند. از نظر این استادان، این اصول بنیادهای نظری حاکم بر دادرسی را تشکیل می‌دهند. در این میان خصیصه اخلاقی بودن این اصول مشهود و ملموس است

قوانین و مقررات آیین دادرسی مدنی لازم‌الرعایه می‌باشند و در مقام رسیدگی باید، تعلیمات و ترتیبات آن اعم از اصول، مقررات آمره و مقررات تشریفاتی را مورد توجه قرار داد و به کار گرفت. در این میان رسیدگی‌هایی هستند که قانون‌گذار، به جهت شرایط و اوضاع حاکم بر آن دعوا، رعایت مقرراتی که بیشتر جنبه‌ی تشریفاتی داشته و به اصطلاح دست و پاگیر می‌باشند را لازم ندانسته است. در این موارد برای تشخیص اصول باید به اوصافی که برای آن ذکر شد، رجوع شود. مقررات آمره، در ارتباط با نظم عمومی، حقوق مکتسبه‌ی افراد و تأمین رعایت اصول دادرسی قابل تمییز می‌باشند و سایر مقررات، تشریفاتی هستند. با این اوصاف می‌توان بر ارتباط اخلاق با حقوق را به ویژه در بطن اصول اخلاق مدارانه قواعد دادرسی و به طور مشخص در قابلیت پیش‌بینی بودن این قواعد؛ صحه گذاشت.

## فهرست منابع

### ۱. کتب

#### الف. کتاب های فارسی

- ۱- آلتمن، اندرو، ۱۳۸۵، درآمدی بر فلسفه حقوق، ترجمه‌ی بهروز جندقی، قم، مرکز انتشارات مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۲- اشرافی، لیلا؛ طه، فریده، (پاییز ۱۳۸۶)، دادرسی عادلانه، چاپ اول، تهران، انتشارات بنیاد حقوقی میزان.
- ۳- صادقی، محسن، (۱۳۸۴)، اصول حقوقی و جایگاه آن در حقوق موضوعه، تهران، انتشارات میزان.
- ۴- صانعی، پرویز، (۱۳۸۱)، حقوق و اجتماع، رابطه حقوق با عوامل اجتماعی و روانی، انتشارات طرح نو.
- ۵- عزیززاده اشکلک، حبیب، (۱۳۸۶ - ۱۳۸۷)، آیین دادرسی کیفری ۲، دانشگاه امام صادق (ع).
- ۶- هاشمی، سید محمد، (۱۳۸۲)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصول و مبانی کلی نظام)، جلد اول، چاپ پنجم، تهران، انتشارات میزان.
- ۷- هاشمی، سید محمد، (۱۳۸۲)، حاکمیت و نهادهای سیاسی، چاپ هفتم، تهران، انتشارات میزان.
- ۸- ابدالی، مهرزاد، ۱۳۸۸، فلسفه حقوق و نظریه‌های حقوقی، تهران، مجد.
- ۹- انصاری، باقر، ۱۳۸۸، نقش قاضی در تحول نظام حقوقی، تهران، میزان.
- ۱۰- پولانزاس، ن. آر، ۱۳۸۶، فلسفه حقوق، ترجمه‌ی نجاد علی الماسی، تهران، میزان.
- ۱۱- دل و کیو، ژرژ، ۱۳۸۶، فلسفه حقوق، ترجمه‌ی جواد واحدی، تهران، میزان.
- ۱۲- راسخ، محمد، ۱۳۸۷، حق و مصلحت، تهران، طرح نو.
- ۱۳- پور استاد، مجید، (۱۳۸۷)، اصول و قواعد آیین دادرسی فراملی، چاپ اول، تهران، انتشارات شهر دانش.
- ۱۴- کلی، جان، ۱۳۸۸، تاریخ مختصر تئوری حقوقی در غرب، ترجمه‌ی محمد راسخ، تهران، طرح نو.
- ۱۵- کیوان فر، شهرام، ۱۳۹۰، مبانی فلسفی تفسیر قانون، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ۱۶- مالوری، فیلیپ، ۱۳۸۳، اندیشه‌های حقوقی، ترجمه‌ی مرتضی کلانتریان، تهران، نشر آگه.
- ۱۷- جعفری تبار، حسن، (۱۳۸۷)، مبانی تفسیر فلسفی حقوقی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ۱۸- رهگشا، امیرحسین، (۱۳۸۳)، نگاهی به شوراها، حل اختلاف، چاپ سوم، انتشارات دانشور.
- ۱۹- شمس، عبدالله، ( زمستان ۱۳۸۳)، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، چاپ ششم، تهران، انتشارات دراک.
- ۲۰- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۱)، فلسفه حقوق، منابع حقوقی، جلد دوم، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار.

- ۲۱- کاتوزیان، ناصر، (مبانی حقوق عمومی)، تهران، انتشارات دادگستر.
- ۲۲- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۸)، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- ۲۳- کاشانی، سید محمود، (۱۳۸۷)، استانداردهای جهانی دادگستری، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.

### ب. کتاب های عربی

- ۲۴- ابن ادریس، (۱۴۱۰ هـ ق)، السرائر، جلد دوم، قم، انتشارات مؤسسه النشر الاسلامی الطبعه الثانيه.
- ۲۵- شهید اول، (۱۴۰۹ هـ ق)، اللمعه دمشقیه، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- ۲۶- شهید ثانی، (۱۴۲۶ هـ ق)، الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه، الجزء الاول، قم، انتشارات ارغوان دانش.
- ۲۷- نجفی، محمدحسن (۱۴۱۸ هـ ق)، جواهر الکلام، جلد ۱۹، قم، انتشارات دفتر مطالعات حوزه علمیه قم.

### ۲. مقالات مندرج در مجلات

- ۲۸- (بی نام)، (بی تا)، بررسی حقوقی لایحه شورای حل اختلاف و نهاد قاضی تحکیم، مجله کانون وکلای دادگستر، شماره ۲۳.
- ۲۹- حجتی، سیدمهدی، (۱۳۹۰) مفهوم اصول دادرسی و نقش تفسیری آن‌ها، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، شماره ۱۷ - ۱۸، انتشارات کانون وکلای مرکز.
- ۳۰- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۶، اخلاق و حقوق، علم و فناوری، سال دوم، شماره ۱.
- محسنی، حسن؛ رضایی نژاد، امیر حسین، ۱۳۹۰، اخلاق و دادرسی: تأملاتی پیراوان اعتبار صدای ضبط شده بدون اخطار، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۳





فرم اشتراک مجله علمی - پژوهشی "پژوهش‌های اخلاقی" انجمن معارف اسلامی

لطفا در این قسمت چیزی ننویسید کد اشتراک:			
نام و نام خانوادگی			
نام سازمان (مخصوص سازمان‌ها)			
شغل، محل کار، سمت			
میزان تحصیلات و رشته تحصیلی			
آدرس پستی			
پست الکترونیک			
شماره فیش بانکی	تاریخ فیش بانکی	تعداد نسخه دریافتی	شروع اشتراک از شماره
امضای متقاضی		تاریخ	

هزینه اشتراک (با احتساب هزینه پست)

اشتراک یک ساله برای اشخاص (افراد حقیقی): ۵۰۰/۰۰۰ ریال

اشتراک دو ساله برای اشخاص (افراد حقیقی): ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال

اشتراک یک ساله برای دانشجویان با ارائه کپی کارت دانشجویی: ۳۵۰/۰۰۰ ریال

اشتراک یک ساله برای سازمان‌ها (افراد حقوقی): ۵۰۰/۰۰۰ ریال

اشتراک دو ساله برای سازمان‌ها (افراد حقوقی): ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال

خواهشمند است مبلغ اشتراک یا خرید شماره‌های قبلی را به حساب ۱۵۳۱۰۷۱ بانک تجارت

شعبه صفائیه قم واریز و اصل فیش را به همراه فرم تکمیل شده اشتراک به نشانی

قم، بلوار الغدیر، دانشگاه قم، کتابخانه مرکزی،

دفتر فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی

ارسال فرمایید:

جهت اطلاع بیشتر با تلفن ۳۲۱۰۳۳۶۰ - ۰۲۵ تماس حاصل فرمایید.



# Abstracts



## Morality and fair procedure in the light of predictability principle of procedure rules

*Jalil Ghanavati  
Eslam Mondani*

### **Abstract**

The relationship between morality and law is a definite affirmation and endorsement of philosophers, ethical thinkers and lawyers. Ethics in the process of procedure are one of the issues that can be specifically addressed in relation to these two issues. Predictability principle in civil procedure is considered as one of civil fair procedure principles, looking carefully at provisions of the civil procedure code of Iran and other regulations and Shiite jurisprudence judicial discussions related to the role of judge and the evidences, predictability principle can be recognized in Iran civil procedure code as civil fair procedure principle. Documents of matching transnational procedure and documents and rules of arbitration sample significantly support predictability principle in civil procedure in judge's performance and litigants of private disputes in relation to evidence. The relationship of other procedure principles is sometimes coordinated with predictability principle such as contradiction principle, parties' despotic domination principle on civil claim, and the principle of judge neutrality and sometimes is conflicting with other principles of civil procedure such as prohibition of unduly prolonging civil procedure principle, the principle of civil party's hearing right. In this field, the exact scope and the quality of implementing this principle should be carefully investigated in the light of other civil fair procedure. The sanction of violating implementation of the predictability principle in the civil procedure is invalidity of judicial decisions and possibility of research or appeal violation in this principle of civil fair procedure. The research method is descriptive and analytical.

### **Keywords**

civil procedure predictability principle of the prevention of taking evidence, Morality in procedure, Principle of Prohibition of Education, reason, The principle of correspondence, Principle of cooperation, the parties' despotic domination of neutrality principle of the right independence principle, fair procedure of contradiction principle (equality of positions).

## **Right to a healthy environment in the light of the principles of jurisprudence and ethics**

*Mohsen Emami Gheshlagh  
Seyyed Mohammad Hashemi  
Mohsen Mohebbi  
Vali Rostami*

### **Abstract**

Today, the spread of science and technology and, consequently, of the industry, despite the granting of peace and prosperity to humans, have caused destruction, pollution and harm and the creation of environmental crises. An environment which is the basis of social, economic and political life, is necessary for the survival of every human being and as a platform for human life and its means of evolution, in the jurisprudential and moral discourse, a reasonable capacity for research in order to protect it as the human right and duty of the human community has it. In this regard, in order to achieve healthy environment and its importance, there are two approaches. In the first approach, for nature, as divine value is intrinsic and nature itself is discussed, but in the second approach, the necessity of preserving the nature as a tool for use. In this article, the authors, while believing in the first approach, seek to explain the ethics of the environment by emphasizing the jurisprudential and moral teachings in order to protect it as a fundamental human right.

### **Keywords**

Environmental Ethics, Healthy environment, Jurisprudential rules, ethical principles, Fundamental human right.

# Investigating the Mutual Ethical Monitoring of the State and the Nation in the Legal System of Iran and Islam

*Reza Nik, khah Sarnaghi  
Mohammad Reza Yazdan Yar*

## **Abstract**

Humanity has always sought to create a desirable human society, in accordance with its supreme ideals and desires. In such a society, it is necessary to consider the requirements based on the legal principles, social relations based on the social contract. From this perspective, the pursuit of the rule of law can be regarded as a prerequisite for such a society.

In the light of the rule of law, individual will always enters into the decision-making system and becomes a public demand or collective will, conflicting tendencies with public opinion are a disruptive symbol of collective identity and the material and spiritual assets of people in society. Serving the perfections of individuals and society, and the political and social structures derived from the people of the nation, set these common will and aspirations the main indicator of the direction of the political system, and pursue it, the rule of law, itself, not only the common identity identifies members of the community, but also the mutual responsibility of sovereignty and government. Kidd is the responsibility of each person to other people and in the light of the right to enjoy social welfare, prosperity, welfare and social security concept is eligible. Any kind of social or political setup needs control or oversight, the methods of monitoring and controlling it in terms of supervisory status and the mode of control predicted. In this paper, we have tried to apply the four types of quasi-predicted principles Eight of the constitution of the Islamic Republic of Iran and discuss the assignments of its audience in the areas of such supervision.

## **Keywords**

Philosophy of supervision, supervision of people over people, government supervision over government, government supervision over the nation, legal system of Iran, legal system of Islam.

## **Civil liability of a lawyer to a party and his religious and moral rights**

*Alireza Karimi Larimi  
Seyyed Hossein Safaee*

### **Abstract**

This type of responsibility of the attorney is not in the form of a contract, but in the form of a contract, and is outside the principle of "relativity of the contract" and the contractual liability of the party, that is why the party is a party (third party) and that the lawyer of the judiciary in contrast, the legal conflict, will have responsibility or not? There has long been no consensus on this matter, and a traditional view holds that even the notion of responsibility for a lawyer will eliminate his focus on defense and prevent this concern in the area of responsibility for the good defense of the lawyer, but the new theory and career requirements and the lawyer's profession leads to the recognition of the attorney by providing conditions, and the legal assignments, as well as the affirmation of the third party's liability for the lawyer, are suing.

### **Keyword**

civil liability, lawyer, The lawsuit, third party.



## **Students Participation Pattern in Sport for all Based on Theory of Planned Training Behavior**

*Mohammad Ali Ghareh*

*Morteza Rezaee Soufi*

*Naser Zardi*

### **Abstract**

the goal of this research was presenting students participation pattern of Payame noor university in public sports based on theory of planned training behavior. The research was descriptive study that was done in a survey method. The statistical population consisted of students of Payame Noor University in the academic year 94-95. Statistical sample according to Morgan table was 384 people Which were selected by multi-stage clustering. The measurement tool included a modified behavioral scale of planned behavior. validity&Reliability if questionnaire were confirmed. For inferential analysis of collected data used by Amos software and spss software version 18. The results of stepwise regression model showed that 46% of total changes in the level of participation in sport for all is dependent on three variables ; Attitude , behavior control and sport for all. Good fit indicators of Research model showed that The proposed model is well suited that means that the theory of the pattern of planned behavior can explain student participation in sport for all. So it is suggested that sports devices to strive about doing tricks In order to strengthen the attitude , mental norms and perceived behavior controlling , along with other influential factors of Participation in sport for all, Including the provision of hardware and software infrastructure , access , financial issues , etc. to institutionalized sport for all in students.

### **Keywords**

sport for all, Planned theory of practical behavior , students, perceived behavior Controlling , attitude , mental norms.

## **Citizens' Behavioral Response to Social Diseases in Conflict with Natural Disasters and City Spread**

*Hasanali Faraji Sabokbar*

*Behzad Nadi*

*Mohammad Rezaei Narimisa*

### **Abstract**

When the damage condition occurs, accidents such as earthquakes and floods become critical crises. Today, these natural crises are among the issues that are the prevalence of urban communities and can endanger the everyday life of various economic, social and environmental dimensions. This research is also aimed at explaining social factors that provide vulnerability conditions. Based on this nature, it is descriptive-analytical in nature and in terms of the purpose of developmental-applied purpose. The community of this region is 6th municipality of Tehran, which has been selected as a sample based on the age and the centrality. The data were collected in two fields of the field and a library with tools such as the Dmitry questionnaire and network analysis, books, articles and various maps, and analyzed using EXCEL, MATLAB, IDRISI and ARC GIS 10.1 software's. The results indicate that the highest vulnerability of the center, the south, and especially the south-east of the range, are among the problematic tissues with a high life and age, as well as the highest density of buildings, population and household size they also have to. The presence of such factors has a significant effect on the access of residential areas to fire centers, therapies and open spaces during and after natural disasters.

### **Keywords**

vulnerability, population density, building density, Tehran Municipality region 6.

## **Specification of the positive human personality indicators from the viewpoint of Nahjul Balagha**

*Hassan Rezaei Haftador  
Safar Nasirian*

### **Abstract**

There are different approaches to specify human personality indicators. The religious approach based on Nahjul Balagha is one of the main approaches to identification of these personality indicators. The importance of this approach is due to its essential, comprehensive, and systematic manner of suggesting the personality indicators. Accordingly, faith is the most important personality indicator and is deemed as the fundamental basis of personality. This indicator then is divided into four indicators which form the bases of faith. These four indicators include patience, certainty, justness, and Jihad. In the last stage, these four indicators are divided into four more ones, which along with faith as the main indicator form the 21 personality indicators.

### **Keywords**

personality indicators, Nahjul Balagha, faith, patience, certainty, justness, Jihad.

## **The Relationship between Work Ethics and Organizational Citizenship Behavior in Selected Personnel of Tehran University of Medical Sciences and Health Services**

*Mohammad Reza Rabie Mondajin  
Saeid sayyad Shir,kosh*

### **Abstract**

The purpose of this study was to identify the relationship between organizational ethics and organizational culture among selected staff of Tehran University of Medical Sciences. The research method is an applied and descriptive study type survey. The statistical population includes the selected staff of Tehran University of Medical Sciences with over 2,000 people and sample size according to Cochran formula. 426 people were selected. The data gathering tool was a questionnaire whose validity was confirmed by experts and confirmed by Cronbach's alpha method. The Kolmogorov-Smirnov test was used to measure the normal or abnormal data of the research, and also the Pearson test was used to confirm or disapprove the research hypotheses. The results of the research show that the accuracy, willingness and willingness of work, duty, freedom of action, initiative, responsibility, honest work, belief in work, motivation, agility in work, sense of efficiency, and doing work with seriousness and Respect for others, the function of the aggregation and worker spirit of the ethical dimension of work can be by taking any timely decision on work, preventing protests, helping newcomers, tolerating heavy work, being at work, attending meetings, keeping clean. The workplace and, ultimately, the organizational progress. Findings indicate that there is a relationship between work ethic and organizational citizenship behavior at university staff and have a significant impact on the university.

### **Keywords**

Work ethic, organizational citizenship behavior.

## **The characteristics of good life in positive psychology and comparison to good life in Islamic sources**

*Seyyed Morteza Hosseini Motlagh  
Rahim Mir, darikvandy*

### **Abstract**

In this thesis we try to study the good life from positive psychology and Islam points of view and try to compare these two views through descriptive-analytical method. For positive psychologists Good life has discussed from two approaches: hedonism and eudemonia. Nowadays, positive psychology has a eudemonic approach to the good life and concentrate on the individual virtues. It has some levels for the life and those one who pass those levels have reached to the good life. The thing which is necessary for passing the levels to reach the good life is taking benefit from all the potential faculties and capacities. Good life from Islamic point of view is discussed in the vaster realm in comparison with positive psychology. From Islamic point of view the life of human beings has two levels: world and hereafter which have very close relationship with each other. The good life in the Islam has a root in the salvation and it is evaluated with it. But the appearance of whole causes of the worldly salvation and the good life of the hereafter will occur in a certain period which called the reappearance era.

### **Keywords**

Good life, Positive Psychology, Happiness, appearance era, Islamic sources.

## **Guarantee for divorce, legal, moral and legal mediation**

*Mahmoud Ghayoumzadeh*

*Tahereh Pour Nemati Shams Abad*

### **Abstract**

Throughout history, apart from the political and religious issues and attitudes and tendencies and desires that are changing and progressive and sometimes in decline, the family as the main institution of each society is influenced by the various factors that make the jurists, Jurists and ethical educators, in order to prevent the collapse of this basic institution of society, in order to secure the family from social anomalies, hands, to achieve various developments, and always at various dangers, including the fall and decline of morality. There are a number of rights and duties in the family. Whether among the various sciences that examine the family and its role in the upbringing of children, ethics is a matter of great responsibility, and perhaps all of the family-related sciences, including social sciences and law-based science, and morality-based psychology, and their own ethics Based on the Islamic teachings and verses, and given that the religious knowledge of the Islamic Shari'a has been given the most attention, the maintenance and preservation of the family center as the safest society of the pillar, it can be said that the science of ethics, The basis of the writing is the rights of the family.

### **Key words**

Law, Islamic jurisprudence, Mahre, Islamic ethics.

## **Ethical Research**

*The Quarterly Journal*

*Vol. 8, No. 3, Spring 2018/ No: 31/ ISSN: 2383-3279*

**Proprietor:** *Iranian Association for Islamic Thought. (ISSN: 2383-3279)*

**Chief Director:** *Reza Haji Ebrahim Ph. D*

**Chief Editor:** *Mahmoud ghayyomzade Ph. D*

---

### **Board of Writers**

*Hojatoleslam Alireza Amini; Mohsen Javadi, Ph. D; Ahmad Deilami, Ph. D; Amir Divani, Ph. D; Jafar Shahnazari, Ph. D; Jafar Sadri, Ph. D; Amir Abbas Alizamani, Ph. D; Mahmoud ghayyomzade, Ph. D; Abdollah Nasri, Ph. D.*

---

**Internal director and Editorial- board director:** *Alireza Moazami*

**Translator:** *Ehsan*

**Page Design:** *Ehsan Computer*

**Editor:** *Hamidreza alizadeh*

---

### **Note**

*The Journal Ethical Research accepts papers on the Ethics ‘Islamic Ethics ‘applied ethics ‘comparative ethics ‘and ethical challenges of Modernism and moral training. The papers received will be published provided that they are written according to the house style of the journal. The authors will bear responsibilities for their own papers.*

---

**Address:** *Bolward Al-Ghadir ‘University of Qom ‘Central Library ‘office of the journal.*

**Tel:** *0098-25-32103360*

**Fax:** *0098-25-32103360*

**Email:** *Akhlagh\_1393@yahoo.com*

---

*This journal is cooperatively being published by Iranian Association for Islamic Thought.*